



سفید

فروع مسجد

مجموعه مقالات برگزیده
اولین همایش هفتاه جهانی مساجد

(۳۰ مرداد ۱۳۸۲ - ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۴۲۴)
(۲۱ آگوست ۲۰۰۳)

مرکز رسیدگی به امور مساجد

همایش هفته جهانی مساجد (نخستین: ۱۳۸۲؛ تهران).
فروغ مسجد مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش هفته جهانی مساجد
(برگزارکننده) مرکز رسیدگی به امور مساجد.
قم: مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۲، ۲۰۲ ص - (مؤسسه فرهنگی ثقلین؛ ۲۸)
ISBN 964 - 4 - 8 - 94842

فهرستنویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. مساجدها - کنگره‌ها. الف. مرکز رسیدگی به امور مساجد. ب. عنوان.
ج. عنوان: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش هفته جهانی و مساجد.
۱۳۸۲ ۲۹۷ / ۷۵ BP ۲۶۱ / ۸ هـ ۸۳ - ۱۸۴۹۷ کتابخانه ملی ایران

■ فروغ مسجد

ناشر :

مؤسسه فرهنگی ثقلین

حروفچینی و ناظر چاپ: عبّاس رحیمی

چاپ : چاپخانه نهضت - قم

قطع : رقعي - ۳۰۴ صفحه

تیراز: چاپ اول - ۳۰۰۰ نسخه

تاریخ چاپ: ۱۳۸۳ مرداد

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

فهرست مطالب

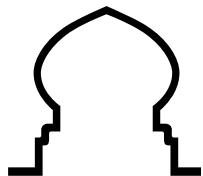
۱۱ سخن ناشر
۱۳ پیشگفتار
● جایگاه مساجد در آیات و روایات.....	
۱۹ اهیمت مسجد در قرآن
۲۳ اهیمت مسجد در روایات
۲۵ عوامل حفظ و پایداری مساجد
۲۹ عوامل جذب
۳۱ آسیب‌های حضور جماعت در مساجد
۳۷ مسجد و جماعت
● مسجد از دیدگاه قرآن و عترت.....	
۴۳ مسجد مرکز برستش خالصانه
۴۵ مسجد، مرکز ذکر و یاد الهی
۴۸ جلوگیری از یاد خدا در مسجد؛ بزرگترین ظلم
۵۳ لزوم انگیزه‌های صحیح در مسجدسازی
۵۵ شرایط و ویژگی آبادکنندگان مساجد
۵۸ متین، سرپرستان مساجد
۶۰ حرمت نماز خواندن در مساجد منافقان
۶۲	

۶۴	استفاده از زینت هنگام ورود به مساجد
۶۵	لزوم طهارت در رفتن به مساجد
۶۸	پیاده رفتن به سوی مسجد
۷۱	منابع و مأخذ
۷۳	● تاریخ و سنت مسجد
۷۴	واژه مسجد
۷۶	تعريف مسجد
۷۷	نشانهای مسجد
۷۸	مناصب مسجد
۸۱	کارکردهای مختلف مسجد
۸۳	● مسجد و جنبه‌های عبادی آن
۹۱	راز نامگذاری مسجد
۹۳	مسجد؛ کانون پرستش خالصانه
۹۵	مسجد؛ خانه ذکر و یاد خدا
۹۸	مسجد؛ خانه تسبیح و ذکر مردان خدا
۹۹	آبادانی مسجد از دیدگاه قرآن
۱۰۲	تأکید پیشوایان دین بر جنبه‌های عبادی مسجد
۱۰۵	● نقش مسجد در شکلگیری مناسبات فرهنگی اجتماعی
۱۰۵	مسجد الحرام قلب جهان اسلام
۱۰۹	مسجدالنبي و پرتو پرتابش آن
۱۱۱	مسجد، اولین بنای شهر کوفه
۱۱۶	سیر تاریخی جهاد مسجدسازی

۱۱۹ شکوه معنوی شهرها
۱۲۲ انوار در خشان
۱۲۷ محبوب‌ترین و مهم‌ترین مکان
۱۳۲ نقش مسجد در بافت شهری
۱۳۷ از بازار آخرت تا بازار دنیا
۱۴۲ منابع و مأخذ
۱۴۵	● کارکردهای اساسی مسجد در طول تاریخ
۱۵۹ ضرورت احیای نقش و کارکردهای مساجد
۱۶۰ راهکارهای احیای نقش و کارکردهای مساجد در دوران معاصر
۱۶۵	● مسجد؛ نماد وحدت و همگرایی مسلمانان
۱۶۶ مسجد؛ محور وحدت مسلمانان
۱۶۶ مساجد؛ مراکز هدایت و عبادت
۱۶۸ اولین بنا کننده مسجد
۱۷۰ نخستین اقدام پیامبر ﷺ
۱۷۰ مساجد؛ محل اجتماع نخبگان جامعه
۱۷۱ مساجد؛ مرکز حضور فراغیر
۱۷۲ مساجد؛ محل اعتکاف
۱۷۳ مساجد؛ معبد عبادت جمعی
۱۷۶ مساجد؛ کانون تفاهم و همدلی
۱۷۸ مساجد حقیقی
۱۷۹ مسجد ضرار
۱۸۰ تلاش دشمنان
۱۸۴ شرایط سازندگان و اداره کنندگان مساجد

۱۸۵	کارکردهای مساجد در گذشته و حال
۱۸۶	مسجد و انقلاب اسلامی ایران
۱۸۷	مسجد و امروز و فردای انقلاب
۱۸۹	مسجد الاقصی در سرزمین قدس ●
۱۸۹	موقعیت جغرافیایی
۱۹۲	نام‌های قدس
۱۹۳	اماکن مقدس
۱۹۶	عصرهای تاریخی
۲۰۶	مسجد الاقصی
۲۱۷	قدس از نگاه ادیان سه گانه توحیدی
۲۱۸	اهمیت شهر قدس
۲۱۹	پیوند هدف و مکتب
۲۲۲	حقوق دمکراتیک واحد ملت و موارد نقض آن در فلسطین
۲۲۴	۱. دولتمردان و حکام
۲۲۵	۲. خواص و اندیشمندان
۲۲۶	۳. عame مردم
۲۲۷	فلسطینیان
۲۲۹	مسجد و رسانه ملی ●
۲۳۰	همگرایی نهاد مسجد و وسائل ارتباط جمعی نوین
۲۳۳	ناکامی‌های فرهنگی؛ عوامل و پیامدها
۲۳۵	بررسی راهکارها برای نظرسنجی‌ها
۲۴۰	نتایج نظرسنجی از مردم تهران درباره «برنامه‌های منهبی تلویزیون»
۲۴۴	چه باید کرد؟
۲۴۸	منابع و مأخذ

● تأثیرات فرهنگی، تربیتی مساجد با تکیه بر مساجد اصفهان و نیشابور ۲۴۹
الف . مساجد اصفهان ۲۵۷
ب . مساجد نیشابور ۲۷۳
منابع و مأخذ ۲۸۱
 ● مسجد جامع نیریز ۲۸۵
ایوان قدیمی مسجد ۲۸۷
محراب ۲۸۹
ترزینات و کتیبه‌های محراب ۲۹۰
نتیجه کلی ۲۹۴
منابع و مأخذ ۲۹۵
 ● برای اندیشیدن ۲۹۷
چالش‌های موجود در مساجد جهان اسلام و ایران اسلامی ۲۹۷
راهکارهای توسعه و تعمیق جایگاه و نقش آفرینی واقعی مساجد ۲۹۸
 ● اطلاعیه مهم ۳۰۱





سخن ناشر

مساجد اصلی‌ترین پایگاه دین، اخلاق و معنویت و برترین مکان تقویت ایمان و عالی‌ترین مرکز کسب آگاهی و بصیرت و والاترین کانون احیاء و تقویت اندیشه و فرهنگ ناب اسلامی و زیباترین جایگاه تریت و پرورش انسان‌های وارسته و مهم‌ترین مکان گسترش فعالیت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام است.

بدون تردید مساجد در تعالیٰ حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع اسلامی نقش والا، مؤثر و بی‌بديل ایفا کرده‌اند. بدین جهت دشمنان، محو فیزیکی و معنوی مساجد و مسجدیان و از بین بردن یا کاستن نقش آن در جامعه را بعنوان یک هدف استراتژیک و برنامه اساسی دنبال می‌کنند. همانند آنچه در مورد مسجد‌الاقصی، مسجد بابری و مسجد‌گوهر شاد مشهد انجام گرفت و آنچه هم‌اکنون با تبلیغات وسیع در مورد کمرنگ ساختن حضور مردم بویژه جوانان در مساجد دیگر صورت می‌پذیرد.

مؤسسه فرهنگی ثقلین که نشر و اشاعه فرهنگ قرآن و اهلیت

پیامبر ﷺ و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام را وجهه همت خویش قرار داده است و تاکنون چندین اثر گرانبها در این راستا به زیور طبع آراسته است. همینک کتاب فروغ مسجد را به همه فرهیختگان و دلسوزان نظام اسلامی و فرهنگ قرآن و اهل بیت علیهم السلام تقدیم می نماید. امید است مورد قبول حضرت حق قرار گیرد.

مؤسسۀ فرهنگی ثقلین



پیشگفتار

به نام خداوند هستی بخش جان آفرین که در قلمرو وجود، در دل هر ذرّه‌ای خورشیدی نهاد و عقل و بینش را زیور انسان ساخت تا آدمی با مطالعه و کاوش در صنع باری، طریق صواب را برگزیند و به مفهوم «حقیقت» راه یابد.

شکر و سپاس همو را سزاست که آدمی را به زیور فضایل آراست و او را به نور علم و معرفت بینا ساخت و چهره جان انسان را تجلی گه انوار قدسی خویش فرمود تا خلیفه خدا در زمین و آینه‌دار جمال و جلال او باشد.

و سلام و صلوات بر خواجه کائنات و قدوه مخلوقات، سید انبیا و سرور اولیا، رسول نامی و پیامبر گرامی، محمد مصطفیٰ صلی الله علیہ و آله و سلّم و عترت پاک او که حجج بالغه پروردگار و آینه‌داران صبح امید و احسن الوسایط فیض باری و اقرب الوسایل الی الله‌اند.

دروド و تحیت به ساحت قدسی خاتم الاوصیا و خاتم الاولیا، حضرت بقیة الله عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف که چشم‌های منتظر و تشنگان عدالت در انتظار ظهور او بی تابانه روزها را به شماره می پردازند.

و سلام بر مشعendaran هدایت و حاملان پیام قرآن و عترت و زمینه‌سازان طلوع دوازدهمین خورشید امامت و ولایت، و سنگرداران مساجد، این خانه‌های خدا در زمین و مراکز دین و اخلاق و معنویت و بهترین کانون‌های رشد و تعلیم و تربیت و هدایت، بویژه روح عرشی معمار بزرگ انقلاب و بنیانگزار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی رض و شهیدان والامقامی که با طلوع سبز خود در مساجد بالنده شده و با غروب سرخ خویش در جبهه‌های مبارزة حق علیه باطل، در مصاف با اولیای شیطان به مقام قرب ربوی، بار یافتند و مرزوق عنده الله گردیدند.

و آنان که در ادامه راه نورانی امام و شهیدان، در حراست از کیان ولایت، لحظه‌ای درنگ را جایز ندانسته و از پای ننشستند و در سنگر مساجد، با سلاح بیان و بنان، با اشارت‌ها و هدایت‌های رهبر فرزانه انقلاب، ولی امر مسلمین حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله‌العالی با پاشیدن بذر نور و آگاهی در اذهان جستجوگر حقیقت ناب، از مرزهای عقیده و ایمان حراست بعمل آورده و در مقابله با اندیشه‌های ناصواب و تاخت و تازها و هجمه‌های بیرحمانه و ویرانگر فکری و فرهنگی بیگانگان و نااهلان و نامحرمان و نامتمنیان، خوفی به دل راه نداده و نستوه و استوار ایستاده‌اند.

بدون تردید مسجد خانه خدا، مهمانسرای حضرت حق، جلوه زیبای اتصال خدا و بندگان، کانون هدایت، پایگاه عدالت، دانشگاه عمومی معارف و ارزش‌های دینی، مرکز آزادی و رهایی از اسارت‌های درون و برون، محل عروج و پرواز به ملکوت، جایگاه رشد و تعالی، سنگر پالایش و پیرایش و تهدیب نفس، فرهنگسرای فرهنگ ناب اسلام محمدی ﷺ و علوی علیهم السلام، عرصه تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی، اقتصادی، نظامی، تجلیگاه وحدت امت اسلامی و طور سینای مؤمنان خداجو است.

براساس آیات قرآن کریم، سنت و سیره حسن پیامبر گرامی اسلام ﷺ و سخنان گهربار اهل بیت علیهم السلام، همه اشار مردم به میهمانی خداوند از طریق حضور در مساجد فراخوانده شده‌اند تا با اقامه نماز و نیایش، سر به سجده بندگی ساییده، از سکوی عروج بالا رفته، به عرش برین قرب نایل آیند و با فراگیری قرآن و معارف دینی، گوهر جان خویش را از آن سرچشم‌های زلال سیراب سازند.

در متون و فرهنگ اسلامی، مساجد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. خوشبختانه در دوران معاصر جهان اسلام، اهمیت، والایی و جایگاه رفیع و بی‌بديل مساجد را مورد توجه قرار داده، تکریم مساجد را وظیفه خویش تلقی نموده است؛ کنفرانس اسلامی، روز ۲۱ آگوست، سالروز آتش زدن مسجد الاقصی از سوی صهیونیسم را روز آغازین هفته جهانی مساجد برگزیده است.

در کشور ما این روز با سالگشت حمله رضا شاه به مسجد گوهرشاد که به شهادت تعدادی از مجاهدان مؤمن انجامید و روزهای پایانی آن با هفته دولت مصادف گردیده است. مرکز رسیدگی به امور مساجد با همکاری نهادها و سازمان‌های دیگر با تشکیل ستاد، بزرگداشت هفته جهانی مساجد را در دستور کار خویش قرار داده، پس از اعلام فراخوان و دریافت مقالات، اولین همایش هفته جهانی مساجد را با اهداف ذیل در سالن کنفرانس سران کشورهای اسلامی برگزار نمود.

اهداف

- ۱- گرامی داشت مساجد به عنوان اصلی‌ترین پایگاه دین معنویت و اخلاق و جلب توجه بیشتر مسلمانان جهان به این مکان مقدس.
- ۲- احیا و تقویت وحدت اسلامی و زنده کردن روح برادری اسلامی با محوریت مساجد در راستای دفاع از کیان اسلام و مسلمین در برابر توطئه‌های دشمنان.
- ۳- شناساندن اهمیت و نقش مساجد در حیات اجتماعی و حفظ هویت مسلمانان و مقابله با از خودیگانگی.
- ۴- بیان مهمترین مشکلات مساجد در جهان اسلام و ارائه راهکارهای اساسی برای رفع آنها.
- ۵- افزایش کارآمدی و اثربخشی مساجد در جهان اسلام و ارائه کارکردهای جدید با عنایت به هویت تاریخی مساجد در فرهنگ و متون اسلامی.

۶- جلب مشارکت دولت‌ها و ملت‌های اسلامی در ساخت،
نوسازی، بهسازی و روزآمدن کردن تجهیزات آنها و رشد مساجد.

۷- احیای نقش تربیتی و تبلیغی مساجد جهت توسعه و تعمیق
فرهنگ اسلام ناب محمدی ﷺ.

۸- اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب برای جذب افشار مختلف
جوامع اسلامی به ویژه جوانان و نوجوانان به مساجد.

در این همایش پس از سخنرانی افتتاحیه آیت‌الله
هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام،
حجت‌الاسلام والملمین تقوی، ریاست شورای سیاست‌گذاری
ائمه جمیعه و عضو شورای سیاست‌گذاری ائمه جماعات
وحجت‌الاسلام والملمین ابراهیمی، رئیس مرکز رسیدگی به امور
مسجد، تعدادی از مقالات برگزیده ارایه و در پایان قطعنامه همایش
قرائت گردید.

کتابی که پیش‌رو دارید برخی از مقالات رسیده به کمیته علمی
همایش است که پس از گزینش و ویرایش، به حضور تان تقدیم می‌گردد.
امید است دانشوران و فرهیختگان نازک‌اندیش و نکته‌سنجد،
مرکز رسیدگی به امور مساجد را از تذکار و راهنمایی‌ها و نقد و نظر
عالمانه خویش بی‌نصیب نگذارند و با ارسال نظرات اصلاحی و تکمیلی
خویش ما را در غنی ساختن هرچه بیشتر فرهنگ مکتب در مورد
مسجد یاری فرمایند.

در پایان از همه نویسندها و دانشورانی که فراخوان این «مرکز» را اجابت نموده و آثار گرانقدر خویش را ارسال نموده‌اند و در برپایی این همایش بزرگ و جهانی سهیم بوده‌اند تشکر می‌کنیم. همچنین از زحمات برادران ارجمندی که در بررسی و ارزیابی، آماده‌سازی ویرایش و نشر این مجموعه همکاری کرده‌اند، سپاسگزاری می‌نماییم.

کمیته علمی هفته جهانی مساجد

جایگاه مساجد در آیات و روایات

□ محمد سلمانی

اهمیت مسجد در قرآن

یکی از راههای شناخت اهمیت موضوعات در اسلام، قرآن کریم است. این کتاب آسمانی با نگرشی جامع و کامل به هر موضوعی فراخور حال و اهمیت آن، پرداخته است. نوع عبارت و تأکید و مقدار مطالب پرداخته شده برای هر موضوع، بیان‌گر اهمیت و جایگاه آن در قرآن کریم است. «مسجد» و «مساجد» از جمله واژگانی است که در قرآن کریم به آن توجه شده و در ۲۸ مورد به آن اشاره شده است.^(۱)

نوع عبارات و تأکید بر جایگاه الهی مسجد و نفی هر آلودگی ظاهری و باطنی از آن، اهمیت جایگاه مساجد را بیان می‌کند.

۱. معجم المفہوس، ص ۳۴۵.

نفی شرك و نفاق از حريم مسجد

قرآن کریم در سوره توبه مباحث بسیار مهم و زیربنایی را در تأسیس و تعمیر مسجد بیان می‌کند؛ در آیه ۱۷ نقش مشرکان را در بنای مسجد نفی کرده و نیت آنان را در تأسیس مسجد بر ملا می‌سازد و در آیه ۱۰۷ نیز نیت منافقان را در بنای مسجد هویدا و مقاصد شوم آنان را برای مؤمنان روشن می‌کند. آنچه که در این دو آیه مورد توجه قرار می‌گیرد این است که شرك و نفاق دو لبه یک قیچی برای مبارزه با اسلام و پیامبر عظیم الشان اسلام می‌باشند. پیش از آنکه جایگاه مسجد و نقش مؤمنان در آن را بیان نماید، نقش شرك و نفاق را در تخریب وحدت و حقیقت مسجد گوشتزد می‌کند.

بسیار روشن است که پی‌کردن بنایی به نام مسجد هدف و انگیزه نیست، بلکه مقاصدی که موجب پدید آمدن مسجد می‌شود حائز اهمیت است؛ یعنی اساساً مسجد از ابتدا باید بر محور توحید و اتحاد و همدلی مؤمنان باشد و اساس آن تقوی و ایمان به خدا و اقامه نماز قرار گیرد.

در آیه ۱۷ و ۱۸ سوره توبه آمده است:

﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمِرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ
أُولَئِكَ حِيطَثُ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ إِنَّمَا يَعْمِرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَاتَّقَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشِ إِلَّا اللَّهُ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا
مِنَ الْمُهَتَّدِينَ﴾؛ مشرکان را نرسد که مساجد خدا را بنیاد کنند، با آنکه خود شاهد کفر خویشتن اند؛ چه ایشان اعمالشان بی‌اجر و باطل است و خود در جهنم جاودانند. مسجدهای خدا را تنها کسی بنا می‌کند که به خدا و روز

جزا ایمان داشته باشد. نماز پا دارد، زکات بدهد، و جز از خدا نترسد، باشد که آنان از هدایت یافتنگان باشند.

آیات مذبور پس از نفی نقش مشرکان در ایجاد بنای مسجد، تعمیر مسجد را مخصوص اهل ایمان می‌داند و سپس صفاتی را که نشانه صلاحیت و لیاقت بنای کننده مسجد است را ذکر کرده و می‌فرماید: اهل نماز و پرداخت زکات باشد و از کسی جز خدا نترسد. اگر اهل ایمان این سه شاخصه اساسی را دارا بود، اهل بنا و ساخت مسجد به شمار می‌آید. بیان این اوصاف برای بنای کننده مسجد، گویای این است که مسجد به عنوان جایگاه عبادت و هدایت الهی ارزش و اعتبار فراوانی از دیدگاه قرآن دارد.

همچنین در آیه ۱۰۷ و ۱۰۸ سوره توبه می‌خوانیم:

﴿وَالَّذِينَ أَتَحْذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَغْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلٍ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهُدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تَقْعُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٌ أُسْسَى عَلَى النَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقْعُمَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾؛ منافقان کسانی هستند که مسجدی ساختند به قصد زیان رساندن و کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبر مبارزه کرده بود. آنها سوگند یاد می‌کنند که «جز نیکی نظری نداشته‌ایم» اما خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند. هرگز در آن نایست، آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوی بنا شده شایسته‌تر است که در آن بایستی، در آن مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند

و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.

آیات فوق ابتدا خطر جریان نفاق را بر ملا می سازد و سپس نقشه شوم آنان را در بهره برداری از عنوان مسجد برای ضربه زدن به پیامبر عظیم الشأن و وحدت مؤمنان بازگو می کند.

این هشدار نشان می دهد کسانی که اهل طهارت درونی نیستند و قلوب آنان مالامال از نفاق و دور ویی است از عناوین و اعتبارات مقدسی نظیر «مسجد» برای ضربه زدن به اسلام عزیز استفاده می کنند. از این رو، مسجد مورد توجه خدای متعال با معیار (۱) اسس علی التقوی و (۲) اقامه نماز و علاقه به طهارت ظاهری و باطنی آن سنجیده شده است. نکته حائز اهمیت اینکه، پرداختن شدن قرآن به جزئیات مطالب مربوط به مسجد، گواه دیگری بر ارزش والا و گرانبهای مسجد است. همچنین تأکید قرآن کریم در آیات مختلف مانند:

- ﴿قُلْ أَمْرَ رَبِّيْ بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهُكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾؛^(۱)
بگو پروردگارم امر به عدالت کرده است و توجه خویش را در هر مسجدی به سوی او کنید.

- ﴿يَا بَنِي آدَمَ حُذُوا زِيَّتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾؛^(۲) ای فرزند آدم!
زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید.

۱. سوره اعراف: آیه ۲۹

۲. سوره اعراف: آیه ۳۱

- «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ الَّهِ أَحَدًا»^(۱) مساجد از آن خداست پس باید احمدی جز او را نخوانید.

همگی دال بر اهمیت جایگاه مسجد در قرآن کریم می‌باشد؛ زیرا تأکید و بیان قرآن کریم به عنوان حکمت مطلق بهترین مؤید ارزش و اعتبار الهی این پایگاه معنویت و هدایت می‌باشد.

اهمیت مسجد در روایات

در روایات از ائمه علیهم السلام پیرامون مساجد مطالب ارزشمند و گران‌بهایی نقل شده است که همگی بر ارزش و عظمت مسجد دلالت دارند. بعضی از روایات به طور صریح اهمیت جایگاه مساجد را بیان کرده‌اند که به آن‌ها اشاره می‌شود.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «المساجد انوار الله»^(۲) مساجد انوار الهی است. همچنین آن حضرت فرمود:

«احب البلاد الى الله مساجدها»^(۳) محبوب‌ترین جای شهرها پیش خدای متعال مساجد آن شهرهاست. در حدیثی دیگر نیز فرمود: «المساجد مجالس الانبياء»^(۴) مساجد محل جلوس پیامبران الهی است.

۱. سوره جن: آیه ۱۸.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۷.

۳. نهج النصاحة، حدیث ۷۱.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، حدیث ۳۶۳.

آنچه که از کلام پیامبر عظیم الشأن اسلام بر می‌آید این است که بهترین مکان‌ها در روی زمین که همراه با انوار الهی و توجه و عنایت خدای بزرگ است، مساجد می‌باشد. تأکید بر جلوس پیامبران در مساجد مؤید این است که بهترین بندگان الهی و محبوب‌ترین و مقرب‌ترین بندگان خدا، یعنی پیامبران، به مساجد توجه داشتند و آنجارا محل جلوس خود قرار می‌دادند.

همچنین از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: علت تعظیم و بزرگداشت مساجد چیست؟

حضرت فرمود: خداوند امر فرموده به تعظیم مساجد؛ برای آنکه مساجد بیوت الهی در زمین است.^(۱) همچنین در روایت دیگری فرمود: بر شما باد به رفتن مساجد؛ زیرا مساجد خانه‌های خدا در زمین هستند.^(۲) از این روایات به روشنی پیداست که مسجد مورد تأکید لطف و عنایت الهی است و همچنین محل توجه انبیا و اولیای خدا می‌باشد. یعنی شخص با ایمان اگر دنبال مکان امن و با آرامش و محل نزول برکات و نورانیت است، با تأسی از پیامبران و ائمه علیهم السلام باید به سمت مسجد برود. پیامبر اکرم علیه السلام فرمود: «المسجد بيت كل تقى»^(۳) مسجد خانه هر پرهیزکار است و در روایتی دیگر می‌فرماید: «ان المؤمن مجلسه

۱. ترجمه علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۳.

۲. ترجمه میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۳۶۱.

۳. شهاب الاخبار، ص ۲۳.

مسجده»^(۱) همانا مجلس مؤمن مسجد است. حضرت در واقع، وجه مشترک مؤمنان و انبیا و اولیای الهی را در انتخاب مسجد به عنوان مکان جلوس و محل مورد عنایت خدا بیان می‌کند.

عوامل حفظ و پایداری مساجد

وقتی شیئه با اهمیت و گرانقدر شمرده می‌شود اولین چیزی که به ذهن انسان می‌آید چگونگی حفظ آن شیئه گرانبها و نیز جلوگیری از آسیب و آفت‌هایی است که آن را تهدید می‌کند. در مورد مسجد نیز چنین است؛ یعنی علاوه بر آنکه اهمیت و ارزش آن بیان شده، پیرامون حفظ و نگهداری آن و همچنین نهی از چیزهایی که موجودیت مسجد و حقیقت آن را مورد تهدید قرار می‌دهد روایاتی نقل شده است.

اخلاص

در قرآن کریم آمده است: «وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^(۲)؛ مساجد از آن خداست، پس باید احدي جزا را خوانید. آنچه که از ظاهر آیه شریفه روشن می‌شود این است که اخلاص در فکر و عمل مورد عنایت است؛ چراکه شخص با ایمان باید بداند مسجد خانه خداست و در آن فقط باید خدا خوانده شود و ذکر و عبادتی غیر الهی نباشد. به عبارت

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۰۹.

۲. سوره جن: آیه ۱۸.

دیگر، هم ورود به خانه خدا باید برای خدا باشد، هم غیرخدا خوانده نشود و هم برای غیرخدا، خدا خوانده نشود، یعنی از ریا و تظاهر پرهیز شود.

اما نکته اساسی تر آن است که در شکل و تأسیس مسجد باید خدا محور باشد؛ یعنی اساساً غیرخدا در نیت و اندیشه انسان جایی نداشته باشد و انگیزه تأسیس و بنای مسجد باید برای خدا باشد.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «من بنی الله مسجد‌الاً يرید به ریاء ولا سمعه بنی الله لَهُ بيتاً فِي الْجَنَّةِ»^(۱) هر که برای خدا مسجدی بسازد و در آن ریا و خودنمایی به کار نبرد، خدای تعالی در بهشت خانه‌ای برای او بنا می‌کند.

نیت اساسی ترین نقش را در عمل انسان دارد و هیچ عملی نیست که همراه با نیت درونی نباشد. از این‌رو، چون اساس بنای مسجد باید برای خدا باشد، کسی که برای آن همت می‌گمارد باید ذهن خود را از ناخالصی پالایش کند؛ یعنی برای تظاهر، ریا و خودنمایی نباشد.

تاکید بر رفتن به مسجد نیز پیرو همین اصل است؛ چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ أَتَى مَسْجِدًا لِشَيْءٍ فَهُوَ حَظَّهُ»^(۲) هر کس به هر جهت که به مسجد آید بهره‌اش همان است؛ یعنی بر اساس نیت درونی خود پاداش می‌گیرد. هر کس برای خداگام نهد قطعاً خدای بزرگ پاداش او را خواهد داد.

۱. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۵.

۲. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۲۸.

تشویق و ترغیب

یکی از نکاتی که در روایات ائمه علیهم السلام بسیار مورد توجه قرار گرفته است تشویق و ترغیب مؤمنان در بنا، تعمیر، نگهداری و رفتن و حضور در مسجد است. در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود.

ساختن مساجد: پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: هر که مسجدی، هر چند به اندازه لانه یک پرنده، بسازد خداوند در بهشت برایش خانه‌ای بنا می‌کند.^(۱)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس مسجد بسازد خداوند برای او در بهشت خانه‌ای می‌سازد.^(۲)

آبادگردن مساجد: «انما يعمر مساجد الله من آمن بالله... فَعَسَى أُولَئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهَتَّدِينَ».

پیامبر اکرم فرمود: کسی که این مسجد ما را توسعه بخشد خداوند خانه‌ای در بهشت برایش می‌سازد.^(۳)

(فتن به سوی مساجد): «من مشی الى مسجد يطلب فيه الجماعة كان له بكل خطوة سبعون الف حسنة»^(۴); هر کس برای شرکت در نماز جماعت به سوی مسجدی برود برای هر قدمی که بر می‌دارد هفتاد و هزار حسن

۱. بحدار، ج ۷۷، ص ۱۲۱.

۲. کافی، ج ۳، ص ۳۶۸.

۳. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۳.

۴. ترجمه میزان الحکمة، ص ۲۳۹۱.

منظور شود.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: بهترین مردم کسی است که هنگام ورود به مسجد اولین نفر باشد و به هنگام خروج از مسجد آخرین نفر باشد.^(۱)

در روایت دیگری از پیامبر اسلام ﷺ آمده است: شب و روز به سوی مساجد شتافتن از اقسام جهاد کردن در راه خداست.^(۲)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس پیاده به سوی مسجدی روان شود پای خود را به هیچ تر و خشکی نمی‌گذارد، مگر آنکه از آنجا تا زمین هفتم به جای او پروردگار را تسییح می‌نمایند.^(۳)

نشستن در مسجد: پیامبر اکرم ﷺ فرمود: نشستن در مسجد به انتظار نماز عبادت است، مادامی که حدثی سر نزند. عرض شد: ای رسول خدا، حدث چیست؟ فرمود: غیبت کردن.^(۴)

همچنین پیامبر خدا فرمود: ای اباذر تا زمانی که در مسجد نشسته‌ای خدای تعالی به تعداد هر نفسی که می‌کشی یک درجه در بهشت به تو می‌دهد و برای هر نفسی که در مسجد می‌کشی ده حسنہ برایت نوشته می‌شود و ده گناه از تو پاک می‌گردد.^(۵)

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۲۷.

۲. کنزالعمال، ج ۷، ص ۶۴۸.

۳. بحار، ج ۸۴، ص ۱۳.

۴. امالی صدوق، ص ۳۴۲.

۵. بحار، ج ۸۶، ص ۳۳۶.

با نگاه به این روایات این نتیجه حاصل می‌شود که هدف اسلام ترغیب و تشویق و کشاندن مؤمنان به سوی مساجد است. ذکر پاداش، بیان حسنات و نیز از بین رفتن گناهان برای آن است که مؤمنان به سوی مسجد هدایت شوند، آن را یک مکان عادی فرض نکنند و رفتن به سوی این مکان مقدس را و قدم برداشتن برای آن را برای خود غنیمت بشمارند.

عوامل جذب

مسجد یک مکان عمومی و جای تجمع مؤمنان است. این مکان جای ارتباط و راز و نیاز مؤمنان است؛ یعنی جای صعود معنوی و رسیدن به کمال دینی است. این مکان باید به گونه‌ای آراسته و دل‌انگیز باشد که مؤمنان به سوی آن کشیده شوند. در روایات اهل بیت علی‌الله^ع به این نکات توجه شده است. یکی از عوامل توجه به هر مکانی تمیزی و نظافت آن مکان است. در خصوص مساجد تأکید بسیاری در تمیزی و نظافت آن شده است. حضرت علی علی‌الله^ع می‌فرماید: مساجد را هر هفته خوشبو و معطر کنید.^(۱)

و در روایتی از پیامبر اکرم علی‌الله^ع آمده است: مساجد را از نجاست دور نگه دارید.^(۲)

در تشویق نظافت مسجد پیامبر اکرم علی‌الله^ع می‌فرماید: هر کس مسجد

۱. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۰۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۰۴.

را خاکروبی کند خداوند پاداش آزاد کردن بنده‌ای را برایش می‌نویسد و اگر از این مسجد به اندازهٔ خشاکی که در چشم می‌رود غبار گیرد خداوند دو برابر آن رحمت خویش را به او عطا می‌فرماید.^(۱)

چنانچه مؤمنان خاطرهٔ خوبی از حضور در مسجد داشته باشد، از آن به عنوان یک مکان پاک، تمیز، معطر و دل‌انگیز یاد می‌کنند. این تمیزی و نظافت عامل جذب می‌باشد.

نکتهٔ دیگری که قابل توجه و ذکر است تأکید بر طهارت و تمیزی شخصی است که به مسجد می‌رود. اسلام علاوه بر آنکه تأکید دارد مکان مسجد تمیز و خوشبو باشد، دستور می‌دهد هر کس که به سوی مسجد می‌رود اولاً باید پاک و ظاهر باشد،^(۲) و ثانياً، ظاهری آراسته و زینت شده داشته باشد. از امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه «خذو زینتکم عند کل مسجد» روایت شده که فرمود: لباس‌هایی را که برای حضور در نمازهای جمعه و عید، خود را با آن زینت می‌کنید، برگیرید.^(۳)

بنابراین، اسلام به هم شخصی که وارد مسجد می‌شود نظر دارد - که پاک و ظاهر باشد و با لباس‌های تمیز و خوشبو وارد مسجد شود و پیش از ورود از باب استحباب و ضو بگیرد -^(۴) و هم تأکید می‌نماید

۱. امامی صدوق، ص ۱۸۰.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۵۲.

۳. وسائل الشععه، ج ۳، ص ۳۳۳.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۸.

فضای مسجد پاک و مطهر باشد و لحظه‌ای نجاست در مسجد نباشد؛ یعنی علاوه بر اجتناب از نجاست، باید تمیز، خوشبو و معطر باشد.

آسیب‌های حضور جماعت در مساجد

در آیین دینی ما بعضی از رفتارها و اعمال در درون مسجد مورد نهی قرار گرفته است. اگر به صورت دقیق و منصفانه آن‌ها را ارزیابی کنیم در می‌یابیم که بهترین آسیب‌شناسی پیرامون مسجد، در روایات ائمه علیهم السلام نهفته است. با این توضیح که اصل در مسجد، حضور مؤمنان و تجمع آنان و تشکیل صفواف جماعت برای قرب به حق از راه راز و نیاز و دعا و عبادت است. هر چیزی که این تجمع و جایگاه را تهدید و تضعیف کند مورد نهی اسلام - بعضی به صورت حرام و بعضی به صورت کراحت - قرار گرفته است. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌شود.

مباهات و مفاسد

در دین مبین اسلام هیچ وجه تمایزی بین انسان‌ها از هر قوم و قبیله و رنگ و نژاد که باشند مشاهده نمی‌شود. تنها عنصر امتیاز در اسلام داشتن تقو، یعنی مهار نفس و بنده صالح بودن است: «ان اکرمکم عند الله اتقیکم»^(۱) از این‌رو، هر نوع برتری‌بینی و خودبزرگ‌بینی و توجه به امتیازات ظاهری نهی شده است. خصوصاً آنکه بعضی ویژگی‌های

. ۱۳. حجرات:

منفی نظیر مباهات و مفاحرخه از جمله عوامل رنجش مؤمنان و موجب جدایی و تفرقه است؛ چراکه مباهات موجب تحقیر و تحریک احساسات و عواطف دیگران است و آثار منفی و زیانباری دارد. از این رو، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «نهی ان یتباهی الناس فی المساجد»؛^(۱) یعنی از مباهات و مفاحرخه مردم به یکدیگر در مساجد نهی شده است.

پرداختن به کارهای دنیوی

چون مسجد مرکز توجه به خدا و معنویت است باید حريم آن از کارهای دنیوی و نزاع برانگیز محفوظ بماند. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: صدایتان را در آن‌ها (مساجد) جز به ذکر خدای تعالی بلند نکنید، از خرید و فروش و حمل جنگ‌افزار در آن‌ها خودداری نمایید.^(۲)

آنچه مسلم است خرید و فروش علاوه بر آنکه امر دنیوی است، یکی از عوامل نزاع و اختلاف نیز محسوب می‌گردد و اشتغال به آن خودبه‌خود امر معنوی را به فراموشی می‌سپارد. همچنین کشیده شدن بازار به مسجد موجب تنزل جایگاه مسجد و ارزش آن خواهد شد. از این رو، هر نوع رفتاری که موجب فراموشی جایگاه مسجد و تنزل آن گردد، از جمله داد و فریاد و صدای بلند برای هر امری غیر از ذکر الهی، مانند خرید و فروش، حمل جنگ‌افزار و تعمیر آن، مورد نهی پیامبر اکرم ﷺ قرار گرفته است.

۱. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۶۹.

۲. بخاری، ج ۸۳، ص ۳۴۹.

عدم رعایت نظافت

یکی از عوامل حفظ مسجد رعایت نظافت و پرهیز از هر بی نظافتی در آن است. در روایتی پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: آب دهان ریختن در مسجد گناه است.^(۱) و نیز فرمود: در پیش درِ مسجد کفش هایتان را (نسبت به آلدگی) بررسی کنید.^(۲) همچنین آن حضرت فرمود: مساجد را از نجاسات دور نگه دارید.^(۳)

محل تجمع مؤمنان باید پاک و تمیز و با رعایت نظافت و بهداشت باشد. تأکید بر نظافت در هر هفته و خوشبو کردن مساجد برای آن است که مسجد هیچ گاه جاذبه ظاهری خود را از دست ندهد. البته ناگفته نماند پیامبر اسلام ﷺ علاوه بر تأکید بر رعایت نظافت و طهارت ظاهری، بر طهارت معنوی نیز تأکید می نماید. از امیر المؤمنین علیؑ نقل شده است که فرمود: رسول اکرم ﷺ نشستن جنب درِ مسجد را نهی فرموده است.^(۴)

۱. کنزالعمال، ج ۷، ص ۶۶۴.

۲. وسائلالشیعه، ج ۳، ص ۵۰۴.

۳. وسائلالشیعه، ج ۳، ص ۵۰۴.

۴. دعائیمالاسلام، ج ۱، ص ۱۴۹.

لحن ناروا

زبان ابزاری است برای سخن گفتن؛ و سخن گفتن یا واجب است و یا لازم و در بعضی مواقع یا حرام است یا مکروه و یا غیر لازم. تردیدی از نهی سخنی که موجب حرمت می‌شود نیست، اما چون مسجد جایگاه خاص عبادت است از سخن‌های غیرلازم و مکروه نیز نهی شده است؛ چراکه پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: در مسجد گفت هر سخنی لغو و بیهوده است به جز خواندن قرآن و ذکر خداکردن و در امور خیریه سؤال و پرسش نمودن و عطاکردن خیر.^(۱) از این‌رو، سخنی که خارج از این امور باشد لغو و بیهوده شمرده شده است. پیامبر اکرم ﷺ روایتی دیگر می‌فرماید: لحن ناروا در مسجد حسنات انسان را از بین می‌برد.^(۲) آن حضرت همچنین قسم خوردن در مسجد را یکی از آفت‌های مسجد نام بردند و فرمودند: هر چیزی آفتی دارد و آفت مسجد قسم خوردن در آن است. چون زبان ابزارگزنه و از طرفی موجب شکاف و اختلاف است، حتی صحبت‌های معمولی که حاصلی جز غفلت ندارد در حریم مسجد نهی شده است؛ چراکه اصل در مسجد ذکر است. رسول اکرم ﷺ در روایتی می‌فرماید: هر کسی که در مسجد شعری می‌خواند بگویید: خدا دهانت را بشکند، مساجد را برای خواندن قرآن برپا کرده‌اند.^(۳)

۱. کنزالعمال، ج ۷، ص ۶۷۱.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۱.

۳. وسائلالشیعه، ج ۳، ص ۴۱۲.

نباید حریم امن معنوی اسلام با سخنان بی حاصل و پوچ دستخوش ناملایمات قرار گیرد؛ چراکه این فضای معنوی باید حفظ بماند تا همگان از آن بهره مند شوند.

دهان بدبو

با مطالعه روایات این نتیجه به دست می آید که اسلام عزیز با هر چیزی که موجب اختلاف و پراکندگی مؤمنان و یا رنجش خاطر و آزردگی آنان گردد مخالف است. شخصی با ایمانی که لسان خود راکترل می کند و از تقوای الهی بهره مند است، اگر با بی دقتی یا به هر علت دیگری دهانش بدبو باشد از حضور در مسجد که مکان جمعی است نهی شده است.

پیامبر گرانقدر اسلام ﷺ می فرماید: هر کسی این سبزی بدبو (سیر) را بخورد به مجالس وارد نشود؛ زیرا فرشتگان از هر چه مسلمانان را بیازارد آزربده می شوند.^(۱)

امام علی علیه السلام در این زمینه می فرماید: هر کس چیز بوداری (مثل سیر) بخورد که موجب آزار مردم گردد به مسجد وارد نشود.^(۲)

ابو بصیر گوید از امام صادق علیه السلام در مورد خوردن سیر، پیاز و تره سؤال کردم، امام فرمود: خوردن آنها به صورت خام یا پخته اشکال ندارد، همچنین معالجه بیماری با سیر اشکال ندارد، اما اگر کسی آنها را

۱. جامع الاحادیث شیعه، ج ۴، ص ۴۸۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۰۲.

خورد (قبل از بطرف کردن بوی آن) به مسجد نرود.^(۱)

رعایت شان مسجد

در بعضی روایات بر حفظ احترام و حرمت مسجد شده تأکید است. نهی بعضی از رفتارها برای حفظ و تکریم جایگاه مساجد است. برای مثال، امام صادق علیه السلام فرمود: کراحت دارم که سواره وارد مسجد (کوفه) شوم.^(۲) این به جهت رعایت جایگاه رفیع مسجد است تا دیگران با تأسی بر ائمه علیهم السلام حفظ و حرمت مسجد را نگه دارند.

در روایت دیگر از پیامبر گرامی اسلام علیه السلام آمده است: نمایاندن ناف، ران و زانو در مسجد مانند کشف عورت است.^(۳) این روایت مبنی این نکته اساسی است که مسجد با خانه و مکان‌های دیگر اجتماعی فرق دارد حریم مسجد باید با آداب و رعایت اخلاق دینی حفظ شود و دستخوش بی‌حرمتی و رفتارهای موهن قرار نگیرد.

امام صادق علیه السلام در زمینه احترام به مسجد می‌فرماید: از رحمت خدا به دور است کسی که به مسجد احترام نگذارد.^(۴) نکته دیگر، نهی از آوردن دیوانگان و کودکان به مسجد است. پیامبر گرامی اسلام علیه السلام

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۰۲.

۲. من لا يحضره النفيه، ج ۱، ص ۲۳۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۱۵.

۴. سفينة البحار، ج ۱، ص ۶۰۰.

می فرماید: مساجد خود را از دیوانگان و کودکان دور نگه دارید.^(۱) با توجه به جایگاه معنوی و اجتماعی مساجد پذیرش این نکته امری بدیهی و ضروری می نماید؛ چراکه دیوانگان و کودکان تسلطی بر خویش ندارند و هرگونه رفتار غیرطبیعی از آنان طبیعی است. از این‌رو، با توجه به جایگاه و منزلت مسجد و حفظ شأن و مراتب آن باید از آوردن دیوانگان و کودکان اجتناب کرد. با تصور این مطلب که اگر هر کسی کودک خود را به مسجد بیاورد فضایی حاکم می شود که در این فضا امکان بهره‌برداری مناسب (با توجه به فلسفه وجودی مساجد) فراهم نمی شود، صحت، درستی، دوراندیشی و حکمت سخن پیامبر گرامی اسلام ﷺ هویدا می شود. اگر اصول مطرح شده در کلام ائمه اطهار علیهم السلام در حفظ و نگهداری مساجد عمل شود و جایگاه ذکر، عبادت و بهره‌گیری از دانش در مساجد مورد توجه قرار گیرد، قطعاً مساجد بهترین و قوی‌ترین پایگاه مسلمانان به شمار خواهند آمد.

مسجد و جماعت

آنچه تاکنون مورد بحث قرار گرفت پیرامون عظمت و جایگاه مساجد، تقویت این جایگاه و پرهیز از تخریب موقعیت مساجد بوده است. گرچه تاکنون بیان شده است که مسجد جای عبادت و ذکر الهی است، اما با نگاهی به دیگر روایات در خصوص مسجد و اهمیت جماعت

۱. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۴۹.

و نماز جماعت در مسجد، نکته با اهمیتی روشن می‌شود و آن اینکه گویا تمام این‌ها مقدمه تمرکز و وحدت و تجمع مؤمنان بوده است تا در کنار هم و با قلب‌های مملو از محبت نسبت به هم در مقابل خدای بزرگ به تسبیح و عبادت بپردازند.

از کلام رسول خدادست که می‌فرماید: «تحفة الملائكة تجمير المساجد»؛^(۱) تحفه فرشتگان جماعت میان مساجد است. و نیز در کلامی دیگر در پرهیز از تفرقه و جدایی می‌فرماید: شیطان گرگ انسان است همانند گرگ گوسفندان، همیشه میش‌های دورافتاده و کنارگیر را می‌گیرند. پس، از دسته‌بندی (گروه گرایی و دسته دسته شدن) پرهیز نماید.^(۲) و بر شما باد به حضور در جماعت و مجالس عمومی و مسجد.

امام صادق علیه السلام در جواب مردی که سؤال نمود: در منزل نماز طولانی همراه با مستحبات بخوانم بهتر است یا در مسجد و به جماعت و به طور مختصر فرمود: با جماعت نماز بخوان و از نماز فُرادای طویل پرهیز.^(۳)

امام موسی بن جعفر علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل فرمود: کسی که در منزل خود وضوی کامل بگیرد و مویش راشانه کند و خود را معطر نماید سپس از خانه‌اش بدون عجله و با آرامش و وقار بیرون بیاید

۱. کنزالعمال، ج ۷، ص ۶۵۸.

۲. کنزالعمال، ج ۷، ص ۵۸۱.

۳. وسائلالشیعه، ج ۵، ص ۴۷۷.

و به طرف محل نماز برود در حالی که میل به جماعت مسلمین دارد، قدمی از زمین بر نمی‌دارد و نمی‌گذارد مگر آنکه یک حسنہ برایش نوشته می‌شود و یک گناه از او محو گردد و یک درجه به خداوند نزدیک شود تا زمانی که داخل مسجد شود تا این که فرمود: سپس نماز را با امام جماعت شروع کند، از طرف خداوند مغفرت و بهشت بر او واجب می‌شود قبل از اینکه امام سلام نماز را بدهد.^(۱)

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: کسی که در پیوستن به نماز جماعت از دیگران پیشی گیرد چنان است که گویی در ایمان پیشی گرفته است.^(۲) پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی دیگر می‌فرماید: آگاه باشد، کسی که برای اقامه نماز جماعت به سوی مسجد قدم بر می‌دارد برای هر یک قدمش هفتاد هزار حسنہ منظور می‌شود.^(۳)

همه این روایات در اهمیت نماز جماعت است. برتر دانستن نماز مختصر جماعت از نماز طولانی فرادا با مستحبات، حقیقتی را بیان می‌کند و آن وجود یک عنایت خاصه از سوی خدای بزرگ در جماعت است. جماعت قدرت اسلام است؛ در جماعت دست الهی همراهی دارد؛ در مسجد باید قدرت اسلام نمایان شود؛ جماعت مسلمانان قدرت اسلام است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: هر کس بدون عذر موجهی با مسلمین در

۱. جامع الاحادیث الشیعه، ج ۶، ص ۳۸۷.

۲. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۲.

۳. جامع الاحادیث الشیعه، ج ۴، ص ۴۵۰.

مسجد نماز جماعت نمی‌خواند نمازش کامل نیست و کسی که در منزلش نماز می‌خواند و نسبت به جماعت مسلمین بی‌توجه است غیبتش جایز می‌باشد. و کسی که نسبت به جماعت مسلمین بی‌توجه است از عدالت ساقط است و دوری کردن از او واجب است.^(۱)

این تهدیدات برای آن است که کسی قصد جدایی و تفرقه نکند و آهنگ اختلاف با جماعت مسلمین سر ندهد و راه و رسم خویش را از جماعت مسلمانان جدا نکند؛ چرا که تفرقه و جدایی و بی‌توجهی به یکدیگر خواست دشمنان اسلام و دشمنان پیامبر گرامی اسلام است. مسلمان باید نسبت به افراد و جماعت‌اش حساس باشد و در کنار آن‌ها آهنگ وحدت و عبودیت را به صدا درآورد که این مهم خواست خدا و رسول خدا علیه السلام می‌باشد. در همین راستا امام صادق علیه السلام در جواب جمیل بن صالح که سؤال کرد: کدام افضل است، اینکه انسان در اول وقت نماز بخواند یا مقداری نماز را به تأخیر بیندازد تا با اهل مسجد به جماعت نماز بخواند، زمانی که مسجد امام جماعت دارد؟ امام فرمود: نماز را به تأخیر بیندازد و با اهل مسجد نماز بخواند زمانی که مسجد امام جماعت دارد.^(۲)

ثواب نماز اول وقت و تأکید بر آن کم نیست، اما در جایی که جماعت است آهنگ فردی، هرچند برای کسب ثواب نماز اول وقت،

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۹۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۸۸.

مورد اشاره امام معصوم نیست، بلکه همراهی و هماهنگی با جماعت توصیه و تأکید می‌شود.

در روایت از پیامبر اکرم ﷺ نکته قابل توجهی ذکر شده است و اینکه «من مشی الى مسجد يطلب فيه الجماعة كان بكل خطوة سبعون الف حسنة»^(۱) حرکت به سوی مسجد برای کسی که طالب جماعت است، برای هر گامی که بردارد هفتاد هزار حسنہ و پاداش در نظر گرفته می‌شود. نکته مهم «يطلب فيه الجماعة» است؛ یعنی به قصد نماز جماعت و رسیدن به جماعت حرکت کند. تمامی این روایات گواه بر این است که جماعت در مسجد هدف است؛ جماعتی که راه وحدانیت و وحدت و یکدلی را طی می‌کند. رسول گرامی اسلام ﷺ برای ایجاد نظم و هماهنگی و ایجاد وحدت، شانه‌های نمازگزاران را در نماز جماعت می‌گرفت و منظم می‌کرد و می‌فرمود: مساوی و منظم باشید، نامنظم و جدا از هم نباشید که قلب‌های شما از همدیگر جدا می‌شود.^(۲)



۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲.

۲. جامع الاحادیث الشیعه، ج ۶، ص ۴۷۰.

مسجد

از دیدگاه قرآن و عترت

□ حسن دهقان

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمِنَ بِاللَّهِ وَآتَيْوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الْزَكََاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهَمَّدِينَ﴾^(۱) مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را بربپا دارند و زکات را پردازنند و جز از خدا نترسند، امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند.

حضور در مسجد از مصادیق مهم و اصلی عمارت و آباد نگه داشتن آن است، به گونه‌ای که بدون آن، مسجد اساساً فاقد عمران و آبادی خواهد بود. از این رو، در روایات از مساجدی که مسلمانان آن را

۱. توبه: ۱۸.

رها کرده و در آن نماز نمی‌گزارند، به مسجد خراب تعبیر شده است.^(۱) در بررسی کلمات و بیانات قرآن کریم و نیز سنت در باره مسجد، نکته مهمی که توجه انسان را به خود جلب می‌کند، تأکید و تشویق فوق العاده پیشوايان دين ميin اسلام بر رفت و آمد به مساجد و انس گرفتن با خانه خداست، تا آنجاکه فقهای اسلام با استناد به همین تأکيدات فراوان گفته‌اند: در شرع مقدس اسلام، بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانند و بهتر از همه مسجدها، مسجدالحرام است و بعد از آن، مسجد پیامبر اکرم ﷺ و بعد مسجد کوفه و بعد از آن مسجد بیت المقدس و بعد از آن، مسجد جامع هر شهر و بعد از آن، مسجد محله و بعد از مسجد محله، مسجد بازار (مسلمانان) است.^(۲)

مستند این گونه احکام و فتاوا، روایات فراوانی است که پیشوايان دین ضمن بیان آثار و فواید رفت و آمد به مسجد، مخصوصاً به منظور برپایی نمازهای واجب روزانه ترغیب و تشویق نموده‌اند. نوشتار حاضر با استفاده از منابع اصیل اسلامی به ده موضوع اصلی پرداخته است. امید آنکه خداوند متعال این جهد متواضع را قبول درگاهش بفرماید.

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۴.

۲. رساله توضیح المسائل امام خمینی قطبی، مسأله ۸۹۳.

مسجد مرکز پرستش خالصانه

﴿... وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ الْلَّهِ أَحَدًا﴾^(۱) و اینکه مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید. برخی گفته‌اند: یعنی «و لأنَّ المساجد لله فلا تدعوا»، بنابراین، لام در لأنَّ به لا تدعوا می‌باشد؛ یعنی هیچ کس را با خدا در مسجدها نخوانید؛ زیرا مساجد مخصوص خدا و عبادت اوست.^(۲)

پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی قدسی می‌فرمایند: «قالَ اللَّهُ تَبارَكَ وَتَعَالَى: إِنَّ بَيْتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ، تَضَيِّئُهُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تَضَيِّئُهُ النَّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ. إِلَّا طَوْبِي لِمَنْ كَانَ الْمَسَاجِدُ بِيُوتِهِ. إِلَّا طَوْبِي لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي. إِلَّا إِنَّ عَلَى الْمَزُورِ كِرَامَةَ الرَّازِيرِ. إِلَّا بِشَرِّ الْمَشَائِنِ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». خداوند متعال می‌فرماید: «خانه‌های من در زمین، همان مساجد است که برای اهل آسمان می‌درخشنده، آن‌گونه که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشنده. خوشابه حال آنان که مساجد را خانه خویش قرار داده‌اند. خوشابه حال بنده‌ای که در خانه خویش وضو می‌گیرد، آنگاه مرا در خانه‌ام زیارت می‌کند. آگاه باشید که بر زیارت شونده لازم است که زائر خویش را بزرگ شمرده و به وی احسان نماید. کسانی را که در دل تاریکی شب به سوی مساجد؛ گام بر می‌دارند، به نوری درخشان در روز قیامت

۱. جن: ۱۸.

۲. تفسیر جوامع الجامع، ج ۶، ص ۴۵۷.

(۱) بشارت دهید».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این حدیث قدسی، از انسانی که به مسجد رفت و آمد دارد به زائر خدا تعبیر شده که حق تعالی را در خانه او زیارت می‌کند. بنابراین، مسجد، یعنی محل زیارت خداوند متعال مکانی که انسان با انجام عبادات خالصانه خویش در آن، در اوج تقرب به حق تعالی قرار می‌گیرد و ملکوت این عبادت و حضور خالصانه در مسجد به صورت نوری درخشان در تاریکی‌های عالم قیامت، برای او جلوه‌گر خواهد شد. تشییه مساجد به ستاره‌های درخشان آسمان نیز اشاره به همین معناست.

ممکن است این تشییه اشاره به این معنا داشته باشد که همان‌گونه که ستاره‌ها در دل تاریکی شب، مایه زینت آسمان و نیز وسیله‌ای برای راهیابی و هدایت کسانی هستند که در دریاها و یا بیابان‌ها، راه خویش را گم کرده‌اند، مساجد نیز مایه زینت عالم خاک و انوار هدایتی هستند که انسان‌های خداجو باید مسیر هدایت و راه سعادت خویش را از این مراکز مبارک بیابند. شاید نبی مکرم اسلام ﷺ از همین معنا خبر داده است، آنگاه که فرمود: «المساجد انوار الله»؛ مساجد، انوار الهی هستند.^(۲)

قال رسول الله ﷺ لابی ذر: يا اباذر، ان الله تعالى يعطيك مادمت جالساً في المسجد بكل نفس تنفستَ درجةً في الجنةِ و تصلّى عليك الملائكةُ.

۱. وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۷.

و تُكْتُبْ لَك بِكُلّ نَفْسٍ تَنَفَّسَتْ فِيهِ عَشْرُ حُسْنَاتٍ و تُمْحى عَنْك عَشْرُ سَيِّئَاتٍ؟^۱
پیامبر خدا به ابوذر فرمود: ای ابوذر! تا زمانی که در مسجد نشسته‌ای،
خدای تعالی به تعداد هر نفسی که می‌کشی یک درجه در بهشت به تو
می‌دهد و فرشتگان بر تو درود می‌فرستند و برای هر نفسی که در مسجد
می‌کشی، ده حسنه برایت نوشته می‌شود و ده گناه از تو پاک می‌گردد.^(۱)

«قال رسول الله ﷺ: الجلوس في المسجد لانتظاره الصلاة، عبادةً مالم يُحْدَث. قيل: يا رسول الله! و مالحدث؟ قال الاغتياب؟؛ حضرت نيز می فرماید:
نشستن در مسجد به انتظار نماز، عبادت است مادام که حدثی سرنزدہ
باشد. عرض شد: يا رسول الله! حدث چیست؟ فرمود: غیبت کردن.^(۲)

امام صادق علیه السلام طی حدیثی طولانی، آداب مراقبت در مسجدها را
این‌گونه بیان می‌فرماید: هرگاه به در مسجد رسیدی بدان که تو به آستان
خانه پادشاهی بزرگ و پرشكوه آمدہ‌ای که جز پاکان بر بساط او قدم
نگذارند و اجازه نشستن در مجلس او جز به صدیقان داده نشود،
وانگهی تو بر بساط خدمتگزاری و چاکری پادشاه قدم گذاشته‌ای. پس اگر
از هیبت و شکوه پادشاه غافل مانی، خطری بزرگ تو را تهدید می‌کند،
خواه به عدالت و یا با فضل و کرمش، می‌تواند.

در پیشگاه او به ناتوانی و تقصیر و درویشی خود اعتراف کن؛
زیرا که تو برای پرستش و همدمی با او آمدہ‌ای. رازهایت را با او در میان

۱. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۳۶.

۲. امالی صدوق، ص ۳۴۲.

نه و بدان که اسرار درون خلائق، همگی یا آشکارشان بر او پوشیده نیست. در برابر او همچون درویش ترین بندگان باش و دلت را از هر علقه و دل مشغولی که حجاب میان تو و پروردگارت شود، خالی کن؛ زیرا که او جز پاک ترین و خالص ترین را نمی‌پذیرد و بنگر که از کدام دیوان نامت بیرون می‌آید، اگر حلاوت مناجات با او و لذت گفتگو با او را چشیدی و بر اثر رویکرد او به تو و اجابت‌ش، جام رحمت و کرامت او را سر کشیدی، هر آینه لایق چاکری و خدمتگزاری او شده‌ای، اینک به مسجد درآی که در امن و امان خواهی بود.^(۱)

مسجد، مرکز ذکر و یاد الهی

قرآن کریم می‌فرماید: «...وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بِعْضَهُمْ بِعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبَيْعُ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذْكُرُ فِيهَا أَسْمُ اللَّهِ كَبِيرًا وَلَيَتَصْرَنَ اللَّهُ مَنْ يَصْرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيُّ عَزِيزٌ»^(۲)؛ و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصاری و مساجدی که نام خدا در آن بسیار بردۀ می‌شود، ویران می‌گردد و خداوند کسانی را که یاری او کنند (واز آینش) دفاع کنند، یاری می‌کند، خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

در برخی از روایات، با تعییری لطیف از مسجد به عنوان بازار

۱. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۳.

۲. حج: ۴۰.

آخرت یاد شده، یعنی همان‌گونه که بازار، محل خرید و فروش و مبادله کالا و متعاهای دنیوی است، مسجد نیز محل کسب امور معنوی و اسبابی است که در سرای آخرت دارای کاربرد و تأثیر می‌باشد. در حدیثی از حضرت رسول اکرم ﷺ نقل شده است: «المساجدُ سوقٌ من اسوقِ الآخرةِ رِحْمَةً وَ تُحْفَتُها الجنةُ»؛ مساجد، بازاری از بازارهای آخرت است. از کسانی که به آن وارد می‌شوند، با مغفرت پذیرایی می‌شود و هدیه آنان بهشت است.^(۱)

بیشترین اهتمام انسان مؤمن، متوجه تهیه و تأمین اسبابی است که در سرای آخرت به آن نیاز دارد و شوق و انس وی به بازار آخرت (مسجد) به مراتب بیش از علاقه او به بازارهای دنیاست. بنابراین، مؤمنان باید در هنگام رفتن به مساجد، بر دیگران پیشی بگیرند و به هنگام خروج، دیرتر از همه مسجد را ترک گویند. به روایت ذیل در این زمینه توجه کنید: «عَنْ أَبِي جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِجَبَرِيلَ: أَئْ الْبَقَاعُ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؟ قَالَ: الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّ أَهْلَهَا إِلَى اللَّهِ أَوْ لَهُمْ دُخُولاً إِلَيْهَا وَ آخِرُهُمْ خَرْجًا مِنْهَا؟»؛ امام باقر علیه السلام از پدران خویش و آنان از رسول خدا علیه السلام نقل می‌کنند: آن حضرت از جبرئیل علیه السلام سؤال کرد: کدام مکان‌ها نزد خداوند محبوب‌تر است؟ جبرئیل عرض کرد: مساجد، و دوست داشتنی ترین اهل مسجد نیز کسی است که پیش از همه به مسجد داخل و پس از همه از مسجد خارج شود. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱.

کدام مکان‌ها نزد خدا مبغوض ترین است؟ جبرئیل عرض کرد: بازارها و مبغوض ترین اهل آن نزد خداوند کسی است که قبل از همه به بازار وارد و پس از همه از آن خارج می‌شود.^(۱)

در برخی از روایات، از آنان که در رفتن به مسجد شتاب کرده و گوی سبقت را از دیگران می‌برند، به عنوان پرچمدار بهشتیان، که در روز قیامت پیش از دیگران به بهشت وارد می‌شوند، یاد شده است. پیامبر اکرم ﷺ خطاب به ابوذر می‌فرماید: «يا اباذر! طوبى لأصحاب الْأُلوِيَةِ يوْمَ الْقِيَامَةِ يَحْمِلُونَهَا فَيُسْبِقُونَ النَّاسَ إِلَى الْجَنَّةِ، أَلَا وَهُمُ الْسَّابِقُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالْأَسْحَارِ وَغَيْرِهَا؟»؛ ای ابوذر! خوشا به حال پرچمداران روز قیامت که پرچم‌ها را به دوش گرفته و پیش از دیگران به بهشت وارد می‌شوند. آنان همان کسانی هستند که در سحرگاهان و دیگر اوقات در رفتن به مسجد بر دیگران پیشی می‌گیرند.^(۲)

تردد به مساجد، موجب پاک شدن از گناهان می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «عليکم باتیان المساجد، فانها بیوت الله فی الارض، و من اتها متطهراً طهّر الله من ذنوبه و كنت زواره فأكثروا فيها من الصلاة و الدعا»؛ بر شما باد به رفتن مساجد؛ زیرا مساجد خانه‌های خدا در روی زمین هستند. هر کس پاک و پاکیزه وارد مسجد شود، خداوند او را از گناهانش پاک گرداند و در زمرة زائران خود قلمدادش کند، پس در

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۴۵.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۳.

مساجد نماز و دعا بسیار بگزارید.^(۱)

ثواب رفتن به سوی مسجد به منظور شرکت در نماز جماعت آنقدر زیاد است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «من مشی الی مسجد یطلب فيه الجماعة کان له بكل خطوة سبعون الف حسنة و يُرْفَعُ لِهِ مِنَ الدَّرَجَاتِ مُثُلُّ ذَلِكَ وَإِنْ ماتَ وَهُوَ عَلَى ذَلِكَ وَكُلَّ اللَّهِ بِهِ سَبْعِينَ الْفَ مَلِكٍ يَعُودُونَهُ فِي قَبْرِهِ وَيُؤْنَسُونَهُ فِي وَحْدَتِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يَبْعُثُ»؛ هر کس برای شرکت در نماز جماعت به مسجدی رود، برای هر قدمی که بر می‌دارد، هفتاد هزار حسنه منظور شود و به همان اندازه درجاتش بالا رود و اگر در آن حال بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته بگمارد که در قبرش به عیادت او روند و اینس تنهایی او باشد و تا زمانی که برانگیخته شود، برایش آمرزش طلبند.^(۲)

باز از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «كُلُّ جلوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَغُوُ الْأَثْلَاثَةِ، قِرَاءَةٌ مَصْلَّى أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ أَوْ سَائِلٌ عَنْ عِلْمٍ»؛ هر نشستنی در مسجد لغو و بیهوده است. مگر نشستن سه کس: نمازگزاری که (قرآن) قرایت کند، کسی که ذکر خدا بگوید و کسی که به دنبال دانشی باشد.^(۳)

شایسته نیست مسلمان از مسجدی عبور کند و در آن مسجد، نمازی نخواند، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «لا تجعلوا المساجد طرقاً حتى تصلوا فيها ركعتين»؛ مسجدها را گذرگاه خود قرار ندهید، مگر آنکه دو رکعت

۱. امامی صدوق، ص ۲۹۳.

۲. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۳۶.

۳. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۶.

نماز در آن بخوانید.^(۱)

و حضرت علی علیہ السلام می فرماید: «من اختلف الى المسجد أصحاب احدى الشان: اخاً مستفاداً في الله او علماءً مستطرفاً او آية محكمة او رحمة منتظرة او كلمةً تردد عن ردئ او يسمع كلمةً تدُّه على هدى او يترك ذنباً خشيةً او حياءً»؛ هر کس به مسجد رفت و آمد کند، به یکی از این هشت چیز دست یابد: برادر دینی سودمند یا دانشی جدید یا آیتی محکم و استوار یا رحمتی منتظره یا سخنی که او را از هلاکت برها ند یا شنیدن جمله‌ای که او را به راه راست هدایت کند یا آنکه گناهی را از ترس یا شرم ترک گوید.^(۲)

پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم فرمود: «لا يرجع صاحب المسجد بأقل من إحدى ثلاثٍ: إِمَّا يدعُو بِهِ يَدْخُلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَ إِمَّا دُعَاءً يَدْعُو بِهِ لِيُصْرَفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بِلَاءُ الدُّنْيَا وَ إِمَّا أَخْ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ ملازم مسجد، دست کم با یکی از این سه چیز به خانه‌اش بر می‌گردد: یا دعا یابی که به درگاه خدا می‌کند و خدا با آن، او را به بهشت می‌برد، یا دعا یابی که به سبب آن خداوند بلای دنیا را از او بر می‌گرداند و یا برادری که در راه خدای عز و جل از وجودش بهره‌مند می‌شود.^(۳)

۱. امالی صدوق، ص ۳۴۴.

۲. همان، ص ۳۱۸.

۳. امالی طوسی، ص ۴۷.

جلوگیری از یاد خدا در مسجد؛ بزرگترین ظلم

قرآن کریم می فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي حَرَابِهَا»؛ کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟^(۱)

اینکه قرآن کریم می فرماید: «کسی که تلاش در تخریب و ویرانی مساجد (از یاد خدا در مساجد جلوگیری) می کند، ظالم ترین انسان است، به قرینه تقابل روشن می شود کسی که در عمران و آبادی مساجد تلاش می کند، در بهترین وضعیت ایمانی به سر می برد». ^(۲)

خرابی و ویرانی مسجد، منحصر به تخریب فیزیکی نیست که مسجدی را خراب کنند و به جای آن متزل یا مغازه بسازند، بلکه هر برنامه‌ای که از رونق مسجد بکاهد، تلاش در ویرانی مسجد محسوب می شود.^(۳)

از این آیه شریفه، نتیجه می گیریم ظالم ترین فرد، کسی است که نه خود به مسجد می رود و نه می گذارد دیگران به مسجد روند یقیناً این گونه افراد یا منافق هستند یا مشرک یا کافر، چون از رونق انداختن مسجد - به علت تجمع مسلمانان در آن به منظور اتحاد، نیایش، تصمیم‌گیری در راستای اهداف دین مبین اسلام، بسیج نیروها و رفع

۱. بقره: ۱۱۴.

۲. تفسیر کبیر، ج ۴، ص ۱۲.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۱۱.

مشکلات و منازعات و ایفانمودن نقش محوری و مؤثر در جامعه اسلامی
- آرمان پلید آنان را زودتر به منصه ظهور و عمل می‌رساند.

هشدارهای اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ، نقش مسجد را گوشزد نموده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «شَكِّتِ الْمَسَاجِدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الَّذِينَ لَا يَشْهُدُونَهَا مِنْ جِيرَانِهَا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا: وَعَزَّتِي وَجَلَّتِي لَا قَبْلُنِي لَهُمْ صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ وَلَا اظْهَرْتُ لَهُمْ فِي النَّاسِ عَدْلَةً وَلَا مَا لَهُمْ رَحْمَةٌ وَلَا جَارِونِي فِي جَنَّتِي»؛ مسجدها از حاضر نشدن همسایگان در خود به درگاه خدای تعالی شکایت کردند، خداوند عزوجل به آنها وحی فرمود: «بِهِ عَزَّتْ وَجَلَّتْ سُوْكَنْد! كه حتی یک نماز از آنان نپذیرم و عدالتی از آنان در میان مردم آشکار نکنم و رحمت من به آنان نرسد و همسایه من در بهشت نشوند». ^(۱)

در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده است: «ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: مَسْجِدٌ خَرَابٌ لَا يَصْلِي فِيهِ أَهْلُهُ وَعَالَمٌ بَيْنَ جَهَنَّمَ وَمَصْحَفٌ مَعْلَقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ غَبَارٌ لَا يَقْرَأُ مِنْهُ»؛ سه چیز نزد خدای عزوجل، شکایت می‌کنند: مسجد خرابی که اهالی آن در آن نماز نخوانند و دانشمندی که در میان عده‌ای نادان قرار گرفته باشد و قرآنی که در کنار طاقچه‌ها گذاشته شده و غبار رویش را گرفته باشد و کسی آن را نخواند. ^(۲)

۱. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۴۸.

۲. خصال، ص ۱۴۲.

لزوم انگیزه‌های صحیح در مسجدسازی

قرآن کریم می‌فرماید: «... لَمَسْجِدُ أَسِّنَ عَلَى الْتَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَأَللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ أَفَمَنْ أَسَسَ بُيُّانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانَ حَيْرٍ...»؛ ... آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی، در آن مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد. آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده است، بهتر است یا...؟^(۱)

مسجدسازی، عملی عبادی است و صرف ساختن بنای مسجد، بدون قصد قربت، مطلوب و مقبول درگاه الهی نیست. آیات و روایاتی که از ساختن و تعمیر مساجد به عنوان فضیلتی بزرگ یاد کرده‌اند، ناظر به مساجدی است که ساختن آن‌ها برخاسته از انگیزه‌های الهی باشد.

لازم است مسجد براساس تقوا و رضایت الهی بنا نهاده شود و اساساً در قاموس قرآن مجید آنچه که قابلیت عروج و صعود به درگاه الهی را داراست، همان تقوا و صاحبان آن، یعنی انسان‌های تقواییشه است و نه صورت و ظاهر عمل. در روایات موجود (در کتب عامه و خاصه) تصريح شده که ثواب مسجدسازی از آن کسانی است که با انگیزه‌های سالم اقدام به ساختن مساجد می‌نمایند.

نبی مکرم اسلام علیه السلام فرمود: «مَنْ بَنَى مسجداً لِيذْكُرَ اللَّهُ فِيهِ بَنِي لَهُ بَيْتٌ

. ۱. توبه: قسمتی از آیات ۱۰۸ - ۱۰۹.

فی الجنة؟ هر کس مسجدی را به قصد اینکه یاد خدا در آن بشود، بسازد، خانه‌ای در بهشت برای او ساخته می‌شود.^(۱)

در روایتی دیگر فرمود: «من بنی مسجداً اللہ بنی اللہ لہ فی الجنة مثله؟»^(۲) کسی که مسجدی را برای خدا بنا نماید، خداوند خانه‌ای مانند آن در بهشت برای وی بنا خواهد نمود.^(۳)

در برخی روایات، از اینکه مسجدسازی از حالت عبادی خارج شود و به عنوان عملی که مایه فخر و مبهات افراد و جمعیت‌ها نسبت به یکدیگر باشد، نهی شده است. پیامبر اکرم در مقام سرزنش و بیان انحراف امت و نشانه‌های برپایی قیامت می‌فرماید: «الاتقوم الساعۃ حتی یتباهی الناسُ بالمساجد»؛ از نشانه‌های قیامت آن است که مردم، مسجد را وسیله فخرفروشی قرار می‌دهند.^(۴)

اساساً در روایات از ساختن هر بنایی به غیر از مسجد هم، در صورتی که با انگیزه فخر و مبهات باشد، نهی شده است. رسول خدا ﷺ فرمود: «... و من بنی بنياناً رباءً و سمعةً حمله اللہ یوم القيامة من الأرض السابقه و هو نارٌ يشتعل منه ثم يطوقُ فی عنقه و يلقى فی النار فلا يحبسه شيءٌ منها دون قعرها إلّا أن يتوب. قيل: يا رسول الله! كيف بيني رباءً و سمعةً؟ فقال: يبني فضلاً على ما يكفيه استطاله به على جيرانه و مباهاة لإخوانه»؛

۱. روضة الوعظين نیشابوری، ص ۳۷.

۲. صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۴.

۳. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۴۴.

کسی که بنایی را به منظور خودنمایی و به گوش دیگران رساندن بسازد، خداوند این بنا را تا زمین هفتم در حالی که به صورت آتشی در گردن اوست، بر وی حمل می‌کند و او را در آتش می‌افکند. چیزی این شخص را از سقوط به قعر جهنم حفظ نمی‌کند، مگر اینکه توبه کند. عرض شد: ای رسول خد! از روی ریا و سمعه ساختن بنا به چیست؟ فرمود: اینکه انسان زاید بر نیاز خود و به قصد فخر فروشی بر همسایگان و مبالغات نمودن به برادران خود، بنایی را بسازد.^(۱)

اهمیت رعایت انگیزه‌های الهی و اغراض صحیح در مسجدسازی تا به آنجاست که در برخی روایات، مساجدی که از روی انگیزه‌های ناسالم بنا شده، مورد نکوهش قرار گرفته‌اند. امام باقر علیه السلام در مورد بعضی از مساجد کوفه می‌فرماید: «جُدُّت أربعة مساجد بالكوفة فرحاً لقتل الحسين عَلِيَّ»؛ مسجد الاشعث و مسجد جریر و مسجد سماک و مسجد شبث بن ربعی^(۲)؛ چهار مسجد در کوفه به انگیزه اظهار خوشحالی از شهادت امام حسین علیه السلام، تجدید بنا شد: مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سماک و مسجد شبث بن ربعی.

در روایت دیگری از این مساجد که نه تنها تجدید بنای آن با انگیزه‌ای ناسالم صورت گرفته، بلکه اساساً بنیان اولیه آن با هدف تضعیف

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۸۸.

۲. همان، ص ۵۲۰.

دین پی‌ریزی شده است، به مساجد ملعونه تعبیر شده^(۱) و ائمه علیهم السلام از نماز گزاردن در آن نهی نموده‌اند.^(۲)

شرایط و ویژگی آبادکنندگان مساجد

از نظر اسلام، مسجد مرکز عبادت و بندگی خدا و مرکز اجتماع فرهنگی مسلمانان است، از این رو، هم متولیان مسجد باید افراد صالح شایسته و مؤمن باشند و هم برنامه‌هایی که در مسجد اجرا می‌شود باید سازنده، رشد دهنده و آموزنده باشد. بنابراین، معماران و آبادکنندگان مساجد باید اهل ایمان و تقوا و پرهیزکاری باشند، نه کسانی که اعتقادی به خدا و قیامت ندارند. اهمیت مسجد به عنوان یک کانون حساس و مقدس، ایجاب می‌کند تنها کسانی که از قضایل برجسته و شرایطی خاص برخوردارند، به تعمیر آن همت گمارند.

قرآن کریم می‌فرماید: «ما کان للمرکبون ان يعمروا مساجد الله شاهدين على انفسهم بالكفر او لئن حبطت اعمالهم و في النار هم خالدون، انما يعمر مساجد الله من آمن بالله و اليوم الآخر و اقام الصلاة و آتى الزكوة ولم يخش الا الله فعسى او لئن ان يكونوا من المهددين»؛ مشرکین - در حالی که خود بر کفر خویش گواهی می‌دهند - شایسته آن نیستند که مساجد خدا را آباد کنند. اعمال آن‌ها تباہ و خود در آتش جاودانند. تنها کسانی مساجد خدا

۱. همان، ج ۳، ص ۵۱۹.

۲. همان، ص ۵۲۰.

را آباد می‌کنند که به خداوند و روز قیامت ایمان داشته و نماز به پای دارند و زکات بدهند و تنها خشیت خداوند را در دل داشته باشند. چنین کسانی امید است که از هدایت یافتگان باشند.^(۱)

از این آیات استفاده می‌شود مشرکان و بیگانگان از دین اسلام، حقی در آبادی و تعمیر مساجد ندارند. معماران و متولیان مساجد باید دارای سه شرط باشند:

الف) از نظر اعتقادی، مؤمن به خدا و قیامت باشند.

ب) از جهت عملی، نماز را به پا دارند و اهل زکات باشند.

ج) از لحاظ روحی، شجاع و با صلابت باشند.^(۲)

بشرکان تا پیش از نزول این آیه، در تعمیر مسجدالحرام شرکت جسته و با حضور خود در اطراف خانه خدا در ایام خاص و موسم حج و یا پرداخت کمک‌های مالی، خانه خدا را رونق صوری و ظاهری می‌بخشیدند، ولی این آیه شریفه، آنان را از تعمیر مساجد الهی منع نمود و مرزبندی جدیدی را میان شرک و کفر با تعمیر مساجد اعلام می‌کرد. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که تأکید قرآن مجید بر وجود اوصاف و شرایطی خاص برای آبادکنندگان مساجد، در حقیقت دارای دو جنبه فردی و اجتماعی است: از جنبه فردی، شرایط مذکور از آن رو اهمیت پیدا می‌کند که آباد کردن مسجد بدون آن ویژگی‌ها،

۱. توبه: ۱۷ - ۱۸.

۲. تفسیر نور، ج ۵، ص ۳۳.

عملی بی روح و پیکری بی جان است که در بارگاه ربوبی، بی ارزش است و عامل را نفع و ثمری نخواهد بخشید. از بعد اجتماعی نیز از آنجاکه مسجد دارای نقش‌های مهم اجتماعی است، آبادکنندگان آن باید انسان‌هایی صالح و برگزیده باشند تا مسجد قادر به ایفای نقش حیاتی خویش باشد.

در مورد کیفیت آباد کردن مساجد به روایتی از رسول اکرم ﷺ، در پاسخ سؤال ابوذر در این خصوص، اشاره می‌شود: «لا ترفع فيه الا صوات ولا يخاض فيها بالباطل ولا يشتري فيها ولا يباع واترك اللغو مادمت فيها فإن لم تفعل فلا تلومن يوم القيمة إلا نفسك»؛ در آن‌ها (مساجد) صدابلنده نشود، به سخنان و امور نادرست و بیهوده پرداخته نشود، در آن‌ها خرید و فروش صورت نگیرد و تا زمانی که در مسجد هستی از کارهای لغو و بیهوده دست بکش. اگر چنین نکنی، در روز قیامت نباید کسی جز خودت را ملامت کنی.^(۱)

متقین، سرپرستان مساجد

باقطع نظر از آیات ۱۷ و ۱۸ سوره توبه، می‌توان گفت: قرآن کریم در جای دیگری با بیانی موجز و مختصراً، شرایط لازم را برای متولیان مساجد ذکر نموده: «وَمَا لَهُمْ أَلَا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءُهُ إِنْ أَوْلِيَاءُهُ إِلَّا الْمُسْتَقْرُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»؛

۱. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۳۷۴.

چرا خداوند کفار و مشرکان را عذاب نکند؟ در حالی که آنان با وجودی که سرپرست و متولی مسجدالحرام نیستند، راه آنان را بر بندگان خدا بسته و مانع از ورود مؤمنان به مسجدالحرام می‌شوند؟ سرپرستی مسجدالحرام تنها از آن انسان‌های متّقی است، ولی بیشتر آن‌ها این را نمی‌دانند.^(۱)

از آنجاکه با وجود تقوا، کلیه اوصاف و شرایطی که در آیه ۱۸ سوره توبه ذکر شده، حاصل خواهد بود، می‌توان گفت: این آیه، شرایط لازم برای متولیان مساجد را ذکر نموده است. اما توهّم اینکه لزوم تقوا تنها در مورد متولیان مسجدالحرام شرط است، پنداری نادرست می‌باشد؛ زیرا هر مسجد دیگری نیز به دلیل آنکه خانه خدا و محل تقوا و عبادت و کانون هدایت است، متولیانی تقوایش را می‌طلبد و تفاوت مسجدالحرام و دیگر مساجد از این جهت تنها به شدت و ضعف است؛ یعنی اهمیت ویژه و موقعیت مسجدالحرام اقتضا می‌کند که متولیان و گردانندگان آن از مرتبه والایی از تقوای الهی برخوردار باشند.

لزوم پیش‌بینی چنین شرایطی برای متولیان مسجد، تا حد زیادی به نقش حیاتی و حساس که یک مسجد باید در جامعه اسلامی ایفانماید، مربوط می‌شود. اگر مسجدی بخواهد حقیقتاً مرکز عبادت و بندگی خداوند متعال و پایگاه جهاد فکری و کانون تعلیم و تعلم معارف اسلامی باشد و به هنگام جنگ و بروز خطرات برای جامعه اسلامی، پایگاه تجمع رزم‌مندگان و محل تقویت و پشتیبانی نیروهای جهادگر و در عین حال،

. ۳۴ . انفال: ۱

مظہر تبلور وحدت جامعه اسلامی باشد، بسیار طبیعی است که باید از متولیان و گردانندگان مؤمن، موحد و خداجو برخوردار باشد؛ انسان‌هایی که شعائر الهی را به پای داشته و در بجا آوردن واجبات دینی خویش کوشان و در یک کلام متقی و پرواپیشه باشند.

در طول دوران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نیز آشکارا مشاهده شد مساجدی که دارای متولیان و گردانندگانی صالح و شایسته بودند، توanstند به خوبی نقش اصیل خویش را در جامعه اسلامی ایفا نمایند.

حرمت نماز خواندن در مساجد منافقان

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ أَتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًاٰ وَكُفُرًاٰ وَتَفْرِيقًاٰ بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًاٰ لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَأَيْحِلُّنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُشْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تَقْتُمْ فِيهِ أَبَدًا...﴾؛ و کسانی که مسجدی ساختند برای زیان به مسلمانان، و تقویت کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود، آنها سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی و خدمت چیزی نداشته‌ایم، اما خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند، هرگز در آن (مسجد) به عبادت نایست!^(۱)

اسلام از نمازگزاردن در مساجدی که با هدف تضعیف دین بنا

شده است، نهی نموده و از اینکه خداوند متعال، رسول اکرم ﷺ را از نمازگزاردن در مسجدی که از ابتدا بر بنیان تقوا، پی‌ریزی شده فرمان می‌دهد، روشن می‌شود که نمازگزار نیز باید توجه کند که در چه مسجدی نماز می‌گزارد و همراه با پرهیز از وسوسه‌های شیطانی و دقت‌های نابجا، مواظب باشد که نماز خواندن او در برخی مساجد، به گونه‌ای رونق بخشیدن به جمع دشمنان نباشد.

در مجمع الیان در تفسیر آیه «وارصاداً لمن حارب الله و رسوله من قبل» آمده است: یعنی آن مسجد (مسجد ضرار) را برای بازگشت ابو عامر راهب ساخته و آماده کرده بودند. ابو عامر همان کسی است که قبلًاً با خدا و رسولش جنگیده بود. داستانش چنین است که وی در جاهلیت جامه پشمی پوشیده و رهبانیت پیش گرفته بود، اما وقتی پیامبر به مدینه رفت، بر آن حضرت حسادت ورزید و احزاب را علیه ایشان بسیج کرد. او پس از فتح مکه به طائف گریخت و چون مردم آنجا مسلمان شدند، او به شام و از آنجا به روم رفت و مسیحی شد. ابو عامر پدر حنظله (غسل الملائکه) است.

رسول خدا ﷺ او را ابو عامر فاسق نامید. وی به منافقان پیغام داده بود: خود را آماده کنید و مسجدی بسازید؛ زیرا من نزد قیصر رفته و با سپاهیان او آمده و محمد ﷺ را از مدینه بیرون می‌کنم! منافقان منتظر برگشت ابو عامر بودند، اما او پیش از رسیدن به نزد پادشاه روم، به هلاکت رسید.

خداوند پیامبر خود را از نیت پلید و باطن کثیف منافقان آگاه کردد...
و رسول خدا در برگشت از غزوه تبوک، عاصم بن عوف عجلانی و مالک
بن رحشم را فرستاد و فرمود: «به سوی این مسجدی که طرفدارانش
ستمگرند، بروید و آن را ویران کنید و بسوزانید و دستور داد محل آن را
به زباله‌دانی و جای انداختن لشه‌ها و مردارها تبدیل کنند». ^(۱)

استفاده از زینت هنگام ورود به مساجد

از جمله آداب مسجد، زینت کردن به هنگام داخل شدن در مسجد است.
قرآن کریم می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمْ حُذُّوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...»؛
ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید. ^(۲)

مراد از به همراه داشتن زینت در تمام مساجد، آن است که انسان
به هنگام حضور در مسجد، زینتهای نیکو و پستدیده را به همراه داشته
باشد و البته این کار طبعاً برای نماز و طواف و سایر کارهایی است که جنبه
یاد خدا دارد. پس فرمان خدا به زینت کردن در هنگام ورود به مساجد،
در حقیقت به معنای مطلوب بودن زینت برای نماز و دیگر عبادات مشابه
می‌باشد و شامل زینت کردن در نمازهای عید و جماعات یومیه و سایر

۱. مجتمع‌البيان، ج ۵، ص ۱۱۰ (به نقل از بخارالإذار، ج ۲۱، ص ۲۵۲).

۲. اعراف: ۳۱.

عبادات نیز می‌شود.^(۱)

انسان در نماز لازم است دو نوع زینت داشته باشد:

الف) زینت ظاهری: در روایت است که امام سجاد^{علیه السلام} به هنگام

نماز، زیباترین لباس خود را می‌پوشید و بعد این آیه را تلاوت می‌نمود:

﴿خذوا زینتكم عند كل مسجد﴾.^(۲)

ب) زینت معنوی: حالت خشوع در نماز است، در حدیث است

که امام علی^{علیه السلام} فرمود: «الخشوع زينة الصلاة»^(۳). قرآن کریم در وصف

مؤمنان می‌فرماید: «آنان کسانی هستند که در نماز خویش،

خشوع دارند». «قد افلح المؤمنون الذين هم فى صلوتهم خاشعون».^(۴)

زینت کردن هنگام ورود به مساجد شامل لباس زیبا، بوی خوش،

آراستگی و نظافت نیز می‌شود.^(۵)

لزوم طهارت در رفتن به مساجد

از آداب مسجد آن است که انسان در صورت امکان از محل اقامت

۱. المیزان، ج ۸، ص ۷۹.

۲. یکصد و چهارده نکته در باره نماز، ص ۱۲۸.

۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۵۱.

۴. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۳۳.

۵. رجوع شود به بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۵۷.

خویش با حالت طهارت به سوی خانه خدا حرکت کند و در هنگام ورود به مسجد نیز با طهارت باشد. در روایتی آمده است: «کسی که در خانه خویش وضو گرفته و سپس در مسجد حضور می‌یابد به زائر خداوند تعبیر شده است».

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الْمَصَالَةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَتْعَلَّمُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَعْتَسِلُوا...﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید، و همچنین هنگامی که جنب هستید - مگر اینکه مسافر باشید - تا غسل کنید.^(۱)

در ذیل این آیه، روایتی از امام باقر علیه السلام وارد شده است که فرمود: «آن معناه لا تقربوا مواضع الصلاة من المساجد و انتم جنب الا مجتازين»؛ معنای آیه شریفه «ولا جنباً إلا عابری سبیل» آن است که در حال جنابت به مساجد داخل نشوید، مگر اینکه بدون توقف، تنها از آن عبور کنید.^(۲)

تردیدی نیست که مسجد در شریعت اسلامی مکانی مقدس و با عظمت است و هتك حرمت مسجد از محرمات قطعی است و برخی از فقهاء تعظیم و بزرگداشت آن را واجب شمرده‌اند.

این فضایل برای مساجد از آن رو است که آن‌ها خانه‌های

۱. نساء: ۴۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۸۹ (البته این حکم شامل مساجد الحرام و مسجد النبی نمی‌شود).

خداوندند و انسان را از گناهان تطهیر می‌نمایند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عليکم باتیان المساجد، فانها بیوت الله فی الارض من اتاه متظہراً طھرہ الله من ذنوبه و کتب من زواره»؛ بر حضور در مسجد، مواطنیت کنید! چرا که مساجد خانه‌های خداوند در زمینتند، کسی که با حالت طهارت وارد مسجد شود، خداوند او را از گناهانش تطهیر می‌نماید و نام وی را در زمرة زائران خویش می‌نویسد.^(۱)

در حدیث دیگری، با طهارت به مسجد رفتن از جمله اسبابی به شمار رفته که مایه جلب دعای خیر فرشتگان الهی در حق انسان مؤمن است. ابوسعید خدری می‌گوید: رسول خدا علیه السلام فرمود: آیا مایل هستید شما را به چیزی راهنمایی کنم که مایه پوشیدن و آمرزش گناهان و باعث افزایش حسنات و خوبی‌هast؟ عرض شد: آری ای رسول خدا. فرمود: نیکو وضو گرفتن در سختی‌ها، فراوان پیاده به مسجد رفتن و انتظار نماز کشیدن بعد از نماز هر کس که با حالت طهارت از خانه خود خارج شود و نماز جماعت را با مسلمانان بجا آورد، آنگاه در مسجد، منتظر برپایی نماز دیگری بماند، ملائکه الهی در حق وی دعا کرده و می‌گویند: خداوند! او را یامرز، خداوند! او را رحمت فرما.^(۲)

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۷.

۲. همان.

پیاده رفتن به سوی مسجد

قرآن کریم می فرماید: «... وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ...»؛ ... و آنچه را که پیش فرستاده اند و نیز آثار آن را می نویسیم.^(۱)

در تفسیر مجتمع البیان در ذیل این آیه آمده است: مراد از آثار، گام‌ها و قدم‌های مؤمنین به سوی مسجد است و سبب تفسیر آن است که ابوسعید خدری روایت کرده است که بنی سلمه در منطقه‌ای از مدینه ساکن بودند، روزی از دوری خانه‌های خویش از مسجد و مشقت و سختی حضور در نماز پیامبر اکرم ﷺ به آن حضرت شکایت کردند، آنگاه این آیه نازل شد.^(۲)

در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ این چنین نقل شده است: «أَنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ أَجْرًا فِي الصَّلَاةِ ابْعَدُهُمْ إِلَيْهَا مَمْشِيٌّ فَأَبْعَدُهُمْ»؛ برترین مردم از نظر پاداش در نماز، کسانی هستند که پیاده روی آنان به مسجد بیشتر است.^(۳)

در صورت امکان، انسان باید فاصله بین محل کار یا خانه تا مسجد را پیاده طی کند. این امر در حقیقت ابراز نوعی بزرگداشت و تعظیم نسبت به صاحب خانه است. همان‌گونه که انسان به هنگام وارد شدن به خانه‌های صاحبان فضیلت و بزرگان سعی می‌کند کوچک‌ترین کاری که نشانه

۱. یس: قسمتی از آیه ۱۲.

۲. مجتبی البیان، ج ۸، ص ۴۱۸.

۳. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۲۰.

بی اعتمایی باشد از وی سرنزند، در مورد مساجد، این امر باید به مراتب بیشتر مورد توجه قرار گیرد. از این رو، اولیای الهی و صالحان از سر تعظیم و اظهار تواضع به درگاه ربوی، با وجود اینکه امکانات حج سواره بر ایشان فراهم آمده است، ولی در طول عمر خویش بارها فاصله بین کعبه معظمه و محل اقامت خویش را پیاده طی می‌کردند.

در روایات بسیاری در منابع عامه و خاصه، از پیاده روی به سوی مسجد به عنوان عملی پسندیده یاد و آثار و فضایلی نیز برای آن ذکر شده است. جابر بن عبد الله نقل می‌کند: «كانت ديارنا نائية عن المسجد فأردنا ان نبيع بيوتنا فنقرب من المسجد فنها ر رسول الله ﷺ فقال: ان لكم بكل خطوة درجةً؛ خانه‌های ما از مسجد پیامبر ﷺ دور بود، خواستیم خانه‌هایمان را بفروشیم و به مسجد نزدیک شویم. رسول خدا ﷺ ما را از این کار نهی نموده و فرمودند: «شما در برابر هر گامی که به سوی مسجد بر می‌دارید، درجه‌ای در نزد خدا دارید».^(۱)

در روایت دیگری آن حضرت فرمود: «من مشی الی مسجد من مساجد الله فله بكل خطوة خطها حتى يرجع الی منزله عشر، حسنات و محى عنه عشر سیئاتٍ وَ رفع له عشر درجاتٍ»؛ کسی که به سوی یکی از مساجد، پیاده حرکت کند، خداوند در مقابل هر قدمی که در مسیر رفت و برگشت بر می‌دارد، به او ده حسنہ پاداش می‌دهد و ده بدی را از او دور کرده و وی

۱. همان، ص ۳۲۱؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۶۸.

را دو درجه بالا می برد.^(۱)

منظور از ترقيق درجه و ارتقای مرتبه، که در این احادیث ذکر شده، تنها پاداش و ثواب نیست، بلکه از آنجا که پیاده روی به سوی مسجد، خود موجب تقویت روح تواضع و تحکیم جوهره عبودیت در وجود انسان است، گویا مؤمن با گام هایی که به سوی مسجد بر می دارد، در حقیقت به درجه والاتری از عبودیت و در نتیجه، تقریب به خداوند متعال نایل می شود. البته این امر منافاتی با فضل الهی و دادن پاداش و اجر اخروی ندارد. شاید بتوان حدیث زیر را مؤید این مطلب قرار داد:

امام صادق علیه السلام فرمود: «ما عبدالله بشیء مثل الصمت و المشی الى بیته»؛ خداوند به وسیله هیچ عملی مانند سکوت و پیاده حرکت کردن به سوی خانه اش عبادت نشده است.^(۲)

۱. صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۶۸؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۲۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۳.

■ منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم، ترجمة آیت الله العظمی مکارم شیرازی.
- ۲- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی.
- ۳- الامالی، محمد بن علی بن بابویه قمی (صدق).
- ۴- الامالی، شیخ طوسی.
- ۵- بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی.
- ۶- تفسیر جوامع الجامع، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی.
- ۷- تفسیر کبیر، فخر رازی.
- ۸- تفسیر مجمع البيان، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی.
- ۹- تفسیر المیزان، علامه طباطبائی.
- ۱۰- تفسیر نمونه، جمعی از دانشمندان زیر نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی.
- ۱۱- تفسیر نور، محسن قرائتی.
- ۱۲- الخصال، محمد بن علی بن بابویه قمی (صدق).
- ۱۳- رساله توضیح المسائل، امام خمینی رضوان الله تعالیٰ علیه.
- ۱۴- روضۃ الوعظین، فتال نیشابوری.
- ۱۵- سنن ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی.
- ۱۶- صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری.
- ۱۷- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری.
- ۱۸- صحیفہ نور، مجموعه سخنان و رهنمودهای امام خمینی رهنما.
- ۱۹- مستدرک الوسائل، میرزا حسن نوری طبرسی.
- ۲۰- مکارم الاخلاق، رسولزاده خویی.
- ۲۱- وسائل الشیعه، شیخ محمد حسن حر عاملی.
- ۲۲- یکصد و چهارده نکته از قرآن کریم درباره نماز، اکبر دهقان.

تاریخ و سنت مسجد

Hayat Salam-Liebich نویسنده:

ترجمه علی نقی خدایاری

مدخل مسجد در دایرةالمعارف دین (Encyclopædia of Religion) شامل دو بخش است. در بخش اول تاریخ، آداب و رسوم و کارکردهای مسجد و در بخش دوم نماها و ویژگی‌های معماری مساجد بررسی شده است. نوشتار حاضر برگردان بخش نخست این مدخل و شامل چهاربخش است. در بخش نخست واژهشناسی مسجد و در بخش دوم، تعریف مسجد از منظر حدیث و فقه آمده است. بخش سوم شامل مناصب مربوط به مسجد و بخش آخر درباره نهادهای وابسته به مسجد است. گفتنی است مطالب داخل پرانتز از نویسنده مقاله و مطالب پانوشت‌ها از مترجم است. نیز تاریخ‌های میلادی به هجری تبدیل شده است. امید است این مقاله که شامل اطلاعات

و گزارش‌های سودمندی درباره تاریخ مسجد و کارکردهای گوناگون آن است
مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.^(۱)

این مقاله کارکردهای مذهبی و سیاسی مسجد را به عنوان کانون عبادت مسلمانان مورد مطالعه قرار می‌دهد. مسجد اساساً مرکزی برای عبادت دسته جمعی است؛ جایی که مسلمانان در آن مراسم عبادی برگزار می‌کنند. همچنین مکانی که به لحاظ تاریخی برای امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن گرد می‌آیند.

واژه مسجد

ناه: واژه mosque انگلیسی شده واژه فرانسوی mosque است که از اسپانیایی و آن هم از مسجد عربی، به معنای جایی که یک فرد در آن (در پیشگاه خدا) سجده می‌کند، گرفته شده است.

واژه مسجد (به همین شکل در فارسی، اردو و ترکی) پیشتر در زبان آرامی یافت شد که برای اشاره به مکان‌های مقدس نبطیان و حبیان به کار رفته بود. این واژه همچنین یک واژه متداول در عربی پیش از اسلام است. واژه مسجد به طور مکرر در قرآن به کار رفته است

۱. برای مطالعه درباره احکام و آداب مسجد از دیدگاه فقه و حدیث بنگرید به: مختلف الشیعة، ج ۳، ص ۹۲ به بعد؛ تذكرة الفقہاء، چاپ جدید، ج ۲، ص ۴۲۲ به بعد؛ جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۶۹ به بعد؛ وسائل الشیعة، کتاب الصلاة، ابواب احکام مساجد.

(بـقـره: ۱۴۴؛ تـوـبـه: ۱۷ و ۱۸، ۱۰۷ و ۱۰۸؛ حـجـ: ۴۰، جـمـعـه: آـيـه ۱ (؟)؛ جـنـ: ۱۷). مـسـجـدـ مـعـمـولـاًـ در قـرـآنـ بـرـایـ اـشـارـهـ بـهـ مـكـانـهـاـيـ مـقـدـسـيـ کـهـ خـداـونـدـ در آـنـهـاـ عـبـادـتـ مـيـ شـوـدـ، بـهـ کـارـ رـفـتـهـ، اـماـ بـهـ يـكـ نـوعـ سـاخـتمـانـ اـسـلـامـيـ - بـخـصـوصـ گـونـهـ جـديـدـ - اـشـارـهـ نـدارـدـ.

هرگاه يك شناسايي دقيقا اسلامي، مورد نياز بوده، اين اصطلاح در ساختي مرکب مانند مسجدالحرام در مكه يا مسجدالاقصى در بيت المقدس به کار رفته است.

يـكـ حـدـيـثـ مـعـرـوفـ خـاطـرـنـشـانـ مـيـ كـنـدـ کـهـ هـرـ جـاـ فـرـدـيـ نـماـزـ مـيـ گـزـارـدـ يـكـ مـسـجـدـ استـ^(۱) وـ بـنـابـرـايـنـ، وـ جـوـدـ يـكـ سـاخـتمـانـ اـسـلـامـيـ رـاـ «ـبـرـايـ تـحـقـقـ مـسـجـدـ»ـ غـيرـ ضـرـورـيـ مـيـ شـمـارـدـ.

به هـرـ روـيـ، تـمامـ مـسـلـمـانـانـ موـظـفـنـدـ کـهـ هـفـتـهـاـيـ يـكـبارـ در ظـهـرـ جـمـعـهـ بـهـ طـورـ دـسـتـهـ جـمـعـيـ نـماـزـ بـهـ جـايـ آـورـنـدـ. هـمـزـمانـ آـنـهـ نـسبـتـ بـهـ جـانـشـينـ پـيـامـبـرـ سـوـگـنـدـ وـ فـادـارـيـ يـادـ مـيـ كـنـنـدـ. مـسـجـدـ بـزـرـگـيـ کـهـ در آـنـ جـمـاعـتـ عـبـادـتـ كـنـنـدـگـانـ بـرـايـ عـبـادـتـ رـوـزـ جـمـعـهـ حـاضـرـ مـيـ شـوـنـدـ، مـسـجـدـ جـامـعـهـ، يـاـ مـسـجـدـ جـمـعـهـ يـاـ مـسـجـدـ جـامـعـ (ـمـكـانـ اـجـتمـاعـ)ـ نـامـ مـيـ يـابـدـ کـهـ مـعـمـولـاًـ بـهـ اختـصارـ جـامـعـ گـفـتـهـ مـيـ شـوـدـ.

بعـدهـ واـژـهـ جـامـعـ بـهـ مـسـاجـدـ بـزـرـگـ اـجـتمـاعـ، جـايـيـ کـهـ خطـبـهـ جـمـعـهـ در آـنـ اـيـرـادـ مـيـ شـوـدـ، اـخـتـصـاصـ يـافـتـ، در حـالـيـ کـهـ واـژـهـ مـسـجـدـ بـهـ مـسـاجـدـ کـوـچـکـ خـاصـ نـماـزـ رـوـزـانـهـ اـشـارـهـ دـارـدـ (ـبـهـ استـشـنـايـ مـسـجـدـ مـكـهـ وـ مـديـنهـ

۱. ر.ک: صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۳ م.

و بیت المقدس که نام‌های ستی قرآنی خود یعنی مسجد را حفظ کرده‌اند). این تمایز هنوز آشکارا در ترکیه مشاهده می‌شود که در آنجا هریک از اصطلاحات خاص جامع و مسجد به طور صحیح به کار می‌رود.

تعريف مسجد

کارکرد مسجد به وسیله ابن‌تیمیه فقیه سده هفتم، جمع‌بندی شده که شاید بهترین جمع‌بندی باشد. او مسجد را به عنوان «یک مکان اجتماع که در آن نماز اقامه و امور عمومی اداره می‌شود» تعریف می‌کند. به تعبیر ساده، مسجد یک ساختمان به اندازه کافی بزرگ است که جماعت مؤمنان را در بر می‌گیرد و از یک محل سرپوشیده برای نماز و یک مکان روباز برای اجتماعات تشکیل شده و به سمت قبله ساخته شده است.

ساخтар مسجد - به رغم پیشرفت‌های زمانی و اسلوبی و تنوع‌های منطقه‌ای - از نظر لوازم ضروری آن بدون تغییر باقی مانده است. تمام مساجد بر یک محور به سوی مکه - کانون توجه در نماز که در قرآن (بقره: ۱۳۹) مقرر شده - ساخته شده‌اند. آن‌ها همگی یک سالن به موازات دیوار قبله (به سمت مکه) دارند، که در آن بر یک پایه مساوات، مردان مسلمان اعم از غنی یا فقیر، شریف یا حقیر در صفاتی می‌ایستند تا نمازهایشان را پشت سر امام بجای آورند.

زنان که از ایشان خواسته می‌شود نمازهایشان را در خانه بخوانند، می‌توانند در مساجد خاصی شرکت کنند، اما از آنان خواسته می‌شود که از

مکان جداگانه‌ای که مخصوصاً با پرده برای آن‌ها جدا شده، استفاده کنند. افزون بر این، مسلمانان تمام مذاهب فقهی چهارگانه اهل سنت (شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی) به یک مسجد می‌روند. از سوی دیگر، مسلمانان شیعه در مساجد خاص خود نماز می‌گزارند.

نشان‌های مسجد

ساختمان مناسب مسجد شماری نشان‌های اختصاصی دارد که آن را با لوازم ایمان می‌شناساند: در بیرون، یک منبع آب برای وضو آماده شده که مسلمانان می‌توانند با طهارت عبادی نماز بخوانند، و یک مناره در خدمت فراخواندن مؤمنان برای نماز است. در حالی که در درون، یک طاقچه خالی کوچک (محراب) در مرکز دیوار قبله، سمت نماز را نشان می‌دهد، و در مساجد همگانی جمعه (جامع‌ها) یک منبر در سمت راست محراب برای پیشوای نماز (خطیب) قرار گرفته تا خطبه خود را ایجاد کند. دیگر مشخصه‌های اختیاری، عبارت از یک محل سربسته برای حاکم (مقصوروه)، یک سکو برای خواننده «جهت دادرسی» (دکه)، و یک میز خطابه برای قصه‌گو (کرسی) است.

براین نکته باید تأکید ورزید که مسجد منحصراً یک مکان مذهبی نیست، بلکه صحن مساجد مانند میدان عمومی یونان باستان یا مکان اجتماعات روم، مکان مطلوب برای گرد همایی عمومی است، که در آن، خطبه جمعه همواره مسائل سیاست، جنگ و مذهب را مورد توجه قرار

داده است، و همین طور جمعیت برای خلفا و والیان ابراز احساسات نموده‌اند، قاضیان جلسه دادگاه تشکیل داده‌اند، بیت‌المال نگهداری شده و امر تعلیم دایر بوده است. مسجد بر خلاف یک کلیسا، نه تنها خدمات مربوط به ازدواج‌ها و تولد‌ها را ارائه نمی‌دهد، که اسلام آیین اعتراف و مراسم پذیرش به عضویت مسجد را هم مقرر نکرده است.

مناصب مسجد

از نظر تاریخی، مساجد از راه اموال اهدایی (وقف)، تأمین هزینه شده‌اند که از سوی یک متولی (ناظر) اداره می‌شود که به مدیریت منابع مالی مسجد و تعیین هیأت (امنای) آن نیز نظارت می‌کند. از آنجا که اسلام کشیش و آیین عبادت کلیسا ندارد، مقامات مسجد کم شمار بوده و ظاییف آنها ساده و روشن است.

۱. امام یا پیشوای نماز، مهم‌ترین منصوب است. در صدر اسلام، حاکم خود این وظیفه را به عهده می‌گرفت. او رهبر حکومت، فرمانده جنگ و امام جماعت بود. در روزگار عباسیان، زمانی که خلیفه به مدت طولانی نمازها را به طور منظم برگزار نمی‌کرد، یک امام جماعت حقوق‌بگیر منصوب شد. در حالی که هر مسلمان سرشناس یا تحصیل کرده می‌تواند افتخار امامت نمازها را داشته باشد، هر مسجد مخصوصاً مردی را که در موضوعات الهیات بسی ماهر است، نصب می‌کند تا در مقام امامت مسجد انجام وظیفه کند. او مسؤولیت فعالیت‌های مذهبی

مسجد را بر عهده دارد و وظیفه اوست که پنج بار در روز در جلوی
محراب نماز گزارد.

وظیفه امامت جماعت برای یک امام که معمولاً شغل دیگری
مانند قضاوت، آموزگاری، یا مغازه‌داری دارد، یک حرفه نیست
و این عنوان دایر مدار شغل است نه شخص.

۲. خطیب یا واعظ جمعه، نیز یک منصوب مذهبی است. این شغل
بسان امامت جماعت به تدریج از زمانی شکل گرفت که خلیفه عباسی
به مدت طولانی خطبه‌های جمعه را ایراد نکرد. مردمی تحصیل کرده در
موضوعات دینی، منصوب گشت تا نماینده حاکم باشد. اغلب، قضات
به عنوان خطیب برگزیده می‌شوند و این شغل معمولاً موروثی است.

در مساجد بزرگ شماری خطیب منصوب شده‌اند تا به یکدیگر
کمک کنند. در حالی که در مساجد کوچکتر و ظایف خطیب و امام
می‌تواند تلفیق شود. در کنار خطیب، واعظ و فاقص «قصه‌گو» به عنوان مبلغ
ارشادگر، به طرزی متفاوت فعالیت می‌کنند.

۳. مؤذن نمازهای پنجگانه روزانه و عبادت ظهر جمعه را
به مؤمنان اعلام می‌کند. بر طبق سنت، اذان (اعلام) در نخستین سال آغاز
دوره اسلامی وضع شد. بالاخره برده آزاد شده پیامبر (مشهور در
داشتن صوت دلنواز)، نخستین مؤذنی بود که مؤمنان را به نماز فراخواند.
در آغاز مؤذنان از بالای مسجد فرامی‌خواندند، تا اینکه اذان به سرعت
یک جایگاه رسمی در مأذنه (مناره) به دست آورد.

تا قرن بیستم مؤذن روزی پنج بار بر فراز مناره می‌رفت تا فراخوان نماز را نداشته باشد.^(۱) اما با رواج بلندگوهای الکتریکی و اذان‌های ضبط شده، هنر خیلی پیشرفته مؤذن دیگر ضروری نیست. مؤذنان که منصبشان گاه موروثی بوده، تحت رئاسای «مسجد» سازماندهی می‌شوند که در اهمیت پس از امام قرار دارند. مؤذنان همچنین در مواردی وظیفه موقت را انجام می‌دهند؛ یعنی اخترسنایی که قبله را تعیین می‌کند.

نهادها: در صدر اسلام احداث مسجد، به عنوان وظیفه حاکم تلقی می‌شد، اما با گسترش اسلام، والیان شهرها این نقش را به عهده گرفتند و تابع افراد غیردولتی بودند.

ساختن مساجد، یک وظیفه دینی و اجتماعی شمرده می‌شود؛ یک حدیث گزارش می‌کند که پیامبر فرمود: «هر کس مسجدی بسازد، خداوند یک خانه در بهشت برای او بسازد». ^(۲) و از باب اظهار شهرت و اعتبار «از سوی بانیان»، شمار مساجد به نحو شگفت‌انگیزی افزایش یافته است. برای نمونه گاهشماران و مسافران سه هزار مسجد برای بغداد سده چهارم، دویست و چهل و یک مسجد برای دمشق در سده هفتم و دوازده هزار مسجد برای اسکندریه در سده هفتم، گزارش می‌کنند.

۱. پنج بار اذان گفتن ناظر به سنت عامه است. شیعیان روزی سه بار اذان می‌گویند. م

۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۸، ح ۱؛ سنن الترمذی، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۳۱۸. م.

کارکردهای مختلف مسجد

مسجد افزون بر کارکردهای دینی و سیاسی، همواره به عنوان یک کانون فعالیت اجرایی، حقوقی و آموزشی خدمت کرده است. در حالی که کار اصلی حکومت (اسلامی) بی‌درنگ پس از شروع، از مسجد به دیوان یا مجلس مخصوص انتقال یافت، انجام امور مربوط به دارای عمومی در مسجد باقی ماند و خزانه عمومی (بیت‌المال) در آنجا نگهداری شد. بدین‌سان در عصر پیامبر، مسائل حقوقی در مسجد حل و فصل می‌شد.^(۱) در همان اوایل - سال ۲۲۲ و ۲۳ هجری - قاضی فسطاط، جلسات خود را در مسجد برگزار کرد و در قرن چهارم نایب قاضی دمشق یک رواق ویژه در صحن مسجد «بنی‌امیه» به خود اختصاص داد.

زمانی که قضات به طور رسمی به محاکم قضایی منتقل شدند، مسجد به صورت مرکز مطالعات حقوقی باقی ماند. سرانجام مسجد از طریق درس محافل (حلقات) که به طور سنتی در صحن مساجد برپای ستون‌ها گردانی شدند، به عنوان پایدارترین مرکز آموزش در اسلام ایفای نقش کرده است. برخی مساجد مانند مسجد المنصور در بغداد یا مساجد اصفهان، مشهد، قم، دمشق، و قاهره مرکز فراگیری علم برای متعلمین از سراسر دنیا شدند.

۱. گزارش‌های متعددی از قضاوت‌های امیر مؤمنان علیهم السلام در «دکة القضاء» جامع کوفه در دسترس است.

تعلیم در مساجد، حتی پس از گسترش مدارسی که در آن‌ها آموزش دایم، مورد تأیید دولت و با هزینه دولت عرضه می‌شد، ادامه یافت. در دوران معاصر، کارکردهای سیاسی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی مسجد عمومی، از سوی نهادهای تخصصی کنترل می‌شود.



مسجد و جنبه‌های عبادی آن

□ مهدی سلطانی رنانی

مسجد از نگاهی خانه خداست^(۱) و از منظری دیگر، مجلس و جایگاه پیام آوران بزرگ الهی و مأوای همه تقوا پیشگان؛ که «المساجدُ مجالسُ الانبياء»^(۲) و «المساجد بيوت المتقين...».^(۳)

در فرهنگ دینی نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد به معنای جایگاه سجده، و سجده، اوچ عبادت و بندگی انسان برای خداست. از این رو، توصیف این خانه

۱. نور: ۳۶.

۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳، باب ۳ از ابواب احکام المساجد،

شماره ۱۸.

۳. همان، ص ۳۶۲.

بزرگ و پرشکوه را باید از زبان صاحب آن شنید و برای شناخت و پی بردن به گوشه‌ای از فضایل و عظمت این بنیان مقدس، برترین راه آن است که به قرآن کریم دل بسپاریم و حقیقت قرآن را در این رابطه دریابیم.

در قاموس فرهنگ وحی، مسجد متعلق به ذات پاکی است که سرچشمۀ تمام بزرگی‌هاست: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا».^(۱) پروردگاری که خود، مسجد را بزرگ داشته، به بزرگداشت آن نیز فرمان داده^(۲) و این مکان را مرکز پرستش خالصانه و توحید ناب قرار داده است.^(۳) مسجد جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبد است: «وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مسجد وَأَدْعُوهُ مخلصين لَهُ الدِّين».^(۴) مسجد، پایگاه عروج انسان از خاک به افلات است:

«سُبْحَانَ اللَّهِي أَسْرَى بِعَيْنِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى»؛^(۵) مسجد، زیارتگاه خاص خداوند است: «أَلَا طَوْبٌ لِعَيْنِهِ تَوْضًا فِي بَيْتِهِ شُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي»؛ خوشابه حال بنده‌ای که در خانه خویش وضو بگیرد، آنگاه مرا در خانه‌ام زیارت کند.

۱. جن: ۱۸.

۲. نور: ۳۶.

۳. جن: ۱۸.

۴. حج: ۴.

۵. اسراء: ۱.

انوار تابناک و بی‌آلایش پرستش در مسجد، برای عرش نشینان پرتوافکنی می‌کند، آن‌سان که ستارگان آسمان برای ما خاک‌نشینان نورافشانی می‌کنند. یکی از نقش‌های اساسی مسجد، فراهم کردن زمینه عبادت پرحضور و خاشعانه است تا مؤمنان در آنجا با پرداختن به نماز، ذکر و دعا، زنگار غفلت از دل و جان بشویند و با خداوند متعال انس بگیرند. پس ساختن، تعمیر کردن و آبادان نگاه داشتن این جایگاه پرفروغ، افزون بر آنکه نشان ایمان محسوب می‌گردد، تنها در قلمرو صلاحیت مؤمنان خداجوی جای گرفته است^(۱) تا آنان با الهام از جوهر ایمان که خمیر مایه جان‌های پاکشان گشته، این بنای مقدس را از بُن بر پایه استوار «تقوا» و «خشودی خداوند» پی‌ریزی کنند^(۲) و در نتیجه، دستان ناپاکی که با گفتار و کردار بر کفر و شرک و آلودگی خویش گواهی می‌دهند، از عمارت آن کوتاه بماند.^(۳)

عبادت و راز و نیاز با خداوند، نیاز واقعی و فطری هر انسان و مکمل، بلکه مقوم شخصیت اوست. اگرچه عبادت در هر مکانی این نیاز روحی را به طور نسبی تأمین می‌کند، ولی این نیاز در مسجد و عبادتگاه بهتر و کامل‌تر تأمین می‌شود. بر این پایه، انسان بنا به فطرت خویش، معبد و مسجد را دوست می‌دارد و بدان عشق می‌ورزد.

۱. توبه: ۱۸.

۲. توبه: ۱۰۹.

۳. توبه: ۱۷.

پژوهش‌های تاریخی حاکی از آن است که معبد با انسان، همراه و همزاد بوده است. از این‌رو، موصومان علیهم السلام در سخنان خویش، مسجد را آشیانه و پناهگاه مؤمن بر شمرده‌اند؛ پناهگاهی که انسان در آن از دغدغه و اضطراب فاصله می‌گیرد و به آرامش و سکون دست می‌یابد. امام صادق علیه السلام به مسلمانان سفارش می‌کند که هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه‌های دنیوی، به نماز و مسجد پناه ببرند. در کتاب کریم الهی نیز رونق مساجد تابدانجا مهم شمرده شده که یکی از رازهای تشریع فریضه «جهاد» پاسداری از پرستشگاه پر عظمت در برابر یورش حاکمان خودکامه و ستمگر است^(۱)؛ زورمدارانی که چون بر تخت نشینند، به انهدام و ویرانی مساجد همت می‌گمارند و در راستای رکود و کاستی آن از هیچ تلاش شومی فروگذار نمی‌کنند. راز این امر روشن است؛ آنان با توحید و یکتاپرستی در ستیزند و مسجد، تجلی‌گاه توحید و بنیان برافراشته‌ای است که با قامتی به بلندای همه تاریخ، طنین افکن سروش توحید بوده است.

حضور مؤمنان خداجوی در مسجد، حضوری عاشقانه و برخاسته از محبت سرشار آنان نسبت به مسجد است^(۲)، که از یک عشق فطری و نیاز طبیعی سرچشمه می‌گیرد؛ همچون رفت و آمد پرنده‌گان به اشیانه

۱. حج: ۴۰.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۲، باب ۳ از ابواب احکام المساجد،

روایت ۴.

و پناهگاه خویش.^(۱)

اینان به فرمان «یا بَنِي آدَمْ حُذُوا زِيَّتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^(۲) خود را به زینت «اخلاص» و «فرمانبرداری از حق» می‌آرایند و برای زمزمه عاشقانه با محبوب، ندای «وَأَدْعُوكُمْ مُحْلِصِينَ لَهُ الَّدِينَ»^(۳) را عملاً پاسخ می‌گویند.

در نگاه آنان، این محبت، از عشق ورزیدن به دیگر مقدسات دینی جدایی ناپذیر است. آن‌ها عشق به مسجد و حضور در آن را حلقه‌ای از یک زنجیره می‌یابند؛ زنجیره‌ای که از چند عشق ناگستینی و به هم پیوسته ترکیب یافته است: عشق به آفریدگار جهان، عشق به پیام آور بزرگ او، یعنی حضرت محمد ﷺ، عشق به خاندان پاک پیامبر ﷺ عشق به کتاب آسمانی و عشق به مسجد؛ که: «مَنْ أَحَبَ اللَّهَ فَأُحِبَّهُ وَمَنْ أَحَبَّنِي فَلَيُحِبَّ عَنْتَ وَمَنْ أَحَبَّ عِنْتَ فَلَيُحِبَّ الْقُرْآنَ وَمَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلَيُحِبَّ الْمَساجِدَ...»^(۴). بدین منظور است که قرآن مجید، آنان که دین باوران و حق جویان را از ذکر و یاد خدا در مسجد باز می‌دارند و یا در راستای آن گام می‌نهند از ستم پیشه‌ترین انسان‌ها معزوفی نموده:

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱، باب ۳، روایت ۱۴.

۲. اعراف: ۳۱.

۳. اعراف: ۲۹.

۴. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵ باب ۱ از ابواب احکام المساجد، روایت ۲.

﴿وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِيْ خَرَابِهَا...﴾^(۱)
و کیفر این افراد را خذلان و خواری دنیا و عذاب عظیم الهی در سرای
جاودانه دانسته است.^(۲)

مسجد، کانون درخشنانی است که انوار تابناک الهی را بر گستره زمین می پراکند: «المساجد انوار الله»^(۳) مسجد همچنین به عنوان برترین و گرامی ترین مکان های زمین شناخته شده است^(۴) و در جایگاه اصیل خویش بنایی است مبارک، فرخنده و به دور از کثری و گمراهی، آن گونه که اهلش نیز بر کنار از ضلالتند.^(۵) اهل مسجد نیک می دانند که هرگام متواضعانه و به دور از شائبه ای در مسیر آمد و شد به مسجد، نشانی از عبودیت و خاکساری به آستان و سرای معبد است و آگاهند این قدمها همگی در کتابی که هیچ کوچک و بزرگی را فرو نمی گذارد، ثبت و درج می شود: ﴿وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ...﴾.^(۶)

۱. بقره: ۱۱۴.

۲. بقره: ۱۱۴.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۸ باب ۵۴ از ابواب احکام المساجد، روایت ۲۰.

۴. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۴۴ باب ۶۰ از ابواب آداب التجاره روایت ۱.

۵. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵، باب ۱ از ابواب احکام المساجد، روایت ۲.

۶. یس: ۱۲.

دلباختگان مسجد بر حضور مداوم در خانه دوست پایداری می‌ورزند و تنها به دنبال کسب رضوان الهی هستند.^(۱) آنان ارمنغان همنشینی با صدیقان و شهیدان و حضور در محفل پیام آوران بزرگ الهی در بهشت را در سایه آمد و شد به مسجد به چنگ می‌آورند،^(۲) نوری متلألئی که در پرتو آن، تاریکی‌های جهان دیگر را همچون برق می‌پیمایند، نصیبشان می‌شود^(۳) و رحمت و آسایشی از سوی خداوند آنان را در بر می‌گیرد. اینان سهل و آسان بر «صراط» گذر می‌کنند^(۴) و در کنار عشق خدا مأوى می‌گزینند.^(۵)

مسجد در آیین اسلام ناب و پاک محمدی ﷺ مرکز نشر معارف بلند آسمانی نیز هست.^(۶) خداجویان و حق طلبان، گوهر گران‌بهای

۱. اقتباس از روایت موجود در *وسائل الشیعه*، ج ۳، ص ۴۸۲، باب ۳ از ابواب احکام المساجد، روایت ۶.

۲. میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۳، ص ۳۶۵ باب ۴ از ابواب احکام المساجد، روایت ۴.

۳. شیخ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱، ص ۲۶۸، باب ۱۰ از ابواب الوضوء، روایت ۵.

۴. میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۳، ص ۳۶۲، باب ۳ از ابواب احکام المساجد، شماره ۱۸.

۵. همان، ص ۳۶۵ باب ۴ روایت ۳.

۶. با توجه به روایت موجود در *وسائل الشیعه*، ج ۳، ص ۴۸۰، باب ۳ از ابواب اکام المساجد، روایت ۱.

آشنایی با دین و فهم آن را در این مرکز مقدس بدست می‌آورند و دین را چنان که هست از زبان روحانیان دین باور و دانشمندان متعهد اسلامی فرا می‌گیرند. زمزمه آیات جانفزای قرآنی، آگاهی بر گوشه‌ای از رازهای پنهان کلام الهی، تفسیر و تبیین معارف و احکام آسمانی در این مقر والا صورت می‌پذیرد. مسلمانان، علوم اسلامی گوناگون، از فقه و حدیث، تفسیر و عرفان گرفته تا تاریخ و مسائل اجتماعی-سیاسی را در خانه خدا، که منزلگاه خود آن‌هاست، فرا می‌گیرند و بدین سان مسجد در اسلام، کانون مبارزه با جهل و نادانی است. سدی است شکست‌ناپذیر در برابر امواج ویرانگر و بنیان براندازی که فرهنگ و اندیشه دینی را هدف قرار می‌دهد. متأسفانه با وجود این همه جلالت و منزلتی که مسجد داراست، نقش و جایگاه مهم آن حتی بر ما مسلمانان پوشیده و ناشناخته مانده است. چه بسیار کسانی که خود را از این خوان‌گسترده و چشم‌چشم‌جوشان و دریای بی‌کران، محروم نموده، با این مرکز مقدس ناآشنا و بیگانه‌اند از مسجد، توشه‌ای بر نمی‌گیرند و با آن الفتی ندارند. از این روست که مسجد از آنان، بهویژه اگر از همسایگانش باشند، به خداوند متعال شکایتش می‌کند و شکایت آن هم پذیرفته می‌شود و چنین انسان‌هایی از همنشینی و قرب حق تعالی در بهشت بی‌بهره می‌گردند. رحمت الهی با تمام گسترده‌گی اش آن‌ها را در بر نمی‌گیرد، نمازهایشان هم اگر بدون عذر

از مسجد سرباز زده باشند، مقبول درگاه الهی نمی‌افتد.^(۱) اولیاء و بزرگان دین با آنکه مظہر مهربانی و رحمت می‌باشند، به چنین کسانی با دیده عطوفت نمی‌نگرنند.^(۲)

مسلمانان بیداردل نیز به فرمان پیامبر خویش آنان را مؤمن خداجوی و مسلمانی کامل به شمار نمی‌آورند.^(۳) به امید آنکه همه ما در زمرة پاسداران حقیقی مساجد بوده و همه روزه با حضور در آن‌ها و به پای داشتن فریضه نماز در صفوی منظم، پیوستگی و همبستگی خویش را با همه همنوعان خود به نمایش بگذاریم و از این راه اولاً، امیدهای واهی دشمنان پیدا و پنهان جامعه اسلامی را به یأس و نامیدی مبدل سازیم و ثانیاً، به قدر توان خویش در راستای آبادانی و رونق این مکان مقدس تلاشی پیگیر نماییم تا هم در این جهان سربلند زندگی کنیم و هم در جهان آخرت بهترین فیوضات و پاداش‌های الهی را نصیب خویش گردانیم.

راز نامگذاری مسجد

قرآن کریم علّت نامگذاری «مسجد» را چنین می‌داند:

۱. همان، ص ۴۷۹، باب ۲ از ابواب احکام المساجد، روایت ۸.

۲. همان، ص ۴۷۸، روایات ۲، ۶، ۷، ۹.

۳. با توجه به روایات مذکور در شماره قبل و نیز ر.ک: شیخ صدوq، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۲۵، باب ۱۸: عله الجماعه.

مسجد را «مسجد» گویند؛ زیرا محل سجده و مقز تواضع در پیشگاه خداوند متعال است. سجده مظہر بندگی و تعظیم در برابر حق تعالی می باشد و در میان تمامی عبادت ها حتی نسبت به دیگر اجزای نماز نیز از شرافت و برتری ویژه ای برخوردار است. بنابراین، مسجد به معنی محل سجده و نماز و در واقع، به مفهوم جایگاه عبادت و یاد خداوند متعال می باشد.^(۱)

در قرآن کریم از مسجد به عنوان «بیت الله» نیز یاد می شود.^(۲) راز این نامگذاری آن است که مردم در این مکان به سوی خداوند متعال تقرب می جویند و با عبادت خالصانه و پر حضور به سوی او ره می سپارند. همانگونه که انسان برای یافتن کسی او را در خانه اش می جوید، برای بار یافتن در محضر خاص پروردگار و ملاقات با وی نیز باید به مسجد که منزلگه اوست بنشتابد. پس خانه خدا در حقیقت، خانه مردم و محل گرد آمدن آنان برای پرستش و بندگی حق تعالی است.

قرآن همچنین کعبه را که برترین خانه خدا روی زمین است، خانه ای برای مردم به شمار آورده و می فرماید:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لِلَّذِي يَنْكَثُ﴾.^(۳)

۱. جن: ۱۸.

۲. نور: ۳۶. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸، باب ۱۰ از ابواب الوضوء روایت ۵.

۳. آل عمران: ۹۶.

مسجد؛ کانون پرستش خالصانه

معمولًا در قرآن کریم، هر جا سخن از مسجد به میان آمد، جنبه‌های عبادی آن در اولویت قرار گرفته و به عنوان نقش اولیه و بنیادین این جایگاه مقدس به شمار رفته است.

در آیه‌های متعددی، مسجد جایگاه عبادت و یاد خداوند جل و علا شناخته شده است. قرآن کریم در جایی می‌فرماید:

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تُدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾.

در تفسیر «مجمع‌البيان» درباره کلمه مساجد در آیه مزبور، چهار معنا از مفسران نقل شده است. برخی برآورده که مراد از آن اعضای هفتگانه است که انسان باید در هنگام سجده آن‌ها را بر زمین گذارد.

از امام محمد تقی علیه السلام نیز روایتی نقل شده که ایشان در جواب معتقد، آیه شریفه را همین گونه تفسیر نموده‌اند.^(۱)

برخی از مفسران برآورده که مقصود از «مساجد» در این آیه، همه زمین است؛ زیرا همان‌گونه که ذکر گردید، در آیین محمدی علیه السلام همه زمین مسجد و پرستشگاه است. بر اساس معنای سوم، این کلمه در معنای نماز بکار رفته است، زیرا مسجد به مفهوم سجده است و مراد از سجده نیز تمامی نماز است. سرانجام، معنای چهارم آن است که منظور از مساجد، مکان عبادت مسلمانان می‌باشد؛ همان مفهومی که‌ای بسا ذهن هر

۱. ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۹۰، باب ۴ از ابواب السرقة، روایت ۵.

مسلمانی با شنیدن واژه مسجد آن را به یاد می‌آورد. شاید بتوان گفت: روش ترین معنا برای آیه مورد بحث، همین معنای اخیر است که بر پایه آن، مساجد به معبد و پرستشگاه مسلمانان تفسیر شده است. این مفهوم با آنچه که از امام جواد^{علیه السلام} نیز درباره این آیه نقل شده است منافات ندارد، بلکه با این سخن ایشان پرده از معنای باطن و پنهان آیه برداشته‌اند؛ زیرا خود فرموده‌اند: قرآن‌گاه دارای معانی مختلف هفتادگانه است.^(۱)

خداآوند متعال در آیه دیگری از قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَأَدْعُواهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الْدِينَ ﴾.^(۲)

در مورد معنای کلمه «مسجد» در این آیه نیز مباحثی شبیه آنچه در آیه قبل گذشت، مطرح شده است.^(۳)

چنانچه واژه مسجد را به معبد و پرستشگاه مسلمانان تفسیر کنیم، از این آیه استفاده می‌شود که مسجد، جایگاه دعا و عبادت خالصانه است؛ زیرا خداوند ابتدا انسان را فرمان می‌دهد که در مسجد حضور یابد، آن‌گاه از او می‌خواهد که دعا و عبادت خویش را با اخلاص کامل انجام دهد و این آیه به روشنی مفهوم فوق را نمایان می‌سازد.

۱. در روایتی که از پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} و اهل بیت^{علیهم السلام} پیرامون تفسیر آیات قرآن مجید وارد شده فراوان یافت می‌شود که ایشان گاه برای یک آیه معانی گوناگونی را ذکر کرده‌اند؛ این امر گویای علم گسترده آنان به متون قرآن و معانی پوشیده آن است.

۲. اعراف: ۲۹

۳. ر. ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البيان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱۱.

مسجد؛ خانه ذکر و یاد خدا

قرآن کریم در جایی دیگر، صریحاً مسجد را جایگاه ذکر و یاد خداوند متعال معرفی می‌نماید؛ آنجا که می‌فرماید:

﴿أَذْنَ لِلَّذِينَ يَعَاثُلُونَ يَأْنَهُمْ ظُلْمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِعَضٍ لَهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبَيْعَ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذْكُرُ فِيهَا أَسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا﴾.^(۱)

در ارتباط با این آیات چند نکته در خور توجه است:

۱. بر پایه سخن مفسران، این آیات اولین فرمانی است که در زمینه تشریع «جهاد» نازل گشته است.^(۲) این آیات، اولین پیام آسمانی است که به مسلمانان اجازه می‌دهد در برابر تجاوز و آزارهای مشرکان قریش و هر متجاوز دیگری به دفاع از خویش برخیزند. تا پیش از نزول این فرمان، مسلمانان بارها از سوی مشرکان مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند و به همین منظور نزد پیامبر ﷺ می‌آمدند و از ستم و آزار قریش گلایه می‌کردند. ولی پیامبر ﷺ در پاسخ آنان می‌فرمود: هنوز خداوند متعال مرا

۱. حج: ۴۰ - ۳۹.

۲. ر. ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۸۷؛ ابن هشام نیز به نقل از عروة بن زبیر و جمعی از علماء می‌گوید: این آیات، اولین آیاتی است که طی آن به پیامبر ﷺ اذن جنگ و جهاد با کافران داده شده است. (ر. ک: السیره النبویة، ج ۲، ص ۱۱۰).^(۱)

به جنگیدن فرمان نداده است.^(۱)

۲. در فرمانی که از سوی سخنوری حکیم صادر می‌شود، چنانچه بنا باشد علت و راز صدور آن نیز بیان شود، مهم ترین انگیزه‌ای که در صدور آن نقش داشته مطرح خواهد شد. خداوند متعال در آیات یاد شده در بیان رمز و راز تشریع جهاد می‌فرماید: اگر در ادیان الهی جهاد و مبارزه تشریع نمی‌شد و در نتیجه، مؤمنان چیره و دشمنان دین مغلوب نمی‌شدند؛ معابد و پرستشگاه‌ها به ویرانی می‌گراید. این نکته از یک سو، نشان اهمیت ویژه و جایگاه والای مسجد در مجموعه دین است و از سوی دیگر، اشاره به این موضوع دارد که مسجد، پرچم دین و نشان و مظهر اسلام و مسلمانی است. پیام دیگر آیات یاد شده در این نکته آن است که یکی از اهداف جهادگران مسلمان، تلاش برای رونق بخشیدن به مساجد و جلوگیری از خرابی و رکود آن‌هاست. این مسئله به عنوان آرمانی مقدس، آرزوی همه مسلمانانی است که صادقانه در جهت برپایی حکومت حق و عدل تلاش می‌کنند. این موضوع در آیه بعدی به شکلی صریح و روشن بیان شده است: «**أَلَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ**».^(۲)

پس آرمان اساسی آنان که برای برپایی حکومت الهی تلاش و مبارزه می‌کنند، آن است که مظاهر پرستش و بندگی خداوند در زمین،

۱. همان.

۲. حج: ۴۱.

یعنی مساجد، آباد و پررونق باشد؛ زیرا اگرچه «نماز» باید تمامی تار و پود یک جامعه اسلامی را فراگیرد و در همه جا به معنای حقیقی کلمه برپا شود. اما جایگاه اصلی نماز، «مسجد» است. بنابراین، تلاش و کوشش برای گسترش فرهنگ نماز در جامعه، از تلاش در راه گرمی و توسعه مساجد جدا نیست.

۳. خداوند در بیان وصفی از اوصاف مسجد می‌فرماید: «در این مکان یاد خدا فراوان می‌شود». می‌دانیم که سخنور حکیم هرگاه در صدد توصیف چیزی برآید، به ذکر وصف یا اوصافی از آن می‌پردازد که در نظر وی دارای برجستگی و اهمیت ویژه‌ای باشد. به طور طبیعی، کسانی که مخاطب چنین سخنی قرار می‌گیرند نیز باید آن ویژگی را مورد توجه بیشتری قرار دهند. خداوند متعال در مقام توصیف و بیان ویژگی مسجد، از این مکان مقدس به عنوان محلی که «نام خداوند در آن فراوان برده می‌شود» یاد فرموده است. این امر صریحاً مشخص می‌نماید که نقش اوّلیه و بنیادین مسجد در اسلام آن است که جایگاه ذکر و یاد حق تعالی باشد و مؤمنان در آنجا با نام‌های نیکوی خداوند، او را بخوانند و در این جایگاه مقدس است که بشر بر پایه فطرت خود، توحید و یگانگی خداوند را درک می‌کند و با یاد دایمی او خود را از امواج دغدغه‌ها و اضطراب‌ها دور می‌نماید و به ساحل آرامش و اطمینان می‌رساند.

مسجد؛ خانه تسبيح و ذكر مردان خدا

این نکته که مسجد جایگاه حضور مؤمنان برای ذکر و تسبيح خداست، در آيه‌اي دیگر از قرآن کريم مورد تأکيد قرار گرفته است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ فِي يَوْتِ أَذْنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِ وَالآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا يَنْعَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامُ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَيْصَارُ ﴾.^(۱)

علامه بزرگوار، عارف بالله سید محمدحسین طباطبائی - رضوان الله عليه - در تفسیر اين آيه سخنانی دارند که حاصل آن چنین است:

مقصود از «رفع» در اين آيه، بالا بردن قدر و منزلت مسجد، يعني تعظيم و بزرگداشت آن است. اساساً عظمت و بزرگی از آن خداوند است. هر کس به همان ميزاني که با خداوند پيوند و نسبت دارد، در عظمت و بزرگی با وي شريک است. پس اگر خداوند به بزرگداشت چيزی اذن می‌دهد، در واقع با توجه به پيوند و ارتباطی است که آن چيز با خداوند متعال پیداکرده است. از آنچه ذکر گردید روشن می‌شود که راز تعظيم مسجد صفتی است که پس از کلمه «مسجد» ذکر گردیده و آن «بردن نام خداوند در مسجد» است....

در باره کلمه بیوت نیز ایشان می‌فرماید:

«قدر مسلم از معنای آن، همان مساجد است که جایگاهی ویژه برای ذکر نام خداست و به همین منظور بنا شده». ایشان به هنگام بحث از روایت‌هایی که پیرامون این آیات وجود دارد نیز با ذکر روایتی می‌فرماید: «خانه‌های پیامبران و ائمه علیهم السلام نیز از مصاديق کلمه بیوت است».^(۱)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این آیه نیز وصفی که برای مسجد ذکر شده آن است که در مساجد نام خداوند برده می‌شود و مردان خدا برای تسبیح حق تعالی در صبح و شام بدان روی می‌آورند و این نکته به روشنی آشکار می‌کند که رسالت اوّلیه و اساسی مسجد در اسلام، کانون عبادت، ذکر و تسبیح خداوند متعال بودن آن می‌باشد.

آبادانی مسجد از دیدگاه قرآن

﴿إِنَّا يَعْمَرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ أَمْنَ بِاللَّهِ وَأَلْيَوْمٌ الْآخِرِ...﴾.^(۲) مساجد الهی را فقط کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورد و نماز را به پا دارد و زکات را پردازد و از چیزی جز خدا نترسد. امید است چنین گروهی هدایت یابند.

منظور از آباد ساختن مساجد در منظر قرآن، صرفاً آبادی

۱. ر.ک: تفسیرالمیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۶ و ۱۴۲؛ همچنین ر.ک: سیمای مسجد، ص ۴۲ و ۴۳.

۲. توبه: ۱۸.

ساختمان نیست، بلکه به معنای اجتماع و شرکت در مسجد نیز می‌باشد. بنابراین، مشرکان نه حق شرکت در مساجد را دارند و نه حق تعمیر و بنای ساختمان آن‌ها را. عمران و آبادانی مسجد به هر شکلی که باشد، باید به دست مسلمانان انجام گیرد. البته متولیان و پاسداران مساجد نیز باید از بین پاک‌ترین افراد انتخاب شوند. باید دست‌های ناپاک را از تمام این مراکز مقدس کوتاه کرد.

از روزی که گروهی از زمامداران جبار یا ثروتمندان آلوده و گنهکار دست به ساخت مساجد و مراکز اسلامی زدند، روح معنویت و برنامه‌های سازنده در آن‌ها مسخ گردید. از این‌رو، می‌بینیم که بسیاری از این گونه مساجد، در کشورهای اسلامی، شکل مسجد ضرار به خود گرفته است؛ یعنی ساختمان‌های عظیم و با شکوه و دارای جلوه‌های ظاهری و زیبا، اما درون تهی و بی‌روح.

ممکن است بعضی بگویند: چه مانعی دارد که از سرمایه‌های غیرمسلمانان برای عمران و آبادی این مراکز استفاده نماییم؟ این افراد توجه به این نکته اساسی ندارند که اسلام همه جا عمل صالح را می‌بیند درخت ایمان می‌شمرد. نیت‌های ناپاک ممکن نیست عمل پاکی به وجود آورند و محصول مفیدی از خود نشان دهند. جمله «لم یخش الا الله» در دنباله آیه روش می‌کند که عمران، آبادی و نگهداری مساجد، جز در سایه شهادت و شجاعت ممکن نیست. هنگامی این کانون‌های اسلامی به صورت مراکز انسان‌سازی در می‌آیند که پاسداران شجاعی داشته باشند؛ کسانی که از هیچ‌کس جز خدا نترسند، تحت تأثیر هیچ مقام

و قدرتی قرار نگیرند و برنامه‌ای جز برنامه‌های الهی در آن پیاده نکنند. در یک کلام و به تعبیر دیگر، آنچه از دیدگاه قرآن مهم‌تر است، عمران و آبادی معنوی مساجد است. یعنی مسجد باید کانونی باشد برای هرگونه حرکت و جنبش سازنده اسلامی، در زمینه آگاهی و بیداری مردم، پاکسازی محیط و آماده ساختن مسلمانان برای دفاع از میراث اسلام.

مساجد خدا را فقط کسانی آباد می‌کنند که ایمان به خدا دارند؛ زیرا آبادانی آن‌ها فقط روی هم گذاشتن سنگ و آجر نیست، که این کار را طاغوتیان بهتر انجام می‌دهند، بلکه ساختن بالخلاص، رونق دادن آن با حضور، اجتماع نمازگزاران، زکات دادن و آن را محراب قرار دادن برای مبارزه با شیطان نفس و دشمنان خدا مراد است. عرف‌گفته‌اند: «مساجد اعضای بنده است که به وقت سجود بر زمین نهاده، عمارتش آن است که آن را به ادب شرع دارند و به زیور حرمت بیارایند و هرگز پیش مخلوق از بهر دنیا بر زمین ننهند و جز خدای عزّوجل را استحقاق سجود ندانند».

فخر رازی درباره ارتباط زکات و عمارت مسجد می‌نویسد:

«اعتبار اقامه نماز و پرداخت زکات در عمران و آبادی مسجد، گوبی دلالت دارد بر اینکه آبادی مسجد به حضور در آن است؛ زیرا وقتی انسان نمازگزار باشد در مسجد حضور به هم می‌رساند و مسجد را رونق می‌بخشد و وقتی زکات دهنده باشد، طوایف فقرا و مساکین برای دریافت زکات به مسجد روی می‌آورند و بدین وسیله، این امکان معنوی آباد می‌گردد».

تأکید پیشوایان دین بر جنبه‌های عبادی مسجد

در سخنان معصومان ﷺ نیز به پیروی از قرآن کریم بر جنبه‌های عبادی مسجد، فراوان تأکید شده است:

دقّت در عمل به احکام و آداب مسجد نشان می‌دهد که پیشوایان دین برآند تا مسجد جایگاهی مناسب برای ذکر و یاد حق تعالیٰ باشد و مؤمنان بتوانند در آنجا با حضور قلب خدای را پرستش کنند. آنان بر همین پایه، از انجام هر کاری که ممکن است مسجد را از ایفای چنین نقشی باز دارد، نهی نموده‌اند.

آراستن مساجد با طلا، نقاشی کردن مسجد، خرید و فروش، قضاوت کردن و اقامه حدود در مسجد، راه دادن دیوانگان و خردسالان به مسجد، بلند کردن صدا و به زبان آوردن سخنان بیهوده، اعلام اشیای گمشده و پیدا شده در مسجد و اموری از این دست، هر کدام می‌تواند انسان را از توجه شایسته به نماز و عبادت مسجد باز دارد.

گاه اتفاق می‌افتد رفتار دیوانه‌ای در مسجد یا کارهای بچّه گانه کودک خردسال افکار نمازگزاران را پریشان کند. اعلام چیزی پیدا یا گم شده، جمعی را از توجه به نماز و عبادت باز می‌دارد. بیرون آوردن شمشیر از غلاف یا آویزان نمودن آن در سمت قبله مسجد ممکن است برای نمازگزار یا کسی که به قرائت قرآن یا ذکر و دعا مشغول است، ایجاد هراس و وحشت نماید و او را از عبادت باز دارد. تأکید بر حضور در مسجد با حالت طهارت و پاکیزگی، ترغیب نمازگزاران نسبت

به آراستن خویش و استفاده از عطر و بوی خوش و برطرف نمودن بوی بد دهان و بدن به هنگام حضور در مسجد نیز بر همین پایه است. گاه دیده می‌شود بوی ناخوشایند بدن کسی در مسجد فضا را برای جمعی از نمازگزاران غیرقابل تحمل می‌کند و در نتیجه، آنان را از عبادت توجه شایسته به خداوند باز می‌دارد. سخن‌گفتن درباره امور دنیوی نیز با محیط عبادت و یاد خداوند تناسبی ندارد؛ گفتگوی دو یا چند نفر پیرامون امور دنیوی، زمینه مساعدی را برای تشویش افکار ذاکران و نمازگزاران فراهم می‌نماید.

پیشوایان دین افزون بر بیان چنین احکام و دستورهایی، در سخنان خویش با تعبیرهای گوناگون بر این نکته که مسجد اساساً برای عبادت و یاد خدا بنا شده، پای فشرده‌اند. پیامبر ﷺ خطاب به شخصی که در مسجد اعلام می‌کرد چیزی را گم کرده است و هم خطاب به کسی که در مسجد به تراشیدن تیر مشغول بود، فرمودند:

«...إِنَّهُ لِغَيْرِ هَذَا بَيِّنٌ»^(۱) ...مسجد را برای چنین کارهایی نساخته‌اند.

از چنین سخنانی به روشنی استفاده می‌شود که مسجد در اسلام، محلی برای عبادت و یاد خداست. لحن این گفتارها نشان می‌دهد این نکته که مسجد به عنوان مرکز عبادت و بندگی خداست، آن‌چنان در باور

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۹۶ باب ۱۷ از ابواب احکام المساجد، روایت ۳ و نیز ر. ک: شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، باب فضل المساجد و حرمتها، ص ۲۳۷، رقم ۷۱۴.

و اندیشه مسلمانان مسئله‌ای روشن بوده است که پیامبر ﷺ تنها به بیان اینکه «مسجد را برای این کارها نساخته‌اند» اکتفا نموده‌اند.^(۱) گرچه در مواردی، برای بیدار نمودن غافلان، به نقش و رسالت اولیه مسجد تشریع شده است. پیامبر ﷺ خطاب به کسی که در مسجد شعر می‌سرود، فرمودند:

«... اَنَّمَا تُصِبُّ الْمَسَاجِدُ لِلْقَرْآنِ»؛^(۲) ... مساجد را برای قرآن خواندن ساخته‌اند.

و در مقام بیان فضیلت مسجدسازی می‌فرمایند: «مَنْ بَنَ مسجداً لِيذكُرَ اللَّهُ فِيهِ بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ»؛^(۳) کسی که مسجدی را به این انگیزه که یاد خدا در آن شود، بنا نهاد، خانه‌ای در بهشت برای او ساخته می‌شود.

چنین سخنانی به روشنی رسالت اولیه مسجد را، که پرستشگاه بودن آن است، بیان می‌کند.



۱. ر. ک: رحیم نوبهار، سیمای مسجد، ص ۴۷ و ۴۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۹۳، باب ۱۴ از ابواب احکام المساجد، روایت ۱.

۳. فتح نیشابوری، روضه الواقعین، چاپ مؤسسه اعلمی، بیروت، ص ۳۷۰.

نقش مسجد

در شکل‌گیری مناسبات فرهنگی اجتماعی

□ غلامرضا گلیزاده

مسجدالحرام قلب جهان اسلام

خداآوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَذِي
بَيْكَةَ مُبَازَكَاً وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ»^(۱); نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شد، همان است که در مکه می‌باشد؛ جایی که سبب برکت و هدایت برای جهانیان است. بنابراین، نخستین کانون توحیدی و عبادی و با سابقه‌ترین مکانی که مردم در آن به عبادت مشغول بوده‌اند و با پروردگار خویش نیایش می‌نموده‌اند، خانه کعبه است؛ همان جایی که قبله تمامی مسلمانان

. ۹۶ - آل عمران: ۱

بوده است و مراسم عبادی سیاسی حج را کثیری از مسلمانان در آن به جای می‌آورند. براساس تأکید قرآنی، این مکان از سوی خداوند کانون امن و امان اعلام شده و مقررات مهمی برای تحقق این موضوع از سوی شارع مقدس وضع گردیده است که رعایت آن‌ها الزامی و اجتناب ناپذیر است. مورخان می‌گویند: خداوند فرشته‌ای را به سوی حضرت آدم فرستاد و محل این خانه و حدودش را به وی نشان داد و او نخستین کسی بود که این خانه را ساخت و در آن نماز گزارد.^(۱) ابن عباس، مفسّر معروف نیز بر این موضوع تصریح دارد.^(۲) این خانه در توفان نوح هم آسیب دید و حضرت ابراهیم علیه السلام از سوی پروردگار متعال مأمور گردید نسبت به تجدید بنای آن اقدام کند. این مکان مقدس رو بروی بیت‌المعمور در آسمان و مقابل عرش الهی می‌باشد.^(۳) ساختمان کعبه در میان مسجد‌الحرام قرار دارد که در حقیقت، منشأ تأسیس شهری به نام مکه گردیده است؛ معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از مسجد مذکور بود که بر مساجد دیگر برتری و فضیلت دارد و طاعات و عبادتی که در آن به جای آورده می‌شود ثوابی فزون‌تر در پی خواهد داشت.^(۴)

۱. ابن‌رسته، الاعداف النبوية، ص ۲۴.

۲. ارزقی، اخبار مکہ، ص ۷.

۳. ملا فتح‌الله کاشانی، تفسیر منهج الصادقین، ج ۱، ص ۳۸.

۴. طبرسی، تفسیر مجتبی‌البيان، ج ۲، ص ۴۷۷؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۷.

برای هر فرد مسلمان در هر نقطه‌ای از جهان که باشد، مسجد الحرام و خانه کعبه مفهوم خاصی دارد. دست‌کم او در پنج نوبت در شبانه‌روز، از محل سکونت خویش ذهن و روح خود را متوجه مکه می‌نماید، همه نگاه‌ها به هنگام نماز متوجه جهتی می‌شود که همان قبله گاه مسلمین است. در واقع، همه نگاه‌ها از هر نقطه دایره بزرگ شهر اسلامی که متوجه مرکز نقل می‌شود، بر نگاه دیگر اصابت می‌نماید، اما مانند انعکاس در آینه، که جنبه مذهبی و اجتماعی فوق العاده مهمی دارد. این فضای والا و متعالی که در مکه واقع است، معروف نظامی از اصول، ارزش‌ها و معیارهای مقدس، اما مشخص و دقیق است. این برنامه اصلی را بر جامعه اسلامی حاکم می‌کند که فراتر از زمان و مکان جغرافیایی است و امت واحده را در اذهان تداعی می‌نماید. جامعه‌ای که یک سری آداب و روش زندگی را مشترکاً رعایت می‌کند، روی به سوی قبله واحد می‌آورد، که اگر استمرار یابد، همان بنیان مخصوص را که قرآن بر آن تأکید می‌کند به وجود می‌آورد؛ وحدت استواری که می‌تواند بر معماری شهرها و محل سکونت مسلمانان اثر بگذارد و مکانی امن و محیطی آمیخته با صلح و صفا و تفاهم پدید آورد. پروفسور نجم الدین یمات (۱۹۸۵-۱۹۲۲ م) می‌نویسد: «مکه تنها یک جهت است برای نمازگزاردن و مکانی است برای تجمع و برای زیارت نه یک پایتحت. مکه مرکز جهان اسلام می‌باشد، زیرا محور کلیه مسیرهای است البته نه به صورت مرکز

یک دولت...».^(۱)

مکّه در واقع شهر عبور است؛ در وله اول، یک سفر معنی می‌دهد و جاده‌ای برای مؤمنان و کاروانیان گذشته و مسافران امروزی که از همه نقاط دنیا اسلام به آنجا می‌آیند. اعراب بدوى گروهی هستند در میان بقیه، عده بی‌شماری از افریقا و آسیا و از تمام مناطق دنیا بدین سو می‌آیند، ترکستانی‌ها در کنار افغانی‌ها، پاکستانی‌ها و اندونزی‌ای‌ها دیده می‌شوند؛ همچنان‌که از ایران و مالی و فیلیپین به جمع مسلمانان می‌پیوندند. در هیچ مکانی مانند مکّه وجود امت واحده به این شکل احساس نمی‌شود؛ جامعه‌ای متعدد در حرم امن الهی در مسجد الحرام و سایر مکان‌های مقدس مکه که وجه مشترک آنان مراسم حج است و راز و رمز فروزانی در آن نهفته است.^(۲) اهل معرفت و اصحاب بصیرت در این جاحکم توحید را از سرّ به عَلَن و از باطن به ظاهر سرایت می‌دهند و جهات گوناگون خویش را در وحدت فانی می‌نمایند. از این رو، راز «الاشرقیه ولاغریبه» را در می‌یابند و با توجه ظاهري به عین کعبه حق را با تمام وجود و همراه با جمعی کثیر مشاهده می‌نمایند.^(۳)

۱. نجم الدین یمات، شهر اسلامی، ترجمه دکتر محمد حسین حلیمی و منیزه اسلامبولچی، ص ۳۴.

۲. در باره اسرار و رموز حج نک: محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، باب ۱۷، حدیث امام سجاد علیه السلام.

۳. احمد رضا معتمدی، مبانی هنر موعود، ص ۹۹.

مسجدالنبی و پرتو پرتابش آن

آنچه که مکه و مدینه را مکمل هم می‌کند این است که مکه یک جهت و مرکز حج و زیارت به سوی مکانی بالاتر است و مدینه جاگاه مسجدی است که خاتم رسولان آن را بنيان نهاد. این شهر مرکز حکومت اسلامی و کانون تلاش‌های فرهنگی - اجتماعی پیامبر اکرم صلوات الله علیہ و آله و سلم گشت. این مکان با ورود پیامبر بدان، از یثرب به شهر پیامبر تغییر نام یافت و با اشتیاق تمام به آن حضرت و اصحابش (مهاجرین) پناه داد. انتخاب این محل برای اقامت و هجرت بدان سوی از سوی رسول اکرم صلوات الله علیہ و آله و سلم، یک تصمیم شخصی نبود، بلکه به مشیت الهی وابسته بود. اولین تلاش آن مصطفای پیامبران در مدینه، ساختن یک مسجد بود.^(۱) در نخستین سال هجرت، بنای مسجدالنبی با سنگ و گل آغاز شد و در نهایت سادگی احداث گردید. ستون‌هایش تنه درخت خرما و سقف آن از شاخه‌ها و برگ‌های گیاهان پوشیده شده بود. کف آن با حصیر مفروش و بدون هرگونه آلایشی برای عبادت پیامبر و یاران و اصحابش آماده شد. در ادور گوناگون، خلفاً و امیران مسلمان بر توسعه و تأسیسات مسجدالنبی افزودند تا به تدریج شکل کنونی را به دست آورد که شامل دو قسمت قدیم و جدید می‌باشد. این بنای مقدس به همراه بارگاه مطهر حضرت نبی اکرم صلوات الله علیہ و آله و سلم بر سیمای شهری و معابر و فرایندهای اجتماعی - فرهنگی مدینه اثری قابل ملاحظه گذاشته است. مدینه به برکت چنین بنای

۱. شهر اسلامی، ص ۱۸۷.

مبارک و مساجد و اماكن مذهبی دیگر، حرمت فوق العاده‌ای به دست آورده است. به همین دلیل، شکار، قطع اشجار و کندن بوته در این ناحیه و حوالی آن، همچون مکه، حرام است و رسول خدا فرموده‌اند: «حضرت ابراهیم مکه را حريم قرار داد و برای مردمش دعا کرد. من نیز مدینه را حرم امن قرار دادم». ^(۱)

بهترین خیابان‌های مدینه و طولانی‌ترین آن‌ها در غرب مسجد النبی قرار دارد که بناهای با شکوهی را در خود جای داده است. خیابان‌ها و کوچه‌های مهم دیگری از مسجد النبی با سایر معابر و مناطق مسکونی تجاری مدینه ارتباط می‌یابد و گویی تابش درخشنان این فضای مقدس مدینه را در موجی از ابهت، صلابت، معنویت و مباحثات قرار می‌دهد.

نکته جالب این است که حضرت رسول اکرم ﷺ برای آنکه آمیختگی مسجد را با زندگی اجتماعی مردم نشان دهد، خانه و مسجد را در یک واحد معماری برپا کرد و خانه‌های صحابه و مهاجرین و انصار در اطراف آن استقرار یافت. تعداد بسیاری از مسلمانان زاهد و اهل تعبد تحت عنوان «أهل صفة» در حوالی مسجد می‌خوايیدند. در کنار مسجد خیمه‌ای به عنوان بیمارستان برپا شد و مکانی به امور نظامی اختصاص داشت؛ زیرا دین میین اسلام تمامی ابعاد زندگی بشر را در بر می‌گیرد و از این روست که تمامی ساختمان‌های مهم اجتماعی و عمومی و حیاتی در

۱. ابراهیم رفت پاشا، مرآة الحرمین، ص ۴۲۷.

اطراف مسجدالنبی تمرکز می‌یابند.^(۱) در جای جای مدینه مساجدی پر خاطره، تاریخی و مهم وجود دارد که در تعدادی از آن‌ها پیامبر نماز گزارده‌اند،^(۲) اما متأسفانه از میان آن‌ها مساجدی همچون مسجدالزهرا (فاطمه علیها السلام)، المنارتین، المائده و الشایا توسط گروهی جهالت پیشه و دارای افکار منحط تخریب گردیده‌اند.^(۳) در هر حالی که پاسداری از اصالت هر امتی از رهگذار حفظ هویت فرهنگی آن امکان‌پذیر می‌باشد و امت مسلمان به وسیله دستاوردهای فرهنگی خویش از دیگر ملت‌ها باز شناخته می‌شود و تداوم استقلال جامعه اسلامی در پرتو نگاهداری آگاهانه از آثار ارزشمند تاریخی، بخصوص مساجد و مکان‌های مقدس آن هم در حرمين شریفین می‌باشد و هرگونه مسامحه در حفظ این سرمایه‌های گرانبها، اصالت و هویت مذهبی و ارزشی را در معرض خطر و خدشه قرار می‌دهد، وجود چنین آثاری نسل‌های آینده را به ژرفای تاریخی خود رهنمون می‌سازد.

مسجد، اولین بنای شهر کوفه

شهر کوفه در سال هفدهم هجری در جایی بین حیره و فرات که آب و هوای بری و بحری داشت به عنوان دارالهجره و منزل الجہاد احداث

۱. صالح لمعی مصطفی، مدینه مزوره، ترجمه صدیقه وسمقی، ص ۱۸ - ۱۹ .

۲. ابوزید عمر بن شبیه النمیری البصري، نک: تاریخ المدینة المزوره، ج ۱، ص ۷۹ - ۵۷ .

۳. حمزة الحسن، الشیعه فی المملکة العربیة السعوڈیه، ج ۲، ص ۲۰۹ - ۲۰۸ .

گردید. منظور از عمران این شهر آن بود که محلی دائمی برای اقامت رزمندگان اسلام، که مشغول فتوحات شرقی بودند، فراهم آید.

اولین بنای کوفه مسجد آن بود که توسط مهندسی ایرانی به نام روزبه طراحی شد. وی برای این مکان طرحی ریخت که شامل دو قسمت می‌شد؛ در بخش اول، مسجد وسیعی قرار می‌گرفت که رواقی به مساحت دویست ذراع با ستون‌های مرمر و سقفی هموار داشت. خندقی اطراف مسجد حفر نمودند تا مردم در داخل و نیز در حریم آن بنایی نسازند. در سطح شهر پانزده راه اصلی ساخته شد که تمامی آن‌ها به کانون مهم شهر، یعنی مسجد، ختم می‌گردید. پنج معبر از پشت صحن مسجد، چهار معبر از سوی قبله، سه معبر از سمت شرق و سه معبر از مغرب مسجد عبور داده شد. اطراف این معابر اصلی را براساس اهمیتی که برایشان قایل بودند، ناحیه‌بندی کردند. آن‌گاه بر حسب اهمیت، مشخصات و موقعیت اجتماعی قبایل برای خانه‌سازی میان سکنه کوفه تقسیم گردید. طبری می‌نویسد: هنگامی که اراده ساختن شهر کوفه را کردند، اولین چیزی که نقشه آن ترسیم و بنای گردید مسجد بود. مردی در وسط ایستاد و از چهار طرف تیری پرتاب کرد تا حدود چهارگانه مسجد تعیین گردید. مسجد در زمین چهارگوشی بود که از هر طرف کشیده بودند و در جلو آن رواقی ساخته شد.^(۱) همین اعتقاد به بنای مشخصی برای عبادت، اثری ژرف در طرح و نقشه کوفه گذاشت. از این رو، محله‌ها، بخش‌ها و اجزای شهر در

۱. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۸۴۸.

بافتی یگانه با مسجد جامع پیوستگی و پیوند تنگاتنگی برقرار نمودند. حتی در گسترش و توسعه شهر و انتقال پاره‌ای از نقش‌های چندگانه مسجد به خارج از آن، باز هم در جایگزینی فضایی و تعیین مقر این نهادها، سهولت ارتباط با مسجد همواره از اولویت کامل برخوردار بوده است.^(۱) عنصری که به فضای مرکزی شهر شکل می‌داد «رحبه» بود. این واژه وسعت را تداعی می‌کند؛ می‌دانی در گستره شهر که جز در مواردی خاص به اشغال در نمی‌آید. این فضا در جنوب غربی مسجد قرار داشت. در منابع روایی شیعه، میدان مذکور با نام حضرت علی علیه السلام همراه است؛ زیرا وقتی کوفه را به عنوان مرکز حکومت برگزید، در گوشاهی از این فضا خانه‌ای محقر بنا نمود و از اقامت در مقر شهر اجتناب کرد. رحبه نقش مهمی برای مراسم اجتماعی - سیاسی و آماده باش نظامی داشته و بیشتر به مسجد تعلق دارد و جزئی از آن محسوب می‌شود. در قرن اول و دوم این فضا در مجاورت مساجد قابل مشاهده بوده است. در سال ۱۴۵ هـ به هنگام قیام شیعیان در مدینه، حاکم وقت به مردان مسلحی که به یاری اش آمده بودند فرمان داد تا زمان سرکوبی مخالفان، در رحبه اقامت نمایند. این منطقه که در برزخ بین مسجد و محلات مسکونی قرار داشته، مظهر تعمیم یافته ساختار شهری بوده است؛ جایی که همه سنت‌های ویژه در آن به یکدیگر پیوند می‌خورند. آنچه مسلم است این که طرح اولیه کوفه که از نظمی خاص پیروی می‌کرده، می‌توانسته به ایجاد

۱. دیار ابراد، ج ۷، ص ۱۹۹.

شهری بزرگ دارای فضای باز و هندسی بینجامد. توسعه آن دائم تحت کنترل بوده و برای جلوگیری از فشردگی، از جهت طولی به پیشرفت ادامه می‌داده است. اما در دهه‌های بعد، کوفه از این ساختار فاصله گرفت و روندی معکوس و در هم ریخته را پیش گرفت. گسترهٔ مرکزی شهر که خندقی آن را محدود می‌کرد و منطقه‌ای ممنوعه بود که کسی حق ساختن خانه در آن را نداشت، به زودی توسط مالکان خصوصی، که غالباً از افراد اموی و از نزدیکان حاکم و در واقع، معاون زیاد و فرزندش عبیدالله بودند، مورد دست‌اندازی قرار گرفت و به این وسیله مقدمات برهم خوردن سیمای شهری کوفه، که تا پیش از آن نظم و انسجام خود را بر حول محور مسجد حفظ می‌کرد، فراهم آمد.^(۱)

مساحت کنونی مسجد کوفه بالغ بر ۴۰۰۰۰ متر مربع می‌باشد و ساختمان آن شمالی جنوبی است و به مرور ایام تغییرات مهمی در شکل ظاهر و وسعت مسجد صورت گرفته است. از نخستین روز تأسیس این بنا، مسجد کوفه دارای اهمیتی زاید الوصف در زمینه‌های عبادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بوده است. موقعیت خاص حکومت‌ها همچنان که سرنوشت کوفه را دگرگون می‌ساخت، در درجه اهمیت مسجد اثر می‌گذاشت. اوج توجه به آن در ابعاد گوناگون در زمان خلافت حضرت علی علیه السلام بود. این مسجد همچون مسجد النبی رفته به صورت

۱. هشام جعیط، کوفه پیدایش شهر اسلامی، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، ص ۱۰۷، ۱۲۳، ۱۲۹،

۲۵۵، ۲۴۳۵ و ۱۵۹.

مرکز علمی و فرهنگی پر جوش و فعالی در آمد و جایگاه بحث و تدریس هزاران جوینده دانش گردید و در آن دهها حلقه درس تشکیل می‌شد. مسجد کوفه از نظر اجتماعی و سیاسی اغلب پایگاه قدرت‌نمایی موافقان و مخالفان دستگاه حکومت به شمار می‌رفته است و به دلیل نزدیک بودن به دارالاماره، والی شهر نسبت به آن حساسیت ویژه‌ای داشت.

در شرافت و مقام بالای مسجد کوفه همین بس که یکی از چهار مسجدی است که طبق دستورات اسلامی به مؤمنان توصیه شده است تا هجرت کنند و خود را به این چهار مسجد برسانند. این مساجد عبارتند از: مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجدالاقصی و مسجد کوفه. بنا به روایات مستند، در مکان کنونی مسجد کوفه پیش از خلقت آدم، فرشتگان عبادت می‌کرده‌اند و محلی است که مشمول برکت خداوند شده و جایگاه عبادت آدم و سایر انبیاء، اولیا و صادقین بوده است.^(۱) منابع روایی تأکید کرده‌اند وقتی حضرت مهدی علیه السلام قیام کند کوفه را مقر حکومت خود قرار داده و پرچم حق و عدالت را در این دیار به اهتزاز در می‌آورد.^(۲) امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند نماز خود را در مسجدالحرام، مسجدالرسول، مسجد کوفه و حرم امام حسین تمام بخوانید. برای مسجد کوفه فضایل و اعمالی ذکر شده که در کتب ادعیه چگونگی آن‌ها ذکر گردیده است.

۱. سیدحسین بن سیداحمدالبلاقی، *تاریخ الكوفة*، ص ۵۳ و ۵۴؛ محمدبن جعفرالمشهدی،

فضل الكوفة و مساجدها، ص ۳۹.

۲. بحار الانوار، ج ۱۳؛ ارشاد مفید، ص ۳۹۳.

سیر تاریخی جهاد مسجدسازی

توصیه به احداث مسجد و تأکید بر عمران و آبادانی آن از سوی رسول اکرم ﷺ و ائمه هدیٰ علیهم السلام، موضوعی است که در گسترش کمی و کیفی مساجد شهرها و روستاهای جهان اسلام تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته است. رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: «ابنوا المساجد و اجعلوها جما»؛^(۱) مساجد را بنا کنید و آن‌ها را محل اجتماع خود قرار دهید. امام صادق علیه السلام متذکر گردیده‌اند: «من بنی مسجدًا بنی الله له بيتاً في الجنة»؛^(۲) کسی که مسجدی تأسیس کند خداوند برایش منزلی در بهشت بنا می‌نماید. خاتم پیامبران آباد نمودن مسجد را از خصال اهل مروت دانسته^(۳) و در جایی دیگر تأکید نموده‌اند عذابی که از آسمان فرود می‌آید خداوند متعال، بانیان و آبادکنندگان مسجد را از آن مصون می‌نماید.^(۴)

مسلمانان از صدر اسلام این توصیه‌ها را به کار بستند و برای احداث مسجد، آن هم به بهترین وجه و در مکانی مناسب و مرکزی، این کانون عبادی و معنوی را بنيان نهادند تا عطر روح افزای آن مشام جان

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۵ و ص ۴۸۷؛ محدث قمی،

سفینه البخار، ج ۱، ص ۶۰۰.

۲. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۶۴.

۳. همان، ج ۸۴، ص ۱.

۴. نهج الناصحة، کلام ۶۸۲، ص ۱۳۷.

و قلب مؤمنان را بنوازد. اولین مسجد در قبا، حومه مدینه بنا شد و سپس مسجد مدینه بنیان گردید. رهنمودهای پیامبر به ساخت، نگهداری، دایر نگه داشتن و طهارت و رفتن به مسجد چنان شور و شوقی در اعماق دل مسلمانان پدید آورد که از همان صدر اسلام به ساختن مسجد در تمامی سرزمین‌های اسلامی به عنوان یک عمل با اجر عبادی مورد رضایت حق تعالی توجه می‌شد. هماهنگ با رشد و توسعه بلاد اسلامی مساجد به صور گوناگون در سطح زمین ظاهر گشت و به صورت شبکه یا نواری ویژه از پدیده‌های شناخته شده جغرافیایی در آمد.

نخستین مساجد بسیار ساده ساخته می‌شد و نسبتاً کوچک می‌نمود؛ دیواری گلی و چند تنه درخت خرما که سقفی از شاخه‌های خرما داشت. در واقع، هدف این بود که نمازگزاران در مقابل تغییرات شدید جوی حفظ شوند. این پدیده با نمونه قدیمی تمام مساجد متداول زمان که دارای یک صحن و یک حرم بود مطابقت داشت.^(۱) کریستین برایس می‌نویسد: نخستین مسجد‌های عربستان به روزگار حضرت محمد ﷺ محدوده‌های مستطیلی بود که یک سوی آن برای پرهیز از باد و باران سقف داشت. در اتاق سرپوشیده نه محرابی بود و نه مجسمه‌ای از پاکان؛ گذاشتن مجسمه و تصویر موجودات زنده در مساجد‌ها حرام بود. اثاث مسجد نیز مانند ساختمانش ساده بود. در حیاطش حوضی بود که مؤمنان در آن وضو می‌گرفتند. به شبهستان یا جایگاه نماز با پای برخنه

۱. ارنست کونل، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، ص ۱۲.

می‌رفتند.^(۱)

به زودی احتیاج به داشتن بناهایی استوار احساس گردید و به معماران وسعت عمل بیشتری برای مسجدسازی داده شد. به تدریج ساخت رواق، محراب، ایوان، گلدهسته و گنبد متداول گردید و ساختن مساجد باشکوه، با عظمت و با معماری‌های پر جاذبه فصل جدیدی در احداث این بنای مقدس گشود و رفته ساخت آن در مقیاس عظیم در تمامی سرزمین‌های اسلامی مرسوم گشت. صرف نظر از ویژگی‌های اقلیمی و چگونگی پیدایش شهرها و موقعیت جغرافیایی آن‌ها و جنبه‌های کاربردی هر شهر، تلاش گردید نه تنها در شهرهای قدیمی و آبادی‌های جدید، مسجدسازی برای حفظ شعایر دینی امری عادی تلقی گردد، بلکه به منزله یک امر ضروری برای حفظ شئون سیاسی و اجتماعی سازنده آن به شمار آمد. در زمانی که اوضاع مناسبی بر سرزمینی حکم‌فرما بود، شمار مسجد فزونی می‌یافت؛ از جمله شهرهای قاهره، اسکندریه، بغداد و بصره در سده‌های آغازین اسلامی به دara بودن مساجد متعدد و باشکوه شهرت یافتند.^(۲) در واقع، بالندگی هر شهر به شمار و شکوه مساجد وابسته بود. ناصرخسرو می‌نویسد: «و در شهر مصر - غیر قاهره - هفت جامع است، چنان‌که به هم پیوسته، و به هر دو شهر

۱. کریستین پرایس، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ص ۱۲ - ۱۳.

۲. عباس زمانی، «در مساجد ایران نقشه سبک معماری عرب وجود ندارد»، مجله هنر و مردم، شماره ۱۶.

پانزده مسجد آدینه است که روزهای جمعه در هر جای خطبه و جماعت باشد. در میان بازار مسجدی است که آن را باب‌الجواجم گویند و آن مسجد به چهار صد عمود رخام قائم است و آن دیوار که محراب بر اوست سرتاسر تخته‌های رخام سپید است و جمیع قرآن‌ها بر آن تخته‌ها به خطی زیبا نوشته و از بیرون به چهار حد مسجد بازارهاست و درهای مسجد در آن گشاده و مدام در آن مدرسان و مقربان نشسته و سیاحتگاه آن شهر بزرگ مسجد آن است و هرگز نباشد که در او کمتر از پنج هزار خلق باشد».^(۱)

شکوه معنوی شهرها

از سال ۱۳۴ هـ مسلمانان توانستند بر اسپانیا مستقر شوند و سلسله مستقل را در این ناحیه تأسیس نمایند. در پرتو حمایت فرمانروایان حاکم بر این منطقه، سبکی ممتاز و اصیل در معماری اسلامی پدید آمد که بزرگترین اثر بر جای مانده از آن، مسجد غربناطه است که بنای آن از سال ۱۶۳ هـ آغاز و در ادوار بعدی پیوسته ساختمانی بدان افروده شد. جایی که محراب قرار داشت، امروز دارای نوزده شبستان و سومین مسجد بزرگی است که هنوز پا بر جای مانده است. به جز این مسجد، آثاری تاریخی که از دوران اسلامی در قرطبه باقی مانده، مسجدی کوچک به نام «باب مردم» و شهر کاملی که آن را «مدينة الزهرا» می‌گفتند و بعدها متروک

۱. سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی، به کوشش دکتر نادر وزین‌پور، ص ۶۲.

گردید، در این قلمرو وجود دارد. از حفاری‌هایی که در این شهر پدید آمده، استفاده می‌شود که در آرایش دیوارهای منازل و گچبری‌های ساختمان‌های مسکونی، به خصوص سقف مسطح خانه‌ها، از مسجد قرطبه الهام گرفته شده است.^(۱) پرایس در این باره نوشه است: ما یه سرافرازی قرطبه مسجد جامع آن بود که یکی از مقدس‌ترین مکان‌ها در نظر مسلمانان مغرب به شمار می‌رفت. زائران مسلمان از سرزمین‌های دور و نزدیک راه قرطبه را پیش می‌گرفتند و از میان دشت‌ها و کوه‌های سرسبز اندلس می‌گذشتند. این شهر در کرانهٔ شمالی وادی‌الکبیر است، خانه‌ها و باغ‌ها و بیشه‌های آن در بیرون بارو بود و در دو سوی آن این رود گسترده شده بود. مناره‌های بلند مسجدها را همچون راهنمایی برای زائران برافراشته بودند و از پل بلند بیرون شهر به چشم می‌خوردند. یک خیابان کوتاه و سراشیب از پل آغاز می‌شد و به دیوار غربی مسجد می‌رسید. زائران چون از دروازه به حیاط و از آنجا به شبستان مسجد می‌رسیدند، خستگی این سفر دراز از تن‌شان می‌رفت و به جهان شور دینی گام می‌نها دند؛ می‌توانستند از میان درهای بزرگ شمالی مسجد تا گوش‌های دور دست شبستان را مشاهده کنند. ردیف‌های درخت پر تقال سایه دلپسندی بر حیاط می‌افکند و قطارهای تنه باریک درختان تا درون ساختمان گویی ادامه می‌یافتد، اما در درون ساختمان مسجد مبدل به ستون‌های مرمرین می‌شدند که تا محراب پشت سر هم قرار

۱. تالبوت رایس، هنر اسلامی، ترجمهٔ ماه ملک بهار، ص ۸۹-۸۸.

داشتند. اگرچه اکنون مسجد مذکور تبدیل به کلیسا شده، اما هنوز به دشواری می‌توان چنین موضوعی را باور کرد.^(۱)

شهر فاس به خودی خود نمونه کامل از شهری است که با تمدن اسلامی هماهنگی دارد. جدایی بین شهر و زمین‌های اطراف محسوس است. سبزی سرامیک بام‌ها در نور خورشید می‌درخشند و در برابر سبزی متمایل به خاکستری درخت‌های زیتون قرار می‌گیرد اما جالبی فاس بدان جهت است که اماکن مقدس مذهبی و در رأس آن‌ها مساجد، به شکوه آن افزوده‌اند. مسجد القروین سند محکمی است برای سنجیدن فاس در حالی که سایر بنای‌های آموزشگاهی آن را تکمیل می‌کنند. پلان شهر به صورت دوایر متعدد مرکز است و مشاغل از مجاور مساجد قدیمی آغاز می‌شوند. احمد سفرلوی نظم شهر را چنین تشریح می‌کند: «... شهر فاس انعکاس مفهوم متافیزیکی خاص اسلام است. شهر پیرامون کانونی از زندگی مذهبی و اجتماعی برپا شده است. در اینجا مسجد، حمام، مکتب خانه و محکمه قاضی قرار دارد. سپس نوبت به راسته بازارهای مربوط به مشاغل با ارزش می‌رسد. متأسفانه اخیراً جغرافیای شهر تغییر کرده و ترکیب آن به هم ریخته و مساکن قدیمی قطعه گردیده و به صورت آپارتمان درآمده‌اند و بدین گونه سه چهارم شهر تجزیه شده است. با این وجود، شهر فاس شایستگی این را دارد که به دلیل غلبه فضاهای مذهبی و حفظ شکوه فرهنگ سنتی از نمونه‌های بارز

۱. تاریخ هنر اسلامی، ص ۲۵ - ۲۶.

شهرهای اسلامی باشد». ^(۱)

انوار در خشان

ترکمن‌ها یا عثمانی‌ها که از ایران آمده بودند، پیش از نفوذ در بخش ترکیه اروپایی و حضور در قسطنطینیه، در سال ۱۴۵۳ میلادی در آناتولی یا آسیای صغیر ظاهر شدند. در آناتولی آن‌ها نخستین عناصر هنری خود را به‌ویژه در بنای شهر قونیه عرضه داشتند. در مساجد سبک عثمانی، چهارگوشی وسیع با گنبدی کم‌خیز را می‌توان دید. دو سوی این فضا به شکل دو تالار نیمه مدور که با نیم گنبد‌ها پوشیده شده‌اند گسترش یافته است و دو سوی دیگر با قوس‌های بزرگ به پشتیان‌های ستبر متصل شده‌اند. البته به تدریج در این معماری تغییراتی پدید آمد. مهم‌ترین نیازهای هنر اسلامی عثمانی عبارتند از: مسجد با یزید در قسطنطینیه که قدیمی‌ترین بنای این سبک به شمار می‌رود، مسجد سلیمانیه و مسجد احمد اول.^(۲) مسجد ملکه صفیه اصیل‌ترین مسجد عثمانی در قاهره است که اقتباسی از بنای مذهبی استانبول به خصوص مسجد جراح پاشا و ادرنه می‌باشد. مسجد‌الجديد (مسجد ماہیگیران) که در سال ۱۰۷۱ هـ به ابتکار مبارزان الجزایری ساخته شده به سبک گنبد مرکزی

۱. شهر اسلامی، ص ۱۶۱.

۲. ج هو همانی مارتون، سبک‌شناسی هنر معماري در سرزمین‌های اسلامی، ترجمه پرویز ورجاوند، ص ۲۲۴ - ۲۲۲.

و چهارگنبد کناری آن، سیمایی عثمانی دارد.^(۱) محمد بن ابودهّب، که در مصر به قدرت رسید، اگرچه در آرزوی سلطهٔ کامل به این دیار و استقلال از قدرت عثمانی بود، اما خود را برای پذیرش اطاعتی ظاهری از باب عالی آماده کرد. ساختن مسجدی به سبک عثمانی در محیطی مهم و معتبر، به مثابه اثبات آشکار وفاداری به سلطان بود.^(۲) مسجد تربت در تونس نیز تأثیر پذیرفته از فضاهای مسجد امپراتوری عثمانی می‌باشد؛ زیرا منارهٔ آن با چهارگوش و مقطع هشت‌گوش مناره‌های عثمانی را به خاطر می‌آورد، اگرچه شکل گلدهسته یا ماذن آن اصیل است.^(۳) تمامی این بناهای مقدس در سیمای عمومی شهرها هویتی مستقل، تعیین‌کننده و فرازمند داشته‌اند و بناهای دیگر از این کانون به سوی دیگر نقاط شهر شکل می‌گرفته‌اند. دیوید تالبوت رایس می‌نویسد: مشهورترین و قشنگ‌ترین این مساجد، مسجد سلطان سلیمان در قسطنطینیه است که در موضعی بلند و مسلط بر شاخ طلایی ساخته شده است. گنبد عظیم آن را چهار ستون مربع نگاه داشته، چهار مناره دارد، دو تا پهلوی در ورودی و دو تا در دو انتهای حیاط جلو. در کنار این مسجد شمار زیادی بناهای فرعی ساخته بودند؛ زیرا در بیشتر موارد مدرسه‌ای به زیربنای مسجد افزوده می‌شد.

۱. آندره ریمون، شهرهای بزرگ عرب اسلامی در قرن‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری، ترجمهٔ حسین سلطان‌زاده، ص ۱۱۲ - ۱۱۱.

۲. همان، ص ۱۲۱.

۳. همان، ص ۱۴۳.

و حجره‌های گوناگون برای زندگی طلاب و خدام مساجد نیز در نظر گرفته می‌شده است. بر مساجد بزرگتر بازارچه‌ای می‌افزودند و در نزدیکی آن‌ها آرامگاه‌های با شکوه می‌ساختند و بدین‌گونه مسجد کانون مهمی برای شهرها به شمار می‌آمد.^(۱)

سلجوقیان با اینکه قومی بیابان‌گرد بودند، همین که با فرهنگ اسلامی آشنا شدند، حمایت از آن را وجهه همت خویش قرار دادند و در گسترش بناهای مذهبی تا آنجا پیش رفتند که به معماری ایران با تأثیرپذیری از ارزش‌های دینی شکوه ویژه‌ای بخشیدند.^(۲) آنان وقتی اصفهان را مرکز حکومت قرار دادند. در این شهر مسجدی ساختند که پایه‌ای برای ساختمان دیگر مساجد ایران‌گردید. اگرچه این مکان مقدس به دست نسل‌های بسیاری از هنرمندان و معماران در اعصار بعد دگرگون و تعبیر شده است، ولی برای دیدن هنرمندی سلجوقیان باید به سوی قبله رفت و از ایوان جنوبی گذشت و به شبستان پشت آن گام نهاد، در این حال، بر فراز مانگنبدی استوار و نیرومند قرار دارد که زبردستی معمار را در بنا نهادن آن بر سطحی چهارگوش می‌توان دریافت. این گنبد که در چشم‌انداز عمومی اصفهان برجستگی دارد، در سال ۴۷۳ هـ ساخته شده است.^(۳)

۱. هنر اسلامی، ص ۲۰۸ - ۲۰۹.

۲. ناصرالدین شاه حسینی، سیر فرهنگ در ایران، ص ۲۷۹.

۳. تاریخ هنر اسلامی، ص ۶۰.

پدیده اصلی معماری ایران در عصر سلجوقی، سبکی چهار ایوانی در احداث مساجد است که کامل‌ترین آن را می‌توان در مسجد جامع ورامین مشاهده کرد. سلجوقیان در اصفهان، گلپایگان، برسیان، اردستان و زواره مساجد تازه‌ای برآورده‌اند که همه آن‌ها به قدر کافی دارای ویژگی‌های مشترک در سبک و نقشه هستند. این بناها اگرچه به لحاظ مذهبی از قداست ویژه‌ای برخوردار شدن، در هویت فرهنگی و اقتدار اجتماعی این شهرها مؤثر بودند و در سیمای شهر، توسعه آبادی‌ها و رشد و گسترش برخی مشاغل و شکل واحدهای مسکونی حضور با صلابت خویش را بروز دادند و چنین ویژگی به حدی قوی است که هنوز می‌توان آن را مشاهده نمود.^(۱)

در عهد صفویه سبک قدیم معماری ایران در احداث بناهای مذهبی تجدید شد و در طرح بناها، شکل و مصالح جای خود را باز کرد. اما استفاده از کاشی معرق و هفت رنگ برای تزیین رونق فراوان یافت، به گونه‌ای که ساختمان‌هایی همچون مساجد و مدارس از گنبد، ایوان، طاق‌نما، سر در ورودی، و حتی مناره‌ها با کاشی آراسته شد.^(۲) در این عصر همزمان با ظهور کاشی‌کاری، که با استقبال عموم مردم روبرو شد، راه حل جدیدی برای سقف گنبدی پدیدار گردید و آن عبارت بود از

۱. تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، پژوهش دانشگاه کمبریج،

ج ۵، گردآورنده: ج. آبویل، ترجمه حسن انوشه، ص ۲۵۴ - ۲۵۵.

۲. محمد یوسف کیانی، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، ص ۱۰۵.

تبدیل طرح چهارگوشہ زیربنا به طرح مدور گنبد که هم ساده‌تر و هم عاقلانه‌تر به نظر می‌رسد. در مسجد شیخ لطف‌الله و مسجد امام خمینی (مسجد شاه) اصفهان گنبد‌ها بر گردن بلند استوانه‌ای شکل نهاده شده‌اند که دایرهٔ پیرامونی آن بانوک چهار سر طاق ساخته شده بر زوایای محوطه زیرگنبد و چهار سر طاق دیگر، مماس می‌باشد. معماری عصر صفوی زیبایی ویژه‌ای به مساجد داد و مردم نیز به زودی در ساخت مساکن و سایر اماکن این سبک را مورد توجه قرار دادند و نوعی معماری ملهم از مساجد به محلات مسکونی سرایت پیدا کرد، اما هیچ کدام از این بناها نتوانستند از شکوه و صلابت مسجد پیشی گیرند. گنبد مسجد امام خمینی بر فراز بناهایی که آن را احاطه کرده‌اند سر به آسمان کشیده است. گنبدی که توسط طبقه‌ای هشت ضلعی با طاق نماهای زیبا کاملاً به بناهای اطراف اتصال دارد، در عین حال، شکوه خود را در فضای شهر به طور مستقل بروز می‌دهد و هنوز هم با وجود گسترش بناهای چند طبقه سیمانی در شهر اصفهان، جلوهٔ پراهمیت مساجد مذکور زیبایی و آراستگی خود را حفظ کرده که موجب می‌آهات معماری اسلامی است.^(۱)

در طول زمان در بسیاری از شهرهای ایران بناهایی مجموعه‌ای ساخته شده که گروه ویژه‌ای را در معماری تشکیل می‌دهند. معمولاً این مجموعه‌ها با یک مسجد شروع می‌شوند و در طول زمان با اضافه کردن

۱. آندره گدار، یداگدار، ماسیم سیرو و دیگران، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم،

ج ۳، ص ۲۰۸-۲۰۹.

بناهای دیگر همچون مدرسه، کتابخانه، آب انبار، خانقاہ، زائر سرا و کاروان سرا به یک مجموعه بسیار زیبا و با شکوه تبدیل می‌شود.^(۱)

محبوب‌ترین و مهم‌ترین مکان

رسول خدا^{علیه السلام} فرموده‌اند: «احب البلاد الى الله مساجدها»؛^(۲) محبوب‌ترین مکان‌ها در شهرها مساجد هستند. این کلام گهربار آن خاتم رسولان در سیماهی شهرهای جهان اسلام صورت عملی و عینی به خود گرفته است؛ زیرا مساجد مهم‌ترین بناهای مذهبی هر شهر و روستا هستند که همواره نقش مهمی در زندگی مسلمانان داشته‌اند. اهمیت مساجد در شهرها به حدی بود که اگر جایی مسجد جامع یا آدینه نداشت، از اهمیت شهری محروم بود. مساجد جامع شهرهای ایران را نه تنها به خاطر کارکرد و رابطه مستقیم و وسیعی که با همه اقسام اجتماعی دارند، بلکه بیشتر به دلیل شکل فضایی و در هم آمیختگی با پیوندهای کالبدی یا بافت مسکونی، بازرگانی و خدماتی اطراف و نیز به دلیل واحد و قطب بودن، باید یک عنصر شهرسازی اولیه به حساب آورد. در زمان‌های گذشته مسجد جامع مرکز استقرار دینی شهری بوده که به خاطر مراجعه مستمر همه قشرهای مردم شهر و به دلیل خلوصی که می‌تواند بالقوه داشته باشد، کانون انتشار هرگونه آگاهی نسبت به شرایط عمومی شهر و نحوه

۱. نک: تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، فصل پنجم.

۲. نهج الناصحه، ص ۱۳.

زندگی و نظام اداری آنان محسوب می‌شده است و در همین مکان خبرهای نشر یافته به بحث گذاشته شده و انعکاس آن‌ها در افکار عمومی هم نقطه بازگشت خود را می‌یابد. اگرچه مسجد جامع مرکزی مذهبی است تا یک مرجع اجتماعی، اما شکل‌گیری افکار عمومی و جهت‌گیری‌های اهداف مربوط به آینده شهر در این مکان صورت می‌گرفته است و به همین لحاظ مسجد جامع شهرهای ایران بیش از هر چیز بنیادی است اجتماعی و فرهنگی مساجد جامع ایران در ارتباط با شرایط جغرافیایی و اقلیمی محل، تناسب و معادله‌ای مقبول بین سه نوع فضای سرپوشیده، نیمه باز و باز عرضه می‌کنند. این مکان که معمولاً بزرگ‌ترین و همیشه معتبرترین مسجد شهر است، در پی افزایش نیاز به آن یا همراه با فزونی یافتن قدرت مذهبی مسلمانان شهرها توسعه یافته و بخشی از فضای مسکونی مجاور راضمیمه خود کرده است. اگرچه با وجود رشد صنعتی و توسعه روابط اجتماعی - اقتصادی و پیروی از الگوهای شهرسازی غربی، از قطب شهری بودن مسجد جامع کاسته شده، ولی هنوز هم به اتكای اعتبار عقیدتی و احترام معنوی که برای آن وجود دارد، به عنوان نقطه عطف مذهبی منحصر به فرد شهر نقش خود را ادامه می‌دهد.^(۱) هنوز هم گنبد و مناره مسجد بلندترین ساختمان بسیاری از شهری کویری و نقاط مرکزی ایران به شمار می‌آید.^(۲) اگرچه

۱. محمد منصور فلامکی، باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی.

۲. وینست فزانیس کاستلاو، شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران

و عبدالعلی رضایی، ص ۳۹.

کارکردهای متنوعی که این شهرها بر عهده دارند به همراه تغییرات آب و هوایی، پستی و بلندی، مصالح ساختمانی و ساختار اجتماعی و فرهنگی سیمای متفاوتی را عرضه می‌دارند، اما مایه سرافرازی آنان مسجد می‌باشد.^(۱)

سازمان‌های دینی در شالوده زندگی شهری چنان اهمیتی به دست آورده‌اند که مسجد جامع از ارکان اصلی نظام اجتماعی سیاسی شهر گردید و شهری را کامل معرفی کردند که عدالت در آن اجرا شود، دارای مسجد جامع باشد و نماینده حکومت یا مقرب دولت در آنجا استقرار داشته باشد. به همین دلیل، در آغاز معمول نبود در شهرهای بزرگ بیش از یک مسجد جامع احداث گردد.^(۲) ولی به تدریج این سنت شکسته شد و گاه پاره‌ای از شهرهای بزرگ دارای جامع‌های متعدد بودند. ابن‌جبر، سیاح مسلمان که در اوخر قرن ششم از بغداد دیدن کرده است. در باره آن می‌نویسد: «هدفه محله دارد که هر محله‌ای شهری مستقل محسوب می‌گردد، هشت محله آن دارای مسجد جامع است که نماز جمعه در آن‌ها برپا می‌گردد».^(۳)

۱. عباس سعیدی رضوانی، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، ص ۴۶، تیرماه ۱۳۵۳.

۲. احمد اشرف، ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، نامه علوم اجتماعی،

شماره ۴، تیرماه ۱۳۵۳.

۳. سفرنامه ابن‌جبر، ترجمه پرویز اتابکی، ص ۲۷۵.

در شهرهای اسلامی برای نمایش جلال معنوی و شکوه و بالندگی ظاهر مساجد بزرگ، بویژه مسجد جامع، جهودی تمام به خرج می‌دادند. گرچه غالب این مکان‌های مقدس به فرمان حکمران یا توانگری صاحب نفوذ بنیاد می‌گردید، ولی اغلب کسانی که به گونه‌ای در ساختن بنا، طراحی و آرایش مسجد سهمی داشتند، به دلیل اعتقاد درونی و اشتیاق به معبد، در عمل از ایثار آنچه در توان داشتند دریغ نمی‌ورزیدند. همین ایمان و شوق آنان موجب گردید که معماری با شکوهی پدید آید و هنرمندان محلی با ابتکار و خلاقیت خویش رونق مسجد را بالا ببرند و بخش کوچکی از زیبایی‌های جهان هستی را، که جلوه‌ای از عظمت خداست، با آجرکاری‌های جالب، گچبری‌ها، طاق و قوس‌ها و...، در حد توان به نمایش گذارند. در حقیقت، مردمانی با اخلاص و صداقت تمام از ننان و آب خویش مایه گذاشته‌اند تا این بنا را برابر پای دادند و آن را در طول اعصار و قرون از گزند بادهای شدید، تیغه سوزان آفتاب، ریزش‌های جوی، هجوم قبایل وحشی و تاخت و تازهای غارتگران حفظ کنند.^(۱) پیوند فضایی مسجد در قلب شهر و یا مراکز محلات شهر با سایر عناصر فعال شهری و منزلت فوق العاده‌ای که این مکان نزد عامه مردم دارد، امتیاز مضاعفی بدان بخشدیده و زمینه‌ای مناسب برای کاربری آن به منزله جایگاه نهضت‌های رهایی بخش علیه اهل ستم فراهم ساخته است. بدین ترتیب، مسجد به عنوان مکانی مقدس و امن علاوه

۱. «جویبارهای جاویدان»، فصلنامه صحنه مبین، زمستان ۱۳۷۵، ص ۴۹.

بر برقراری ارتباط با دیگر عناصر فیزیکی شهری در برقراری ارتباط با مردم، پناه دادن، هماهنگ کردن، بسیج نمودن و به حرکت در آوردن آنان در راستای اهداف اسلامی، از توان بسیار بالایی برخوردار بوده است. از این روست که در دهه‌های اخیر عوامل استکباری در راستای سیاست اسلام‌زدایی خود با ترفندهای گوناگون، از جمله تبدیل عناصر مذهبی شهر برای کاربردهای سودمندتر و یا تحت عنوان عمران شهر و رهایی از بافت‌های فرسوده و کهنه با بهانه آلودگی‌های زیست محیطی آن‌ها، با تخریب بخش‌هایی حساس از عناصر مذهبی در صدد بر هم زدن پیوستگی مسجد با دیگر فضاهای شهری و گسترش پیوند معنوی و روحی مردم با این اماکن بر آمده‌اند.^(۱)

معماری اسلامی، نه عظیم به معنای شکوه آرمان‌ها و دست‌اوردهای تمدنی خاص است، چنان‌که در مورد رنسانس می‌بینیم، و نه مروّج بیان ذهنی فرد، آن‌گونه که در معماری مدرن مشاهده می‌شود. تنها به این معنا عظیم و شگفت است که بناهای تاریخی خود را برای تعظیم خداوند بر می‌افرازد و هر یک از وجوده آن‌ها یادآور قدرت الهی است. هر چند معماری مقدس در اسلام، در مسجد تجلی می‌یابد، با این همه، مسجد هیچ‌گاه از بقیه محیط شهری جدا نبوده است. اسلام زندگی پیروان خود را به قلمروهای مقدس و غیر آن تقسیم نمی‌کند؛ امور معنوی در همهٔ مظاهر محیط شهری جاری است و همهٔ مناسکی که

۱. بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، ص ۱۰۶.

در مسجد اقامه می‌گردد در خانه‌های مسکونی و سایر اماکن شهری به جای آورده می‌شوند. ساختار محیط متراکم شهری از همه طرف مسجد را همچون شمعی مقدس و فروزان در میان گرفته‌اند و همه به یک سوی گرایش دارند. به همین دلیل، معماری شهرهای مذهبی یا سنتی جهان اسلام آدمی را از کثرت جهان بیرون می‌آورد و به قلمرو توحید و یکتاپرستی سوق می‌دهد. معماری که ریشه در سنت مقدس دارد، به هنگام نظم دادن به فضا این نظم را از فضای مادی به بیان نظم مقدس گسترش می‌دهد.^(۱)

نقش مسجد در بافت شهری

در مرکز شهر، مسجد جامع و فضاهای وابسته به آن، همراه با مرکز زیارتی و آموزشی، بعد معنوی و فکری شهر را به وجود می‌آورند. بعد از این بخش، معابر، محلات مسکونی، بازارها و سایر مرکز اقتصادی و اجتماعی با پیروی از نظم خاص قرار گرفته‌اند، اما مسجد همچون چشم‌های با صفا جویارهای معنوی خود را به سوی اماکن جاری می‌سازد و نوعی فرهنگ پویای دینی را تبلیغ می‌نماید.^(۲)

فضاهای شهری، خانه‌ها و معابر از ارزش‌هایی تأثیر پذیرفته‌اند که

۱. راز و دمز هنر دینی (مقالات ارائه شده در اولین کنفرانس بین‌المللی هنر دینی)

تنظيم مهدی فیروزان ، ص ۱۶۸ .

۲. شهر اسلامی، ص ۱۱ .

در مسجد بر آن‌ها تأکید شده است. خانه شخصی فضای داخلی بسته‌ای است که ضمن تأمین آرامش و امنیت خانواده، اندرونی اعضای آن به شمار می‌آید، پنجره‌ها کمتر به خانه‌های مجاور و کوچه‌ها اشراف دارند، البته پنجره‌ها چنان مشبک تهیه گردیده‌اند که افراد داخلی بتوانند فضاهای اطراف و مناظر شهری را مشاهده کنند و بدون اینکه خودشان دیده شوند، مشغول تماشای بیرون گردند. درب محکم و سنگین مزین به چفت و بست و میخ‌کوبی، پیش از آنکه دروازه‌ای به سوی خیابان باشد، سدی در مقابل عابران و رهگذران اهل تجسس است. حتی کوچه ادامه خانه است و به عنوان دالان تلقی می‌شود تا آنکه معبری برای داد و ستد، گردش و وقت‌گذرانی باشد. وانگهی داد و ستد به بخش مشخص، یعنی بازار یا سوق اختصاص دارد. در شهرهای اسلامی کهن هیچ چیز در نخستین و هله میزان تمکن و دارایی ساکن خانه را مشخص نمی‌کند؛ چراکه یک پیوستگی و تداخل پیچیده‌ای بین مسکن فقرا و اغنيا موجود است. آنچه که محلات زیبا را از خانه‌های ساده‌تر تفکیک می‌کند وجود مجموعه‌های ساده متوالی و متعددالشكل است. حال آنکه در نوگرایی جدید، منطقه‌بندی و تقسیم‌بندی جدید شهری کاملاً قابل تشخیص بوده و شکاف طبقاتی را کاملاً ترسیم می‌نماید؛ در یک سو، خانه‌های اشرافی با امکانات رفاهی بسیار افراطی و در سوی دیگر، تراکم شدید شهر در منطقه‌ای فقیرنشین! در شهر اسلامی هر چه از مکان‌های مذهبی و آموزشی فاصله گرفته می‌شود، دایره گسترده‌تر شده و از فشردگی آن کاسته می‌گردد. البته می‌توان جابجایی‌های قومی را در برخی محلات

مشاهده کرد؛ همچون محله‌های یمنی‌نشین در اندلس یا اندلسی‌های ساکن در فاس و نیز محله مربوط به موریتانی‌ها در مدینه، اما همه چیز در فضایی منسجم و بدون بریدگی و گستگی پیچیده شده است. شهر اسلامی در مجموع ناپایداری، فناپذیری، و موقع بودن امور مادی را ترویج می‌نماید و بر ارزش‌های معنوی تأکید دارد.^(۱) همان‌گونه که بازار با همه اهمیت حیاتی، شکل مجلل و تشریفاتی به خود نمی‌گرفت و سوای نقاطی که لازمه تمرکز و تبادل فشرده بود، در ارتفاع رشد چندانی نمی‌کرد، مردم به خود اجازه نمی‌دادند مساکن خویش را بلندتر از مسجد قرار دهند و احترام آن را در احداث فضاهای شهری کاملاً مراعات می‌نمودند. مسجد نیز در ارتباط با مبانی عقیدتی و محدودیت‌های مادی بی‌آن‌که از قدرش کاسته شود، ابعادی بیش از آنچه متعارف به حساب می‌آمد به خود نمی‌گرفت. سوای مسجد جامع شهر، که بهدلیل اهمیت سیاسی خود در چهارچوب فرهنگی - اجتماعی نمی‌توانست از گرویدن به ابعادی بزرگ و بخصوص رشد در ارتفاع مصون بماند، سایر مساجد شهرها به شکلی در محیط کالبدی اطراف خود جایگزین شده‌اند که بیش از هر چیز تلفیق حجم هماهنگی محیطی و تداوم فضایی را برای شهروندان پیاده جلوه‌گر می‌سازند. به جدارهای خارجی این مساجد معمولاً توجه چندانی نمی‌شود و صرفاً ورودی‌هایی که به مجموعه فضایی مسجد راه می‌دهند تزیین می‌گردند تا از راه ابعاد بزرگ‌تری که

۱. همان، ص ۱۱۶ - ۱۱۵.

دارا هستند، تمیز دادن شان به راحتی مقدور باشد. این دسته از مساجد هیچ‌گاه فقط یک ورودی ندارند، در حالی که می‌توان غالباً ورودی اصلی آن را تشخیص داد. در توجیه این نکته باید یادآور شد که راهیابی به مسجد و دسترسی مستقیم به آن، چه از شاخه‌های گوناگون فضای مسکونی مسجد و چه از شاخه‌های متفاوت بافت بازارها، مطالبی است گواه بر وجود تداوم زندگی متشکل و صمیمانه که سکونت و کار را به عبادت پیوند داده است.^(۱)

در شهرهای ایران، مساجد به همراه زیارتگاه‌ها و تکایا چنان در چشم‌اندازهای فرهنگی مؤثر واقع می‌شوند که در غالب آن‌ها، تنها ساختمان مرتفع شهری این اماکن هستند. همچنین در بافت شهری نقش مسجد آنقدر تعیین‌کننده و حساس است که گاهی مسیر اصلی خیابان را از ادامه و تعریض باز می‌دارد، به پاره‌ای از مشاغل اجازه فعالیت نمی‌دهد و در عین حال، برخی حرفه‌ها را به شدت جذب می‌کند.^(۲)

شهری که با محوری مقدس احداث گردیده و سازندگان آن پیگیر تحقق معماری مذهبی بوده‌اند، جامعه‌ای را به یاد می‌آورد که باید منسجم، صمیمی و متحد باشند. در این صورت، تمامی شهر یک خانه را تشکیل می‌دهد. از این رو، برای نشان دادن جامعه شهری، «بیت‌الاسلام» مطرح می‌گردد و در واقع، بعد انسانی و معنوی بر فضاهای فیزیکی

۱. باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، ص ۵۸.

۲. حسین شکویی، جغرافیای شهری، ج ۲، ص ۴۰۵.

و کالبدی تفوّق می‌یابند.^(۱)

در محلات سنتی در پرتو مشترکات درونی و هماهنگی افراد در برگزاری آینهای مذهبی و فرهنگی، که غالباً در مسجد محل برپا می‌شوند، افراد نوعی پیوند عاطفی میان یکدیگر در خود احساس می‌کنند. بزرگِ محل که معمولاً انسانی متدين، سالخورده و دارای شهرت اجتماعی بالا و منزلت والاست، در جهت اتحاد و ایجاد تفاهم بین اهل محل می‌کوشد و از نزاع‌ها و کدورت‌ها تا حد امکان جلوگیری می‌نماید. ساکنان محل به احترام او رفتار خویش را اصلاح و کنترل می‌نمایند و می‌کوشند هنجارهای مذهبی و سنتی را حفظ کنند. همبستگی مذهبی و پیوندهایی که در مسجد محله استحکام و استمرار می‌یابد، مرزبندی‌های اقتصادی و طبقاتی را به تحلیل می‌برد و گروه‌های غنی در کنار اقشار کم درآمد در نهایت صلح و صفا زندگی می‌کنند. فضاهای مسکونی نیز در قرار گرفتن کنار یکدیگر این انسجام و معیارهای ارزشی را رعایت نموده‌اند؛ زیرا کوشیده‌اند در ساختن خانه، همسایه خویش را از نور و نسیم هوا و فضای باز محروم نکنند و زمینه‌های نگاه توأم با گناه را در ساخت و سازها فراهم ننمایند. ورودی خانه‌ها و پوشش روی پلکانی که به بام منتهی می‌گردد، از محراب مساجد و آجرکاری ایوان‌های اماکن مذهبی الهام گرفته‌اند. کمتر خانه‌ای را می‌توان مشاهده کرد که از مساكن مجاور ارتفاع بگیرد. در این محلات میزان جرایم، بزهکاری، و کج روی

۱. شهر اسلامی، ص ۸۸.

اجتمای ناچیز و قابل اغماض است. احساس تعلق مردم به فضاهای با ارزش مذهبی، از مشکلات و تنש‌های روانی می‌کاهد و روح امید و آرامش را در ساکنان آن‌ها تقویت می‌نماید.^(۱)

در سیمای شهرهای جدید، اعم از ایران و کشورهای اسلامی دیگر، معماران و برنامه‌ریزان شهری از تأثیرات سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده زلال فرهنگ قرآنی و سنت‌های دینی و بومی بیگانه گشته‌اند و بیش از آنکه مبلغ مظاهر و سبک‌های هنر و معماری اسلامی باشند، جلوه‌های غربی و مادی‌گرایی و گرایش‌های اقتصادی را در ساخت شهرها مدنظر قرار داده‌اند که ارمغان این روند، پیدایش ناهنجاری‌های اجتماعی - فرهنگی، فساد و ابتذال و نابسامانی‌های خانواده‌ها می‌باشد.

از بازار آخرت تا بازار دنیا

قال رسول الله ﷺ : «المساجد سوق من اسوق الآخرة قراها المغفرة و تحفتها الجنة». رسول خدا ﷺ فرمود: «مسجد بازاری از بازارهای آخرت است؛ کالای آن مغفرت و ارمغان آن بهشت است».^(۲)

در شهرهای مذهبی و سنتی جهان اسلام بین مسجد، که بازار آخرت است، با بازار دنیا ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. عموماً راسته

۱. مسعود کوثری و سید محمود نجاتی حسینی، مشارکت فرهنگی، ص ۱۹۴.

۲. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۴.

بازار (سوق) از جلو درهای مسجد آغاز می‌گردد و بازار هم مسجد را تنگاتنگ در برابر می‌گیرد و با بافت شهر پیوند می‌خورد و وجود آن زندگی روزمره‌ای را که در بازار جریان دارد تضمین می‌کند. در واقع، بین فضای مقدس و مکان زندگی، که عالی‌ترین نمونه آن بازار است، فاصله‌ای وجود ندارد. علاوه بر این، یک نوع تعامل و ارتباط خوب هم به چشم می‌خورد؛ یکی دیگری را تضمین کرده و آن را به تحرّک وا می‌دارد و هر دو متفقاً در یک فضا جمع شده‌اند. حاجیان در مکه، که به زیارت مهم‌ترین کانون عبادی جهان اسلام آمده‌اند، این زندگی معنوی و مادی را به نمایش می‌گذارند و این بیانگر آن است که در اسلام بین مادیت و معنویت تضادی وجود ندارد و دنیا هم می‌تواند مزرعه آخرت باشد. استفاده بیانکامی نویسد: «کانون چنین ترکیب شهری در ارتباط بین مسجد و بازار قرار دارد؛ ارتباطی که بر سنت کهن اسلامی استوار است. حتی خود مکه در عین حالی که زیارتگاه بوده، مرکزی تجاری به حساب می‌آمده است». ^(۱) بازارها بیشتر در امتداد مهم‌ترین راههای اصلی ساخته می‌شدند و در اغلب موارد راسته بازار شاهراه اصلی شهر نیز بود که مهم‌ترین و شلوغ‌ترین دروازه‌ها را به مرکز شهر متصل می‌کرد. در عین حال، مسجد جامع در کنار بازار قرار داشت، موضوعی که هم اکنون نیز در تهران، اصفهان، یزد، کاشان، نایین، اردستان و زواره شاهد آن هستیم. همین ارتباط با مسجد موجب گردید که بازاری که در وله اول برای

۱. شهر اسلامی، ص ۹۸ و ۱۲.

عرضه تولید، تبادل و خرید و فروش کالا شکل گرفت، بعدها کارکردهای متعدد فرهنگی و اجتماعی پیدا کند.^(۱)

در واقع، مسجد جامع شهر به دلیل این که رکن اصلی قدرت معنوی و مذهبی به شمار می‌رود، نمی‌تواند جدا یا با فاصله زیاد از بازار موضع بگیرد و متصل به بدنه بازار و درآمیخته با کالبد واحدهای معماری شهری سازنده آن دیده می‌شود. در مثال‌های مزبور، بافت مسکونی مجاور یا پشت بازار از راه ورودی‌های متعدد مسجد جامع به بازار ارتباط می‌یابد و مسجد جامع بیشتر رابطه مستقیم را با بافت مسکونی از یک سو و با بافت بازرگانی - خدماتی از سوی دیگر، برقرار می‌کند.^(۲)

لویی ماسینیون خاطر نشان ساخته است در شهرهای بزرگ عربی - اسلامی، نظیر قاهره، رابطه نزدیکی بین منطقه مرکزی بازارها با مسجد جامع و مخصوصاً موقعیت پر رفت و آمد بازار طلافروشان و مرکز صرافان و بازار تسیح فروشان وجود دارد. بنابراین، در ساختارپذیری مراکز شهری، بازار و مسجد جامع نقش قاطع ایفا می‌کردند و حال آنکه عموماً مرکز سیاسی شهر دارای نقش محدود یا ناچیزی بود در همه شهرهای بزرگ تطابق کاملی میان محله بازار و مرکز شهر وجود داشت. ویژگی دوم تمرکزگرایی شدید شهری این

۱. تاریخ هنر معماری ایرانی در دوره اسلامی، ص ۱۷.

۲. باز زنده‌سازی بنایان و شهرهای تاریخی، ص ۱۲۹.

است که فعالیت‌های شهر به صورت شعاعی به سمت نواحی بیرون منطقه بازارها و مسجد جامع توسعه می‌یابد. مکان‌یابی فعالیت‌ها از مرکز تقریباً خصوصیت شعاع‌های متعددالمرکز را داشت. فعالیت‌های اقتصادی براساس اهمیتی که داشتند به صورت حلقه‌های محاط بر یکدیگر یا براساس مقدار آلودگی و مزاحمتی که ایجاد می‌کردند و یا براساس نیازشان به فضا مرتب و منظم می‌شدند.

اقدامات وقفی که توسط پادشاهان قرن دهم هجری در حلب در جنوب مدینه آن شهر انجام شد، شامل تعدادی بازار می‌گردید که بعضی از آن‌ها هویت اصیل معماری دارند و به درستی با یک نظام متشکل از طاق‌ها و گنبد‌ها به بناهای وقفی اصلی، یعنی مساجد، متصل و مرتبطند.

در تونس محله بازار پیرامون مسجد جامع سازمان یافته بود.^(۱)

متأسفانه شهرها و شهرک‌های جدید جهان اسلام از چنین ویژگی

محروم‌ند.

۱. شهرهای بزرگ عربی اسلامی، ص ۲۵، ۵۱ و ۵۷.

■ منابع و مأخذ

- ۱ - آثار ایران، آندره گدار (و دیگران)، ترجمه ابوالحسن سرو قدمقدم، مشهد بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- ۲ - الاعلاق النفیسه، ابن‌رسنه، ترجمه دکتر حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ۳ - اخبار مکه، ابوالولید محمد بن عبدالله بن احمد (ازرقی)، لایپزیک، ۱۸۵۸ میلادی.
- ۴ - بخار الانوار، علامه مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ هـ.
- ۵ - باز زنده سازی بنها و شهرهای تاریخی، دکتر محمد منصور فلامکی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۵.
- ۶ - تفسیر منهج الصادقین، ملا فتح الله کاشانی، تهران، اسلامیه.
- ۷ - تفسیر مجمع البیان، طبرسی.
- ۸ - تاریخ المدینة المنوره، ابوزید عمر بن شبه النمیری البصري، تحقیق محمد شلتوت، قم، دارا، ۱۳۶۸.
- ۹ - تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، تحقیق و ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- ۱۰ - تاریخ الكوفه، سید حسین بن سید احمد البلاقوی، بیروت، دارالاکسواء، ۱۴۰۷ هـ.
- ۱۱ - تاریخ هنر اسلامی، کریستن پرایس، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۲ - تاریخ ایران، پژوهش‌دانشگاه کمبریج، ج. پنجم، ج. آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران امیرکبیر.
- ۱۳ - تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، محمد یوسف کیانی، تهران، سمت، ۱۳۷۴.

- ۱۴ - تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، حسین سلطانزاده، تهران، نشر آبی، ۱۳۶۵.
- ۱۵ - تأملات در هنر و معماری، حمید نوحی، تهران، گام نو، ۱۳۷۹.
- ۱۶ - بیانش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، عباس سعیدی رضوانی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۳۶۸.
- ۱۷ - راز و رمز هنر دینی، تنظیم: مهدی فیروزان، تهران، سروش، ۱۳۸۰.
- ۱۸ - «در مساجد ایران نقشه سبک معماری عرب وجود ندارد»، عباس زمانی، مجله هنر و مردم، شماره ۶.
- ۱۹ - «جویبارهای جاویدان»، عبدالله اصفهانی، فصلنامه صحیفة مبین، زمستان ۱۳۷۵.
- ۲۰ - سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی، مارتون، ترجمه پرویز جاوید، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- ۲۱ - سفرنامه ناصرخسرو، به کوشش دکتر نادر وزین‌پور، تهران، کتاب‌های جیبی.
- ۲۲ - سیر فرهنگ در ایران، دکتر ناصرالدین شاه حسینی.
- ۲۳ - شهر اسلامی، نجم الدین یمات، ترجمه محمد حسین حلیمی و منیزه اسلامبولچی، تهران، ارشاد، ۱۳۶۹.
- ۲۴ - شهرنشینی در خاورمیانه، وینسنت فرانسیس کاستللو، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، تهران، نشر آبی.
- ۲۵ - سفرنامه ابن‌حبیر، محمد بن احمد بن حبیر، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- ۲۶ - شهرهای بزرگ عربی اسلامی، آندره ریمون، ترجمه حسین سلطانزاده، تهران، آگاه، ۱۳۷۰.
- ۲۷ - جغرافیای شهری، حج دوم، دکتر حسین شکویی، تهران، کتابفروشی تهران، ۱۳۵۴.
- ۲۸ - الشیعه فی المملکة العربية السعوویہ، حمزۃ الحسن، مؤسسه البقیع لاحیاء تراث، ۱۴۱۳ هـ.

- ۲۹ - مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم، آل‌البيت، ۱۴۰۷.
- ۳۰ - مبانی هنر موعود، احمد رضا معتمدی، تهران، بر ، ۱۳۶۸.
- ۳۱ - مرآة الحرمين، ابراهیم رفعت پاشا، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۴۴ هـ.
- ۳۲ - مدینة المنوره، صالح لمعی مصطفی، ترجمة صدیقه وسمقی، تهران، ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۳۳ - مشارکت فرهنگی، مسعود کوثری و سید محمود نجاتی حسینی، تهران، نشر آبی، ۱۳۷۹.
- ۳۴ - معماری و تراثیات اسلامی، درک هیل و اولک گرابر، ترجمة مهرداد وحدتی دانشمند، تهران، علمی فرهنگی.
- ۳۵ - کوفه پیدایش شهر اسلامی، هشام جعیط، ترجمة ابوالحسن سرو قدماقدم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- ۳۶ - فضل الكوفة ومساجدها، محمد بن جعفر المشهدی، تحقیق محمد سعید طریحی.
- ۳۷ - نهج الفلاح، ترجمة ابوالقاسم پایندہ، تهران، جاویدان.
- ۳۸ - ویرثگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، احمد اشرف، نامه علوم اجتماعی، شماره ۴.
- ۳۹ - وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، حر عاملی، بیروت، دارالحیاء تراث العربی.
- ۴۰ - هنر اسلامی، دیوید تالبوت رایس، ترجمة ماه ملک بهار، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۴۱ - هنر اسلامی، ارنست کونل، ترجمة هوشنگ طاهری، تهران، ۱۳۵۵.
- ۴۲ - دیار ابار، پژوهشکده باقرالعلوم، ج ۷، قم، ۱۳۷۳.

کارکردهای اساسی مسجد در طول تاریخ

■ علی محمدی آشنانی

مساجد هماره خانه خدا، سجده‌گاه عشق، مأمن مردم، مرکز آزادی و رهایی از قید و بند اسارت‌های درونی و گستاخ قیود بروانی برای پرواز به ملکوت در اوج بندگی خدا، دانشگاه معارف دین و قرآن، مبدأ و منتهای معراج، مرکز اعتکاف و سلوک، محل انس و ذکر، خانه آزادی و پرورشگاه آزادگی، سکوی عروج، مشعل هدایت، نماد توجه به ارزش‌های والای انسانی و طرد آلایش‌های مادی، گوهر گران‌بها و جواهر درخشنده فرهنگ و هنر و معماری اسلامی، مرکز آرامش یافتن روح، میعادگاه و محل دیدار روزانه مسلمانان و برگزاری زیباترین همایش روزانه عبادی، نشانگر و حافظ هویت دینی و تجلیگاه وحدت مسلمانان، ستاد فرماندهی جهاد و دفاع و پایگاه مقاومت در برابر بیگانگان، جایگاه مشاوره و شکل‌گیری صحیح فرآیند تصمیمات مهم

سیاسی، نهاد ساماندهی اتفاقات واجب و مستحب و پناهگاه مستضعفان و محل حل و فصل اختلافات و مشکلات فردی و اجتماعی مرکز تحکیم روابط اجتماعی و محل تقویت مشارکت اجتماعی در امور مختلف، پایگاه مهم فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی و مرکز پیشگیری و کاهش بزهکاریهای اجتماعی، نماد حضور اجتماعی زنان، مائدۀ بزرگ روح انسان در تداوم ایمان، تجسم اعلای فطرت خداجو، حضور نور در سیطره بی‌امان ظلمت در زمین، طواف دل در حریم الهی در احرام مناجات، سمبول صفت‌بندی حق‌جویان توحیداندیش در برابر حق ستیزان ستم‌گر بوده است.

آری، در جهان هستی، مسجد، قلب تپنده معنویتی است که در فضای نورانی آن، آسمان و زمین به هم پیوند می‌خورد و انسان به عنوان گل سر سبد نظام هستی در آن رشد و تکامل می‌یابد. بدینسان مساجد ترجمان اندیشه و اعتقاد یک امت بلکه فریاد همه حنجره‌های پاک و خدایی است.

با تشکر و قدردانی از نامگذاری و برپایی هفته و اجلاس گرامی داشت مساجد، آنچه در پی می‌آید نخست نگاهی کوتاه به کارکردهای اساسی مسجد در طول تاریخ و در پایان پیشنهادهایی برای احیای آن کارکردها در دوران معاصر است که امید است با لطف خداوند هستی و همدلی همگان می‌سور گردد و با احیای آن کارکردها، از مساجد این موهبت بزرگ الهی مناسب با دوران معاصر، به خوبی بهره گرفته شود.

ان شاء الله.

۱. مسجد پایگاه عبادت و تهدیب

اگرچه آسمان‌ها و زمین و هر چیزی که پرتوی از حیات و حرکت دارد، متعلق به خداوند است و آن چنان که قرآن کریم می‌فرماید: مشرق و مغرب حوزه اقتدار ذات پروردگار بوده و هر جا که روکنیم خدا روبروی ما است، (وَلِلَّهِ الْمَشْرُقُ وَالْمَغْرِبُ فَإِنَّمَا تُلَوِّنَ فَيْمَ وَجْهَ اللَّهِ) ^(۱) و به قول امام علی علیه السلام جهان با همه گستردگی اش مسجد و عبادتگاه دوستداران حضرت حق است و هیچ محدودیتی از نظر زمان و مکان و جهت برای عبودیت و پرستش خداوند وجود ندارد. مع ذلک مسجد قداست، ویژگی و آداب مخصوص به خود را دارد.

نامگذاری مکان‌های مقدس عبادی از سوی خداوند و مسلمانان به مسجد، اشارتی بس زیبا به یکی از نقش و کارکردهای بی‌بدیل آنها دارد؛ کارکردی که معنی آیه کریمه «ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون» ^(۲) را تحقق می‌بخشد. هدف آفرینش آدمی را میسر می‌سازد و زمینه تعالیٰ به مقام خلیفه الله را فراهم می‌نماید.

مگر نه آن است که پیمودن مراتب سلوک تنها در پرتو عبادت و عبودیت میسر می‌شود و خلافت الله فقط از مسیر تسیح و تقدیس و بندگی حضرت حق به دست می‌آید. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «ما عبدالله

۱. سوره بقره: آیه ۱۱۵.

۲. سوره ذاریات: آیه ۵۶.

بشي افضل من المشى الى بيته^(۱).

براساس آموزه‌های روایی، مسجد محبوب‌ترین مکان زمین نزد خدا، ریاض جنت^(۲) و میهمانسرای خداوند است، مؤمنان زائران آن و خداوند مزورش و براساس حقوق زیارت زائر خویش را گرامی می‌دارد؛ فرشتگان بر درب آن می‌نشینند و منتظران نماز در آن را در حال نماز و عبادت به حساب می‌آورند. زمین نیز با فرود آمدن گام‌های مسلمانی که به سوی مسجد گام بر می‌دارد و با او همدل و همنوا گشته، تسبیح حق را نثار صاحب قدم می‌کند. شاید به همین دلیل تعلق قلبی به مساجد موجب افزون شدن محبوبیت می‌گردد.^(۳)

پیامبر ﷺ نماز جماعت در مسجد را یکی از موهاب الهی به خود ذکر می‌کند و در روایات رفتن به مسجد جهاد و روندگان به مسجد برخودار از برات آزادی از آتش جهنم معرفی شده‌اند.^(۴) ولی نمازگزاردن در خانه و عدم حضور در مسجد، ترک سنت پیامبر و موجب گمراهی دانسته شده است.^(۵)

۱. بحار الانوار: ج ۱۰، ص ۱۰۶.

۲. کنز العمال: ج ۷، ص ۶۴۸؛ «احب البلاد الى الله، خير البقاع المساجد، رياض الجنة».

۳. بحار الانوار: ج ۸۳، ص ۳۶۷.

۴. کنز العمال: ج ۷، ص ۵۵۷.

۵. سنن نسائي: ج ۲، ص ۱۰۹.

شاید آیه کریمه «ان المساجد لله فلاتدعوا مع الله احدا»^(۱) نیز با پرهیز دادن آدمیان از رویکرد به مسایل مادی در مساجد، می‌خواهد این کارکرد بی‌بدیل را تثبیت کند و اخلاص و یگانه شدن آدمیان برای خدا را پی‌گیرد.

آری مسجد مجمع و کنگره انسانی و جلوه حضور و تبلور مشارکت مردمی و مظهر اقتدار ملی - دینی است. مسجد سنگر تجدید قوا و بازیابی آرامش خاطر و محفل به خود پرداختن و پیراستگی از وابستگی‌های دنیایی است. ارتباط انسان و خدا در مسجد چنان اوج می‌گیرد که به یقین «ادعونی استجب لكم» تحقق می‌یابد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس اراده برآورده شدن حاجت خویش را دارد، با تقدیم صدقه و خوشبو نمودن خویش، به مسجد رفته حاجت خویش را از خداوند طلب کند که برآورده خواهد شد». ^(۲)

برابر روایات حضور در مسجد، همنشینی با ملائیک است.^(۳)

آری مسجد مناسب‌ترین مکان برای بازگشت به سوی خدا، توبه و استغفار بوده و هست. داستان ابالبابه و ستون توبه در مسجد نبوی اشارتی بس بلیغ به این کارکرد بسیار مهم مساجد دارد که از ذکر تفصیل آن خودداری می‌شود.

۱. سوره جن: آیه ۱۸.

۲. بحار الانوار: ج ۸۳، ص ۳۶۱.

۳. کنز العمال: ج ۷، ص ۵۸۰.

یکی از آثار مهم ارتباط انسان و خدا، آرامش روح و روان آدمی است که گمشده کنونی عصر تکنولوژی و ارتباطات است. در این راستا آرامش بخشی مساجد نکته‌ای در خور توجه است که در برخی از روایات بدان اشارت شده است.

افرون بر آن، آثار مبارک، حضور در مسجد در اوقات مختلف نماز، چنان بر جان آدمی تأثیرگذار است که فضایل بسیاری را برای آدمی رقم می‌زند. در این راستا، در پایان این بخش، به یک روایت از پیامبر گرامی اسلام ﷺ بسنده می‌شود:

«من صل الفجر في جماعه، ثم جلس يذكر الله عزوجل حتى تطلع الشمس
كان في الفردوس سبعون درجه، بعد ما بين كل درجتين كحضر الفرس الججاد
المضمرون سبعين سنه ومن صلى الظهر في جماعه، كان له في جنات عدن خمسون
درجة، بعد ما بين كل درجتين كحضر الفرس الججاد خمسين سنه ومن صلى العصر
في جماعه، كان له كاجر ثمانيه من ولد اسماعيل كلهم رب بيت يعتقهم و من صلى
المغرب في جماعه، كان له كحججه مبوروه و عمره مقبوله، و من صلى العشاء في
جماعه، كان له كقيام ليله القدر». ^(۱)

۲. مسجد، دانشگاه بزرگ علمی - تربیتی دین

از آن هنگام که پیامبر ﷺ برانگیخته شد تا با تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت جهالت و ظلم و ستم را برآفکند، مسجد را به دانشگاه

۱. وسائل الشیعه: ج ۸، ص ۲۸۸ .

گسترده‌ای بدل نمود که در آن مسلمانان در مراتب مختلف به آموختن و فراگیری قرآن و علوم اسلامی پرداخته و با سلوک و عبادت به کمال والای انسانی دست یابند.

تلاؤت قرآن و بازخوانی آیات و حیانی بر مردمان و ارائه آموزه‌های اخلاقی مسجد را به دانشگاهی بی‌نظیر بدل نمود که هدف آن تنها تبیین برخی مفاهیم و آموزش برخی اصطلاحات نبود، بلکه هدف آموزش‌های آن، انسانی‌سازی و در یک جمله، پرواز دادن انسان از محیط خاک به مقام قرب و لقای خدا بود.

تاریخ نشانگر آن است که جلسات آموزشی پیامبر در مدینه از چنان جاذبه‌ای برخوردار بود که نمایندگان قبیله ثقیف از دیدن آنها یکه خوردن، از کوشش مسلمانان در فراگرفتن احکام و معارف، انگشت تعجب به دهان گرفتند.

این نقش و کارکرد همچنان تا آغاز قرن چهارم اسلامی ادامه یافت. زیرا تا آن تاریخ غالباً مساجد در غیر اوقات نماز، حکم مدارس را داشت. اگرچه پس از آن تاریخ با ساخت مدارس و مراکز آموزشی به تدریج آموزش‌های رسمی به آن مراکز منتقل شد ولی مساجد همچنان تعلیم و تعلم قرآن، حدیث و معارف اسلامی را از راه خطابه و منبر ادامه دادند.

نکته بسیار جالب و قابل توجه آن است که در روایتی که به اسانید متعدد از شش تن از امامان، نقل شده است، یکی از وظایف و کارکردهای مهم مسجد، ارائه علم مستظرف یا مستظرف یعنی دانش نفیس و نو

معرفی شده است. علامه مجلسی علم مستطرف را دانستن بدیع و معرفتی که برای افراد تازه و طریف است، معنا نموده است.

افرون بر آن در این روایت دستیابی بر آیات محکم قرآن یا دانش اصول عقاید و استماع سخنانی که او را به سوی هدایت راهنمایی نموده یا از ضلالت و گمراهی باز می‌دارد، از مواهب، فوائد و آثار حضور در مسجد بیان شده است.^(۱)

براستی مگر نه آن بود که پیامبر آیات را در مسجد برای مردم تلاوت می‌فرمود و هرگاه دو حلقه تفقه و تعلم در یک سو و در سوی دیگر حلقه ذکر و دعا را در مسجد می‌دید، بی‌درنگ به حلقه نخست می‌پیوست و می‌فرمود: «من برای آموختن مبعوث گشته‌ام».

در روایات ثواب رفتن به مسجد برای تعلیم و تعلم برابر حج و عمره کامل و تام ذکر شده است.^(۲) نقش مسجد در تربیت اخلاقی نیز به گونه‌ای است که در روایات به کارکرد مهم مصون‌سازی آدمی در برابر

۱. «من اختلف الى المسجد اصحاب احدى الثمان: اخا مستفادا فى الله او علما مستطرفا، او آية محكمه، او يسمع كلمه تدلle على هدى، او رحمة متظره، او كلمة ترده عن ردی او يترك ذنبا خشيه او حياء». هرکس به مسجد همواره رفت و آمد نماید به هشت فایده دست می‌یابد: به برادری دینی و قابل استفاده یا به دانشی نفیس و طرفه یا آیتی محکم یا شنیدن سخنی که او را به سوی نیکی هدایت نماید یا رحمتی مورد انتظار یا سخنی که او را از زشتی یا از گناه به خاطر خشیت الهی یا حیاء باز دارد. وسائل الشععه: ج ۵، ص ۱۹۷.

۲. بحدالاتواد: ج ۱، ص ۱۸۵.

گناه توسط مسجد تصریح شده است: «و من دخل المسجد امانت جوارحه ان
یستعلمهها فی المعصیة».^(۱)

تشکیل کتابخانه در مسجد و فراهم ساختن زمینه مطالعه و پژوهش
کارکرد معرفت آموزانه دیگر مساجد است که خوشبختانه تا هم اکنون اگر
چه در حد ضعیفی ادامه یافته است.

بدون تردید کارکرد آموزشی مسجد فقط از طریقی معارفی که در
مسجد آموزش داده می شود و با علم حصولی دریافت می گردد،
محقق نمی شود، بلکه با آمادگی های روح که فضای معنوی و ملکوتی
مسجد فراهم می سازد، می تواند از طریق کشف و شهود با علم حضوری
نیز تحقیق یابد؛ براین اساس مجاورت مسجد الحرام، مسجد نبوی
و مساجد مهم دیگر چون مسجد کوفه و مسجد سهلة و اعتکاف در
مساجد دیگر از سوی برخی از ارباب معرفت پی گرفته می شد.

۳. مسجد، مرکز اصلی ترین تشکیلات حاکمیت سیاسی

به اعتراف همه پژوهشگران تاریخ، پیامبر با بنای مسجد مقدس نبوی،
در حقیقت بنیان مرکزیت تشکیلات سیاسی خود را بر نهاد و به تعبیر
برخی از پژوهندگان تاریخ، اساساً پیامبر تلاش سیاسی تشکیل حکومت
خود را با ساختن مسجد آغاز نمود.

پس از آن نیز هماره مسجد بارزترین مرکز تحقق آیه کریمه

۱. بخارالاتواد: ج ۷۰، ص ۲۲.

﴿وَشَاوِرُهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزِمتْ فَتَوَكِّلْ عَلَى اللَّهِ﴾^(۱) بود. آری پیامبر اغلب شورای عالی سیاستگزاری کلان و خرد حکومت مقدس خویش را در مسجد تشکیل می‌داد و بدینسان بود که برتری سیاست‌های بنیاد شده بر فضای ملکوتی مسجد را به همگان آموخت و الگویی بی‌نظیر برای همیشه تاریخ در اداره امور مردم پی‌نهاد. متون تاریخی را بنگرید، در طول دوران خلفاً و به ویژه پس از قتل خلیفه سوم مردم در مسجد اجتماع نموده و با ذکر فضایل امام علی^{علیه السلام}، به درب خانه آن حضرت هجوم آورده تا با او بیعت کنند.

بدون شک شکل‌گیری و هدایت انقلاب اسلامی از مساجد یکی از مصادق‌های روشن پیروی از آن اسوه حسن و بی‌همانند است؛ امام خمینی رهبر فقید انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی چه زیبا و جامع به این کارکرد مهم مسجد اشاره فرموده‌اند: «مسجد محلی است که از مسجد باید امور اداره بشود. این مساجد بود که این پیروزی را با رأی ملت ما درست کرد». ^(۲)

اهمیت سیاسی مساجد به گونه‌ای است که امام خمینی در سخنی دیگر می‌فرمایند: «پیروزی ما برای اداره مساجد است؛ مراکزی که مراکز بسط حقیقت اسلام است، بسط فقه است و آن مساجد است». ^(۳)

۱. سوره آل عمران: آیه ۱۵۹ .

۲. صحیفه نور: ج ۱۲، ص ۲۳۰ - ۲۳۴ .

۳. صحیفه نور: ج ۱۲، ص ۲۳۰ - ۲۳۴ .

گفتنی است اداره امور سیاسی از مساجد، اصول، ساختار تشکیلات اهداف، متده و روش‌های ویژه و خاصی دارد که با حاکمیت‌های دیگر تفاوت‌های چنان بنیادین را رقم می‌زنند که می‌توان گفت: تشابه آنان در اطلاق واژه حکومت بر همه آنها است و بس.

براستی خدا محوری، خدمت‌رسانی صادقه به مردم، ایجاد امنیت واقعی، رعایت حقوق، ساده زیستی و پرهیز از تکلف، قاطعیت براساس فرمان الهی، اعتمادسازی و ایثار کجا و ثروت مداری و زور محوری کجا؟ اکنون نیز نمی‌توان مصداقی زیباتر از مساجد برای تحقق دقیق مردم سalarی دینی و تعامل دولت و ملت یافت!

گفتنی است در نظریه‌های سیاسی معاصر که پشتونه اصلی و بنیادین حکومت‌ها، مردم معرفی می‌شوند، مسجد به عنوان همايش و گرددۀ‌های دائمی روزانه مسلمانان یکی از مراکز اصلی قدرت سیاسی جوامع اسلامی است که متأسفانه به این نقش و کارکرد عظیم توجهی در خور و متناسب مبذول نشده است.

گفتنی است انجام امور حسبه که هم‌اکنون بخشی از وظایف شهرداری، نیروی انتظامی و دادستانی را در بر می‌گیرد در مسجد صورت می‌گرفت و محتسب برای رسیدگی به این امور در مسجد جامع شهر حضور می‌یافت.

۴. مسجد جایگاه قضاؤت و گسترانیدن عدالت

برپا داشتن مردمان به عدالت یکی از مأموریت‌های اصیل پیامبران بوده است. برهمنین اساس در زمان پیامبر ﷺ رسیدگی به بسیاری از مسایل حقوقی در مسجد صورت می‌پذیرفت. این سنت در دوره خلفانیز ادامه یافت. دکه القضای مسجد کوفه که کیفیت حضور امام علی علیهم السلام در آن نیز قابل توجه بوده است، شاهد و یادآور قضاؤت‌های عدالت محور و شکفت‌انگیز امام علی علیهم السلام بوده است.

در دوران‌های سپس تر، اگرچه به دلیل پیچیدگی‌های اجتماعی در این راستا فراز و نشیب‌های بسیاری طی شده است، اما باز هم کم و بیش این کارکرد مهم توسط مساجد ادامه یافته است. به عنوان نمونه در دوران خلفای فاطمی و حکومت‌های مختلف عراق و دمشق قاضی القضاط در کنار مسجد جامع سکونت می‌یافت و در آن به رسیدگی امور قضایی و حقوقی می‌پرداخت.

۵. مسجد ستاد فرماندهی جهاد و سنگر دفاع

در صدر اسلام تحریض مؤمنان برای حضور در جنگ و فراخوان لشکریان اسلام به سوی جهاد، بسیج عمومی مسلمانان برای جهاد با کفار، تشکیل شورای نظامی و طراحی و برنامه‌ریزی عملیات در مسجد صورت می‌پذیرفت و مسجد حرکت و تلاش آفرین بود.

مسجد نه تنها به نقطه عزیمت جهاد، بلکه نقطه فرود آن نیز بوده

است. پیامبر پس از بازگشت از جهاد نخست به مسجد رفته، پس از اقامه دو رکعت نماز به خانه خود می‌رفتند.

۶. مسجد پایگاه بزرگ تمدن و فرهنگ اسلامی

در دوران نبوی انشاء شعر از سوی ادیان مسلمان و اصلاح آن توسط پیامبر در مسجد صورت می‌پذیرفت و محفل ادبی برگرفته از آموزه‌های اسلامی، مسجد را به کانون رشد و تعالی ادب دینی بدل نمود.

علاوه بر آن رویکرد مشთاقانه هنرمندان مسلمان به ثبت ذوق هنر دینی خود در معماری مسجد، این خانه‌های خدا را به مجالی هنر و تمدن زیبای مسلمانان بدل ساخته است و اکنون هیچ پژوهشگری نمی‌تواند بدون مراجعت به مساجد به مطالعه هنر اسلامی پردازد؛ به همین جهت حفظ آثار هنری مسلمان نیز از طریق مساجد صورت پذیرفته است.

براین اساس مسجد در طول تاریخ پایگاه وحدت دل‌ها برای اسلامی کردن فرهنگ جامعه و عامل درک صحیح و تعمیق و رشد فرهنگ اسلامی در میان جوامع بوده است.

۷. مسجد عامل بهبود ارتباطات اجتماعی

یکی از نقش و کارکردهای مهم مسجد در طول تاریخ، تنظیم، اصلاح و بهبود ارتباطات اجتماعی بوده است زیرا شکل‌گیری دوستی در فضای ملکوتی مسجد و تحکیم وحدت و همدلی آحاد یک محل با حضور در

مسجد رقم می‌خورد. آشنایی با یکدیگر، در یک صفحه سر به سجده عبودیت حق نهادن، آشنایی با امکانات و مشکلات یکدیگر و تلاش برای حل آن نه تنها پیوندهای عمیق عاطفی را مستحکم می‌سازد، بلکه بر فضای کلی مناسبات اجتماعی تأثیری بس عیق و نیکو می‌نهد. همگان می‌دانیم که دوست در شکل‌گیر شخصیت و سعادت آدمی بویژه در دوران جوانی و نوجوانی تأثیر اساسی دارد. در روایات یکی از حدائق‌های آثار رفتن به مسجد یافتن دوستی نیکو و الهی بر شمرده شده است.

آری مسجد حلقه اتصال خدا با مردم از یک سو و حلقه اتصال مردم با مردم از سوی دیگر و حلقه اتصال مردم با حکومت از سوی سوم است.

همه می‌دانیم که اکنون یکی از مشکلات کنونی جوامع بشری فقدان روابط، مناسبات صحیح اجتماعی است که می‌توان آن را در جوامع اسلامی از طریق مساجد درمان نمود.

۸. مسجد، نماد حضور اجتماعی زنان

در عصر بعثت و در محیطی که وجود زن با دیدگاهی کثر اندیشه، ننگ و عار تلقی می‌شد.^(۱) پیامبر ﷺ افزون بر تلاش برای تغییر دیدگاه جهانیان با فراخوان زنان به حضور در مسجد و توصیه مزدان به عدم

۱. سوره نحل: آیه ۵۸.

ممانعت از حضور آنان، گام‌های نخستین فضاسازی لازم برای حضور و مشارکت اجتماعی زنان را برداشت.

برخورداری زنان از تعالیمی که در مسجد ارائه می‌شد و پرسش‌هایی که از پیامبر می‌نmodند، سطح آگاهی‌های زنان را افزون ساخت و زمینه لازم برای احقاق حقوق واقعی زنان را فراهم ساخت و با محقق نمودن بیعت با زنان در مسجد، مشارکت اجتماعی زنان را برای جهانیان آشکار ساخت.

ضرورت احیای نقش و کارکردهای مساجد

اکنون که جامعه بشری پس از تجربه مکاتب و ایسم‌های بشری، از آنها طرفی نبسته و از شعارهای توخالی آنها خسته شده است و تلخ کامی فقدان معنویت را با عطشی التهاب آمیز، تجربه نموده و همچنان با تشنۀ کامی در پی یافتن پاسخ پرسش‌های عمیق خویشتن است! اکنون که جامعه بشری در پی مناسبات نوینی است که ارتباط وی را با مبدأ هستی برقرار ساخته و معاد او را در بهترین شکل ممکن رقم بزند، اکنون که چهره کریه فقر، آدم‌کشی، استثمار، استعمار، استحمار در قالب‌های نوین همچنان چالش بزرگ بشریت قرن معاصر است، اکنون که اکثر حاکمان جهان معاصر در زیر لوای شعارهای آزادی و حقوق بشر، عدالت را فدای منفعت می‌کنند و ظالمانه بر مردم حکم می‌رانند، اکنون که در ظلمات فضای فرهنگی مبتنی بر سکس و خشونت، بشریت نیاز به بازگشت به خویشتن برای یافتن آرامش معنوی را به شدت احساس می‌کند،

ضرورت احیای نقش و کارکردهای مختلف مساجد بیش از گذشته، محسوس می‌باشد. بنابراین احیای کارکردهای عظیم مساجد یک ضرورت انسانی اسلامی است و می‌تواند راه نجات بشریت معاصر باشد.

بدین سان باید مساجد به همان کیفیت پیشین و در عالی ترین شکل ممکن مورد بهره‌برداری قرار گیرند و به عنوان مهمترین سنگر حفظ اسلام و انقلاب اسلامی در خدمت دین و ترویج و نشر معارف و فرهنگ غنی اسلام و پیام و رهنمودهای حیات بخش ائمه معصومین علیهم السلام و تأمین سعادت و ارتقای اندیشه و فرهنگ مسلمین و صیانت از دستاوردهای انقلاب و خون‌های شهیدان باشند.

راهکارهای احیای نقش و کارکردهای مساجد در دوران معاصر

برای احیای مجدد نقش و کارکردهای اساسی پیشین مساجد می‌بایست اقداماتی را در چهار حوزه ذیل، به اجرا گذاشت که فقط به آنها اشاره می‌شود:

الف: ساماندهی و مدیریت

1. یکی از مشکلات اساسی کنونی، عدم وجود یک سازمان منظم برای سرپرستی تمامی امور مساجد است؛ زیرا وجود تشکیلات موازی که هر یک به نحوی در امور مساجد خود را دارای مسؤولیت و حق اعمال نظر می‌داند مشکلات بسیاری را ایجاد نموده است. براین اساس پیشنهاد

می شود «سازمان مساجد» تشکیل و سازمان اوقاف، وزارت ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و بسیج با هماهنگی این سازمان فعالیت‌های خود در مساجد را شکل دهند.

۲. تشکیل شورای عالی مساجد مشکل از رئیس جمهور، مدیر حوزه علمیه قم، وزیر فرهنگ و ارشاد، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه جماعت، رئیس سازمان ملی جوانان و رئیس سازمان مساجد و سه تن از ائمه جماعات موفق و آشنا به مسائل و مشکلات ائمه جماعات.

۳. ساماندهی، برنامه‌ریزی همه جانبه و مدیریت منظم امور مختلف مساجد.

ب: مسؤولان و کارگزاران مساجد

۱. تأسیس دانشگاه مسجد برای تربیت کادر مورد نیاز مساجد همچون امام جماعت، خادم، مبلغ، موذن و معلم قرآن کریم.

۲. تهیه و تدوین نظام گزینشی، آموزشی و خدماتی برای همه مسؤولان و کارگزاران مساجد و ارائه یک برنامه مداوم برای آنان.

۳. تهیه و تنظیم و پیش‌بینی و تأمین بودجه مناسب برای پرداخت حقوق افرادی که در مساجد به کار گمارده می‌شوند.

۴. بررسی وضع موجود کارگزاران مسجد و باز نشسته کردن

کارگزاران پیر و از کار افتاده و جایگزین نمودن انسان‌های آموزش دیده به جای آنان.

۵. برگزاری اردو، همایش و کارگاه‌های آموزشی مقطعی برای کلیه مسؤولین و کارگزاران مساجد.

ج: عمران، امور ساختمانی، بعداشت و هزینه‌جاری مساجد

۱. تأسیس مساجد مناسب با جمعیت مناطق جدید و همچنین در میان راه‌های ارتباطی بین شهرها و در نظر گرفتن بودجه آن در هر سال در بودجه عمومی کشور.

۲. توسعه فضای مساجد مناسب با توسعه فضای شهرسازی در کشور.

۳. طراحی نقش‌های تیپ در مساحت‌های مختلف مشتمل بر امکانات جانبی، مناسب با نیازهای جدید.

۴. اختصاص بخشی از بودجه فرهنگی کشور به تأمین هزینه‌های مساجد در مناطق فقیرنشین.

۵. توجه جدی به زیباسازی و نظافت، سرویس‌های بعداشتی، نور، وسایل گرمایشی و سرمایشی و تهویه مطبوع.

۶. تأمین هزینه‌های جاری همچون آب و برق و گاز بویژه در مناطق فقیرنشین.

د : نهادینه ساختن نقش و کارکردهای مساجد به شکل قانونی

- ۱ . ضرورت تدوین قوانین و آئین نامه هایی که در آن بخشی از نقش های اجتماعی و مدنی به مساجد واگذار شود.
 - ۲ . تدوین برنامه جامع آموزش قرآن در مساجد برای کلیه سنین و ایجاد کلاس های مختلف علمی در مساجد براساس یک برنامه دقیق مناسب با نیازهای جوانان برای بازگرداندن نقش آموزشی مساجد.
 - ۳ . تجهیز کتابخانه ها و تشکیل نوارخانه و ارائه فیلم های آموزشی و لوح های فشرده قرآنی و دینی.
 - ۴ . تشکیل شورای حل اختلاف در مساجد مرکزی هر محله، برای خاتمه بخشیدن به اختلافات محلی.
 - ۵ . جمع آوری کمک های نقدی و غیرنقدی و تحت پوشش قرار دادن نیازمندان محلی، با هماهنگی کمیته حضرت امام ره، بهزیستی، سازمان تأمین اجتماعی و
- در پایان هشدار امام مسجد یان را بشنویم که فرمود:
- «از فانتوم های آمریکایی نترسید، از خالی شدن مساجد بترسید!».
- والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته.



مسجد؛ نماد وحدت و همگرایی مسلمانان

□ عزّت الله واعظی

اتحاد و یکپارچگی، وحدت کلمه و همبستگی مسلمانان موضوعی است که همواره مورد توجه و توصیه خدا و رسول و سفارش اکید پیشوایان مucchom دین علیهم السلام بوده است؛ چنان‌که حضرت حق در کتاب هدایتش، قرآن، همه پیروان دین حنیف را به تقوای حقیقی و ثبات قدم در اسلام و اتحاد، اجتماع و اعتصام به ریسمان محکم الهی فرا می‌خواند و از اختلاف و تفرقه نهی و آثار زیانبار و پیامدهای ناگوار آن را بیان می‌کند و می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَتَقْوَى الَّلَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ وَأَعْصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفْرَقُوا ﴾.^(۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از

. ۱. آل عمران: ۱۰۲ - ۱۰۳.

خدا بترسید - آنچنان که شایسته خدا ترس بودن است - تا نمیرید جز به دین اسلام و همگی به رشتہ محکم دین خدا (قرآن و عترت) چنگ زنید و به راههای متفرق نروید.

مسجد؛ محور وحدت مسلمانان

در اسلام، عوامل وحدت و همگرایی مسلمانان فراوان است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. وحدت حول محور ارزش‌های انسانی؛
۲. وحدت حول محور ایمان؛
۳. وحدت حول محور اسلام؛
۴. وحدت حول محور امامت و ولایت؛
۵. وحدت حول محور مسجد.

مساجد؛ مراکز هدایت و عبادت

مسجد نخستین خانه‌ای است که برای هدایت و عبادت و پرستش پروردگار عالم در زمین و کسب آرامش بنا شده است.

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُصِّحَ لِلنَّاسِ لِلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾^(۱) اولین خانه‌ای که در زمین برای

۱. آل عمران: ۹۶

عبادت و نیایش مردم تأسیس شد خانه‌ای است که در مکه بنادرگردید که آن خانه مشحون از برکت و موجب هدایت جهانیان است و در آن نشانه‌های روشن خداپرستی و توحید است؛ از جمله مقام ابراهیم، و هر کس در آن داخل شود امان یابد.

آری! کعبه، مسجدالحرام و یا هر مسجد دیگر که به نام خدا و برای خدا تأسیس شده و می‌شود باید در خدمت مردم و بندگان او باشد و آنچه که در خدمت بندگان خدا و توده‌های مردم باشد برای خدا محسوب می‌گردد.

مساجد خانه‌های خدا در زمین و محل عبادت پروردگار و بهترین عبادتگاه بندگان خدا و کانون آرامش و قداست و معنویت می‌باشند. مساجد از آن خدا و مردم بندگان خدایند، و خانه خدا متعلق به همه بندگان است؛ چنان‌که در آیات و روایاتی چند به این حقیقت اشاره شده است.

﴿وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾^(۱) به درستی که مساجد از آن خدادست. پس در آن احدي را با خدا نخوانید و کسی یا چیزی را در ردیف خدا در مقام عبادت و پرستش قرار ندهید و یا حاجت نخواهد.

عبادت و بندگی و سرسپردگی تنها خدای را سزاست و تعظیم و سجده بایسته اوست:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾.^(۱) ما اینکه مراد از مساجد در آیه ۱۷ سوره جن چیست، تفاسیر گوناگونی از سوی مفسران ذکر گردیده است؛ از جمله: مکان‌هایی به عنوان «مسجد» از آن یاد می‌شود و مصدق اتم و اکمل آن مسجد الحرام می‌باشد. مصادیق دیگر آن، مساجد مختلف در هر کوی و بروز است و مصادیق گسترده‌تر آن، تمام نقاط زمین و امکنه‌ای است که مؤمنان در آنجا نماز می‌خوانند و برای خدا سجده می‌کنند، چنان‌که نبی خاتم ﷺ فرمود:

«جعلت لى الأرض مسجدا و طهورا»^(۲) جاهای زمین برایم سجده‌گاه و وسیله طهارت (تیمم) برای من قرار گرفته است. بنابراین، زمین متعلق به همه انسان‌ها و مساجد از آن همه بندگان مؤمن خداست.

اولین بناکننده مسجد

نخستین بناکننده مسجد در عالم، آدم ابوالبشر ﷺ بود. برابر آنچه که در منابع اسلامی می‌خوانیم و تاریخ اسلام به ما بازگو می‌کند، کعبه که در زیر عرش پروردگار قرار دارد، دو هزار سال پیش از خلقت آدم ﷺ به عنوان کانون عبادت و مطاف فرستگان در زمین بوده است و با آفرینش آدم ﷺ و پیدایش او در زمین، این خانه به دست او بنا شد در حالی که هیچ خانه‌ای

۱. بقره: ۲۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۷۰.

در اطراف کعبه وجود نداشت و بنای این مسجد سبب گردید تا مردم به تدریج در اطرافش اجتماع کنند و در نخستین مسجد روی زمین به عبادت و راز و نیاز پردازند.

پس از حضرت آدم ﷺ، در جریان طوفان نوح ﷺ بنای کعبه و مسجدالحرام آسیب دید تا آنکه به وسیله ابراهیم خلیل‌الرحمان تجدید بنا گردید. بعدها با گذشت زمان، با راهنمایی برگزیدگان الهی مسجدالحرام توسعه یافت؛ چنانکه منصور دوانيقی، خلیفه عباسی، بر اثر کثیرت حاجاج تصمیم گرفت مسجدالحرام را توسعه دهد. از این روی، از مردمی که در اطراف مسجدالحرام خانه داشتند، خواست که خانه‌ها یشان را خریداری کند، ولی آنان به هیچ قیمتی حاضر به فروش نشدند. منصور در تنگنا قرار گرفت، در این باره از امام صادق ﷺ سؤال کرد.

امام ﷺ در پاسخ فرمود: غمگین مباش، در این رابطه دلیل روشنی در کتاب خدا هست که می‌توانی به آن استدلال کنی.

پرسید: کدام دلیل؟

امام صادق ﷺ فرمود: به آیه «ان اول بیت وضع للناس...» استدلال کن؛ زیرا خداوند در این آیه می‌فرماید:

نخستین خانه‌ای که برای مردم ساخته شد، خانه کعبه بود. بنابراین، اگر ساکنان اطراف کعبه، پیش از بنای کعبه خانه ساخته بودند، آن‌ها می‌توانستند خانه‌ها یشان را نفروشند، ولی وقتی تأسیس و ساخت کعبه جلوتر بوده، حريم آن تا آنجا که مورد نیاز مؤمنان و زائران بیت الله الحرام باشد، متعلق به کعبه است.

نخستین اقدام پیامبر ﷺ

نخستین اقدام رسول خدا ﷺ پس از هجرت به مدینه، ساختن مسجد برای اجتماع مردم بود.

پیامبر و همراهان در مسیر هجرت از مکه به مدینه، روز دوشنبه ۱۲ ربیع الاول به قبا، در دو فرسخی مدینه، مرکز قبیله بنی عمر و بن عوف رسیدند و در منزل بزرگ قبیله (مکثوم بن الهدم) فرود آمدند. گروهی از مهاجرین و انصار نیز در انتظار مرکب رسول خدا ﷺ بودند.

رسول خدا ﷺ تا آخر هفته در آنجا توقف داشتند و در همین فاصله کوتاه، پیامبر «مسجد قبا» را برای قبیله بنی عوف پایه گذاری فرمودند.^(۱)

مساجد؛ محل اجتماع نخبگان جامعه

مسجد محل اجتماع بزرگان قبایل و نیکان و نخبگان جامعه است. «عن ابی عبد‌الله ظیله قال يا فضل لا يأتى المسجد من كل قبیله الا وافدها و من كل اهل بيت الا نجبيها، يا فضل لا يرجع صاحب المسجد باقل من احدى ثلاث خصال اما دعاء يدعوا به يدخله الله به الجنه و اما دعاء يدعوا به فيصرف الله عنه به بلاء الدنيا و اما اخ يستفیده في الله». ^(۲)

۱. فروغ ادبیت، ج ۱۱، ص ۳۶۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۷۷.

امام صادق علیه السلام فرمود: به مسجد نمی‌آید از هر قبیله‌ای، مگر نماینده آنان و از هر خانواده‌ای، مگر بهترین آنان. ای فضل، از مسجد کسی مراجعت نمی‌کند، مگر آنکه دست کم سه چیز به دست می‌آورد:

۱. دعایی کرده که خدا به برکت آن دعا او را وارد بهشت می‌نماید.
۲. دعایی نموده که خداوند بلایی را از او در دنیا رفع می‌کند.
۳. دوست و برادری به دست می‌آورد که به او در مسیر رضای خدا فایده می‌رساند.

مساجد؛ مرکز حضور فراگیر

یکی دیگر از جلوه‌های «مسجد؛ نماد وحدت و همگرایی مسلمانان»، حضور افراد خیرخواه و صاحبان درک و فهم و دلسوز به سرنوشت جامعه است.

از نظر پیشوایان دین اسلام، مسلمانان که اهل مسجد نبوده و در قبال سرنوشت جامعه احساس مسؤولیت نمی‌کنند، سایر مسلمانان باید با آنان اختلاط و معاشرت داشته باشند.

چنان‌که از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«ان امير المؤمنين علیه السلام بلغه انّ قوماً لا يحضرن الصلوة في المسجد فخطب فقال: ان قوماً لا يحضرن الصلوة معنا في مساجدنا فلا يواكلونا ولا يشاربونا ولا يشاورونا ولا ينأكحونا ولا يأخذوا من فينا شيئاً او يحضروا

معنا صلوتنا جماعه و اني لاوشك ان آمر لهم بنار تشتعل في دورهم فاحرق عليهم او ينتهون.

قال: فامتنع المسلمين عن مؤاكلتهم و مشاربتهم و مناكحتهم حتى حضرو الجماعه مع المسلمين». ^(۱)

به امير المؤمنين ع خبر رسيد که گروهي از مسلمانها در نماز جماعت مسجد حاضر نمی شوند. آن بزرگوار برای مردم خطبه اي ايراد کرد و فرمود: گروهي در نماز با ما حاضر نمی شوند و در اجتماع ما مسلمانان حاضر نمی گردند با آنکه خود را مسلمان و نمازخوان می دانند (و ظاهراً هم اهل نماز بودند، ولی در مسجد و جماعت شركت نمی کردند) نباید با آنان همسفره و هم غذا شد و یا با آنان چيزی نوشيد و با آنان نباید مشورت نمود و به آنان نباید زن داد و یا از آنان زن گرفت و نباید از آنچه از بيت المال در دست ماست، استفاده کنند مگر آنکه با ما در نماز جماعت مسجد شركت نمایند.

نزديك است اگر از کار خود دست برندارند فرمان دهم تا خانه های آنان را با آتش بسوزانند.

مساجد؛ محل اعتكاف

«اعتكاف» از جمله عبادات بسيار ارزشمند جمعی است که تحت شرایطی باید حتماً در مسجد برگزار شود، آن هم مسجد جامع که از اجتماع باشکوه تری برخوردار است؛ چنان که امام ششم ع ^(۱) فرمود:

۱. وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۴۷۹.

«لا اعتکاف الا في مسجد جماعة قد صلّى فيه امام عدل بصلوة جماعة».^(۱)

اعتکاف محقق نمی شود، مگر در مسجد جامع که امام عادلی در آن نماز جماعت می خواند.

مساجد؛ معبد عبادت جمعی

یکی دیگر از زیباترین و شکوهمندترین جلوه های وحدت و همگرایی مسلمانان برپایی نماز جماعت در مسجد است که در فرهنگ اسلام چیزی از آن بالاتر و با اهمیت تر نیست.

نماز جماعت که عبادت دسته جمعی است، نمایشگر شکوه و اقتدار و تجلی وحدت و هیبت مسلمانان می باشد. مسلمانان در اجرای فرمان پروردگار عالم صرف نظر از تفاوت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در صفوی متحده و به هم فشرده، در کنار یکدیگر در پیشگاه حضرت باری تعالی، به عبادت و نیایش می پردازند. این عبادت جمعی پیراسته از شائبه فاصله های طبقاتی و امتیازات نژادی و رنگ و زبان به حدی ارزشمند و پرفضیلت است که مقدار ثواب آن قابل احصاء نمی باشد! چنان که به روایت ابی سعید خدری در حدیثی نسبتاً مفصل از رسول خدا ﷺ نقل شده که پیامبر فرمود:

پس از نماز ظهر، جبریل با هفتاد هزار فرشته نزد من آمد و گفت:

۱. کافی، ج ۴، ص ۱۷۶.

ای محمد ﷺ پروردگارت به تو سلام می‌رساند و دو هدیه که آن‌ها را به هیچ‌یک از پیامبران قبل از تو نداده، برای شما فرستاده است.

پیامبر ﷺ فرمود: آن دو هدیه چیست؟

جبریل گفت: سه رکعت در نماز شب (دو رکعت شفع و یک رکعت وتر) و نمازهای پنج‌گانه را به جماعت خواندن.

پیامبر ﷺ به جبریل فرمود: خداوند چه پاداشی برای امت من در نماز جماعت قرار داده است؟

جبریل گفت:

«اذا كانا اثنين كتب الله لكلاً واحد بكل ركعه مائه و خمسين صلاة،
و اذا كانوا ثلاثة كتب الله لكلاً منهم بكل ركعه ستمائة صلاة، و اذا كانوا اربعه كتب
الله لكلاً واحد بكل ركعه الفا و مائتي صلاة، و اذا كانوا خمسه كتب الله لكلاً واحد
بكل ركعه الفين و اربعمائه صلاة.

و اذا كانوا سته كتب الله لكلاً واحد منهم بكل ركعه اربعه آلاف و ثمانمائه
صلاه، و اذا كانوا سبعه كتب الله لكلاً واحد منهم بكل ركعه تسعة عشر آلاف
و ستمائه صلاة، و اذا كانوا ثمانيه كتب الله لكلاً واحد منهم بكل ركعه تسعة عشر
الفا و مائتي صلاة، و اذا كانوا تسعة كتب الله تعالى لكلاً واحد منهم بكل ركعه سته
و ثلاثين الفا و اربعمائه صلاة، و اذا كانوا اعاشر كتب الله تعالى لكلاً واحد بكل ركعة
سبعين الفا والفين و ثمانمائه صلاة فان زادوا على العشره فلو صارت السماوات
والارض كلها قرطاسا و البحار مدادا، و الاشجار اقلاما، و الشقان مع الملائكه

كتابا، لم يقدروا ان يكتبوا ثواب رکعه واحده^(۱).

اگر در نماز جماعت، نمازگزاران دو نفر باشند، خداوند برای هر کدام از آنان در هر رکعت ثواب یکصد و پنجاه نماز می‌نویسد، و اگر سه نفر بودند، برای هر یک رکعت ثواب ۶۰۰ رکعت نماز، و اگر چهار نفر بودند، یک هزار و دویست نماز، و اگر پنج نفر بودند، دو هزار و چهارصد و اگر شش نفر بودند، چهار هزار و هشتصد نماز و اگر هفت نفر بودند، نه هزار و شصتصد نماز، و اگر هشت نفر بودند، نوزده هزار و دویست، و اگر نه نفر بودند پاداش سی و شش هزار و چهارصد نماز (در نامه اعمال آنان) نوشته و ثبت می‌کند، پس اگر تعداد نمازگزاران به جماعت از مرز ده نفر بگذرد، اگر همه آسمان و زمین کاغذ شوند و همه دریاها مرکب شده و درختان قلم شوند و جن و انس و فرشتگان نویسنده گردند، هرگز قادر نخواهد بود ثواب یک رکعت از نماز جماعت را بنویسن.

جالب است که حتی اگر نماز به جماعت، در منزل اقامه شود و افراد به دلیل بی‌رغبتی به مسجد و بی‌اعتنایی به اجتماع مسلمانان، بدون هیچ‌گونه عذر موجهی از شرکت در مسجد خودداری ورزیده باشند، نماز جماعت‌شان ارزشی نخواهد داشت، چنان‌که از امام هشتم عليه السلام نقل شده که فرمود:

«من صلی فی بیته رغبہ من المسجد فلا صلوة له ولا لمن صلی معه الامن

۱. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۴۳.

عله تمنع من المسجد».^(۱)

کسی که در خانه اش نماز بگذارد و به نماز جماعت در مسجد به خاطر بی میلی نسبت به مسجد شرکت نکند، نمازش نماز نیست و نماز کسانی هم که به او اقتدا کرده اند ارزشی ندارد، مگر آنکه نیامدشان به مسجد به دلیل موجهی باشد که از رفتشان به مسجد منع شان نموده باشد.

مساجد؛ کانون تفاهم و همدلی

از دیگر نمادهای وحدت مسلمانان با محوریت مساجد این است که مسجد کانون تفاهم و نزدیک شدن دلها به هم و مرکز با خبر شدن مؤمنان از حال برادران دینی و رسیدگی به مشکلات یکدیگر است.

این امر به حدی حائز اهمیت است که در صدر اسلام اگر مسلمانی چند روز به مسجد نمی آمد، رسول خدا ﷺ با اصحابش به سراغ او رفته و جویای حالش می شدند، اگر مشکلی داشت، مشکلش را حل می فرمودند.

اساساً یکی از انگیزه‌های تجمع مسلمانان در مرکزی به نام مسجد برای دفع و رفع مشکلات آحاد جامعه اسلامی و اصلاح امور مسلمانان است. در سیره عملی پیشوایان معصوم ﷺ نیز نمونه‌های گره گشایی و حل مشکلات مردم فراوان به چشم می خورد که حکایت زیر از جمله

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰.

آن است:

«قال میمون بن مهران کنت جالساً عند الحسن بن علی ﷺ فاتاه
رجل فقال له يابن رسول الله، ان فلانا على مال و يريد ان يحبسني فقال ﷺ
و الله ما عندي مال فاقضي عنك.

قال: فكلمه.

قال: فلبس نعله فقلت له يابن رسول الله انسست اعتكافك؟ فقال له لم
انس و لكنى سمعت ابى عبيدة يحدث عن جدى رسول الله عَبْدُ اللَّهِ عَبْدِ اللَّهِ انه قال: من
سعى فى حاجه أخيه المسلم فكانما عبد الله عزوجل ستة آلاف صائمًا نهاره
قائماً ليله». ^(۱)

میمون بن مهران میگوید با امام مجتبی علیه السلام نشسته بودیم، امام در
مسجد معتکف بود، مردی آمد و عرض کرد: ای پسر رسول خدا!
فلانی از من مالی طلبکار است و از من شکایت کرده و قصد دارد مرا
به زندان بیفکند.

امام حسن علیه السلام فرمود: به خدا سوگند مالی نزد من نیست تا دین تو را
ادا کنم. آن شخص گفت: ای پسر رسول خدا پس بیا با او حرف بزن بلکه
به احترام شما به من مهلت دهد.

راوى میگوید:

امام بلا فاصله حرکت کرد و کفش خود را پوشید. من گفتم:

۱. ميزان الحكمه، ج ۲، ص ۲۰۵۹.

ای پسر رسول خدا، آیا فراموش کرده‌ای که معتکف هستی؟ فرمود: خیر ولکن از پدرم، از قول رسول خدا علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: هر کسی که در برآورده شدن حاجت برادر مسلمانی سعی و تلاش نماید، گویا نه هزار سال خدا را عبادت کرده؛ عبادتی که روزها را روزه داشته و شب‌ها را تا صبح به نماز مشغول بوده است.

مساجد حقیقی

ناگفته نماند مسجدی نماد وحدت و مرکز تجمع مسلمانان خواهد بود که برابر آموزه‌های وحیانی، دارای دو شرط اساسی باشد.

الف: بنیان و شالوده آن از آغاز پاک و پاکیزه بوده و برای تحقق هدفی مقدس تأسیس شده باشد.

ب: دست‌اندرکاران و گردانندگان و اداره کنندگانش، انسان‌هایی با ایمان و وارسته و درستکار باشند.

چنان‌که خداوند حکیم در قرآن می‌فرماید:

﴿ لَا تَقْمِ فِيهِ أَبْدًا لَمَسْجِدُ أَسِّنَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ ﴾^(۱) هرگز در آن مسجدی که بر پایه هواي نفس بنا شده به عبادت برنخiz! آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده شایسته تراست که در آن به عبادت بايستی، در

آن مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.

مسجد ضرار

دشمنان با توجه به ظرفیت‌ها و کارکردهای مسجد و نقش عمیق و گسترده و تأثیرگذاری شگرف آن، برای ایجاد اختلاف و تفرقه در میان مسلمانان، علاوه بر روش مقابله مستقیم، به شیوه مذهب، علیه مذهب که ترند دشمنان اسلام از دیرباز تا به امروز بوده، بهره جسته و یا اقدام به تأسیس مراکز دینی و یا مسجد می‌نمایند. در طول تاریخ و حتی امروزه نیز در گوشه و کنار ایران و جهان این سنت سیئه ادامه داشته و دارد که هدف پلید آنان پاشیدن بذر تفرقه در میان مسلمانان می‌باشد. چنان‌که فلسفه تأسیس مسجد ضرار در عهد رسول الله همین بوده است.

عده‌ای از منافقین نزد رسول خدا ﷺ آمدند و اجازه خواستند مسجدی نزدیک مسجد قبا در مدینه بسازند تا افراد ناتوان و بیمار و سالخورده در آن نماز بگذارند!

آنان از پیامبر ﷺ که عازم جنگ تبوك بود، خواستند که در مسجدشان نماز بگذارد! در بازگشت از جنگ تبوك نیز قبل از ورود رسول خدا ﷺ به مدینه، به استقبال حضرت آمده و درخواست نمودند که پیامبر ﷺ به مسجد آنان برود. جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل شد و پرده از کار آن‌ها برداشت و نیت شوم آنان را بیان داشت. پس از آن پیامبر دستور داد مسجد مذبور را آتش زده و بنای باقی‌مانده آن را ویران نمایند و جای

آن را محل ریختن زباله‌های شهر قرار دهند! در این رابطه
قرآن می‌فرماید:

﴿ وَ الَّذِينَ أَتَحَدُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَقْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلٍ وَ لَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَ اللَّهُ يَشَهِدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴾^(۱) گروهی دیگر از مخالفان، کسانی هستند که مسجدی ساختند به قصد اضرار به مسلمین و تقویت کفر و ایجاد تفرقه میان مؤمنان و کمین‌گاهی برای کسانی که با خدا و پیامبر از قبل مبارزه کرده بودند و آن‌ها سوگند یاد کردند که انگیزه‌ای جز نیکی و خدمت نداشته‌ایم، اما خداوند گواهی می‌دهد که آن‌ها دروغگویند.

تلاش دشمنان

فلسفه ظهور و رخ نمودن متنیان فرصت طلب و فریبکاری همچون مسیلمه کذاب و سجاج نصرانی که قبل و بعد از ظهور پیامبر عظیم الشأن اسلام، در برابر پیامبران و برگزیدگان راستین الهی رخ نمودند و نیز پیدایش مذاهب گوناگون استعماری در برابر مذهب حقه، جز این نبوده است که به نام دین و گرایش‌های مذهبی تدریجاً افکار و اندیشه مردم را مطابق طرح‌های شیطانی‌شان جهت داده و مردم را در مسیر دلخواهشان سوق دهند.

. ۱۰۷ . توبه: ۱

با سیری در روش‌ها و شیوه‌های «نوکلئیالیسم» به ویژه پس از «رنسانس» در مغرب زمین، برای مقابله با اسلام بخصوص در دهه‌های اخیر (دهه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران)، درمی‌یابیم که این همه گفته‌ها و نوشه‌ها و کتب ضاله علیه اسلام و مذهب تشیع و تحریف عقاید مسلمانان که بعضاً به عنوان کتاب سال جوايز هنگفتی هم دریافت می‌دارند و متأسفانه برخی از روشنفکر نماهای مروع و وابسته که ژست علمی به خود گرفته و با استخدام چند واژه علمی و بزرگ کرده، آواگر اندیشه آن‌ها در مراکز علمی - آموزشی و رسانه‌های جمعی داخل کشور می‌شوند و مباحثی همچون: پلورالیسم دینی، سکولاریسم، قرائت‌های جدید و متنوع از دین، صراط‌های مستقیم، فردی و خصوصی بودن دین، استفاده از عقل جمعی برای اداره اجتماع، و... را طرح می‌نمایند، همه و همه بدان جهت است که از طریق بهبازی گرفتن عقاید و باورهای مردم بتوانند موجبات وهن دین و القای ناکارآمدی دین را فراهم نمایند.

بنابراین، یکی از حربه‌های مؤثر در مقابله با دین و ایجاد تفرقه در میان مسلمانان، ساختن مسجد برای کوبیدن مسجد و ایجاد شکاف در صفوف مسلمانان است؛ چنان که مسجد ضرار در صدر اسلام به همین منظور پایه گذاری گردید و رسول خدا ﷺ دستور ویرانی آن را صادر فرمود. از این رو، هر مسجدی که موجب تفرقه بین مسلمانان شود مسجد ضرار است و باید ویران گردد.

ستمکارترین انسان‌ها

و هر کس که سعی در کمنگ کردن کارایی مساجد و کاستن رونق و آبادانی آن‌ها و نیز ایجاد تفرقه و اختلاف و شکستن وحدت و اخوت اسلامی و از بین بردن اتحاد و همبستگی مسلمانان را داشته باشد از ستمکارترین افرادی است که مانع ذکر خدا و سبب گستین رابطه بندگان با خدا می‌شود؛ چنان‌که می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ وَسَعَىٰ فِيٰ حَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَانِقِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا حِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾^(۱) و کیست ستمکرتر از آنکه از بردن نام خدا در مساجد جلوگیری می‌کند و سعی در ویرانی آن‌ها دارد؟ شایسته نیست که آن‌ها جز با ترس و وحشت وارد این اماکن بشوند و مسلمانان باید دست آنان را از این اماکن مقدس کوتاه سازند، بهره آن‌ها در دنیا خواری و رسوایی و در قیامت عذاب عظیم است.

این گناه بزرگ و ظلم عظیم از آن جهت است که کاستن رونق مساجد سبب آبادی بتکدها شده و خلوت کردن و تخریب پایگاه‌های توحید و اتحاد موجب رشد و توسعه کفر و شرک و الحاد و فساد و انحراف و انحطاط در جامعه می‌گردد که این خود بزرگترین ظلم نسبت به انسان‌هاست.

. ۱۱۴ . بقره: ۱

بهرترین افراد

احادیث و روایات فراوانی در خصوص مساجد از حضرات معصومین علیهم السلام
در جوامع روایی نقل شده که اگر کسی مسجدی بسازد و چراغی در آن
روشن کند و در نظافت و پاکیزگی آن اهتمام ورزد و در رونق و آبادانی آن
بکوشد و... دارای چه اجر و ثواب مضاعف ویژه‌ای خواهد بود، که برای
پرهیز از اطاله کلام از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود.

از سوی دیگر، اهالی مسجد که با عدم حضور گسترده و پرشور
خود موجب از رونق افتادن مسجد می‌شوند و یا با سستی و سهل‌انگاری
در مسجد حاضر می‌گردند، مورد نکوهش قرار گرفته‌اند.

این موضوع در فرهنگ اسلام تا آنجا حائز اهمیت است که
خداآوند حکیم در قرآن کریم، مؤمنان را از اینکه کفار و مشرکان و حتی
مسلمان‌های تارک الصلوة و آنان که در عمل، متعهد و پای‌بند به احکام
و دستورات الهی نیستند به «عمارت» مساجد بپردازنند نهی نموده است؛
چنان‌که می‌فرماید:

﴿مَا كَانَ لِّمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمِرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ
أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَغْنَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ﴾^(۱)
بشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش
گواهی می‌دهند، آنان اعمالشان تباہ و بی‌ارزش است و در آتش جاوید
جهنم خواهند ماند.

. ۱۸ . توبه: ۱.

شرایط سازندگان و اداره‌کنندگان مساجد

از آیه مزبور استفاده می‌شود که مشرکان و بت‌پرستان حق ورود به مساجد و مشارکت در مرمت و تعمیر و ساخت و ساز و تأسیس بنای ساختمان مساجد را ندارند و کلیه امور مساجد باید به دست خود مسلمانان باشد و دست‌های آلوده و ناپاک، چه به ظاهر مسلم و غیر مسلم که به دلیل ریاست طلبی یا کسب شهرت و یا تفوق طلبی و نفوذ اجتماعی و یا هر انگیزه غیرخداخی دیگر اقدام به ساخت و ساز تعمیر و نگهداری از مساجد می‌نمایند، کوتاه شود.

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَاتَّى الْرَّزَّاكَةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾^(۱) همانا مساجد خدا را کسی آباد می‌کند که به خدا و روز جزا ایمان داشته باشد و نماز را بربا دارد و زکات را پردازد و از کسی جز خدا نمی‌ترسند و امید است چنین کسانی از جمله هدایت یافتنگان باشند.

در این آیه شریفه پنج شرط اساسی برای سازندگان و دست‌اندرکاران مساجد بیان شده که آبادکنندگان مساجد باید از مؤمنان به مبدأ و معاد بوده و خود اهل نماز باشند و زکات پردازند و جز از خدا از

^(۱). توبه: ۱۹.

هیچکس هراس و واهمه‌ای نداشته باشند.

از شرط پنجم (ولم يخش الا الله) چنین استنباط می‌شود که مساجد و متولیان و دست‌اندرکاران آن نباید وامدار احده باشند، تحت تأثیر هیچ مقام و قدرتی قرار نگیرند و جز رضای خدا و مصلحت مسلمانان چیزی را در نیت و عمل خویش دخالت ندهند.

کارکردهای مساجد در گذشته و حال

جلوه‌های دیگر از نماد وحدت بودن مساجد این است که مساجد، هم در صدر اسلام و هم در انقلاب اسلامی ایران، مراکز تصمیم‌گیری‌های کلان و سرنوشت‌ساز بوده‌اند.

در عصر پیامبر ﷺ، مساجد علاوه بر اینکه محل عبادت و دعا و پرستش پروردگار یکتا بوده‌اند، دارای کارکردهای مهم دیگری نیز بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به کانون اجتماعات عمومی، مرکز تعلیم و تربیت، محل شور و تصمیم‌گیری، کانون انتخابات و بیعت، محل قضاؤت، ستاد جنگ و آموزشگاه نظامی و محل اعزام نیروهای مسلح برای جنگ، مرکز اطلاع‌رسانی، پناهگاه غربا و مردم در موقع ضروری و کارکردهای گوناگون دیگر اشاره کرد.

رسول خدا ﷺ هرگاه امر مهمی اتفاق می‌افتد، از مردم دعوت می‌کرد تا به مسجد بیایند. آن حضرت مشکلات را با مردم در میان

می‌گذاشت و از صاحبان فکر و اندیشه نظرخواهی می‌نمود و پس از آن تصمیم می‌گرفت.

مساجد و انقلاب اسلامی ایران

در جریان انقلاب اسلامی ایران نیز به تأسی از پیامبر عظیم الشأن اسلام، حرکت اصلاحی و انقلابی علیه نظام طاغوتی شاهنشاهی از مساجد آغاز گردید. مساجد علاوه براینکه محل عبادت مؤمنان و کانون نشر حقایق سیاسی و مرکز اطلاع‌رسانی و بیان اخبار و رویدادهای سیاسی-اجتماعی ایران و جهان بودند، مهد تربیت هسته‌های مقاومت در برابر رژیم خونخوار پهلوی نیز به حساب می‌آمدند.

پس از شکستن طاغوت و پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی نظام اسلامی در ایران، کمیته‌های انقلاب برای ساماندهی امور و اداره کشور و حفظ دستاوردهای انقلاب در مساجد تشکیل شدند و انتخابات مهم و سرنوشت‌ساز متعدد و تصمیم‌گیری‌های کلان برای سرنوشت کشور در مساجد برگزار گردیدند.

در هشت سال دفاع مقدس نیروی مقاومت بسیج در مساجد تولد یافتند نیروهای رزمی‌نده از مساجد سازماندهی شده و به خطوط مقدم نبرد اعزام می‌گردیدند و جبهه‌ها با تلاش شبانه روزی نیروهای مؤمن و معهد مسجدی پشتیبانی می‌شدند.

پس از خاتمه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی و شکست مفتضحانه حزب کافر بعث عراق و حامیان جنایتکار آنان، بهویژه شیطان بزرگ، امریکای مت加وز، باز نیروهای وفادار به خط امام و راه نورانی شهدا از مساجد سازماندهی شده و به خیابان‌ها می‌آمدند و با فریاد توفنده مرگ بر امریکا و مرگ بر منافق، به یاوه‌گویی‌ها و عربده‌کشی‌های سردمداران مت加وز و زورگو پاسخ دندانشکن داده و وفاداریشان را به اسلام و انقلاب اسلامی و ولایت فقیه و راه و آرمان امام رهبر و شهدا اعلام می‌کردند و دشمنان را در طرح‌ها و توطئه‌هایشان ناکام می‌گذارند.

مساجد و امروز و فردای انقلاب

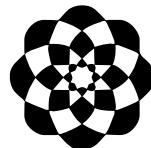
امروزه مساجد مهم‌ترین سنگرهای حفظ انقلاب، حکومت اسلامی و کشور می‌باشند و جز از نیروهای مرتبط با مسجد نمی‌توان انتظار داشت که در برابر هجمه بیگانگان سینه سپر کنند و مال و جان خویش را در مسیر عزت و شرف و در راه خدا فدا نمایند.

این حقیقت را دشمنان اسلام به خوبی دریافتند که مسجد چگونه جایگاهی است و حضور مردم، بویژه جوانان تا چه حد حائز اهمیت و سرنوشت‌ساز است. از این‌رو، لذا با تمام عِدَه و عُدَّه و تلاش فراینده به میدان آمده تا با به کارگیری شیوه‌ها و ترفندهای مختلف، مردم، بخصوص جوانان را از مساجد جدا سازند، با ایجاد شایعه و پاشیدن

تخم نفاق و بذر اختلاف و ایجاد جاذبه‌های متنوع سراب‌گون سر راه جوانان، آنان را از مساجد دور نموده و به سمت کژاندیشی و انحراف و انحطاط اخلاقی و بزهکاری و ناهنجاری‌های رفتاری سوق دهنده.

ضرورت بازنگری و تجدیدنظر

و این هشدار جدی است که بازنگری و تجدید نظر همه دلسوزان بویژه مسؤولان نظام اسلامی در حفظ مساجد، این سنگرهای اسلام و انقلاب و کانون‌های صیانت از افکار و عقاید و رفتار مردم بویژه نسل جوان و نوجوان را امری ضروری است.



مسجد الاقصی در گذر تاریخ

□ مرکز اسناد و مطالعات راهبردی

موقعیت جغرافیایی

شهر قدس در طول ۳۵ درجه و سیزده دقیقه شرقی گرینویچ و عرض ۳۱ درجه و ۴۷ دقیقه شمالی قرار دارد. این شهر در سلسله تپه‌هایی که دامنه‌های آن از غرب به شرق امتداد یافته‌اند، واقع است. ارتفاع آن از سطح دریا بین ۷۲ و ۸۳۰ متر و فاصله آن از دریای مدیترانه ۵۲ کیلومتر می‌باشد.

راه‌هایی که قدس را به دیگر شهرهای فلسطین و کشورهای عربی متصل می‌کند عبارتند از: عكا (۱۵۰ کیلومتر)، نابلس (۶۵ کیلومتر)، الخليل (۳۶ کیلومتر)، يافا (۶۲ کیلومتر)، غزة (۹۲ کیلومتر)، عمان (۸۸ کیلومتر)، دمشق (۲۹۰ کیلومتر)، بیروت (۳۸۸ کیلومتر)، قاهره (۵۲۸ کیلومتر) و بغداد (۸۶۵ کیلومتر).

اکتشافات باستان‌شناسان نشان می‌دهد که هسته اصلی (موقعیت) شهر قدس روی تپه‌های «ضهور» (طور یا تپه اوغل) - که از جنوب شرقی قدس شریف، مشرف بر روستای سلوان است و مساحت آن حدود ۵۵ هکتار می‌باشد - قرار دارد. ساکنان این منطقه آب مورد نیاز خود را از چشمۀ «ام درج» واقع در ناحیه شرقی تپه‌های ضهور فراهم می‌کنند. امروزه مناطقی همچون ارتفاعات بیت زیتون (بزیتا) در شمال شرقی، و ارتفاعات حرم (مدریا) در شرق و ارتفاعات صهیون در جنوب غربی در داخل محوطه‌ای قرار دارند که به قدس قدیم معروفند. مساحت آن حدود یک کیلومتر و اماکن مقدسه ادیان سه‌گانه در آنجا واقع است.

قدس از موقعیت استراتژیکی و جغرافیایی خوبی برخوردار است و خطوط دفاعی طبیعی، این شهر را در موقعیت مناسبی قرار داده است. اطراف شهر را دشت‌هایی فراگرفته است؛ از جمله دشت جهنم در شرق، که به دشت سلیمان نیز معروف است، دشت یهوشافت، دشت مریم و دشت جبانین در غرب و دشت ربابه در جنوب و جنوب غربی. از ناحیه شمال نیز یک زمین صاف و هموار به قدس شریف متصل می‌شود. از این رو، تمامی حملات نظامی در ناحیه شمال قدس صورت گرفته است و این شهر نیز حملات نظامی خود را از این منطقه آغاز می‌کرده است.

فاتحان این شهر نیز از ناحیه شمال وارد این شهر می‌شدند؛ بخت النصر و اسکندر و بومبی و عمر بن خطاب هنگام فتح این شهر، از ناحیه شمال وارد آن شدند.

از سوی دیگر، عامل طبیعی شهر قدس، از آن قلعه محکمی ساخته

که اطراف آن را کوه‌ها احاطه کرده‌اند. این کوه‌ها دارای ویژگی‌های خاص هستند؛ مدافعان را از حمله دشمنان با خبر ساخته و فرصت کافی را برای آن‌ها فراهم می‌کنند تا ساکنان بتوانند پیش از رسیدن دشمن به شهر، با آنان روبرو شوند. جبل الزیتون در ناحیه شرقی آن قرار دارد و از ناحیه غرب نیز سلسله جبال اطراف شهر را احاطه کرده است. مرتفع‌ترین آن‌ها کوه ساموئل نبی می‌باشد که مشرف بر سرازیری‌های غربی و چشم‌انداز سواحل (مناطق ساحلی) فلسطین است. کوه مشارف (سکوبس)، که از ناحیه شمالی قدس مشرف بر منطقه‌ای است که به رام الله منتهی می‌شود، به دلیل چشم‌انداز و منظرگاه زیبای شهر به این نام معروف گشته است. طور، دریای سیاه و منطقه کرک نیز این ارتفاعات مشاهده می‌شوند. اما مرزهای جنوبی نیز بر روی کوه مکبر که مشرف بر منطقه جنوبی و بیتلحم است، قرار گرفته است. چون عمر بن الخطاب به مدت یک ساعت روی این کوه ایستاد و نوای الله اکبر سرداد، این کوه به نام «مکبر» معروف گشت.

با ازدیاد جمعیت، شهر نیز به موازات آن گسترش پیدا کرد، ساختمان‌ها به خارج از محدوده شهر امتداد یافتند و محله‌های زیبایی که به قدس جدید معروف گشته‌اند، تأسیس شدند. به علاوه، توابع جدیدی نیز به شهر ملحق گردیدند. روستاهایی مانند شفاط، بیت حنینا، سلوان، عین کارم، دیریاسین و قسطل، از جمله توابع قدس قدیم به شمار می‌روند. بر روی آن کوه‌ها محله‌های زیبایی ساخته شد؛ مثل محله مشارف (مشرف بر کوه مشارف)، محله قطمون (مشرف بر کوه قطمون) و محله مکبر (نزدیک کوه مکبر).

نام‌های قدس

حوادث تاریخی قدس با نام متعدد آن شهر مقدس در کتاب‌های تاریخی ذکر شده است. عرب کنعانی ۵۰۰۰ سال پیش قدس را بازسازی کرد و آن را «اورسالم» نامید. سالم منسوب به سالم یا شالم به معنای صلح است و «اور» واژه‌ای سومری است که به معنای شهر می‌باشد. این نام به امت‌های دیگر نیز منتقل شد و نزد یهود به «یروشالایم» و فراعنه به «شوامام» و یونان و روم به «هیروسولیما» و نزد غربی‌ها به «جروسالم» شهرت یافت.

در قرن دوازده پیش از میلاد، بنی اسرائیل به سرزمین کنعانیان هجوم آورdenد. قبیله عربی کنعانی که از همان آغاز در شهر قدس و کوه‌های اطراف آن مستقر شده بودند، با بنی اسرائیل جنگیدند. در آن زمان شهر قدس به شهر «یبوس» معروف شده بود. این نام را، که نام ریس قبیله کنعان بود، یوشع، رهبر بنی اسرائیل، انتخاب کرد. وقتی که یهود در سال ۹۹۷ پیش از میلاد به فرماندهی حضرت داود^{صلی الله علیه و آله و سلم} وارد شهر شدند، این شهر به شهر داود معروف شد و داود آن را به عنوان پایتخت حکومت خود برگزید.

نام «داود» که بر شهر قدس اطلاق شده بود، دوام زیادی نیاورد؛ چرا که نام اورشلیم جایگزین آن شد و حتی پس از پایان حکومت یهود که ۷۳ سال طول کشید، این نام همچنان نزد فارس‌ها، یونانی‌ها و رومی‌ها، که به ترتیب بر این منطقه حکومت کردند، رواج داشت. این نام همان‌گونه که قبلًا ذکر گردید، تحریف شده اورسالم - اورشلیم

عربی است.

در سال ۱۳۵ میلادی امپراتور روم این شهر را ویران و ساکنانش را آواره کرد و نام آن را به «ایلیا کایپولینا» به معنای خانه خدا تغییر داد. با وجود اینکه کنستانتین، امپراتور روم، نام قدیمی این شهر را دوباره زنده کرد، عرب‌ها آن را با نام قدس شریف، یعنی مکان مقدس و پاک از هر گناه و شرک، می‌شناسند. و این نام‌ها در قرآن و سنت ذکر شده‌اند.

اماکن مقدس

شهر قدس از جایگاه بزرگی نزد مسلمانان، مسیحیان و یهودیان برخوردار است؛ که قدس زادگاه ادیان سه‌گانه بوده و بسیاری از پیامبران و انبیا در قدس به سر می‌بردند یا به نحوی با آن در ارتباط بودند.

این موضوع از حقایق تاریخی به شمار می‌آید و داستان‌ها و روایت‌های متعددی درباره آن‌ها نقل شده و نمی‌توان آن را با ادلّه تاریخی اثبات کرد؛ از جمله می‌توان به ارتباط حضرت ابراهیم، یعقوب، اسحاق، عیسی، یحیی، زکریا و صالح با بیت المقدس اشاره کرد. روایت‌ها و داستان‌های بسیاری درباره ارتباط میان قدس و خانه آدم و نوح و سام نقل شده است. در روایتی آمده است که حضرت آدم علیه السلام در غاری بین قدس و مسجد حضرت ابراهیم به خاک سپرده شد. همچنین روایت شده که کشتی حضرت نوح پس از طی مسافتی بر بیت المقدس رسید و به اذن خداوند زبان گشود و گفت: ای نوح! این بیت المقدس و محل سکونت انبیا (و فرزندان تو) می‌باشد. و آمده است که سام بن نوح این منطقه

را ساخته و بر آن حکومت کرد و به «ملکی صادق» ملقب گشت. از عبدالله بن عمر نیز روایت شده که انبیا بیت المقدس را ساختند و در آن زیستند و یک وجب از آن نیست مگر اینکه پادشاهی بر روی آن سجده کرده باشد و مقاتل بن سلیمان نیز گفته هر وجب از آن، محل سجود انبیا و پیامبران و فرشتگان بوده است.

ایمان به پیامبران و رساله‌های آسمانی، از اصول عقیده اسلامی است. دین اسلام برای تصدیق ادیان آسمانی پیش از خود آمد. در آیه ۳ و ۴ سوره آل عمران آمده است: «**نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَبَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ الْتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ**» و در آیه ۱۳ سوره شوری نیز آمده «**شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّنِي بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أُوْحِيَ إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْتَ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَّفَرَّقُوا فِيهِ**» با توجه به این آیات می‌توان اماکن مقدس را به شرح ذیل معروفی کرد:

الف) مسجد الاقصی: دومین مسجدی است که حضرت ابراهیم بعد از کعبه آن را ساخت. الاقصی یعنی دورتر و به معنای دور از مکه و مسجدالحرام است.

ب) مسجد صخره: این مسجد دارای تاریخ قدیمی است.

حضرت ابراهیم علیه السلام این مکان را محل عبادت خود قرار داد.

حضرت یعقوب علیه السلام پس از مشاهده نوری از نواحی آن، مسجدی در آن بنا کرد که به مسجد صخره معروف شد. یوشع علیه السلام «قبه زمان»

یا «خیمه اجتماع» را که قبلًا حضرت موسی علیه السلام تأسیس کرده و محراب آن را حضرت داود ساخته بود، بنا کرد. حضرت سلیمان علیه السلام نیز در زمان خود معبدی را که به نامش معروف شد در آنجا بنا نهاد و پیامبر اسلام در شب اسرا از بالای آن به آسمان عروج کرد.

ج) دیوار براق: دیواری است که ناحیه غربی اطراف مسجدالاقصی را احاطه کرده و جزئی از حرم به حساب می‌آید. پیامبر اکرم صلی الله علیہ و آله و سلم در شب اسرا و معراج، اسب براق خود را در همین مکان بسته بود. یهود آن را دیوار مبکی می‌نامند. این دیوار از بقایای (بت) قدیمی که هیرودوس آن را در سال ۱۸ ق.م ساخته بود و تیتوس آن را در سال ۷۰ درهم کوبید، می‌باشد. از این رو، این مکان را مقدس دانسته و زیارت می‌کنند.

اما از نظر مسیحیان، پس از این‌که روم‌ها در اطراف مسجدالاقصی صلیبی را کشف کردند، در سال ۳۳۵ به دستور ملکه هیلانا در همان مکان کلیسا‌ایی ساخته شد. آنان معتقد‌نند این صلیب همان صلیبی است که حضرت عیسی علیه السلام با آن بهدار آویخته شد و از مهم‌ترین اماکن مقدس آن‌ها به شمار می‌آید و در کنار دیوار براق واقع است.

هیکل سلیمان نیز از جمله اماکن مقدس یهودیان به شمار می‌رود و صهیونیست‌ها تا امروز آن هیکل را در ارتفاعات قدس و اطراف مسجدالاقصی جستجو می‌کنند.

عصرهای تاریخی

کنعانیان در هزاره چهارم پیش از میلاد به دلیل خشکسالی از جزیره‌العرب به سوی سرزمین شام هجرت کردند و در نواحی جنوب شرقی (اردن) و جنوب فلسطین و سواحل جنوب غربی آن اقامت گردیدند. منطقه‌ای که کنunanیان ساکن آن شدند به سرزمین کننان معروف شد و شامل نوار ساحلی صیدا و غزة و از سواحل غربی دریای سیاه تا نواحی شرقی و شمال دریاچه طبریا تا جنوب چاه سبع می‌شود.

کنunanیان به قبایل متعددی تقسیم شدند و هر کدام از این قبایل مکان خاصی را برای خود برگرداند. آنان که موفق به تشکیل یک دولت نشدند، دارای تمدن بودند. تحقیقات تاریخی نشان می‌دهد که قبیله یبوسی اولین قبیله‌ای بود که به سال ۲۵۰۰ پیش از میلاد ساکن شهر قدس و اطراف آن شدند.

روایت‌هایی که در تورات آمده از «ملکی صادق» پادشاه یبوس که حکومت (شالیم یا سالیم) را به دست گرفته بود، یاد می‌کنند. او با حضرت ابراهیم رابطه دوستی داشت و با گروهی از دوستانش معتقد بودند که خداوند، یکتا آفریننده زمین و کمالات آسمان‌هاست و حرم قدس را پرستشگاه خود قرار داده بود و قربانی‌های خود را روی سنگ مقدس انجام می‌داد. در تورات و انجیل از او به عنوان اولین کسی که حرم را مقدس شمرده و یکی از اولیای خدا (غیب‌گوی خدای تعالی) یاد می‌کنند.

تحقیقات تاریخی و باستانی نشان می‌دهد که نسل کنunanیان در

فلسطین بریده نشد، بلکه همچنان بر سرزمین قدس حکومت می‌کردند و یا حکومت‌هایی آمدند که بر آن‌ها حاکم شدند و به هر حال، حتی پس از اختلاط با مسلمانان همچنان اکثریت جمعیت و ساکنان آن منطقه بودند و تعدادی از آنان نیز از صفحه تاریخ محو شدند.

۱- عصر فرعون (حکومت فرعون)

فراعنه مصر تا آغاز قرن شانزده پیش از میلاد بر قدس حکومت کردند. نفوذ مصر در قدس قریب دویست سال به طول انجامید. این شهر در معرض حملات بادیه‌نشینان (خایپرو) قرار گرفت تا اینکه «عبدی خیا» والی مصر مجبور شد از «اختنaton» درخواست کمک نماید، ولی اختنaton از ارسال کمک به وی خودداری کرد. حاکم مصر در زمان سیتی اول (۱۳۱۷ - ۱۳۰۱) پیش از میلاد به مصر بازگشت. در یکی از نامه‌هایی که عبدخیا به اختنaton نوشته، آمده است: ساکنان این شهر پس از حملات خایپرو مجبور به ترک دیار خود شده و به سوی کوه‌ها و برخی به مصر پناه بردن.

۲- حکومت یهود

یهود در قرن دوم پیش از میلاد و در سال ۹۷۷ یا ۱۰۰۰ ق.م به فلسطین هجوم بردن، حضرت داود^{علیہ السلام} موفق شد این شهر را به تصرف خود درآورد و نام خود را بر آن اطلاق نماید و قصر و دژهایی در آن بسازد.

سپس حضرت سلیمان، که در قدس به دنیا آمد و در آنجا بزرگ شد، پس از پدرش به مدت چهل سال براین سرزمین حکومت کرد و زیارتگاهی در محل عبادت «ملکی صالح» ساخت. این هیکل که برای تمامی یهودیان بود، پس از وفات سلیمان علیه السلام تنها به عده محدودی از یهود اختصاص یافت. در زمان رحیم بن سلیمان، این دولت به چند ایالت تقسیم شد و نام داود نیز از شهر حذف شد و نام قدیمی آن، یعنی اورسالم، دوباره شهرت یافت. حدود بیست پادشاه در طی ۳۳۷ سال بر این سرزمین حکومت کردند که بیشتر آن‌ها به دست اقوام خود به قتل رسیدند. قدس در زمان حکومت یهود شاهد حملات متعددی بود به طوری که دشمن بارها به آن حمله کرد و اموال مردم را چپاول کرد. بی‌بند و باری و فساد دینی و بتپرستی میان ساکنان رواج پیدا کرد. در آن هنگام اکثر ساکنان از قبایل یوسف، کنعان و عمور بودند.

۳ - حکومت فارس‌ها

در زمان صدقیا بن یوشاء، بخت‌النصر به سوی قدس لشکرکشی کرد و شهر را محاصره نمود؛ ساکنان یهودی آن و پادشاه را اسیر و به بابل در عراق اعزام کرد و شهر را ویران ساخت و هیکل را به آتش کشید و سوریه و فلسطین را به تصرف خود درآورد. کوروش در سال ۵۳۸ ق.م به یهودیان اجازه داد به قدس بازگردند. کوروش که تحت تأثیر همسرش، به خاطر نسبتی که با پادشاهان یهود داشت، هیکلی جدید را به نام خود (هیکل کوروش) ساخت. این هیکل که علی‌رغم مخالف

ساکنان جنوب فلسطین و شام ساخته شد، تا زمانی که هیرودوس ساخت هیکل جدید را آغاز کرد، پابرجا ماند.

۴ - حکومت یونانی‌ها

اسکندر مقدونی در سال ۳۳۲ ق.م بر قدس چیره شد. ساکنان یهود از وی استقبال کرده و به سرعت فضیلت ایرانیان را به فراموشی سپردند. پس از مرگ اسکندر، حکومت این شهر در زمان خلفایش به حکومت‌های دیگر متصل شد و تحت تأثیر تمدن یونان قرار گرفت. در سال ۱۶۵ ق.م پادشاه سلوکی‌ها در سوریه (آنتیوخوس چهارم) هیکل را ویران و یهود را به بتپرستی (دین یونان) وادار کرد که در نتیجه آن، انقلاب مکابی‌ها رخ داد و یهود در ایجاد فتنه و آشوب و جنگ و خونریزی پیروز شدند و تقریباً به نوعی حکومت خودکفا دست یافتند.

۵ - حکومت روم‌ها

پس از دوره‌ای شورش و فتنه، در سال ۶۳ ق.م بومبی، رهبر روم‌ها، شهر بیت‌المقدس را به تصرف خود درآورد و به تابعیت امپراطور رم درآمد. فارس‌ها در سال ۴۰ ق.م دوباره قدس را به تصرف خود درآوردند، ولی روم‌ها موفق شدند پس از دو سال مجدداً قدس را از چنگ ایرانیان درآورند و هیرودوس را بر آنجا حاکم کنند و نیز به رغم امتیازاتی که رومی‌ها به ساکنان یهود داده بودند، مردم در قدس شورش

کرده و آتش فتنه را در شهر برافر و ختند تا این که این امر منجر به دخالت رومی ها شد. رومی ها در سال ۷۱ میلادی به قدس حمله کردند و به غارت و سرکوب این فتنه پرداختند، ولی کاری از پیش نبردند و ساکنان یهود برای بار دیگر در سال های ۱۱۵ و ۱۳۲ خاطرات آشوب و فتنه را در شهر زنده کردند و موفق شدند شهر را به سلطه خود درآورند. نهایتاً «هادریان» در سال ۱۳۵ میلادی آتش این فتنه را پس از ویرانی و کشتار مردم و به اسارت گرفتن آنان، خاموش کرد. هادریان اقامت در قدس را فقط به مسیحیانی که اصالتاً یهودی نبودند، تجویز کرد. همچنین به «ایلیا» دستور داد به هیچ کس از یهودیانی که در نقاط مختلف بودند در قدس اجازه سکونت ندهد. تا اینکه امپراتور کنستانتین ورود آنان را سالی یکبار برای زیارت، تجویز کرد. بدین ترتیب، رومیان در هر مرتبه قدس را ویران کردند و یهودیان هزار سال از قدس محروم بودند و در زمانی که روم در سال ۳۹۵ به دو بخش تقسیم شد، قدس به ضعف و ناتوانی مبتلا شد و ایرانی ها در سال ۶۱۴ میلادی موفق شدند قدس را اشغال نمایند. کلیساي قیامت و صومعه های آن از این آشوب ها در امان نبود و تعداد قربانیان این ناحیه به ۶۰ هزار نفر رسید. این وضع طولی نکشید تا اینکه «هرکل» در سال ۶۷۲ میلادی بر ایرانیان غلبه کرد و صلیب را از آنان باز ستابند و حکومت قدس را بار دیگر به رومی ها واگذار کرد.

۶ - عصر اسلامی اول

پس از چهارماه جنگ بین سپاه اسلام و فرمانده قدس، «صفرونیوس» از

ابوعیبد جراح، فرمانده سپاه اسلام خواست تا از عمر بن خطاب دعوت کند و شخصاً قدس را به آنان واگذار نماید. عمر بن خطاب در سال ۶۳۶ میلادی از طریق جبل المکبر وارد قدس شد. بین آن‌ها و مسیحیان پیمانی بسته شد که به موجب آن آزادی دینی مسیحیان در قدس به ازای پرداخت جزیه تضمین شد و طبق آن وثیقه‌ای که به «العهد العمريه» معروف شد میان آن‌ها منعقد گردید. مسیحیان در تمام این دوره‌ها از آزادی‌های کامل همه جانبه در سایه حکومت اسلامی برخوردار بودند، کلیساها را حفظ و عمل به‌دین خود را با اختیار کامل انجام می‌دادند.

پس از عمر بن خطاب تعداد زیادی از تابعین و صحابه و سایر مسلمانان به قدس روی آوردند. برخی برای فتح و برخی به قصد اقامت و زیارت و برخی دیگر به قصد اقامت موقت پیش از اداء حج به قدس آمدند و بدین ترتیب، اسلام به سرعت گسترش یافت و شهر قدس حال و هوای اسلامی به خود گرفت.

خلفای اموی و عباسی به شهر قدس اهتمام ورزیده و شهر در این دوره دارای منزلت و عنایت خاصی بود و قدس در ابتدای قرن دوم هجری شاهد یک حرکت علمی قابل ملاحظه بود و بسیاری از دانشمندان و پیشوایان از نقاط مختلف در آنجا سکونت اختیار کردند. این شهر همچنین شاهد جنبش و تحولات زیادی بود و تعداد زیادی از پزشکان معروف نیز از این شهر برخاستند.

٧ - عصر صلیبی

اختلافات بین سلجوقیان و فاطمی‌ها برسر سرزمین شام از یک سو و درگیری‌های داخلی بین پادشاهان سلجوقی از سوی دیگر، زمینه حمله صلیبی‌ها به بیت‌المقدس را فراهم کرد. صلیبی‌ها توانستند بیت‌المقدس و بخش‌های وسیعی از سرزمین شام را اشغال کنند تا اینکه قدس به دست آن‌ها سقوط کرد و بدین ترتیب، دوره اول اسلامی، که تا پانصد سال امتداد داشت، پایان یافت و جنگجویان در این حمله کشتار فجیعی در شهر مرتکب شدند. به ویژه در منطقه حرم تعداد قربانیان به هفتاد هزار نفر رسیده بود. صلیبیان تمام ذخایر موجود در صخره واقعی را به غارت برداشتند و حرم شریف را به کلیسا و اصطبل اسب‌هایشان تبدیل کردند.

در بیت‌المقدس حکومت مسیحی برقرار شد و تحت اداره پاپ کاتولیک درآمد، ولی پاپ ارتدوکس حق هیچ‌گونه دخالتی در امور دینی مسیحیان نداشت. این امر باعث ناراحتی تمامی مسیحیان شد. البته این وضع، مسلمانان را به تسليم و خضوع در برابر مسیحیان وادار نکرد، بلکه آنان همواره به فکر چاره‌ای برای بازگرداندن وحدت به صفوف مسلمانان بودند و در صدد جلوگیری از پیشرفت صلیبی‌ها برآمدند.

٨ - عصر اسلامی دوم

صلاح‌الدین و نور‌الدین زنگی تلاش بسیاری برای یکپارچگی مسلمانان انجام دادند تا اینکه صلاح‌الدین ایوبی موفق گردید پس از فراهم‌سازی اقدامات لازم، بیت‌المقدس را در معركه حطین در سال ۱۱۸۷ م از

صلیبی‌ها باز پس بگیرد. صلاح الدین به طور مسالمت آمیز وارد قدس شد و خروج صلیبی‌ها را با پرداخت جزیه تجویز نمود و به مسیحیان بومی اجازه اقامت در شهر را داد.

۹ - جنگ صلیبی دیگر

از دست رفتن بیت المقدس، اروپا را منقلب ساخت و زمینه شروع جنگ دیگری گردید. در این جنگ سلاطین اروپا از جمله «ریچارد شیردل» شاه انگلستان، «فردریک باربروس»، سلطان آلمان و «فیلیپ آگوست» پادشاه فرانسه شرکت کردند. لشگریان اروپا اطراف شهر عکا بهم رسیدند و آن را محاصره کردند. حاکم بیت المقدس در این شرایط پیمان خود با صلاح الدین را شکست و به عنوان رهبر ارتش اروپا وارد جنگ شد.

از سال ۱۱۸۹ تا ۱۱۹۱ جنگ بین دو طرف ادامه یافت. در اثنای جنگ، صلاح الدین ایوبی از خلیفه عباسی بغداد و سلطان مراکش کمک خواست، ولی اجابت نشد، در صورتی که کمک‌های جنگی برای صلیبی‌ها از اروپا مستمر ادامه داشت.

با فراز و نشیب بسیار، جنگ در سال ۱۱۹۲ پایان یافت و قرارداد صلح منعقد گردید و مقرر شد بیت المقدس در دست مسلمانان بماند و مسیحیان نیز در انجام اعمال مذهبی آزاد باشند. در سال ۱۱۹۳ صلاح الدین درگذشت. پس از مرگ او، با اختلافات جانشینانش اروپاییان فرصت را مغتنم دانسته، برخی شهرهای فلسطین از جمله صفد و

طبریه را به اشغال خود درآورده‌اند. در این دوران، الکامل ایوبی، سلطان فلسطین، در قراردادی با پادشاه آلمان مقرر داشت بیتالمقدس در تصرف او باشد و اماکن مقدسه نیز تحت نظر مسلمانان باقی بمانند.

فردریک در کنیسه قیامت تاجگذاری کرد و سال بعد، از بیتالمقدس به صقلیه بازگشت. شهر قدس مدت زیادی در دست او نماند؛ زیرا صالح ایوب پادشاه مصر از خوارزمیانی که از مقابل لشگر چنگیزخان مغول فرار کرده، استفاده نمود و با صلیبیون جنگید و غزه را تصرف و قدس را از دست نصاری گرفت و دمشق را هم فتح نمود.

در سال ۱۲۵۰ میلادی حکومت مصر از خاندان ایوبی به ممالیک منتقل شد و «قطز» (مملوک سوم) فوراً برای مقابله با مغول سپاهی تجهیز نمود. آن‌ها در «عین جالوت» به هم رسیدند. فرمانده سپاه مصر «الظاهر بیبرس»، لشگر مغول را منهدم نمود و از بلاد فلسطین و سوریه خارج کرد. این فرمانده بعدها به خلافت رسید و مصر و سوریه را متحد ساخت و کلیه شهرها را از صلیبیون بازستاند و در ۱۲۶۸ قبة‌الصخره را تجدید بنا نمود.

صلاح‌الدین اشرف (مملوک نهم) در سال ۱۲۹۱ م شهر عکا را محاصره و آن را فتح نمود. با خالی ساختن شهرهای صور و صیدا و طرسوس، پرده بر آخرین منظره جنگ‌های همه جانبه میان شرق و غرب کشیده شد. دوره عثمانیان نیز با حوادثی از جمله جنگ با مصر و فتح فلسطین آغاز گردید. در این دوران ظاهرالعمر شیخ صفد در مقابل دولت عثمانی قد علم کرد و قصد داشت با همکاری سران سوریه،

آن سرزمین را از عثمانی پس بگیرد، ولی دولت عثمانی ضمن قتل او، این نقشه را نقش بر آب کرد.

همچنین جزار به دستور سلطان عثمانی در سال ۱۷۸۰ حاکم دمشق گردید و در مقابل حمله ناپلئون به عکا مقاومت سختی نمود. ولی ناپلئون در این مسیر به سوی شرق، فلسطین را در نهایت فتح نمود. روسیه، انگلیس و اتریش در ۱۸۴۰ میلادی از ترس اینکه یک امپراتوری قوی عربی تشکیل شود، از پیشرفت ابراهیم پاشا (از ممالیک مصر) جلوگیری کردند. او ده سال در فلسطین حکومت کرد و در این مدت در اثر شدت ناملایمات، شورشی در فلسطین و لبنان و اردن بر علیه او صورت گرفت.

در دوران عثمانی فلسطین پیشرفته نکرد و همان بی‌نظمی و تزلزل در سایر مناطق حکومت عثمانی در تمامی بخش‌های این امپراتوری بوجود آمد. این روح هرج و مرج اجتماعی و عشايری، مدت‌ها در حکومت عثمانی نفوذ داشت تا اینکه در سال ۱۹۰۸ میلادی حکومت مشروطه اعلان گردید.

با عنایت به تغییرات ابتدای قرن بیستم و تحولات نظام بین‌الملل، به ویژه جنگ اول جهانی، موضوع فلسطین نیز تابعی از تحولات شد و پس از جنگ نیز سرنوشتی همچون طرح تقسیم (قیومیت) نظام سرپرستی را تجربه نمود تا سرانجام در سال ۱۹۴۸ با تشکیل حکومت اسرائیل با شرایط جدید مواجه گردید.

مسجدالاقصی

مسجدالاقصی در جنوب حرم شریف واقع شده است. خلیفه عبدالملک بن مروان اموی شروع به ساختن این بنا نمود و فرزند وی ولید بن عبدالملک در سال ۷۰۵ م آن را به پایان برد. حرم شریف این مکان مقدس شامل مسجدالاقصی، مسجد صخره با گنبد طلایی آن و صحن‌ها و ساختمان‌های پیرامون آن است که جمعاً به مساحت ۱۴ هکتار بر فراز کوه موریا قرار دارد و ۱۴ دروازه از جمله درهای اسپاط، حطه، شرف الانبیاء، ناظر، نو، قطانین، مطهره، سلسه، مغربیان و دروازه طلایی، اتاق‌های متعدد، ۸ چاه در صحن صخره و ۱۷ چاه در حیاط مسجدالاقصی و جمعاً ۴ گلdstه از جمله آثار این بخش می‌باشد.

طول این بنا به ۸۰ متر و عرض آن به ۵۵ متر می‌رسد و اکنون به ۵۳ ستون مرمری و ۴۹ ستون مریع شکل استوار است. درهای مسجد در زمان اموی‌ها از طلا و نقره پوشیده شده بود، اما به فرمان ابو جعفر منصور صفحات طلا و نقره را کنند و به دینار تبدیل نمودند و به مصرف مسجد رسانندند. در اوایل قرن پانزدهم برخی از قسمت‌های مسجد مورد مرمت قرار گرفت و گنبد و ابواب شمالی آن ساخته شد.

آنگاه که صلیبی‌ها بیت المقدس را اشغال کردند، بخشی از مسجد را به کلیسا و بخش دیگر را به محل سکونت سواره نظام و انبار ذخایر خود تبدیل نمودند، ولی هنگامی که صلاح الدین ایوبی بیت المقدس را از

آنان باز پس گرفت، به اصلاح و مرمت مسجد امر کرد و محراب آن را بازسازی نمود، گنبد آن را معرق کاری کرد و منبری زینت یافته با عاج و آبنوس از حلب آورد و در سمت راست محراب قرار داد. این منبر تا زمان آتش‌سوزی مسجد توسط یهودیان در تاریخ ۱۹۶۹/۸/۲۱ باقی بود.

پادشاهان بنی‌ایوب و ممالیک و سلاطین بنی‌عثمان نسبت به مسجد عنايت و توجه داشتند و رواق‌ها در آن ساختند. سقف آن را تعمیر کردند و با کاشی معرق و مرمر زینت بخشیدند. دیوارها را تعمیر کردند و کف آن را با قالی‌های ایرانی پوشاندند.

در سال ۱۹۲۷ م ضایعاتی به مساجد وارد آمد. از این رو، مجلس اعلای اسلامی به منظور تعمیر و بازسازی مسجد از کشورهای عربی و اسلامی استمداد جست. بزرگترین و مهم‌ترین مرحله این عمران، برداشتن ستون‌های قدیمی بود که گنبد بر آن‌ها استوار بود و به جای آن‌ها شصت ستون جدید که پی آن‌ها از بتن مسلح بود، قرار داده شد.

پس از آن بر اثر زلزله، به برخی از رواق‌ها و اجزای مسجد صدمه وارد شد که مجلس اسلامی با استفاده از اموال اوقاف به مرمت آن پرداخت. رواق شرقی را منهدم کرد و از نو بنا نمود. رواق میانی را نیز بازسازی کرد و ستون‌های موردنیاز را از ایتالیا آورد. زیر مسجد الاقصی دهليزی وسیع وجود دارد که به اقصای قدیم موسوم است و آن عبارت است از سلسله‌ای از طاق‌ها که بر ستون‌های محکم و قطور استوار شده است.

آتش‌سوزی مسجد‌الاقصی

در تاریخ بیست و یکم آگوست ۱۹۶۹ رژیم صهیونیستی اعلام کرد یک فرد دیوانه به نام دنیس مایکل روہان (Dennis Michael Rohan) مسجد‌الاقصی را به آتش کشید. گرچه اسراییلی‌ها اعلام داشتند که این فرد استرالیایی یک مسیحی دیوانه بود، لیکن برخی منابع معتبر نیز بر این عقیده هستند که وی یک یهودی توریست بود و از لحاظ سلامت عقلی نیز هیچ مشکلی نداشت. همچنین آثار حريق دلالت بر آن دارد که اشخاص دیگری روہان را در آتش زدن این مسجد از خارج آن و از یکی از پنجره‌های مشرف به درب المغاربه (که اسراییلی‌ها آن را منهدم کردند) هدایت و یاری رسانیدند. در این آتش‌سوزی منبر مسجد‌الاقصی تخریب شد. منبری که توسط نورالدین زنگی سفارش ساخت داده شده بود، پس از جنگ‌های صلیبی و فتح بیت‌المقدس در سال ۱۱۸۷، یعنی دوران مسیحیت، توسط صلاح‌الدین ایوبی از حلب به بیت‌المقدس آورده شده بود.

بخش به آتش کشیده مسجد‌الاقصی ۱۵۰۰ متر مربع از ۴۴۰۰ متر مربع مساحت کلی مسجد را در بر می‌گرفت. در این آتش‌سوزی، منبر صلاح‌الدین ایوبی، مسجد عمر، محراب زکریا، مقام الاربعین، سه رواق ممتد از جنوب به شمال با ستون‌ها و ایوان‌ها و تزیینات سقفی بر سطح مسجد فرو ریخت. در این آتش‌سوزی دو ستون اصلی که گنبد روی آن استوار بود اجزایی از گنبد داخلی که مزین بود، محراب دیوارهای جنوبی، پوشش مرمری و ۴۸ پنجره گچی، شیشه‌های

رنگی و فرش‌ها، سوره اسراء که با کاشی‌های معرق و تذهیب شده نوشته شده بود و از بالای محراب به سوی شرق امتداد داشت و بسیاری از تزیینات و آیات قرآنی، از بین رفت.

البته تلاش برای تخریب این مسجد به همین جا ختم نشد و چند بار دیگر نیز تلاش‌های متعددی به شرح ذیل در این زمینه صورت گرفت:

- در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۷ ارتش اسرائیل مرامی نظامی در آنجا برگزار کرد که با مقاومت فلسطینیان رو به رو شد و ۲۰ نفر از آن‌ها شهید شدند.

- در سال ۱۹۹۶ نتانیاهو اجازه حفر تونل داد و در جریان اعتراض فلسطینیان ۷۵ نفر کشته شدند.

- در سال ۱۹۹۷ دو اسرائیلی به جرم انداختن سر خوک به داخل صحن مسجد بازداشت شدند. آن‌ها اعلام کردند که در آیین یهود، خوک نجس نیست.

- در ۷ ژوئن ۱۹۶۷ نیروهای اشغالگر کلیدهای در غربی باب المغاربه را توقيف و سپس به سرعت، شهر را پس از فرار اردنی‌ها تصرف کردند.

- در ۹ ژوئن ۱۹۹۷ از برگزاری نماز جمعه ممانعت به عمل آمد. این اتفاق اولین باری بود که از زمان جنگ‌های صلیبی از ۱۱۸۷ میلادی تاکنون رخ داده است.

- در ۱۶ نوامبر ۱۹۶۹ نیروهای اشغالگر «کنج فخریه» در جنوب

غربی حرم الشریف را اشغال کردند.

- در ۱۴ آگوست ۱۹۷۰ گروه افراطی «گرشان شالوم» که قصد داشتند مسجد را تخریب و به جای آن مسجد سلیمان را بنا کنند، به زور وارد محوطه حرم شدند که طی یک درگیری، دهها نمازگزار فلسطینی مجروح گردیدند.

- در ۱۹ آوریل ۱۹۸۰ یک گروه از خاخام‌ها و بزرگان یهود، نشستی نیمه مخفی برای پیدا کردن راه‌هایی به منظور آزادی معبد کوهستان از دست مسلمانان تشکیل دادند.

- در ۲۸ آگوست ۱۹۸۰، اشغالگران تونلی در زیر مسجد حضرت کردند.

- در ۳۰ مارس ۱۹۸۲ نامه‌های متعددی به مقامات اوقاف اسلامی ارسال و از آن‌ها خواسته شد تا معبد کوهستان را ترک کنند؛ چراکه در غیر این صورت، نتایج وخیمی برای آن‌ها به وجود خواهد آمد. نامه به عبری، انگلیسی، اسپانیایی و لهستانی نوشته شده بود.

- در ۱۱ آوریل ۱۹۸۲ یک سرباز اسرائیلی به نام آلن گودمن با تفنگ M16 به نمازگزاران شلیک کرد و ۶۰ فلسطینی را کشته و مجروح نمود.

- در ۲۶ مارس ۱۹۸۳ ورودی اصلی بخش وقفی بیت المقدس به خاطر حفاری‌های اسرائیل تخریب شد.

- در ۲۱ آگوست ۱۹۸۵ پلیس اسرائیل به یهودیان افراطی اجازه

داد، در محوطه حرم به عبادت پردازند.

- در ۴ آگوست ۱۹۸۶ یک گروه از خاخام‌ها قانونی نهایی را صادر کردند که موجب آن، به یهودیان اجازه می‌یافتد در حرم شریف به عبادت پردازند. آنان درخواست کردند که در آنجا یک کمیته ایجاد کنند.

- در ۱۲ می ۱۹۸۸ سربازان اسرائیلی به سوی تظاهرات مسالمت‌آمیز مسلمانان در حرم‌الشریف آتش گشودند و حدود یکصد نفر از فلسطینیان را کشند.

- در ۸ آگوست ۱۹۹۰ مقامات اسرائیل در مسجد الاقصی به قتل عام ۲۲ نمازگزار و مجروح ساختن بیش از ۲۰۰ نفر دست زدند.

- در ۲۵ ژولای ۱۹۹۵ یک دادگاه عالی اسرائیل قانونی را تصویب کرد که به یهودیان اجازه می‌داد در معبد کوهستان (مسجد الاقصی) عبادت کنند.

سال ۱۹۸۲ شاهد یک سلسله تجاوزات مکرر صهیونیست‌ها به حریم قدس شریف بوده است. در یازدهم آوریل، افراد یک گروه یهودی از پیروان سازمان‌های افراطی یهودی «جنبیش امنی جبل‌البیت» و «جنبیش کاخ» به رهبری خاخام مائیر کاهانا، تلاش کردند به داخل مسجد الاقصی یورش ببرند. بعدها روشن شد که این تلاش پوششی بوده است برای یک تهاجم مسلح‌حانه به «قبه الصخره». تهاجم به این حرم مقدس توسط یکی از سربازان صهیونیست به نام «ایلین گوتمن» انجام شد که بر اثر آن دو تن از نگهبانان مسجد به شهادت رسیدند و آسیب‌های

فراوانی به قبة الصخره، ستون‌ها و دیوارهای داخلی و خارجی مسجد وارد آمد. پیش از این تهاجم مسلحانه، سازمان هاگانا، چند نامه تهدیدآمیز برای اعضای شورای اوقاف قدس ارسال داشت که در آن‌ها گفته شده بود اگر یهودیان از ورود به داخل مسجد همچنان منع شوند، اعضای شورا به قتل خواهند رسید و مسجدالاقصی به آتش کشیده خواهد شد.

این یورش مسلحانه به مسجدالاقصی، واکنش شدید و خشمگینانه در قدس و سایر شهرهای کرانه غربی را به دنبال داشت، به گونه‌ای که طی قیامی گسترده، ۹ تن از فلسطینیان شهید و ۱۳۶ تن دیگر مجروه شدند. علی رغم واکنش‌های شدید مسلمانان نسبت به تهاجم مسلحانه علیه مسجدالاقصی، تلاش‌های یهودیان افراطی برای ورود به داخل مسجد تکرار شد و در ششم ژوئیه یک گروه از اعضای «جنبش امنای جبل الیت»، که تقریباً هفتاد تن بودند، به بهانه برگزاری یک اجتماع همبستگی با ارتشد اسراییل که مشغول جنگ در لبنان بود و به منظور نیایش و طلب پیروزی برای این ارتشد، قصد ورود به داخل مسجدالاقصی را داشتند که شهر و ندان فلسطینی و نگهبانان مسجد با آن‌ها درگیر شده و از ورودشان به صحن‌های خارجی مسجدالاقصی جلوگیری کردند.

ساعت سه سحرگاه ۲۸ ژوئیه همین سال، ۴۷ مسلح یهودی عضو یک جنبش مذهبی به نام «یشیفعه تو راه هکوهانیم» به رهبری خاخام «گرشون سلمون» به فرمان معاون وزیر دفاع در امور اسکان، چند خانه عربی جنب حرم شریف از ناحیه غربی را، که متعلق به اوقاف اسلامی بود،

اشغال کردند و یک سری اثایه و تعدادی میز و مقداری اسلحه به داخل آن خانه‌ها انتقال دادند و کنار پنجره‌ها و روی پشت بام‌های مشرف به مسجدالاقصی مستقر شدند.

هیأت اسلامی به منظور حمایت از مسجدالاقصی پیامی خطاب به مسلمانان قدس منتشر کرد که بلا فاصله صدها شهروند عرب فلسطینی در صحنه‌های مسجدالاقصی حاضر شدند و سعی کردند یهودیان مسلح را که خانه‌های مذکور را اشغال کرده بودند، از آنجا بیرون کنند. در عین حال، شهردار قدس اعلام اعتصاب همه جانبه کرد که در نتیجه آن فضای هولناکی از تشنجه بر شهر حاکم شد. در اینجا بود که پلیس صهیونیستی مجبور شد یهودیان مسلح را از این خانه‌ها بیرون کند.

چند روز بعد از این حادثه «جنبیش امنای جبل‌البیت» دعوتنامه‌هایی برای برگزاری یک جشن عروسی در صحنه مسجدالاقصی توزیع کرد. در این دعوتنامه نوشته شده بود: در ساعت ۱۹ روز چهارم اوت سال ۱۹۸۲، مراسم عروسی «مریم کوهین» با دکتر «گلدشتاین» برگزار می‌شود. مدعوین باید به تعالیم مذهبی ویژه زیارت «جبل‌الهیکل» مقید باشند. روی کارت‌های دعوت نیز تصویر شهر قدس با عکسی از هیکل به جای قبة‌الصخره چاپ شده بود. اداره اوقاف اسلامی قدس با مشاهده گسترش این تجاوزات و تلاش‌های مکرر برای یورش مسلحانه به حریم قدس، ضرورت فوری افزایش و بالا بردن کارایی اقدامات مربوطه به پاسداری از مسجدالاقصی و قبة‌الصخره و صحنه‌های خارجی آن را احساس کرد. به همین دلیل تصمیم گرفت که ۲۰۰ نگهبان

جدید استخدام شوند و دستگاه‌های آتش‌نشانی و هشدار دهنده بهتری مورد استفاده قرار گیرد و نورافکن‌های جدیدی در نقاط مختلف نصب شود. اما بی‌تردید، صهیونیسم به وسیله جنبش‌های افراطی خویش و حتی حکومت رسمی خود - همان‌گونه که رهبران و بنیان‌گذارانش از «هرتل» گرفته تا «بن‌گوریون» معتقدند که یهودی کردن قدس کامل نمی‌شود، مگر اینکه مقدسات اسلامی و مسیحی شهر تخریب و نابود شده باشد و نصب هیکل سلیمان روی «جبل‌البیت» (محل قدس شریف) مسئله‌ای است که تنها به زمان و فرصت مناسب نیاز دارد و تمامی این رویدادها و تجاوزاتی که مسجد‌الاقصی با آن روبرو می‌شود، از حفاری‌هایی که در زیر آن انجام می‌گیرد گرفته تا به آتش کشیدن و یورش مسلحه‌ای به آن، نشانه‌های این حقیقت به شمار می‌روند - تهدیدهای مکرر قبلی مبنی بر انهدام مسجد‌الاقصی را به اجرا درخواهد آورد.

تعمیرات انجام شده از سوی کمیته معماری

حکومت اردن پس از آتش‌سوزی مسجد‌الاقصی، کمیته معماری مسجد را تشکیل داد. این کمیته در خلال سال‌های ۱۹۶۹ - ۱۹۸۲ اصلاحات زیر را انجام داد:

- ۱ - ساختن بخش به آتش کشیده شده و ویران شده و از بین بردن آثار حریق؛
- ۲ - ساختن دیوارها و ستون‌هایی به جای دیوارها و ستون‌های سوخته شده؛

۳- ساختن کف بتنی؛

۴- ساختن سقف بتنی جدید به جای سقف سوخته شده؛

۵- ساختن ایوان‌هایی با سنگ‌های سفید و سرخ؛

۶- ساختن دیوار مسجد عمر و سقف آن؛

۷- ساختن دیواری جدید برای مقام الأربعین؛

۸- ساختن دیوار محراب زکریا؛

۹- ساختن ۴۸ پنجره از گچ و نصب شیشه رنگی برای آن‌ها؛

۱۰- ساختن دو ستون مرمری که گنبد بر آن‌ها سوار است؛

۱۱- ساختن پوشش مرمری داخلی؛

۱۲- برق‌رسانی به داخل؛

۱۳- سنگفرش کردن تمام قسمت‌های به آتش کشیده شده؛

۱۴- مرمت چوب و تزیینات گنبد چوبی داخلی به کمک مؤسسه

ایتالیایی ایکرم (ICCROM)؛

۱۵- تهیه طرح‌های جدید برای ساختن منبر صلاح الدین؛

۱۶- تهیه و بازسازی کتابت سوره اسراء با کاشی‌های معرق.

اقدام یک صهیونیست برای آتش زدن مسجدالاقصی

با محکومیت افکار عمومی بین‌المللی، به ویژه در حوزه شورای امنیت

سازمان ملل، مواجه شد.

شورای امنیت با صدور قطعنامه ۲۷۱ (۱۵ سپتامبر ۱۹۶۹)

با ابراز تأسف نسبت به خسارت سنگین آتش‌سوزی مسجد الاقصی در

بیتالمقدس در ۲۱ آگوست ۱۹۶۹، که در اشغال نظامی اسراییل قرار داشت، با یادآوری قطعنامه‌های ۲۵۲ مورخه ۲۱ مه ۱۹۶۸ و ۲۶۷ و ۱۹۶۹ و ۲۶۷ مورخه ۳ژوئیه ۱۹۶۹ و قطعنامه‌های قبلی و (ES-V) ۲۲۵۳ (ES-V) ۲۲۵۴ به ترتیب مورخه ۴ و ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷ مجمع عمومی راجع به اقدامات و اعمالی که به وسیله اسراییل برای تغییر موقعیت شهر بیتالمقدس انجام شده است، با تأکید مجدد بر اصل مسلم غیرقابل قبول بودن تصرف زمین به وسیله فتح نظامی:

۱. بر اجرای قطعنامه‌های ۲۵۲ (۱۹۸۶) و ۲۶۷ (۱۹۶۹) خود تأکید می‌کند.

۲. اذعان دارد که هر عمل تخریب یا هتک حرمت نسبت به مکان‌های مقدس، بناها و محل‌های مذهبی در بیتالمقدس و یا هرگونه تحریک و یا چشم‌پوشی نسبت به چنین عملی ممکن است که صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد.

۳. مقرر می‌دارد که عمل نفرت‌آور هتک حرمت مسجدالاقصی ایجاب می‌کند که اسراییل هر چه زودتر از اعمالی که برخلاف قطعنامه‌های مزبور مرتکب شده دست بردارد و تمام اقدامات و اعمالی را که برای تغییر موقعیت بیتالمقدس انجام گرفته است، لغو کند.

۴. صریحاً از اسراییل می‌خواهد که مفاد پیمان‌های ژنو و حقوق بین‌الملل راجع به اشغال نظامی را به کار بندد و از ایجاد هرگونه مانعی برای انجام وظایف محوله به شورای عالی مسلمانان بیتالمقدس، از جمله هرگونه همکاری که ممکن است این شورا از کشورها و یا

جماعات مسلمان در ارتباط با نقشه‌هایش به منظور حفاظت و تعمیر مکان‌های مقدس اسلامی در بیت‌المقدس تقاضا کند، اجتناب ورزد.

۵. اسراییل را به دلیل عدم اجرای قطعنامه‌های فوق محکوم می‌کند و از آن کشور می‌خواهد که بدین وسیله مقررات این قطعنامه را اجرا کند.

۶. تصمیم مندرج در پاراگراف ۷ قطعنامه ۲۶۷ (۱۹۶۹) را مبنی براین که در صورت جواب منفی و یا عدم جواب اسراییل، «شورای امنیت بدون تأخیر اقدامات مؤثرتری را در این زمینه اتخاذ کند» تکرار می‌کند.

۷. از دبیر کل سازمان ملل تقاضا می‌کند که دقیقاً اجرای قطعنامه کنونی را پیگیری نماید و بدین وسیله در اسرع وقت مراتب را به شورای امنیت گزارش کند.

در یک هزار و پانصد و دوازدهمین اجلاسیه با ۱۱ رأی موافق در برابر هیچ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع (کلمبیا، فنلاند، پاراگوئه و امریکا) تصویب شد.

**قدس ازنگاه ادیان سه گانه توحیدی
ضرورت گفتمان با توجه به مشترکات و مفترقات**

بانگاهی به عرصه ایدئولوژی و اعتقادی ادیان ابراهیمی، درمی‌یابیم که بین آن‌ها مشترکات بر سر اصول مهیا است و به برکت همین مشترکات، مفترقات ایشان در سایه قرار گرفته است.

راهبردهای گفتمان بین‌الادیانی

برای بهره‌مندی از اثرات عینی و عملی گفتمانی کارا، هدفمند و فراگیر، ۲ شرط لازم و کافی ضروری است. شرط لازم مربوط به حوزه نظر است و مرور و بازخوانی نقطه‌های مشترک در حوزه اندیشه را در بر می‌گیرد و شرط کافی نیز مربوط به حوزه عمل است و برانگیختن انگیزه پیروان ادیان و چشم به راهان دستورات صاحبان گفتمان را در پی دارد.

اینجاست که به حق باید گفت: گفتمان، اثبات اختیار است و دوری از گفتمان، تن دادن به جبر مطلق.

اهمیت شهر قدس

شهر قدس و اطراف آن نزد پیروان سه دین، مقدس و محبوب است؛ سرزمینی که عبادتگاه پیامبران الهی بوده و نقطه‌ای است برای عروج برخی از آنان به آسمان‌ها و محلی برای ابلاغ وحی و انجام معجزات الهی. این ویژگی‌های خاص هنگامی اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم هیچ مکان دیگری در کره زمین از چنین وضعیت و جایگاهی برخوردار نیست.

قدس نیز با توجه به عظمت و تقدسی که نزد صاحبان ادیان ابراهیمی دارد، چنانچه با نگاهی جامع و مانع مورد دقت نظر واقع شود و فلسفه وجودی آن به درستی درک شود، می‌تواند محمولی برای نزدیکی بین خلق خدا با یکدیگر و با خداشان باشد.

اما از سویی دیگر، چنانچه عده‌ای جوهره تقدسی این شهر را نادیده انگارند و صرفاً تمام عزم خود را جزم مسأله خشت و گل و بنا و تعلق و مالکیت شهر نمایند، در این صورت این شهر می‌تواند وسیله‌ای برای هزاران هزار درگیری و خونریزی و خانه بدشی و اجحاف شود.

پیوند هدف و مكتب

قربات و ارتباط با پیامبران، تنها به وسیله ایمان و پیروی صادقانه از آنان است. بنابراین، نزدیکترین افراد به ابراهیم ﷺ آنانی هستند که از مكتب او پیروی کرده و نسبت به اهداف او وفادار بوده‌اند، خواه‌کسانی که در زمان او زندگی می‌کردند و خواه‌کسانی که پس از او به مكتب و برنامه او وفادار مانده‌اند. دلیل این موضوع نیز روش است؛ زیرا احترام پیامبران به خاطر مكتب، نیکوکاری و عدالت‌خواهی آن‌ها بوده نه به خاطر نژاد، قبیله و نسب. کما اینکه در قرآن کریم، سوره صافات، آیات ۱۱۲ و ۱۱۳ در مورد حضرت ابراهیم ﷺ آمده است: «ما او را به اسحاق، پیامبری صالح، بشارت دادیم. ما بر او و اسحاق برکت دادیم، و از دودمان آن‌ها افرادی نیکوکار به وجود آمدند و افرادی که آشکارا به خود ستم کردند».

بنابراین، هنگامی که مشاهده می‌کنیم افرادی از اهل کتاب با عقاید شرک‌آمیز خود از اساسی‌ترین دعوت ابراهیمی منحرف شده‌اند، باید اذعان داشت که آنان شکل را گرفتند و جوهره و روح فرمان‌های انبیا را، که یکی شدن بود، فراموش کرده و خود را اسیر شکلی از بنا یا نوعی از

تفکر کرده‌اند که نتیجه آن کشتار دیگران، ایجاد ناامنی، فتنه و هزاران صحنه رقت‌بار دیگر است و همه این‌ها را به‌نام دین و عبادت خداوند مرتکب می‌شوند. این چنین اشخاصی خواه یهودی، خواه مسیحی و یا مسلمان، خود را با این عمل در رأس منکران پیامبر الهی قرار داده و با عنوان پاسداری از شکل مکتب، هدف مکتب خود را فراموش و آن را مورد حمله و هجوم قرار می‌دهند.

نکته قابل تأمل دیگر آن که، دین‌سازی و مذهب‌سازی در درون ادیان ابراهیمی، امری بدیهی و یکی از خطرات بالقوه به شمار می‌آید. از این‌رو، به‌نظر می‌رسد صهیونیسم به عنوان یک سازمان سیاسی با تمسک به آیاتی وابسته از کتاب مقدس (تورات) و عدم تطبیق و تفسیر آن با کمک از آیات مستقل در توارت، به عمد و یا غیرعمد، دچار یک خطای بزرگ در تحلیل خود نسبت به دستورات الهی شده است و نتیجه این تحلیل نابجا و نادرست نه تنها موجب چند دهه خونریزی و دشمنی شده، بلکه زمینه‌های نزدیکی و گفتمان را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. ما صهیونیسم را یک مفهوم چهاروجهی می‌دانیم. یعنی صهیونیسم مذهبی، صهیونیسم سیاسی، صهیونیسم فرهنگی و صهیونیسم اقتصادی. دشمنان ادیان ابراهیمی عمدتاً برای دین‌سازی و بدعت‌گذاری در دین و تشکیک در عقاید عامه مردم و پاشیدن تعصّم نفرت و بذرخشوت میان پیروان ادیان، از افراطیون یا تفریطیون به عنوان ابزار استفاده نموده و می‌نمایند. در مکتب یهودیت تندروهایی بوده و هستند که می‌بندراند خدا تنها و تنها متعلق به نژاد بنی اسرائیل است و نژاد بنی اسرائیل تماماً

يهودی هستند و اين يهوديان، چه گناهکار و چه نیکوکار و عادل، همه و همه باكمی تأخير و تعلل بالاخره در مقام رضوان الهی و در بهشت برین جای دارند. آنان می‌گويند: مناسب است ديگران را خارج از نژاد خود پاکسازی نمایيم و در صورت قدرت علاوه بر لعن و نفرین، آنان را از دم تیغ بگذرانیم و سرزمین نیل تا فرات را در اختیار خود بگیریم. لازم به ذکر است اين افراد افراطی در جامعه يهودی نه تنها از جایگاهی برخوردار نیستند، بلکه مطروند، به گونه‌ای که سازمان صهیونیسم از سال ۱۸۹۷ تا سال ۱۹۱۴ در مجموع تنها توانست پنج هزار عضو را جذب نماید. دین میین اسلام نیز همواره از وجود این گونه افراد در عذاب و ناراحتی بوده است؛ گروههای تندرو افراطی با عنوان اسلام و نامهایی همچون طالبان و القاعده، که هادی آن‌ها مستقیم یا غیرمستقیم افراد بی‌دين و طرفداران مکتب اصالت سود بودند، از جمله اين افرادند.

از آنچه گفته شد نتیجه گرفته می‌شد که پیش نیاز هر نوع گفتمان میان اصحاب سه دین، رعایت تفسیر درست و برداشت مناسب با رسالت انبیاء الهی است. هر کس موسی راجهانی نداند و صرفاً او را مختص چند میلیون انسان بداند، ستمی بزرگ به ساحت آن نبی گرامی خداوند یکتا روا داشته است.

در هر صورت، صهیونیسم می‌کوشد به جهانیان الفا کند که هر يهودی صهیونیست است و صهیونیسم نماینده يهوديان عالم می‌باشد.

حقوق دمکراتیک واحد ملت و موارد نقض آن در فلسطین

واقعیت آن است که صهیونیسم حتی در طی بیش از ۵۰ سال ظهور و بروز خود در ارض مقدس، از اولیات و محکمات آیین موسی دور شده و دوره‌ای سراسر از ظلم و اجحاف به ملت فلسطین را به نمایش گذارده است.

رژیم اشغالگر قدس، هفت اصل لازم برای حفظ آزادی و شرافت

انسان‌ها:

۱. برخورداری از حقوق مدنی؛
۲. برخورداری از حقوق اجتماعی؛
۳. برخورداری از حقوق اقتصادی؛
۴. برخورداری از حقوق سیاسی؛
۵. برخورداری از حقوق فرهنگی؛
۶. برخورداری از سبک زندگی و آرامش؛
۷. برخورداری از حق سلامت و بهداشت را نادیده گرفته و زیرپا گذاشته است.

اکنون قدس، که قبله گاه سه دین بزرگ الهی است و جای جای آن یادآور خاطرات انبیای بزرگ الهی، که برای سلامت و سعادت انسان‌ها مرارت‌ها کشیده‌اند، می‌باشد، در زنجیره صهیونیسم گرفتار است و به جای آنکه از این نقطه مشترک و مقدس متعلق به ادیان ابراهیمی در جهت نزدیکی و همدلی بهره گرفته شود، فرصت گفتگو و آرامش را از پیروان

هر سه دین ستانده‌اند و با یکی دانستن صهیونیسم و یهود، موحدان جهان و یهودیان موحد را دل‌آزرده کرده‌اند؛ زیرا دین یهود را ابزاری برای تفرقه میان امت خدا و بهره‌گیری مادی و چند روزه از دنیا ساخته‌اند.

حضرت امام خمینی ره تصویری داشته‌اند که «ما حساب جامعه یهود را از حساب صهیونیزم و صهیونیست‌ها جدا می‌دانیم و آن‌ها (صهیونیست‌ها) جزء اهل مذهب اصلاً نیستند». ایشان، خود، یکی از مخالفان سرسخت صهیونیسم از سال‌های بسیار دور (پیش از ۱۹۶۰ میلادی) تا پایان عمر خویش بوده‌اند. اما در برابر پیروان راستین دین یهود راه مهربانی را در پیش گرفتند و سفارش به حفظ حرمت یهودیان داشته‌اند: «به این یهودی‌ها که در ایران هستند، کسی حق ندارد تعرض بکند، این‌ها در پناه اسلام و مسلمین هستند، نه به یهودها و نه به نصاری». امام به درستی دریافتند که ادعای یهودی بودن از سوی صهیونیست‌ها فربیی بیش نیست و آنان آمده‌اند تا دین موسی علیه السلام و پیروان پاک‌دل موسوی را بازیچه دنیاطلبی خویش قرار دهند: «امروز شما می‌بینید که صهیونیست در عالم که مدعی یهودی بودن هست و یهودیان او را قبول ندارند با مردم چه می‌کند و مع ذلك ادعا می‌کند که من تابع حضرت موسی هستم».

اما در این گفتار، برای پیروان آیین‌های سه گانه توحیدی و نیز ملت فلسطین در سه سطح می‌توان راهکارهایی را ارائه داد: ۱. دولتمردان و حکام ۲. اندیشمندان و خواص ۳. عامه مردم.

۱. دولتمردان و حکام

الف. یهودیان

رژیمی که در سرزمین فلسطین با عنوان رژیم صهیونیستی اسراییل قدرت را به جبر در دست گرفته و خود را دولت یهودیان جهان اعلام می‌کند، رژیمی است کاملاً سیاسی که از نام دین یهود و دین باوران یهود به عنوان ابزاری برای رسیدن به خواسته‌های کاملاً اقتصادی و سیاسی بهره می‌گیرد و با توجه به سیر شکل‌گیری آن در این سرزمین مقدس به عنوان یک دولت قانونی پذیرفتی نیست.

ب. مسیحیان

بیش از یکصد کشور جهان از آیین الهی مسیحیت پیروی می‌کنند و حکومت و دولتمردانشان مدعی پیروی از آیین مسیح و برقراری صلح و آرامش و عدالت برطبق آموزه اصیل مسیحی هستند. اما با کمال تأسف مشاهده می‌شود حکام و دولتمردان پاره‌ای از این کشورها، به دور از پیام‌های خدایی آیین مسیح در پیدایی رژیم صهیونیستی و تداوم حضورش در منطقه و نیز کمک در سرکوب ملت فلسطین، اعم از کمک‌های مالی، تسليحاتی رسانه‌ای و غیره، نقش بسزایی ایفا کرده و می‌کند. بر این دولتمردان است که آیین مقدس مسیح را به سخره نگیرند و مسیحیان پاکدل را بازیچه هوس‌های قدرت طلبی خویش قرار ندهند و

از امکانی که برایشان فراهم آمده به درستی در راه اعتلای دین مسیح و جامعه انسانی بهره گیرند و علیه ستم و بیدادگری بشورند و در صف حق جویان و حق‌گویان و حق‌کرداران قرار گیرند و بدانند که اگر چنین نکنند، خیانت بزرگی به دین عیسیٰ پیروان مسیح و جامعه انسانی کرده‌اند و سرانجام باید روزی پاسخگوی عمل خویش باشند، خواه در تاریخ، خواه در پیشگاه ملت خویش یا در پیشگاه عدل الهی.

ج. مسلمانان

از مجموع کشورهای جهان، نزدیک به ۵۴ کشور با جای دادن بیش از یک میلیارد مسلمان در خود به عنوان کشورهای اسلامی شناخته می‌شدند. اینان نیز باید به جای دل بستن به قدرت‌های بیگانه که بی‌هیچ تردیدی دشمن اسلام، کشورهای اسلامی، مردم مسلمان و خود آنان هستند، از آین توحدی اسلام پیروی کنند و دستورات آن را که چونان دیگر آیین‌های توحیدی، برای راهنمایی بشر از طوفان سهمگین و پرتلاطم حوادث روزگار و گمراهی، به سرمنزل مقصود و ساحل نجات نازل شده است، دقیقاً اجرا کنند.

۲. خواص و اندیشمندان

دانشمندان گوش و چشم و دست و عقل عامه مردم هر جامعه‌ای هستند

و دولتمردان نیز برای پیشبرد اهداف خویش به این قشر نیاز افزون دارند. وظيفة خطیر خواص و اندیشمندان یهودی، مسیحی و مسلمان آن است که حق را به تمام معنا در مسأله فلسطین ادا نمایند و آنچه را که عدل و انصاف است، به درستی بیان دارند؛ زیرا اگر سکوت کنند در هر ستمی که بر انسانیت از ناحیه این عملشان برود، شریکند و روزی باید پاسخگوی کار خویش باشند.

۳. عامة مردم

الف . بر پیروان شریعت موسی ﷺ تکلیف است تا هرچه شفاف تر و صریح تر انجار و جدایی خود را از مرام و مسلک صهیونیسم در سطح جامعه بین المللی نهادینه سازند و به باور مردم و پیروان سایر ادیان بنشانند.

ب . بر پیروان حضرت مسیح ﷺ تکلیف است اجازه ندهند دولت‌های مسیحی در مسأله خاورمیانه و قدس شریف آتش بیار معركه باشند.

ج . بر مسلمانان است تا با هوشیاری کامل، به جای عملکرد انفعالي به هوش باشند و با گفتمان‌های دقیق و به موقع با صاحبان ادیان ابراهیمی، حجاب‌های دورغین را، که برافراشته دست بیدینان است، فرو کشانند و دست یاری و تفاهم به سوی دیگر برادران دینی خود دراز کنند.

فلسطینیان

ملت فلسطین همچنان که تاکنون نشان داده به هیچ وجه طالب جنگ و خونریزی نیست و با آگاهی از آموزه انسان دوستانه اسلام، طالب آرامش و زندگی تأمین با امنیت در سرزمین مقدس فلسطین است. اما همچنان نشان داده است که بیدادگری و بی عدالتی را هرگز برخواهد تایید و برای رسیدن به حقوق حقه خود خواهد جنگید.

قدس و فلسطین، سرزمینی است برای پیروان هر سه دین؛ در آن، نمادهای تعلق بسیار است که این خود علقة شدیدی را نسبت به قدس ایجاد کرده است. همچنین حرمداری قدس شریف خاص فلسطینیان است که در آنجا حق آب و گل دارند. حکومت فلسطین باید از طریق رفراندوم شکل گیرد، آن‌هم رفراندومی حقیقی و دور از هرگونه خدشه و تهدید؛ به این صورت که تمامی فلسطینیان، اعم از آنانی که اکنون در سرزمین فلسطین زندگی نمی‌کنند و به جبر از خانه و کاشانه رانده شده‌اند و آنان که در این سرزمین نسل‌اندر نسل بسر برده و می‌برند، در این همه‌پرسی شرکت کنند. بدین ترتیب، شکل حکومت فلسطین مشخص خواهد شد.

وقتی صحبت از ملت فلسطین می‌شود، یعنی تمام فلسطینیان اعم از یهودی و مسلمان و مسیحی و نیز هر غیرفلسطینی که ملت فلسطین او را به عنوان یک فلسطینی در سرزمین خود بپذیرد. سخن بر سر این نیست که حرمداری قدس و سرزمین‌های مقدس با پیروان کدام دین است،

blkhe pish az An Sxan br sr An ast ke Flsstein Mtblq b h Tamam pirovan
 Adian abrahimi ast o Tnha dr Malkit Flsstein ast o Ayin Mrdm
 Flsstein And ke Mi baiyst Hrmdari Amakn Mtblke ra dr Dst Bgirnd
 o Chiyoniism Nsbt b Flsstein b Dlil Fcdan Shxchit Hqiqi Hjgkone
 Tlqi Ndarad o Mho Sazman Chiyoniism Armgani Bray Pirovan se Din,
 Bxchosch Yehodian Alm ast.

Dr Nehayt, br Yehodian, Msiyhan o Mslmanan Wajb ast ke Afzon
 br Gftman dr Hz Nzr o Andiye, Kar Kntd Ta Ntayig Gftman ha
 dr Hz Ankiye o Um Niz Mtblor Grdd o Jahan Shabd Amnit o Aramsh
 o Udl o Anschaf dr Srzmin Flsstein Basd. Be Amid An Ruz!



مسجد و رسانه ملی

□ محمد رضا مانی فر*

سخن گفتن از چگونگی ارتباط میان دو نماد، که یکی همچون «مسجد» نشانی از سنت و دیرینگی و دیگری همچون «رسانه ملی» جلوه‌ای از تجدّد و روزآمدی است، در گام نخست، به اندازه ایجاد پلی ارتباطی میان دو مفهوم سنت و تجدد در جامعه‌ای در حال گذار، مانند جامعه اسلامی ایران، سخت، ظریف و شکننده است.

اگر جامعه‌ای در دستیابی به «تجدد» و دریافتن نسبت آن با «سنت» با گزینه‌هایی همچون سنت‌گریزی یا تجدد محوری روبرو می‌شود، رسانه ملی نیز بهمثابه نمادی از تجدد در برقراری ارتباط با مسجد، این نماد

* . مهندس برق و الکترونیک و دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی.

ریشه‌دار در دین، با گزاره‌های نظیر: «رسانه با دین ناسازگار است» و کارکرد دینی ندارد و «رسانه همان پیام است» مواجه می‌گردد.

از این روست که تحلیل رابطه و بررسی چگونگی ارتباط مسجد و رسانه ملی، آن هم در جامعه‌ای همچون جامعه اسلامی ایران، با درک حساسیت‌های موجود در آن، در گرو شناخت دقیق و مقابله اندیشه‌ای با گرایش‌های تند روانه در این عرصه است؛ گرایش‌هایی که یکی، رسانه را «دینی» نمی‌داند و اصولاً کارکردی دینی برای آن قابل نیست و دیگری، مسجد را به دور از تحول و نوآوری در رسانه عرضه می‌کند.

این نوشتار، که به تأملی در چگونگی ارتباط میان نهادهای سنتی و نوین ارتباطی روزگار ما می‌پردازد، در حقیقت در پی آن است تا به نگاهی دیگر در این گذر کوتاه دست یابد.

همگرایی نهاد مسجد و وسائل ارتباط جمعی نوین

ساختار ارتباطی فردی و اجتماعی در جامعه‌ای اسلامی همچون جامعه ایرانی، در چارچوب آنچه از آن به «نظام فرهنگی اسلام» تعبیر می‌کنند، تعریف و تبیین می‌شود. این نظام که خود، پدید آورنده بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای انسانی است، ساختاری است که با الگوگری از جامعه‌ای که از آن به «جامعه الگوی اسلامی» در روزگار صدر اسلام تعبیر می‌کنند، در پی آن است تا به گمگشته‌هایی که ریشه در لایه‌های فرهنگی و معنایی مکتب اسلام دارد، دست یافته، از این رهگذار مفاهیمی همچون

«عدالت»، «تبعیض سیزی»، «اتحاد»، «تفرقه گریزی»، «برابری» و «محو نظم طبقاتی» را در جامعه، نهادینه و جایگزین سازد.

گرچه در عرصه ارتباطات اجتماعی، به آن سبب که بر اساس سخن صریح و بیان روشن قرآن، «حکمرانی از آن خداست»، زمامداران جامعه اسلامی تنها در صورتی «مشروعیت» دارند که بر اساس فرمان الهی برگزیده شده باشند، اما نگاهی گذرا به روند تاریخی شکلگیری و اضمحلال حکومت‌ها، نشان دهنده آن است که ما در کمتر روزگار و زمانی، نظاره گر چنین روندی بوده‌ایم.

از این رو، «بحران مشروعیت» یا به بیانی ساده‌تر «فقدان مشروعیت»، از دیرباز، همواره همزاد حکومت‌ها در جامعه اسلامی بوده است.

این بحران یا فقدان مشروعیت که پیامدهایی گوناگون در پی داشته است، از جمله مواردی است که همواره در گستره تاریخ، سبب شده تا «عرف» و «شرع» یا «احکام حکومتی» و «دستورات دینی»، در برابر یکدیگر صفات آرایی کنند تا جایی که «حکمرانان» و «رهبران دینی»، هر یک، شبکه‌ای ارتباطی ویژه مخاطبان خود در جامعه پدید آورند.

این واگرایی که خود را در نمودهایی بارز و آشکار همچون ایجاد شبکه‌های ارتباطی مساجد، حسینیه‌ها و مدارس مذهبی برای «رهبران مذهبی» و پیدایی شبکه‌های ارتباطی حکومتی همچون خانقه برای «حکومتگران» نشان می‌دهد، با پیدایی و ورود وسائل ارتباط جمعی

و فن‌آوری‌های «روزآمد» ارتباطی در نیمه نخست قرن بیستم میلادی، جلوه‌ای دیگر یافت.

بروز، ظهور و ورود این گونه فناوری‌ها به جوامع اسلامی، به ویژه جامعه ایرانی، نه تنها نتوانست آن گونه که باید در جلب اندیشه‌ها و جذب دیدگاه‌های عمومی موفق باشد، که به سبب فقدان مشروعیت حاکمان، همچنان این فاصله بعید و واگرایی محسوس، از ژرف‌ها و عمق روزافزون‌تری نسبت به گذشته برخوردار شد.

این آشفتنگی و پدیده بحرانی در تقابل وسائل ارتباط جمعی نوین و نهادهای سنتی مذهبی، آن چنان در تاریخ معاصر ایران در خور توجه و قابل پرداخت است که پدیداری دگرگونی‌ها و تحولات اجتماعی و سیاسی در آن همچون نهضت تباکو، انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت، قیام ۱۵ خرداد و پیروزی انقلاب اسلامی، پیش از آنکه از عهده وسائل ارتباط جمعی نوین برآمده باشد، از عهده نهادهای سنتی مذهبی برآمده است.

پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، نقطه پایانی بر این «واگرایی» و آغازی بر «همگرایی» بود. تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی که در اصول مختلف آن بر «اسلامی بودن» نظام منتخب و حضور «رهبران مذهبی» و «علمای دین» در صحنه سیاسی و اجتماعی جامعه تأکید می‌شد، موجب گردید تا جامه‌ای از «مشروعیت» بر تن وسائل ارتباط جمعی همچون مطبوعات، رادیو و تلویزیون بنشینند.

این همگرایی به ویژه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سبب شد تا در صحنه‌های حساس همچون فتنه منافقین، کودتاها نافرجام و سرانجام، هشت سال دفاع مقدس، همکاری نزدیک دو نهاد «ستی» و «نوین» برآمده از دو بینش متفاوت در گذشته، مسجد و صدا و سیما، در تهییج، جذب و سازماندهی نیروهای مردمی، آثاری شگفت و شگرف به بار آورد.

ناکامی‌های فرهنگی؛ عوامل و پیامدها

پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوران بازسازی ویرانه‌های جنگ که همزمان با تدوین برنامه‌های توسعه‌ای پنجساله بود، گرچه در زمینه اقتصادی و به مدد آمار و ارقام، دستاوردهای چشمگیری در پی داشت، اما در عرصه فرهنگ، به ویژه فرهنگ عمومی، نتوانست آن گونه که باید دستاوردی در پی داشته باشد.

فقدان بینش کافی مسئولان و سیاستگذاران در تدوین راهبردی متناسب با فرهنگ بومی، بی‌توجهی به لایه‌های متفاوت فرهنگی در جامعه و نگاهی صرفاً آموزشی به فرهنگ و نبود تعریفی کامل و جامع از چگونگی تعامل نهادهای ستی و نوین در جامعه، از جمله دلایلی است که می‌توان از آن‌ها به متزله عوامل «عدم ناکامی» در عرصه برنامه‌ریزی‌های فرهنگی توسعه‌ای در جامعه نام برد.

از سویی دیگر، این ناکامی پیامدهای وجودی خویش را در جامعه به وجود آورد، آن چنان که تشکیل فرهنگسراهای گوناگون که

به رقیبی سرسخت برای مساجد تبدیل شد، ورود صدا و سیما به عرصه‌های ویژه نهادهای سنتی همچون مساجد که این رسانه را تا اندازه «منبر الکترونیک» تنزل داد و فقدان ظرفیت‌سازی در تحول ساختاری نهادهای سنتی همچون مسجد و حسینیه را می‌توان از جمله این پیامدها دانست.

اما در این میان، آنچه به این مشکلات ساختاری و ناکامی‌های برنامه‌ای، رنگ و بویی دیگر داده است، رویدادی است که می‌توان از آن به مثابه رویشی از مشکلات و نقصان‌هایی که تا پیش از این در لایه‌های متفاوت فرهنگی جامعه وجود داشت نام برد:

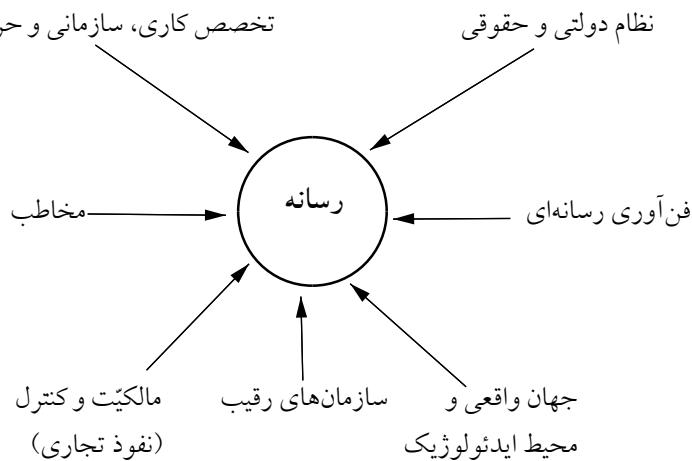
انقلاب جمعیتی که حاصل افزایش زاد و ولد در دهه ۶۰ شمسی است موجب شده امروزه، جامعه ایرانی در حالتی قرار گیرد که نزدیک به ۷۰ درصد جمعیت آن از نوجوانان و جوانان زیر ۳۵ سال تشکیل شود. این رویداد، گرچه به خودی خود، می‌تواند فرصتی گرانبها در پیش روی جامعه باشد و برای اعتلا و جهش تاریخی آن مورد بهره‌برداری قرار گیرد، اما نقصان‌ها و ضعف‌هایی که ناشی از فقدان درک مناسب شرایط در پیش رو است، نه تنها نتوانسته این فرصت گرانبها را پدید آورد، که با خود آشفتگی‌ها و بحران‌هایی همچون بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع را به دنبال آورده است. این آشفتگی‌ها که هر یک به سهم خویش می‌توانند قسمتی از چهره جامعه را تخریب کنند، آن چنانند که روزگار کنونی را از هرگونه توضیح و توصیفی در بیان ناهنجاری‌ها و معضلات اجتماعی، بی‌نیاز

ساخته‌اند: نگاهی کوتاه به خیابان‌های ابرشهری مانند تهران و چگونگی برخورد جوانان و نوجوانان با نهادهایی چون مساجد، ما را در بیان آنچه در سر داریم، از هر سخنی بی‌نیاز می‌سازد.

بررسی راهکارها برای نظرسنجی‌ها

اما به راستی چه باید کرد؟ و چه راهکاری باید اندیشید تا باگذر از آنچه امروز می‌بینیم، به آنچه در فردا می‌خواهم ببینیم، دست یابیم؟ از آن جاکه روی سخن در این مقاله تحلیلی - پژوهشی به اندیشه در چگونگی ارتباط میان نهادهای سنتی و نوین «مسجد» و «رسانه ملی» اختصاص دارد، تنها در چارچوب سخن اصلی به پاسخگویی بر می‌خیزیم و عرصه‌های دیگر را به فرصت‌های دیگر وا می‌گذاریم: نگاهی گذرا به ساختار نهادهایی همچون «مسجد» و «رسانه»، گرچه نشانگر فاصله‌ای در ظاهر بعید به سبب دیرپایی مسجد و روزآمدی رسانه است، اما از سوی دیگر، به دلیل آنکه این دو نهاد بر پایه الگوهای دیرین ارتباطات اجتماعی همچون فرستنده پیام، مجرای انتقال پیام و گیرنده پیام استوارند، می‌توانیم با اندکی چشم‌پوشی مسجد را رسانه سنتی و رسانه ملی را رسانه نوین بنامیم.

بی‌تردید، با درک این نکته مسجد و رسانه ملی همانند سازمان‌هایی رسانه‌ای در معرض عوامل مؤثر بر اثرگذاری‌های اجتماعی و حتی فردی خود هستند؛ عواملی که می‌توان آن‌ها را در الگو و نمودار ذیل جستجو کرد:



نگاهی کوتاه به این الگو و نمودار عوامل تأثیرگذار بر کارکرد رسانه، نشانه آن است که اگر رسانه‌ای در پی آن می‌باشد تا دلایل موقفيت و عوامل ناکامی خویش را در میان گزاره‌های گوناگون و متنوع به کنکاش نشیند، لازم است در ابتدا، با توجه به آنچه در بالا بیان کردیم، به بررسی چنین عواملی در اثرگذاری رسانه‌ای خود دست زند، تا از این رهگذر با شناخت نقاط ضعف، به تقویت نقاط قوت پردازد.

گرچه سخن گفتن از عوامل مزبور و بررسی جزء به جزء آنها، فرصتی دیگر می‌طلبد، اما گذری بر دو پژوهش انجام شده درباره موضوع دینی «امر به معروف و نهی از منکر در جامعه» و «برنامه‌های

مذهبی تلویزیون» می‌تواند تا اندازه‌ای تصویری کلی را از آنچه هست ارائه دهد:

نتایج نظرسنجی از مردم درباره امر به معروف و نهى از منکر در جامعه (اداره کل پژوهش‌های اجتماعی و سنجش برنامه‌ای، شماره ۹۸، سال ۱۳۸۱):

۱. ۳۷ درصد از پاسخگویان در مقایسه رفتارهای ناپسند و پسندیده، معتقدند رفتارهای ناپسند در جامعه رواج بیشتری دارد. ۳۴/۷ درصد میزان رواج رفتارهای پسندیده و ناپسند را در جامعه مساوی می‌دانند و ۱۸/۱ درصد معتقدند رفتارهای پسندیده در جامعه بیشتر از رفتارهای ناپسند است.

۲. در زمینه نقش نهادها و بخش‌های مختلف جامعه در گسترش خوبی‌ها، خانواده با ۸۲/۷ درصد و صدا و سیما با ۷۳/۵ درصد بیشترین اهمیت را نزد پاسخگویان داشته است.

همچنین روحانیان با ۳۱/۸ درصد از نظر پاسخگویان، کمترین نقش را در این زمینه دارا هستند.

۳. از نظر پاسخگویان، راستگویی (۱۱/۴ درصد) مهم‌ترین معروفی است که در جامعه کمتر به آن عمل می‌شود.

۴. پاسخگویان معتقدند که از بین منکرات رایج در جامعه به ترتیب، اختلاس، اعتیاد، و رشوه بیشترین میزان رواج را در جامعه دارند.

۵. از نظر پاسخگویان، اعتیاد (۱/۲۷ درصد) بدترین منکری است که در جامعه دارای بیشترین میزان رواج است. در ضمن، دروغگویی (۷/۷ درصد) و بیبند و باری (۷/۴ درصد) در مراحل بعدی قرار دارند.

۶. پاسخگویان معتقدند از بین اعمال پسندیده به ترتیب عبادت خداوند، احترام به والدین و کمک به همنوع بیشترین رواج را در جامعه دارند.

۷. مهم‌ترین عامل ارتکاب منکرات در جامعه از نظر پاسخگویان به ترتیب عبارتند از: تربیت خانوادگی (۳۲/۹ درصد)، وضعیت اقتصادی (۲۹/۷ درصد) و وضعیت اجتماعی (۸۱/۱ درصد). در ضمن زنان عامل خانوادگی و مردان بیشتر وضعیت اقتصادی را مهم‌ترین عامل ارتکاب منکرات در جامعه دانسته‌اند.

۸. اکثر پاسخگویان (۶۹/۷ درصد) اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه «ضروری» و «کاملاً ضروری» می‌دانند؛ ۱۵/۷ درصد پاسخگویان اجرای این فریضه را «نسبتاً ضروری» دانسته و ۳/۲ درصد پاسخگویان اصلاً ضروری نمی‌دانند.

۹. از نظر ۴۲ درصد پاسخگویان، مردم، امر به معروف و نهی از منکر را به میزان «کم» و «خیلی کم» دارای اهمیت می‌دانند. ۳۳/۲ درصد پاسخگویان نیز بر این باورند که مردم «تا حدودی» این فریضه را مهم می‌دانند و تنها ۱۵/۶ درصد پاسخگویان معتقدند که مردم فریضه امر به معروف و نهی از منکر را به میزان «خیلی زیاد»، «زیاد»

و «کاملاً» دارای اهمیت می‌دانند. به طور متوسط، پاسخگویان معتقدند مردم در حد «متوسط به بالا» به این فریضه اهمیت می‌دهند.

۱۰. اکثر پاسخگویان (۶۰/۶ درصد) مسؤولان را بیشتر از مردم، نیازمند به امر معروف و نهی از منکر دانسته‌اند.

۱۱. ۳۸/۶ درصد پاسخگویان، روش‌های موجود درخصوص اجرای امر به معروف و نهی از منکر را «تا حدودی» ۲۶ درصد «کم و خیلی کم» و ۲۰/۴ درصد «نیاز، خیلی زیاد و کاملاً» مناسب دانسته‌اند. همچنین ۱۱ درصد روش‌های موجود درخصوص اجرای این فریضه را اصلاً مناسب ندانسته‌اند به طور متوسط پاسخگویان روش‌های موجود درخصوص امر به معروف و نهی از منکر را حد «متوسط به پایین» دانسته‌اند.

۱۲. پاسخگویان به طور متوسط، موفقیت صدا و سیما را در خصوص معرفی فریضه امر به معروف و نهی از منکر را پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. همچنین موفقیت صدا و سیما را در زمینه شناساندن رفتارهای خوب و رفتارهای بد به مخاطبان «تا حدودی» (۳۸/۱) درصد، «کم و خیلی کم» (۱۹/۸ درصد) و «زیاد، خیلی زیاد و کاملاً» (۳۶/۲ درصد) ارزیابی کرده‌اند. ۳/۲ درصد پاسخگویان نیز سازمان را در این زمینه «اصلاً» موفق ندانسته‌اند.

۱۳. پاسخگویان میزان موفقیت صدا و سیما را در ترغیب مخاطبان به خوبی («متوسط به بالا») می‌دانند. همچنین از نظر جنس، مردان میزان موفقیت صدا و سیما را در این زمینه «متوسط» و زنان

«متوسط به بالا» ارزیابی کرده‌اند. از نظر گروه‌های شغلی محصلان، بیکاران، خانه‌دارها و بازنشسته‌ها، میزان موفقیت صدا و سیما را در این زمینه «متوسط به بالا» و دانشجویان و شاغلان «متوسط به پایین» ارزیابی کرده‌اند.

۱۴. از نظر $33/8$ درصد پاسخگویان، جوانان بیشتر از دیگران رفتارهای خوب و بدشان را از صدا و سیما می‌آموزنند. همچنین $30/6$ درصد پاسخگویان، نوجوانان و $25/5$ درصد، کودکان را در این زمینه، بیشتر تحت تأثیر صدا و سیما دانسته‌اند.

۱۵. اکثر پاسخگویان ($58/9$ درصد) مجموعه‌های داستانی را بهترین مشوق مردم به اعمال پسندیده دانسته‌اند. برخی دیگر ($14/1$ درصد) بحث و گفتگو را مطرح کرده‌اند.

نتایج نظرسنجی از مردم تهران درباره «برنامه‌های مذهبی تلویزیون»

(مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای، شماره ۱۶۹ سال 1381)

۱. 33 درصد از پاسخگویان در این بررسی اظهارنظر کرده‌اند که «اصلاً» برنامه‌های مذهبی را تماشا نمی‌کنند. 16 درصد از پاسخگویان «همیشه و اکثراً واقعات» و 51 درصد «گاهی اوقات و به ندرت» بیننده برنامه‌های مذهبی هستند.

۲. عمده‌ترین دلیل که پاسخگویان برای تماشا نکردن «برنامه‌های مذهبی» عنوان کرده‌اند نداشتن وقت (14 درصد) بوده است.

علاقه نداشتن به برنامه‌های مذهبی، جذاب نبودن برنامه‌های مذهبی و تماشا نکردن تلویزیون در رتبه‌های بعدی جای دارند.

۳. میزگردهای مذهبی را ۲۹ درصد افراد «گاهی اوقات»، ۱۹ درصد «به ندرت»، ۱۱ درصد «اکثر اوقات» و ۳ درصد «همیشه» تماشا می‌کنند. در ضمن ۳۸ درصد نیز اظهارنظر کرده‌اند که «اصلاً» این نوع برنامه‌ها را تماشا نمی‌کنند.

۴. همچنین بین میزان تماشای میزگردهای مذهبی و سن، تحصیلات و وضعیت تأهل بینندگان برنامه‌های مذهبی رابطه معناداری وجود دارد.

۵. میزان تماشای سخنرانی‌های مذهبی به شرح زیر است: ۳۸ درصد «گاهی اوقات»، ۱۹ درصد «اکثر اوقات»، ۱۷ درصد «به ندرت» و ۵ درصد «همیشه» این نوع برنامه‌ها را تماشا می‌کنند. گفتنی است که ۲۱ درصد نیز «اصلاً» بیننده برنامه «سخنرانی مذهبی» نیستند.

۶. دعا و نیایش پخش شده از تلویزیون را ۳۷ درصد افراد «گاهی اوقات»، ۳۳ درصد «اکثر اوقات»، ۷ درصد «به ندرت»، ۱۶ درصد «همیشه»، تماشا می‌کنند و ۷ درصد نیز «اصلاً» بیننده چنین برنامه‌هایی نیستند.

۷. در این بررسی، ۳۲ درصد «همیشه»، ۳۱ درصد «اکثر اوقات»، ۲۸ درصد «گاهی اوقات» و ۴ درصد «به ندرت»

ویژه برنامه‌های اذان را تماشا می‌کنند و ۵ درصد نیز گفته‌اند که اصلاً این ویژه برنامه‌ها را تماشا نمی‌کنند.

۸. ویژه برنامه‌های اعیاد مذهبی را ۳۴ درصد «گاهی اوقات»، ۳۰ درصد «اکثر اوقات»، ۲۱ درصد «همیشه» و ۵ درصد «به ندرت» تماشا می‌کنند. ۱۰ درصد نیز گفته‌اند «اصلاً» بیننده این نوع برنامه‌ها نیستند.

۹. میزان تماشای ویژه برنامه‌های محرم و عزاداری‌ها به این صورت است که ۳۵ درصد «همیشه»، ۳۴ درصد افراد «اکثر اوقات» و ۴ درصد «به ندرت» این برنامه‌ها را تماشا می‌کنند و ۴ درصد نیز گفته‌اند که «اصلاً» ویژه برنامه‌های محرم و عزاداری‌ها را تماشا نمی‌کنند.

۱۰. در مقایسه انواع برنامه‌های مذهبی، اکثر افراد (۶۹ درصد) «همیشه و اکثر اوقات» ویژه برنامه‌های محرم و عزاداری‌ها را می‌بینند و در مقابل، تنها ۱۴ درصد «همیشه و اکثر اوقات» بیننده میزگردهای مذهبی هستند.

آنچه از مطالعه و بررسی این یافته‌های پژوهشی به دست می‌آید، نشان دهنده آن است که:

۱. نزدیک به ۷۲ درصد پاسخگویان معتقدند رفتارهای ناپسند در مقایسه با رفتارهای پسندیده به یک اندازه یا بیشتر در جامعه رواج دارد.

۲. خانواده، همچنان تأثیرگذارترین نهاد در گسترش خوبی‌ها

است و رتبه بعدی پس از آن به صدا و سیما اختصاص دارد.

۳. راستگویی، مهم‌ترین خصلت نیکویی است که در جامعه،
کمتر به آن عمل می‌شود.

۴. در گستره خصایل ناپسند و رذایل اخلاقی نکوهیده به ترتیب
اختلاس، اعتیاد و رشوه بیشترین رواج را در جامعه دارند.

۵. در میان خصایل پسندیده و فضایل اخلاقی به ترتیب عبادت
خداآوند، احترام به والدین و کمک به هم نوع از رواج بیشتری در جامعه
برخوردار است.

۶. تربیت خانوادگی، وضعیت اقتصادی و وضعیت اجتماعی
به منزله مهم‌ترین عوامل در ارتکاب منکرات در جامعه هستند.

۷. در دیدگاه اکثر پاسخگویان، اجرای فرضه «امر به معروف
و نهی از منکر» در جامعه بسیار ضروری است.

۸. بیشتر پاسخگویان، مسئولان را بیش از مردم نیازمند
«امر به معروف و نهی از منکر» دانسته‌اند.

۹. در نگاه بیشتر پرسش شوندگان، روش‌های موجود در اجرای
این فرضه الهی، امر به معروف و نهی از منکر، ناکارآمد است.

۱۰. بیشتر پاسخ‌دهندگان مجموعه‌های داستانی را به عنوان بهترین
مشوق مردم به اعمال پسندیده می‌دانند. این در حالی است که برخی
دیگر با کمترین شمار، بحث و گفتگو را در این مقام در نظر می‌گیرند.

چه باید کرد؟

با نگاهی به یافته‌های این دو پژوهش که در برگیرنده تصویری کلی از جامعه در نگاه مخاطب است، اکنون می‌توانیم به پرسش اساسی آغاز سخن بازگردیم: براستی چه باید کرد؟

پاسخگویی به این پرسش را در گزاره‌های زیر جستجو می‌کنیم:

۱. توجه به مخاطب هدف: مسجد و رسانه ملی، هر کدام باید به مخاطب تعریف شده خویش توجه کافی کنند و تنها در راستای توجه به نیازها و مطالبات او گام بردارند. اگر بیننده تلویزیون، مجموعه‌های تلویزیونی را بهترین شیوه در گسترش خوبی‌ها می‌داند و بحث و گفتگوی مذهبی را آن چنان مؤثر نمی‌داند و اگر در نگاه جامعه اختلاس، اعتیاد و رشوه بزرگترین معضلات رایج در آن هستند و در کنار آن، عبادت خداوند، احترام به والدین و کمک به هم نوع، بیشترین نیکوبی‌های متداول در جامعه، این بدان معناست که نگاهی دگربار به اهداف و اولویت‌های رسانه ملی و واگذاری برخی از امور کمتر مورد توجه در رسانه که نیازمند ارتباط چهره به چهره و رو در رو هستند، باید در دستور کار مسئولان و دست اندکاران هر دو رسانه «مسجد» و «رسانه ملی» قرار گیرد و همچنین توجه محتوایی به معضلاتی که بر شمردیم باید در دستور کار سخنرانان مذهبی در مساجد و برنامه‌سازان رسانه، هر یک با ابزار مورد توجه عامه باشد.

۲. نگاهی واقع بینانه به جامعه: دو رسانه سنتی و نوین «مسجد» و «رسانه ملی»، اگر به دنبال کارکرد مطلوب خویش هستند باید از جامعه‌ای «در حال گذار» که در جستجوی راهکاری برای آشتی بین «سنت» و «تجدد» است، تصویری مناسب، بهنگام و به روز داشته باشند تا براساس آن دست به برنامه‌ریزی زند. متاسفانه، فقدان درک مناسب از شرایط در پیش رو یا شرایط در حال حاضر، از جمله مواردی است که دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی به آن مبتلا هستند و از این رو آسیب‌هایی بسیار تاکنون دیده‌اند.

۳. فناوری رسانه‌ای: بی‌تردید، ما در روزگاری به سرمی‌بریم که در آن، فناوری‌های متفاوت با کاکردهای مختلف در حال بروز، ظهرور و پیدایی هستند. بیگانگی با این‌گونه دستاوردهای علمی و فرهنگی در کنار مرعوب شدن در برابر این‌گونه دستاوردها، از جمله مواردی است که همواره، جامعه و نهادهای آن را با سرگردانی و حیرانی روپرور کرده است.

مسجد به عنوان نهادی سنتی و رسانه ملی به عنوان سازمانی نوین، هر دو در معرض آنچه بر شمردیم، قرار دارند. از این روست که به نظر می‌رسد برخورد خردمندانه، کاربرد آگاهانه و بهره‌گیری سودمندانه از جمله‌گام‌های اثرگذار در رویارویی با دستاوردهای نوین و فناوری‌های برتر در جامعه و بر اساس نیازهای نهادهای جامعه باشد.

۴. سازمان‌های رقیب: امروزه چندین شبکه رادیویی و تلویزیونی به صورت شبانه‌روزی به تولید و پخش برنامه‌های مختلف با درونمایه

مغایر و گاه معاند با فرهنگ ملی و دینی ما می‌پردازند. در کنار آن‌ها، سایت‌های اینترنتی به اندازه خود سهمی بزرگ در این میان بر عهده دارند. این‌ها، تازه نگاهی به شبکه‌ها و سایت‌های رقیب خارجی است. در داخل نیز، نهادهای فرهنگی به سبب فقدان راهبرد در توسعه فرهنگی به صورت نهادهایی «رقیب» و «نه رفیق» درآمده‌اند. از این‌رو، اگر نهادی چون «مسجد» یا «رسانه ملی» می‌خواهد به اثرگذاری و تکرار افتخارات پیشین دست یابد، لازم است که در ابتدا به سازمان‌های رقیب و کارکردهای آنان در جامعه، نگاهی جدی همراه با تفکر اندازد.

۵. تخصص‌گرایی: به حقیقت، تخصص‌گرایی، گمشده اساسی در نهادها و ساختارهای جامعه ماست و جالب آنکه نبود آن تاکنون، بیشترین ضربه را در مسیر دستیابی به «مطلوب» جامعه، به آن وارد کرده است.

از این‌رو، ضروری است در دنیایی که «تخصص‌گرایی» حرف نخست را در آن می‌زند، دست‌اندرکاران «مسجد» و «رسانه ملی» هر دو، با اصلاح و بازنگری درون تشکیلاتی و ساختاری، به این اصل اساسی جامه عمل بپوشانند.

۶. و سخن پایانی آن‌که: «مسجد» و «رسانه ملی» باید با گذار از آنچه امروز می‌بینیم، تنها آن چنان باشد که «باید» باشند، به بیانی دیگر، «مسجد» باید کارکرد اطلاعاتی - آموزشی خود را بسط و گسترش دهد و «رسانه ملی» باید رویکرد تفریحی - سرگرمی خود را تقویت کند.

همزمان هر دو باید در درون خود به اصلاحات اساسی دست زنند تا از این رهگذر، به افق‌های مطلوب خویش با توجه به شرایط زمان و مکان که در گزینه‌ای همچون «جهان واقعی و محیط ایدئولوژیک» تبلور می‌یابد، دسترسی یابند.

باور کنیم که نه «مسجد»، «رسانه ملی» است و نه «رسانه ملی»، «منبر الکترونیک»! مسجد، مسجد است و رسانه، رسانه!

■ منابع و مآخذ

۱. شکرخواه، یونس، خبر، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۸.
۲. کازنو، ژان، جامعه‌شناسی رادیو و تلویزیون، ترجمه جمشید ارجمند، انتشارات رادیو و تلویزیون ملی ایران، تهران، ۱۳۵۲.
۳. نظرسنجی از مردم در خصوص امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، اداره کل پژوهش‌های اجتماعی و سنجش برنامه‌ای، شماره ۹۸، سال ۱۳۸۱.
۴. نظرسنجی از مردم تهران درباره «برنامه‌های مذهبی تلویزیون»، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای، شماره ۱۶۹، سال ۱۳۸۱.



تأثیرات فرهنگی، تربیتی مساجد با تکیه بر مساجد اصفهان و نیشابور

□ محمدحسین ریاحی

بدون شک یکی از عوامل مهم و مؤثر در پیشبرد فرهنگ و تمدن اسلامی و نیز سرزمین‌هایی که به تصرف سپاه مسلمین درآمد در زمینه‌های آموزشی، تربیتی و فرهنگی، وجود مساجد بود. علی‌رغم اینکه مساجد عموماً در منظر عام به عنوان یکی از اصلی‌ترین کانون‌های عبادت و انجام اعمال و مراسم مذهبی قلمداد شده و می‌شود، اما از تأثیر شگرف این مکان‌های عبادی در توسعه آموزش و فرهنگ نمی‌توان به راحتی گذشت. تا زمانی که مدارس به طور رسمی در دنیای اسلام موجودیت نیافته بود، بار امور علمی و آموزشی به دوش مساجد بود. از همان ابتدا آموزش و تعلیم با مسجد مرتبط بود و مدارس در حقیقت،

از مساجد انشعاب یافته بودند؛ چرا که تعلیم و تربیت در دهه‌های اول تاریخ صدر اسلام معمولاً ارتباط با فرامین دینی بود و مسلمانان نیازمند آشنایی با معانی و مفاهیم مذهبی بودند و طبیعتاً برای فراگیری آن‌ها راهی مساجد می‌شدند. بر طبق منابع و متون تاریخی، روشن است که نخستین مراکز تعلیم و تربیت در اسلام، مسجد و محور این آموزش و پرورش، قرآن کریم بوده است؛ یعنی حفظ و درک مطالب قرآن، نقطه شروع بود و پس از آن فراگیری و مطالعه اخبار و احادیث نبوی ﷺ مطرح گردید. به نوشته استاد جلال الدین همایی، «در ابتدا مراکز تعلیم و محل درس مسلمانان مساجد بود. حوزه‌ها و حلقه‌های درس در جوامع و مساجد تشکیل می‌شد. احیاناً مجالس مناظره نیز در همان مساجد بود که پاره‌ای از آن‌ها کتابخانه‌های عظیم نیز داشتند».^(۱)

از همان روزهای آغاز نهضت اسلامی بسیاری از امور با مساجد مرتبط بودند؛ امور داوری، قضاوی، حل و فصل دعاوی، مسائل مهم و اساسی اجتماعی، مشورت و طرح جنگ، پذیرش وفود، اعزام نماینده به نقاط دیگر، اجتماعات عمومی، پرستاری بیماران و مجروهان، و اعلام وظایف حکومتی در مسجد صورت می‌گرفت. به هر کجا که اسلام گام می‌نهاد، چه مسلمانان آن را فتح می‌کردند یا می‌ساختند، به زودی و بی‌درنگ مسجدی ساخته می‌شد.^(۲)

۱. تاریخ علوم اسلامی، ص ۳۶.

۲. ر.ک: تاریخ آموزش در اسلام، ص ۹۰.

دیدگاه عظیم اسلام و بینشی که این تعالیم آسمانی ارائه کرد، موجب بالا رفتن سطح اجتماع از جهات مختلف از جمله مسایل فرهنگی گردید. به نوشته السباعی «اسلام امور دینی و دنیوی را باهم ارتباط می دهد و آنها را با عقاید و افکار روشن و دقیق بیان می دارد و مسجد که مرکز عبادت و نیایش است، در طول تاریخ، مرکز زندگانی اجتماعی تمام مسلمانان نیز بوده است. بدین ترتیب، مسجد در چهارچوب حوزهٔ خود علاوه بر محل نیایش بودن، محل تجمع مردم، پناهگاه مسافران، محل توزیع غذا برای فقرا و وظیفهٔ آموزش را نیز بر عهده داشته است».^(۱)

رویداد دیگری که بر وجود فعالیت علمی مسجد و تشکیل حلقه‌های درس در عصر نبوت دلالت دارد این است که رسول خدا ﷺ روزی وارد مسجد شد و دید که از جمع حضار دو حلقه تشکیل شده است؛ یک حلقه به ذکر و عبادت مشغول و آن یکی به تعلم و تعلیم سرگرم و چون نیک نگریست فرمود: هر دو گروه کردار نیک دارند، اما من برای تعلیم فرستاده شده‌ام: «کلاهما علی خیر ولكن بالتعليم ارسلت». و خود آن حضرت در حلقه‌ای که سخن از تعلم و تعلیم بود نشست.^(۲)

مؤلف کتاب تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام نیز با اعتقاد بر اینکه اولین

۱. ر. ک: نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۹.

۲. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۴۳۷.

و مهم‌ترین کانون‌های علمی و تربیتی مسلمانان در قرون اولیه هجری مساجد بوده‌اند آورده است: این مکان در جهت محافظت و دفاع از اصول و قواعد دینی و به‌طور کلی در زبان و فرهنگ عامه و در سال‌های بعد در تعلیمات عالی اسلامی رکن و اساس بوده و تأثیری عمیق و خدمتی بسزا نموده است. در مکتب‌خانه‌ها تعلیمات مقدماتی، یعنی خواندن و نوشتن و حساب ساده و اندکی شعر و تاریخ و قرآن و حدیث به صورت بسیط و ساده آموزش داده می‌شد و این برنامه ارتباط تعلیمات اسلامی را از مسجد تا مؤسسات تعلیمات عالیه تأمین می‌کرد. پیامبر اکرم ﷺ پس از هجرت به شهر مدینه ساختمان مسجد قبا را در آنجا آغاز نمود که اولین مسجد اسلامی است. هنگام ورود پیامبر اکرم ﷺ به مدینه مسجدی در محلی به نام «مربد» دایر گردیده بود و گفته می‌شود که حضرت در همین محل به طرفداران خود مسایل دینی و دنیوی را تعلیم کرده است. پس ملاحظه می‌گردد که از همان زمان پیامبر ﷺ عبادتگاه‌های اسلامی مراکز تربیتی نیز بوده است. در واقع، مساجد جای مناسب برای تعلیم علوم دینی هستند. با فتوحات و توسعه جهان اسلام، مساجد با سرعت زیادی در تمام مناطق بنا گردید و رو به فزونی نهاد. به مناطق مختلف عربستان که اسلام را می‌پذیرفتند جهت تعلیم قرآن از سوی رسول اکرم ﷺ افرادی اعزام می‌گردید. مناطق و اشخاصی که این مأموریت‌ها را انجام داده‌اند معلوم و محقق است. کار تعلیم قرآن و مسایل دینی که زمان آغاز آن‌ها از حیات پیامبر اکرم ﷺ در مدینه، مکه، طائف، صنعا، و بحرین بوده است در زمان خلفای راشدین نیز در سطح وسیع تری ادامه یافت و در بصره،

کوفه، حمص، شام، فسطاط و شهرهای سرزمین‌های فتح شده تعلیم مشابه صورت پذیرفت، به طوری که خلیفه دوم در انتصاب و اعزام والی برای بصره، کوفه، سوریه و مصر از آنان خواست که در محل مأموریت خود مسجد بنانمایند.^(۱)

علاوه بر تشویق‌های مکرر پیامبر ﷺ به آموزش و تعلیم و تربیت، که مساجد را به عنوان کانون‌های ارزشمند علمی و فرهنگی درآورده بود، امام علی بن ابی طالب علیهم السلام نیز با خطبه‌ها و بیانات شیوا و آموزنده خود در مساجدی همچون مسجد کوفه مردم را آموزش و تعلیم می‌داد. مسلماً در زمان ائمه معصومین علیهم السلام نیز به ویژه در دوران حیات امام باقر علیهم السلام و امام صادق علیهم السلام که آموزش و تعلیمات به اوچ شکوه رسید مساجد نیز به عنوان اصلی‌ترین پایگاه‌های معنوی و آموزشی به حساب می‌آمدند. مراکز علمی و آموزشی شیعه در عصر اختناق حکام اموی و عباسی، خانه‌های ائمه و پیشوایان مذهب و یا مساجد بود. از آن به بعد مدفن امامان و اهل بیت علیهم السلام از جمله شهرهای کاظمین و سامرا در عراق و شهرهای قم و مشهد در ایران مرکز تجمع علمای شیعه و از حوزه‌های پر رونق علوم اسلامی و معارف شیعی در دنیای اسلام شد.^(۲)

بنای مساجد که از ابتدای اسلام آغاز شده بود، با گذشت زمان شمار آن‌ها فزونی می‌یافتد و طبیعتاً با گسترش این کانون‌های عبادی علوم

۱. ر. ک: تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، صص ۱۲۹ و ۱۳۰.

۲. ر. ک: تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۹.

و آموزش نیز توسعه پیدا می‌کرد. بنابر اظهار یعقوبی، در قرن سوم هجری در شهر بغداد سی هزار مسجد وجود داشته است.^(۱)

در مصر فزونی و گستردگی اگر به اندازه عراق و حجاز نبود لکن این مراکز عبادی از حیث آموزشی هم قابل توجه بوده است. ابن جبیر سیاح معروف (متوفی ۶۱۴ هق) درباره مساجد اسکندریه آورده است: این شهر افرون تر از هر شهر دیگر خدا، مسجد دارد، تا بدان جا که تخمين مردم درباره تعداد مساجد آن متفاوت است؛ برخی بیشتر و برخی کمتر گویند، آن که بیش گوید تخمينش به دوازده هزار باب مساجد می‌رسد و آنان که کم گویند متفاوتند: پاره‌ای گویند هشت هزار باب است و پاره‌ای رقمی جز این گویند و به هر حال، مسجد‌های آن شهر بسیار و افزون از شمار است، چنان که چهار یا پنج مسجد در یک جا دیده می‌شود و چه بسا چند مسجد ترکیب شده و مجموعه‌ای تشکیل داده باشد. تمام این مساجد را پیش‌نمایاند که از جانب سلطان شهریه دارند.^(۲) با این حساب اگر هر یک از مساجد را مکانی برای تعلیم و تربیت بدانیم از وسعت فعالیت‌های تعلیماتی دچار شکفتی خواهیم شد.

با بررسی نقش مساجد در آموزش و تعلیم و تربیت در اسلام متوجه می‌شویم که تقریباً در همه مناطق جهان اسلام، به ویژه غرب اسلامی نیز این تأثیر محسوس بوده است، به طوری که این مسئله در

۱. البلدان، ص ۹.

۲. سفرنامه ابن جبیر، ص ۷۴.

اندلس هم مصدق داشته است. مسلمانان اسپانیا امور مربوط به تعلیم و تربیت را در مساجد انجام می‌دادند. مقری مورخ مشهور اندلسی می‌نویسد: مردم اندلس مدارس مستقل ندارند که بتوانند در کسب دانش آنان را یاری نمایند. آنان با پرداخت اجرت شاخه‌های علوم را در مساجد یاد می‌گیرند. این مؤرخ همچنین از کار تدریس خود در جامع قرطبه، نخله و زاهره سخن می‌گوید.^(۱)

معمولًا در مساجد جایگاه‌هایی برای تدریس وجود داشت، از جمله قسمتی به نام صفة در مسجد مدینه یا حتی در برخی مساجد ایران مانند مسجد جامع اصفهان که در آن قسمت فعالیت‌های آموزشی محسوس بود. در قسمتی از مسجد مدینه ایوانی سرپوشیده به نام صفة بنا شد. در روز استادانی که به این منظور انتخاب شده بودند، به شاگردان آموزش می‌دادند و شاگردان شب در آنجا می‌خوابیدند. پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ بزرگان صحابه آن حضرت و پس از ایشان تابعین در این مسجد به تدریس و تعلیم می‌پرداختند.

یکی از مدرسان معروف مسجد النبی عبدالله بن سعید بن عاص بود. وی اولین معلمی بود که در این مسجد به آموزش خط پرداخت. وی در دورهٔ جاهلیت از کتابخانه معروف عرب بود که به دستور پیامبر اکرم ﷺ مأمور آموزش هنر، خطاطی و آموزش قرآن شد. با این همه تدریس و بحث در زمینهٔ مسائل دینی و علمی، حتی در زمان پیامبر اکرم ﷺ

۱. ر. ک: تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۳۱.

نیز منحصر و محدود به این مسجد نبود. در مدینه مساجد کوچک تر و محدودتری وجود داشت که فعالیت آموزشی می‌کردند.^(۱)

از اواخر دهه دوم هجری با افزایش چشمگیر دامنه فتوحات مسلمانان، مرزهای اسلام از سوی شرق و غرب گسترش یافت و جمع کثیری به آین اسلام گرویدند که در زبان و نژاد با اعراب مسلمان مغایرت داشتند. از این زمان آموزش زبان عربی برای درک معانی آیات قرآن و تعالیم اسلام در سرزمین‌های فتح شده آغاز گردید و آن دسته از اصحاب پیامبر و تابعین ایشان که دعوت به اسلام و تعلیم مبانی دین را بر حضور در صحنه‌های پیکار ترجیح می‌دادند، در مساجد نوبنیاد به آموزش پرداختند. این مساجد ابتدا در شهرهای کوفه، بصره، حیره و مدائن بنیاد گردید. در عصر خلفای راشدین و پس از آن در دوره حکومت امویان، مساجد بزرگ که عنوان جامع داشت در مراکز بلاد اسلامی ساخته شد. در این مساجد علاوه بر مسایل دینی و سیاسی، مسایل علمی نیز مطرح می‌شد و حلقه‌های درس، که شرکت در آن برای هر جوینده دانش ممکن بود، تشکیل می‌گردید. بسیاری از صحابه پیامبر ﷺ و تابعین ایشان و نیز پیشوایان مذاهب در این دانشگاه‌های عمومی اسلامی به تعلیم مبانی دین و نشر مذهب خود پرداختند. مسجدالحرام مکه، مسجدالنبی در مدینه، دو جامع بصره و کوفه، جامع ری، جامع عمرو در فسطاط مصر، مسجدالاقصی و قبة الصخره در

۱. تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، ص ۶۴.

بیت المقدس، جامع اموی دمشق، جامع زیتونه در تونس و جامع قیروان در مراکش از مراکز مشهور آموزش اسلامی در این دوره بوده است.^(۱) در بین شهرهای ایران بزرگ، مساجد برخی شهرها در عرصه تمدن اسلامی و در امور آموزش فعال و پرثمر بوده‌اند؛ از جمله می‌توان به جامع سیستان، مسجد جامع ری، مسجد عتیق شیراز، مسجد جامع اصفهان، و برخی مساجد بخارا، نیشابور، مرو، هرات و تبریز اشاره نمود. در اینجا مناسب است از نقش آموزشی و تربیتی دو شهر مهم تاریخی ایران یعنی اصفهان و نیشابور یاد شود. از جمله مساجد اصفهان که در موضوع فرهنگ و تعلیم و تربیت در سده‌های متعدد نقش فعال داشته‌اند می‌توان از مسجد جامع کبیر (عتیق)، جامع صغیر (جورجیر) و جامع عباسی یاد نمود که خوب‌بختانه هنوز این مسجد بر جای مانده است، اما در مورد نیشابور از جامع عتیق، مسجد جامع منیعی و مسجد عقیل باید یاد نمود که متأسفانه این مساجد اکنون پابرجا نیستند.

الف. مساجد اصفهان

۱. مسجد جامع کبیر (عتیق)

به نوشته ابوالنعمیم اصفهانی در صد و اندی پس از هجرت، ایوب بن زیاد به عنوان عامل خراج و سعید بن منصور حمیدی به عنوان امیر جنگ از سوی منصور خلیفه عباسی، به اصفهان گسیل شدند. پس از برکناری سعید

۱. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، صص ۵ و ۶.

بن منصور، ایوب بن زیاد که مسئولیت جمع آوری مالیات و امور جنگ را با هم عهدهدار شده بود، در قریهٔ خشینان منزل گزید و کاخی بر کرانهٔ رودخانهٔ فرسان و در جوار آن مسجدی دارای مقصوره بنانهاد و در آنجا منبری قرار داد. وی همچنین برای تجار و کسبه و کارگران طرح بازاری انداخت که در جنب یهودیه در مکانی معروف به صفتالبانین (بازار کاهفروشان) ساخته شد. در روزگار ولایت ایوب بن زیاد خانه‌های یهودیه به خانه‌های قریهٔ خشینان متصل شد. پس از برکناری ایوب، اعراب قبیلهٔ یتم که ساکن قریهٔ طهران در حومهٔ اصفهان بودند، مسجد جامع بزرگی در یهودیه بنادردند و در ۱۵۶ هق منبر مسجد ایوب بن زیاد را بدانجا انتقال دادند.^(۱) یهودیه پس از بنای مسجد جامع از طرف صحراگسترده شد و پانزده ده به آن اضافه گردید. با وسعت یافتن یهودیه، مردم به توسعهٔ مسجد پرداخته، بر آن اضافاتی نمودند که از جملهٔ آنها زمین‌های معروف به خصیب‌آباد بود که خصیب بن سلم به مسجد اضافه کرد. در ۲۲۶ هق در زمان خلافت معتصم عباسی و امارت یحیی بن عبدالله بن مالک خزاعی، مسجد جامع تجدید بنا شد و مساحت آن با اضافاتی که از زمین‌ها و خانه‌ها به آن ضمیمه گردید، افزوده شد.^(۲)

۱. ر. ک: ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، صص ۳۵ و ۳۷؛ و نیز ر. ک: ترجمه ذکر اخبار اصفهان،

صص ۱۲۹ و ۱۳۰.

۲. ترجمه ذکر اخبار اصفهان، صص ۱۳۰ و ۱۳۱.

در قرون اولیه اسلامی نیز این مسجد علاوه بر نقش عبادی، از حیث آموزشی هم قابل توجه بود، به گونه‌ای که مافروختی در کتاب محاسن اصفهان در باب اهمیت جامع این شهر آورده است: برای اقامه هر نماز کمتر از پنج هزار در آنجا گرد نمی‌آمد و در کنار هر جرزی مسند شیخی بود که گروهی از طالبان علم دور او را گرفته بودند و به تحصیل علم یا تهذیب نفس اشتغال داشتند. آراستگی این بنا به واسطه مناظره فقها و مباحثه علماء و مجادله متکلمین و پندهای واعظین است، در آنجا صوفیان و علماء و کسانی دیده می‌شوند که به حال عبادت در مسجد اقامت گزیده و با تسبیح و دعا زندگی را می‌گذرانند.^(۱)

یکی از مراکز مهم علمی و مکان‌های حضور علماء و دانشمندان در عصر آل بویه همین مسجد بوده است، به طوری که افرادی مانند صاحب‌بن‌عبد (متوفی ۳۸۵ هق) و یا ابوالعباس ضبی (متوفی ۳۹۸ هق) در این مسجد سرمایه‌گذاری قابل توجهی نموده‌اند؛ از جمله اینکه مرحوم همایی بر این اعتقاد است که کتاب‌های بسیاری از صاحب، که دارای کتابخانه شخصی بزرگ و ارزشمندی بوده به این جامع منتقل شده است. مکان این دارالکتاب در سمت شمال مسجد و احتمالاً جنب یکی از درهای ورودی آن بوده، و غنای این کتابخانه تا حدی بوده که نسخه‌های مورد احتیاج همه اهل علم در زمینه‌های دینی، ادبی، حکمت، فلسفه و سایر دانش‌ها را تأمین می‌کرده است.^(۲)

۱. ر. ک: ترجمه محاسن اصفهان، ص ۶۲.

۲. ر. ک: مقاله «هفدهمین سال آتش‌سوزی جامع اصفهان»، کیهان فرهنگی،

شماره ۱۲۳، ص ۶۳؛ جلوه‌های هنر در اصفهان، ص ۲۲۸.

آنچه که از منابع تاریخی به دست می‌آید این که با توجه به مراتب علمی و معنوی صاحب بن عباد، وی به تدریس و تعلیم شاگردان در مسجد جامع اشتغال داشته است و ایوان جنوبی مسجد هنوز به نام صفه صاحب معروف است و معلوم می‌شود صاحب اسماعیل بن عباد در بنایی که سابقاً در محل این ایوان سلجوقی وجود داشته به تدریس می‌پرداخته، ولی در هر صورت با توجه به تحولات ساختمانی و تغییر و تبدیل‌هایی که به عمل آمده اکنون نمی‌توان سبک ساختمان ایوان صاحب را به درستی تمام تعیین نمود.^(۱)

در همین دوره (آل بویه) نیز مسجد جامع عتیق اصفهان شاهد رفت و آمد علماء و دانشمندان فرق و مذاهب اسلامی و گفتگو و مباحث آنان بود که گاهی مسایلی نیز در پی داشت؛ از جمله در رابطه با عالم معروف حافظ ابونعم اصفهانی نقل شده است: از روزگار ابوعبدالله منده (متوفی ۳۹۵ هـ) تا سال‌ها پس از درگذشت او، ابونعم از ورود به مسجد جامع اصفهان و تشکیل درس و وعظ ممنوع بود. در این اثنا در سال ۴۲۱ هـ مسعود غزنوی به اصفهان تاخت و کشtarها کرد. از قضا روزی را که بسیاری از مردم به مسجد جامع رفتند و مانع ورود ابونعم به آنجا شدند، سپاهیان مسعود به مسجد یورش بردن و هر که را در آن یافتند کشتند. بدین سان، ابونعم از مرگ حتمی ایمن ماند.

۱. ر. ک: گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۴۳.

برخی نویسنده‌گان این رویه را حمل بر مستجاب الدعوه و صاحب کرامت بودن ابونعیم کردن.^(۱)

با توجه به دگرگونی‌هایی که در این جامع کبیر در عصر سلطان جلال الدین ملکشاه سلجوقی (متوفی ۴۸۵ هـ) به وجود آمد، این مسجد شکوهی خاص یافت. با توجه به تبعات محققان معماری اسلامی، مسجد جامع اصفهان که در قرن اول هجری و به سبک موسوم به عربی بنا شده بود، در دوره سلاجقه دچار دگرگونی اساسی شده و به صورت مسجدی چهارایوانه درآمد.^(۲)

یکی از مهم‌ترین آثار بر جای مانده عهد ملکشاه در اصفهان، گنبد خواجه نظام‌الملک در جنوب مسجد جامع اصفهان است که بر کتیبه آن نام پادشاه و خلیفه وقت و نیز خواجه نظام‌الملک حکم شده و ظاهراً در سال ۴۷۳ هـ به پایان رسیده است. اثر دیگر گنبد تاج‌الملک در شمال مسجد جامع می‌باشد. این گنبد از آثار آخرین وزیر ملکشاه ابوالغنايم تاج‌الملک مورخ به سال ۴۸۱ هـ است که معماری آن از نظر باستان‌شناسان دنیا اعجاب‌انگیز است.^(۳)

این آثار از جلوه‌های برجسته هنر سلجوقی محسوب می‌شوند که با گذشت نزدیک به هزار سال، همچنان عظمت خاصی به این جامع

۱. ترجمه ذکر اخبار اصفهان، ص ۳۰.

۲. آثار ایران، ج ۴، ص ۴۶.

۳. آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، ص ۵۲.

بخشیده‌اند. در همین دوره نیز نقش آموزشی و تربیتی مسجد جامع اصفهان ملموس و قابل ملاحظه است. به ویژه اینکه در کنار تدریس و تحصیل، کتابخانه بزرگی جهت طالبان علم وجود داشت. عظمت این دارالکتاب به حدی بود که نویسنده محسن اصفهان پس از بیان موقعیت جامع اصفهان، کتابخانه آن را این‌گونه توصیف می‌کند: در آنجا کتاب‌ها را چیده و فنونی از دانش بدان جاویدان ساخته‌اند. تفاسیر و غرائب حدیث و مؤلفات در نحو و فقه و تصریف و ابینه حرف می‌باشد و نیز در آن از دیوان‌ها و اشعار برگزیده و اخبار و گزیده‌ای از تاریخ پیغمبران و خلفا و کارنامه پادشاهان و امیران موجود است و مجموعه‌هایی از علوم اوایل از منطق، ریاضی، طبیعی، الهی و غیر از آن خبرهایی نیز که جویای فضل و ممیز دانش و نادانی بدان‌ها احتیاج پیدا می‌کنند همه وجود دارد.^(۱)

اما این کتابخانه بزرگ و مهم که نقش عمده‌ای در توسعه تعلیمات و امور آموزشی در این مسجد و یا مجتمع دیگر داشت و دارالکتاب مهم جامع در قلب امپراتوری سلجوقی به حساب می‌آمد، در سال ۵۱۵ هـ، یعنی حدود سی سال پس از قتل خواجه نظام‌الملک و درگذشت ملکشاه، مورد دستبرد، غارت و حریق قرار گرفت. ابن‌اثیر با بیان حریق شبانه مسجد جامع اصفهان توسط باطنیان، که از دشمنان حاکمیت سلجوقی بودند، آن مسجد را بزرگ‌ترین جامع‌ها و با شکوه‌ترین مساجد در دنیا^۱ بودند، آن مسجد را بزرگ‌ترین جامع‌ها و با شکوه‌ترین مساجد در دنیا

۱. ر. ک: ترجمه محسن اصفهان، ص ۶۳.

اسلام قلمداد کرده است.^(۱) در آتش سوزی سال ۵۱۵ هق مسجد جامع عتیق اصفهان، توابع مسجد، یعنی مضیف‌ها، مخزن‌ها و کتابخانه طعمه حریق گردید.^(۲)

مرحوم استاد محمد محیط طباطبایی ضمن اظهار اینکه در آن دوران علوم دینی، ادبی و فلسفی در اصفهان رونقی بسزا داشته است، می‌نویسد: کتابخانه جامع شهر را ساخته و پرداخته بودند تا نیازمندی‌های استادان و شاگردانی که پای هر ستونی از ستون‌های متعدد آن مسجد حلقه درس و بحث داشتند پاسخ بددهد.^(۳)

به هر حال، در آتش سوزی سال ۵۱۵ هق نه تنها کتابخانه نفیس مسجد جامع یا دارالکتاب مهم شهر بکلی نابود شد، بلکه بنای مسجد جامع نیز صدمات بسیاری دید.

از دوران سلجوقی تا زمان صفویه نیز کم و بیش جنب و جوش‌های علمی و فرهنگی در این مسجد کهنسال وجود داشته است و از جمله الحالقاتی که در جامع عتیق اصفهان صورت گرفته و تحت عنوان مدرسه هم بوده است مربوط به دوران آل مظفر است. بنای ساختمان معروف به مدرسه مظفری در مجاورت ایوان شرقی و در خارج از محدوده مسجد عباسی در امتداد دیوار قدیمی آن بود. این بنا به استناد کتبیه‌های آن در

۱. الکامل، ج ۶، ص ۵۷۶.

۲. گنجینه آثار، ص ۷۹.

۳. جلوه‌های هنر، ص ۲۲۸.

زمان حکومت قطب الدین شاه محمود فرمانروای اصفهان بین سال‌های ۷۵۷ و ۷۷۶ بنا گردید.^(۱) مدرسهٔ مظفری به ابعاد 65×25 متر شامل صحن بزرگ مستطیلی شکلی است که در قسمت جنوبی آن به ترتیب یک ایوان وسیع و سپس یک تالار بر محور شرقی - غربی که محرابی در آن جای دارد، قرار گرفته است. قسمت شمالی صحن مدرسه نیز وضعیت مشابهی داشته است. ساختمان مدرسهٔ مظفری در پشت ایوان شرقی از طریق سه درگاه که به ترتیب در شاهنشین و در دو اتاق جانبی قدیمی در انتهای این ایوان تعییه شده با آن مرتبط گردید، و این سه فضایی به عنوان راهرو مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در دوران بعدی هنگامی که سه فضایی مذکور از طرف ایوان مسدود شدند، از آن‌ها به عنوان انبار و سایل یا اتاق سرایدار آن استفاده می‌شد. عاقبت این سه فضایی از طرف مدرسه نیز مسدود و متوقف گردیدند.^(۲)

با توجه به این مطالب می‌توان حدس زد که در قرن ششم و نهم هجری نیز با وجود ایجاد مدرسهٔ مظفری، رونق این مسجد چشمگیر بوده است.

اما در عصر صفوی هم، چه پیش از پایتختی اصفهان و چه پس از آن، مسجد جامع در توسعهٔ امور علمی و فرهنگی شهر اصفهان نقش مؤثری داشته است. این نهاد عبادی، آموزشی محل اجتماع دانش‌پژوهان

۱. ر. ک: گنجینه آثار، صص ۱۳۶ - ۱۴۶.

۲. ر. ک: دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، صص ۲۰۹ - ۲۱۰.

بوده است و عده‌ای از علماء و دانشمندان آن دوره در آنجا درس، بحث و وعظ و خطابه داشته‌اند؛ از جمله شیخ ابوالبرکات واعظ اصفهانی در این مسجد منصب تدریس و خطابه داشته است. وی که قریب صد سال عمر نمود، از شیخ عبدالعالی محقق کرکی (متوفی ۹۴۰ هـ) روایت کرده و جمعی از دانشمندان نیز از وی روایت کرده‌اند که نامورترین آنان عالم جلیل‌القدر محمد تقی مجلسی (متوفی ۱۷۰ هـ) است. ملام محمد تقی مجلسی و فرزندش علامه ملا محمد باقر مجلسی (متوفی ۱۱۱۱ هـ) به‌این مسجد از جهت علمی رونق ویژه‌ای بخشیدند.^(۱)

مجالس تدریس مجلسی اول نیز در این مسجد برپا می‌شد و ملام محمد باقر نیز پس از فوت پدر در این مکان تدریس کرده و به جای او اقامه جماعت می‌نموده است. محل درس مجلسی دوم در چهل‌ستون مسجد در زاویه جنوب غربی قرار داشته و هنوز مردم اصفهان از خاص و عام، آن قسمت از مسجد را مدرس مجلسی می‌گویند.^(۲)

بیشتر مطالعات و فعالیت‌های علمی علامه محمد باقر مجلسی در زمینه حدیث و فقه بوده است، به گونه‌ای که مباحثه و مذاکره علوم فقه و حدیث را برتمام مشاغل دیگر خود مقدم می‌دانسته است. وی همچنین در این مسجد نماز جمعه پیا می‌داشته است.

۱. ر.ک: تذکرة القبور، ص ۲۲۱.

۲. علامه مجلسی، ص ۲۱.

مجلسی دوم در خطبه‌های نماز جمعه و شب‌های ماه مبارک رمضان در این مسجد ساعت‌ها مردم را موعظه می‌کرده است، چنان‌که وعظ او و ترغیب مردم به عبادت و اطاعت خداوند، پس از وی نظیر پیدا نکرده است.^(۱)

عالم محقق و محدث گرانمایه سید نعمت‌الله جزایری، که از شاگردان ملا محمد باقر مجلسی است، نوشه است: و به خاطر دارم در دهه هزار و هفتاد هجری روز جمعه در مسجد جامع منبر بود و انواع علوم و مواضع را برای حاضران بیان می‌فرمود.^(۲)

تلash علمی مجلسی و تدریس و تعلیم او زمان نمی‌شناخت؛ چه در هوای گرم و یا حتی زمستان‌ها به مسجد جامع عتیق رونق خاصی بخشیده بود، به‌طوری که در ایام زمستان نیز که هوا سرد بود، روزهای آفتابی در صفه درویش که روزگاری جد مادری اش (درویش محمد) در آنجا حدیث تدریس می‌فرموده، و در موقع برف و باران در شبستان چراغی معروف به حلنی تدریس می‌کرده است.^(۳)

شاید یکی دیگر از علل جنب و جوش فوق العاده علمی این جامع در عصر ملا محمد تقی و ملا محمد باقر مجلسی، نزدیکی منازل آن‌ها

۱. همان، ص ۲۰۳.

۲. روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۷۸.

۳. زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۸۵.

به جامع اصفهان بوده است. این خانه تا حدود سی سال پیش باقی مانده بود، اما متأسفانه در حال حاضر عمده آن خراب شده و فقط قسمتی از آن بر جای مانده است.

خانه‌های برخی دیگر از علمای وابسته به خاندان مجلسی نیز در حوالی مسجد جامع بوده است؛ منزل میرزا علاءالدین گلستانه (برادر عیال علامه مجلسی) در آخرین کوچه و خانه میر محمد صالح خاتون آبادی در اواسط این کوچه و منزل سید حسنعلی خواهرزاده علامه ملام محمد باقر مجلسی به شرح وصیت‌نامه او در جنب مسجد در قسمت شمالی مقبره علامه مجلسی بوده است.^(۱)

البته در دوران صفوی علمای نامور دیگری نیز در این مسجد اقامه نماز نموده و یاتدریس کرده‌اند، به طوری که شاه عباس دوم (سلطنت ۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ هـ) ملام محسن فیض کاشانی را که در کاشان اقامت داشت به اصفهان دعوت نمود و امامت مسجد جامع اصفهان را به او واگذار نمود و خود نیز در نماز جماعت به او اقتدا کرد.^(۲) با توجه به توانایی فوق العاده فیض کاشانی در علوم اسلامی، می‌توان وجود او را در این مسجد باعث برکات فوق العاده علمی و معنوی در آن زمان تلقی نمود.

۱. علامه مجلسی، ص ۴۶۶.

۲. روضة الصنای ناصری، ج ۸، ص ۵۸۵.

۲. مسجد جامع صغیر (جورجیر)

یکی از مساجد مهم و مؤثر در امور فرهنگی و آموزشی در قرون اولیه اسلامی، مسجدی است که آن را جورجیر نیز نامیده‌اند و مافروخی از مسجد جامع صغیر معروف به جورجیر در برابر مسجد جامع کبیر (عتيق) یاد می‌کند. برخی را بر این اعتقاد است که چون این مسجد در محله رنگرزان واقع شده بود، به جامع رنگرزان نیز مشهور بوده و توسط صاحب بن عباد ملقب به کافی‌الکفات در قرن چهارم بنا شده است. اما با توجه به سخنرانی‌ها و گفتارهای شیخ ابومسعود صوفی رازی (متوفی ۲۵۸ هق) عالم معروف اهل سنت در قرن سوم در این مسجد، که در برخی تذکره‌ها یاد شده، می‌توان بنای این مسجد را مربوط به قبل از دولت آل بویه دانست.^(۱)

مسجد جامع جورجیر کوچک‌تر ولی زیباتر از جامع کبیر بنا نهاده شده بود و بیشترین شکوه آن به ویژه از حیث رونق آموزشی و علمی در زمان بویه عیان بوده است. مؤلف محاسن اصفهان از جنب و جوش علمی این مسجد و امکانات آن یاد کرده و این مکان را مستتمل بر شبستان‌ها و خانقاوهای کتابخانه، مدارسی برای فقهاء و مجالسی برای ادباء و محل‌هایی برای شاعران، صوفیان و قاریان قرآن دانسته است.^(۲) از مزایای این جامع بر جامع عتیق این بوده که خاک رسی که از آن

۱. ر.ک: خلدبرین، صص ۱۹۱ - ۱۹۵؛ فضائل امام علی علیه السلام، صص ۱۷ - ۱۸.

۲. ر.ک: ترجمه محاسن اصفهان، صص ۶۳ - ۶۴.

جامع جورجیر ساخته شده بود، محکم‌تر از خاک جامع عتیق بوده و منار آن یک‌صد ذراع ارتفاع داشته و ساختمان‌های آن محکم و مرتفع بوده است. جامع جورجیر یا رنگرزان بر اثر مرور زمان ویران گردید. حکیم داود هندی بر روی آن مسجد معروف به حکیم یا تقرب خان را در زمان شاه عباس دوم صفوی بنادر کرد. از جامع جورجیر فقط سردری باقی است که در سال ۱۳۳۵ شمسی از زیر خاک بیرون آمده است.^(۱)

شخصیت‌هایی در این مکان آمد و شد داشته و یا منسوب به این مسجد یا محله بوده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به ابوعبدالله محمد بن یوسف بن معدان جورجیری (متوفی ۱۸۴ هـ)، محمد بن حسن جورجیری، ابو جعفر محمد بن عمر بن حفص جورجیری (متوفی ۳۳۰ هـ)، و ابوالقاسم طاهر بن محمد بن احمد عکلی جورجیری (متوفی ۴۳۹ هـ) یاد نمود که از مبرزین محدثان، راویان و علمای زمان خود بوده‌اند.^(۲)

تغییرات ایجاد شده توسط طیب شاه عباس دوم، یعنی حکیم داود هندی قابل توجه بود و به نظر می‌رسد این تحولات عمدۀ در مسجد به سال ۱۰۷۳ به پایان رسیده باشد. با توجه به رونق علمی عصر صفوی در اصفهان احتمال می‌رود از برخی مدرس‌ها و حجره‌های آن برای آموزش مسایل علمی به ویژه دانش‌های شیعه امامیه استفاده شده باشد، به طوری که در عصر قاجار و دوران فتحعلی شاه و محمدشاه نیز علمای

۱. همان و نیز ر.ک: آثار ملی اصفهان، ص ۱۵۱.

۲. آثار ملی اصفهان، صص ۱۵۱ و ۱۵۲.

معروف شیعه مانند علامه ملا محمدابراهیم کلباسی (متوفی ۱۲۶۱ هق) در آنجا حضور داشته و اکنون بقعه این عالم ربانی مقابل در شرقی جامع جورجیر یا مسجد حکیم واقع شده است. حکیم متأله و عارف وارسته حضرت آیت‌الله العظمی حاج آقارحیم ارباب (متوفی ۱۳۵۵ ش) سال‌ها در این مسجد تدریس و تعلیم داشته است.^(۱)

۳. مسجد جامع عباسی

این نهاد عبادی یکی از مهم‌ترین بنای‌های عصر صفویه است که درگذشته به نام‌های مسجد شاه، مسجد سلطانی جدید و جامع عباسی شهرت داشته و امروزه به مسجد امام معروف است و از آن در کتب تاریخی مشهور عهد صفوی مانند عالم آرای عباسی و وقایع السنین والاعوام همه جا به نام مسجد جامع عباسی و مسجد جامع جدید عباسی (سلطانی) یاد شده است.^(۲)

این بنا در ضلع جنوبی میدان نقش جهان (میدان امام خمینی) واقع گردیده، و از نظر ویژگی‌های معماری، تزیینات غنی و آثار نفیس دیگر از برجسته‌ترین آثار معماری ایران و تمدن اسلامی است. ساخت این مسجد در سال ۱۰۲۰ هق به دستور و هزینه شاه عباس اول و معماری استاد علی‌اکبر اصفهانی آغاز گردید و کارهای تزیینی آن تا بعد از مرگ

۱. ر. ک: مجموعه ارباب معرفت، ص ۵۷.

۲. وقایع السنین والاعوام، ص ۵۰۷؛ عالم آرای عباسی، ج ۳، ص ۱۶۷۷.

شاه عباس اول (۱۰۳۸ هق) همچنان ادامه یافته است.^(۱)

در این مسجد عظیم دو مرکز علمی یا نهاد آموزشی قرار دارد که جزء مسجد به شمار می‌روند. در عین حال، به آن‌ها مدارس واقع در مسجد جامع عباسی گفته می‌شود که عبارتند از:

۱. مدرسهٔ سلیمانیه: در گوشۀ جنوب غربی مسجد، مدرسه‌ای واقع شده است که به وسیله دو مدخل بزرگ به صحن مسجد و سه مدخل بزرگ دیگر به محوطه زیرگنبد غربی مسجد متصل می‌شود و سلیمانیه نام دارد. سر در این مدرسه به سمت کوچه پشت مسجد دارای کتیبه‌ای از اولین سال سلطنت شاه سلیمان صفوی است. این کتیبه که به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ نوشته شده، به قلم محمد رضا امامی مورخ به سال ۱۰۷۸ هق است.^(۲) به همین علت است که آن را سلیمانیه نامیده‌اند. این نهاد آموزشی قرینه مدرسه عباسی (ناصریه) است و حجره‌ای ندارد و اطراف آن غرفه‌هایی که در داخل و خارج آن با کاشی‌های هفت رنگ تزیین شده قرار گرفته است.^(۳) در این مدرسه، قطعه سنگ ساده‌ای به شکل شاخص در محل معینی تعییه شده است که ظهر حقیقی اصفهان را در چهار فصل نشان می‌دهد و چنان که می‌گویند، محاسبه آن را شیخ بهایی دانشمند، فقیه و ریاضی دان معروف عهد شاه

۱. ر. ک: گنجینه آثار، ص ۴۳۷.

۲. همان، ص ۴۵۷.

۳. گنجینه آثار، ص ۴۵۴.

عباس انجام داده است. سطح فوقانی این شاخص به شکل مثلث قائم‌الزاویه است که وتر مثلث در جهت طرفی است که ظهر را تعیین می‌کند. یک ضلع مجاور زاویه قائمه متصل به دیوار و ضلع دیگر نماینده قبله مسجد است.^(۱)

مدرسه سلیمانیه همچون اکثر مدارس عهد صفوی اختصاص به آموزش‌های مذهب شیعه اثنی‌عشریه داشته است. از جمله علمای عصر صفوی که از شاگردان ملا محمد باقر مجلسی بوده و در این نهاد آموزشی به تحصیل مشغول بوده است، مولانا جمشید کسکری است.^(۲)

۲. مدرسه عباسی (ناصریه): در گوشه جنوب شرقی مسجد مدرسه عباسی قرار دارد و به مناسبت اینکه در عصر ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳ هق) در آن تعمیراتی به عمل آمده، مدرسه ناصری نیز نام گرفته است، و گرنه بنای اولیه آن مربوط به اواخر دوره شاه عباس اول است.^(۳)

آنچه مسلم است به موجب کتیبه‌های تاریخ‌داری که بر جای مانده، تزیینات کاشی‌کاری و کتیبه‌های آن از دوره شاه عباس دوم می‌باشد.^(۴)

۱. آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، ص ۸۰.

۲. علامه مجلسی، ص ۳۳۸.

۳. تاریخ مدارس ایران، ص ۲۶۷.

۴. گنجینه آثار، ص ۴۵۴.

چند حجره در ضلع شرقی این مدرسه برای سکونت طلاب ساخته شده و این برخلاف مدرسهٔ قرینه آن یعنی سلیمانیه است که در آن حجره‌ای وجود ندارد. ایوان جنوبی مدرسه عباسی دارای الواح و کتیبه‌هایی است که بر آن صلوٽات بر چهارده معصوم نوشته شده و به خط محمد رضا امامی به سال ۱۰۷۷ هـ است.^(۱)

کتیبهٔ داخل محراب در این مدرسه که به دوره شاه سلیمان صفوی مربوط می‌شود، به خط ثلث سفید بر زمینهٔ کاشی لاجوردی رنگ و به قلم محسن امامی در سال ۱۰۹۵ هـ است. این مدرسه که در عهد شاه عباس اول به منظور تعلیمات مذهب شیعه امامیه، به ویژه تعلیم حدیث و فقه، تأسیس شده بود در دورهٔ قاجاریه نیز به خاطر نزدیکی به منازل علمای خاندان نجفی معروف به مسجد شاهی دارای رونق خاصی بوده است.^(۲) برخی حجره‌های این مدرسه در دست تعدادی از طلاب سالخورده بوده و کمتر مورد استفاده علمی قرار گرفته است.

ب . مساجد نیشابور

در شهر تاریخی نیشابور از اوایل قرون هجری تا قرن ششم و یا حتی پیش از حملات ویرانگر اقوام یا بانگرد مغول، مساجدی فعال و متعدد وجود داشته‌اند که از جملهٔ می‌توان به مسجد جامع منبعی، مسجد جامع عتیق،

۱. همان.

۲. ر. ک: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۳، ص ۳۰۴.

مسجد خان الفرس، مسجد خبازی، مسجد الصرافین (اصفهانی)، مسجد عقیل و مسجد نوقانی اشاره نمود. با بررسی تاریخ نیشابور، به نقش این مساجد علاوه بر یک پایگاه عبادی و معنوی پی می‌بریم. در اینجا به سه مورد از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. مسجد عتیق یا مسجد جامع نیشابور

این بنایکه در حال حاضر هیچ اثری از آن در دست نیست، توسط ابو مسلم خراسانی ساخته شده و تاریخ نگاران بسیاری از این جامع یاد کرده‌اند. براساس این نوشه‌هایی، جامع بسیار بزرگی بوده که در سی هزار متر زمین با هزار ستون ساخته شده و در میانه سرا دارای حوض و یخچال بوده است. همچنین در آن بنای کوچک‌تری با دوازده ستون و پایه بوده که شش ستون آن، مرمری، دو ستون آن چوبی و چهار تای دیگر، آجری بوده است. این بخش دارای گنبدهای مذہب به بیست هزار مثقال طلا بوده است. این مسجد دارای مناری کوتاه بوده که در زمان منصور بن طلحه بن طاهر، برادرزاده عبدالله بن طاهر (حاکم نیشابور) منار قوی‌تر و بلندتری جایگزین آن شده است. عمرولیث صفاری، در زمان حکومت خود منار را برآورد و منار دیگری جایگزین آن کرد و نام و لقب خود بر آن نگاشت. سپس خمارتگین، بر جای مناره‌های مذبور، مناری ساخت که نظیر نداشت. این منار چنان بلند بود که با قوّه باد تکان می‌خورد، بدون آن که آجری از آن بیفتند. این مسجد همچنین

دارای منبری بسیار بلند و باشکوه بود.^(۱)

مسجد مذکور نقش عمده‌ای در گسترش علوم اسلامی ایفا کرده و به عنوان کانونی برجسته در شرق اسلامی تا قرن پنجم محسوب شده است، به طوری که مؤلف تاریخ نیشابور نام بسیاری از افراد مبرز را که در این مسجد تحصیل کرده و یا تدریس نموده و یا در آن مجلس وعظ و خطابه داشته‌اند ذکر کرده است، از جمله:

ابوالحسن الاسماعیلی السراج، ابو حامد الکرابیسی القاضی (متوفی ۴۷۴ هـ)، ابوبکر بن خلف شیرازی (متوفی ۴۸۷ هـ)، ابو محمد الحیری البزار (متوفی ۴۷۳ هـ)، اسماعیل بن احمد الکرمانی، ابوابراهیم سراجی (متوفی ۴۸۵ هـ)، شعیب بن محمد بن جعفر حنیفی واعظ، ابو محمد المطوعی، عبدالله بن ابی سهل قاری مؤذن، عبدالرحمن بن حمدان بن محمد بن حمدان نصری (متوفی ۴۳۳ هـ)، عبدالرحمن بن جنید ابونصر حاکم حنیفی، عمر بن محمد بن احمد بن جعفر ابوعبدالرحمن بحیری (متوفی ۴۵۶ هـ) و نیز خانمی بهنام نمار دختر ابی حسین احمد بن عبدالرحمن کیا.^(۲)

جامع نیشابور کتابخانه ارزشمندی داشته است. یافوت حموی در این باره آورده است: در جامع قدیم نیشابور کتابخانه‌ای موقوفه مخصوص مسلمانان وجود داشت که در قرن پنجم فراهم آمده بود.

۱. ر. ک: دایرة المعارف بناها (مساجد تاریخی ایران)، ص ۱۲۳.

۲. ر. ک: تاریخ نیشابور.

وی کتاب‌های کتابخانه این مسجد را نفیس و نادر توصیف نموده است.
گزارش یاقوت پیش از ورود مغولان به این شهر و ویرانی آن به دست این
قوم مهاجم بوده است.^(۱)

همچنین مؤلف معجم الادباء در شرح حال محمد بن اسحاق بن
علی بن داود زوزنی (متوفی ۴۶۳ هق) به نقل از عبدالغافر بن اسماعیل بن
عبدالغافر فارسی (متوفی ۵۲۹ هق) که کارش استنساخ کتاب بوده
و مطالب نسخه‌ای را که از روی کتاب غریب الحدیث خطابی نوشته بود،
برای جدش عبدالغافر فارسی و الحاکم قرائت کرده تا آنان بشنوند
و به تصحیح و تدقیق آن پردازنند، چنین نوشته است: «سوگند می‌خورم
به خدا که از کتاب غریب الحدیث نسخه‌ای روشن تر و جالب‌تر از نسخه
عبدالغافر باقی نمانده است. این نسخه هم‌اکنون در اختیار گنجینه کتب
موجود در مسجد جامع قدیمی شهر قرار گرفته تا وقف بر مسلمین باشد
و کسانی که بخواهند به درستی ادعای من پی‌ببرند باید به تحقیق و بررسی
در مورد آن پردازند.^(۲) با توجه به گزارش یاقوت، عظمت و غنای
فرهنگی جامع عتیق نیشابور در آن زمان بر ما آشکار می‌شود.

۲. مسجد جامع عقیل

از دیگر مساجد نیشابور که در قرون اولیه اسلامی علاوه بر اینکه مرکز

۱. ر. ک: معجم الادباء، ج ۱۸، ص ۲۰.

۲. همان، صص ۱۹ - ۲۱.

مهم عبادی این شهر بود، از جمله نهادهای آموزشی هم به حساب می‌آمد، مسجد جامع معروف به عقیل بود که بعدها جایگاهی به‌نام مدرس و مدرسه به آن افزوده شد و شخصی به نام مسعود بن ناصر شجری (متوفی ۴۷۷ هق) بنیان این مرکز علمی را گذاشت و کتابخانه‌ای نیز در آنجا بنیاد نهاد. تعداد دانش‌آموختگان و مدرسان این مسجد کم نبوده است و مسلمان از مناطق مختلف جهان اسلام هم در آن آمد و شد نموده و به فراغتی، املاء و استماع مسایل، احکام و اخبار روی می‌آورده‌اند. در منتخب من سیاق تاریخ نیشابور نام برخی افرادی که در این مسجد تعلیم دیده و یا تعلیم داده‌اند آمده است؛ از جمله محمد بن احمد بن محمد بن جعفر الفامی شادیاخی (از مشایخ علمای نیشابور)، ابراهیم بن محمد بن ابراهیم بن مهران معروف به امام ابواسحاق اسفراینی، اسماعیل بن عبدالغافر بن محمد فارس معروف به ابوعبدالله فارسی، حسین بن محمد بن محمود مشهور به ابوسعید بن سوره، عبدالقاهر بن طاهر بن محمد معروف به ابومنصور بغدادی (از علمای مبرز در علوم مختلف مانند فقه، اصول، ادبیات و حساب) و همچنین مصنف کتاب تاریخ نیشابور یعنی الشیخ امام الحافظ مجذالدین ابوالحسن عبدالغافر بن اسماعیل فارسی (متوفی ۵۲۹ هق).^(۱)

در منابع متعددی از کتابخانه عظیم این مسجد نام برده شده است.
بانی کتابخانه مسجد عقیل مسعود بن ناصر بن ابی زید شجری (سجزی)

۱. ر. ک: تاریخ نیشابور، برخی صفحات.

مکنی به ابوسعید، محدث و جهانگرد شهر اهل سیستان بوده است. این مرد مدتی در بغداد ساکن بوده و نزد شیوخ حدیث تلمذ کرده و نیز برای اخذ حدیث به واسط، هرات، نیشابور، سیستان و برخی نقاط دیگر مسافرت نموده است.^(۱) ابن حوزی در المستظم درباره وقف کتابخانه این شخص به مسجد عقیل نیشابور آورده است:

(مسعود بن ناصر) کتاب‌های زیادی و نسخه‌های نفیسی را گردآوری کرده، وی خوشنویس و در نقل مطالب امین بود، حافظ حدیث و کاتبی مورد اعتماد و کثیر الضبط بود. نظام الملک وی را برای مدتی در ناحیه بیهق نگه داشت و سپس برای استفاده علمی از وی، او را به طوس برده و بعد در آخر عمرش به نیشابور نقل مکان کرد و در آنجا سکونت گزید. وی کتاب‌هایش را در آنجا وقف مسجد عقیل نمود.^(۲)

متأسفانه کتابخانه عظیم این مسجد در فتنه نیشابور نابود شد و به تاراج رفت. در این باره آمده است: پس از آن همه کشتار و خرابی ناشی از حمله غزان، بین علویان و شافعیه چنان فتنه عظیمی بروز کرد که بسیاری از شافعیه کشته شدند، خانه امام الحرمین و بازارها و مساجد بسیار طعمه حریق گردید و دروس شافعی در نیشابور تعطیل شد. پس از آن «مؤید آی به» در ربيع الآخر ۵۵۶ هـ به نیشابور تاخت و جمعی از اهل

۱. تاریخ کتابخانه‌های مساجد ایران، ص ۷۱.

۲. المستظم، ج ۹، ص ۱۳.

فساد و کسانی را که مرتکب غارت و تخریب شده بودند بکشت. در این وقایع نیشابور بکلی ویران گردید و مسجد عقیل که مجتمع اهل علم بود با کتابخانه معظم آن و هشت مدرسه از حنفیه و هفده مدرسه از شافعیه بکلی خراب شده، پنج کتابخانه به تاراج رفت و کتاب‌های آن به ناچیزترین بها به فروش رسید.^(۱)

۳. مسجد جامع منیعی

از دیگر پایگاه‌های علمی مطرح در خراسان و نیشابور مسجد جامع منیعی بوده است. در این نهاد عبادی مجالس درس و بحث و حلقه‌های علمی که در آن استاد و شاگرد به تدریس و تحقیق و تعلیم و تعلم مشغول بوده‌اند رواج و رونق داشته است. این مسجد را که در مقابل جامع عتیق، جامع جدید هم نامیده‌اند، بعد نیست که جایگاه آن همین مسجد جامع فعلی نیشابور باشد که بعدها در سال ۸۹۹ هـ توسط پهلوان علی بن بايزيد معاصر سلطان حسین بایقرضا مجددًا ساخته شده است.^(۲) به هر حال، در قرن پنجم و ششم نیز این جامع به عنوان یک کانون برجسته و فعال علمی و آموزشی به حساب آمده است. استاد جلال الدین همایی، جامع منیعی را زبانه‌ای ابوعلی حسان بن سعد نیشابوری متوفی ۴۶۳ هـ

۱. مدارس نظامیه، ص ۸۴.

۲. ر. ک: دایرة المعارف بناها (مساجد تاریخی ایران)، ص ۱۳۲.

می داند.^(۱)

برخی عالمان و معلمان جامع منیعی عبارتند از: محمد بن عبدالجبار بن علی معروف به امام ابوالقاسم الاسکاف اسفراینی، محمد بن اسماعیل بن احمد حسنیه معروف به ابوعبدالله مقری (متوفی ۴۸۶ ه ق)، محمد بن عبدالرحمن ابوالفضل العمید الخشاب (متوفی ۴۹۳ ه ق)، محمد بن عبدالله بن طاهر الروقی طوسی، احمد بن محمد بن اسماعیل مشهور به ابوالحسن شجاعی (متوفی ۴۹۰ ه ق)، اسماعیل بن عمر بن محمد معروف به ابوسعید بحیری، اسحاق بن ابوسعید بن حمود صوفی مشهور به ابوالقاسم مقری، اسعد بن حمود بن علی عتبی کاتب، حسان بن سعید مشهور به ابوعلی منیعی، عبدالله بن احمد شافعی سمسار معروف به ابومحمد مصاحبی جامعی و تعداد قابل توجه دیگری که نام و نسب و موقعیت علمی آنها در برخی منابع مانند تاریخ نیشابور ذکر شده است و در حقیقت، میان جایگاه والای نهاد علمی و عبادی منیعی در آن روزگار خراسان و نیشابور است.^(۲)

۱. تاریخ علوم اسلامی، ص ۳۶.

۲. ر. ک: تاریخ نیشابور، برخی صفحات.

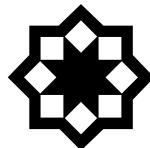
■ منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر، *الكامل فی التاریخ*، بیروت، دارالاحياء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۷۹ م.
۲. ابن جیبر، محمد بن احمد، ترجمه، پرویز اتابکی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۳. ابن جوزی، *المتنظم فی التاریخ الملوك و الامم*، حیدرآباد، دایرة المعارف العثمانیه، طبعة الاولی، ۱۳۵۷ هـ.
۴. ابونعمیم اصفهانی، ذکر اخبار اصفهان، تحقیق: سید کسری حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه، طبع اول، ۱۴۱۰ ق.
۵. ابونعمیم اصفهانی، ذکر اخبار اصفهان، ترجمه، دکتر سید نورالله کسايی، تهران، سروش، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۶. بیان اصفهانی، *خُلُد بَرِين* (تاریخ گویندگان اسلام)، اصفهان، چاپخانه عالی، بی تا.
۷. ترکمان، اسکندر بیکمشی، *تاریخ عالم آرای عباسی*، تصحیح، دکتر محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۸. جلوه‌های هنر در اصفهان، به کوشش جمعی از نویسندها، تهران، جانزاده، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
۹. حموی، یاقوت، *معجم الادباء*، دارالاحياء التراث العربی، بیروت، الطبعه الاولی، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م.
۱۰. خاتون آبادی، عبدالحسین، *واقع السنین و الامم*، تصحیح، محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۲ ش.
۱۱. خوانساری، محمد باقر، *روضات الجنات*، ترجمه، محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۶ ش.

- ۱۲ . داغ، محمد، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام (قرن ۱ و ۶)، ترجمه، دکتر علی اصغر کوشافر، تبریز، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۳ . دایرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد نهم، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
- ۱۴ . دایرة المعارف بنایهای تاریخی در دوره اسلامی (مساجد تاریخی ایران)، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۵ . درانی، کمال، تاریخ آموزش و پژوهش ایران قبل و بعد از اسلام، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- ۱۶ . دوانی، علی، علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
- ۱۷ . رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، آثار ملی اصفهان، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲ ش.
- ۱۸ . ریاحی، محمدحسین، فضائل امام علی طیلله، قم، نشر خرم، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۱۹ . ریاحی، محمدحسین، مقاله «نهصد مین سال آتش سوزی مسجد جامع اصفهان و کتابخانه نفیس آن» در نشریه کیهان فرهنگی، شماره ۱۲۳، سال دوازدهم، مهر و آبان ۱۳۷۴.
- ۲۰ . ریاحی، محمدحسین، مجموعه ارباب معرفت، اصفهان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم، تیر ۱۳۷۵.
- ۲۱ . سلطانزاده، حسین، تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا دارالفنون، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۴ ش.
- ۲۲ . شبی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه، محمدحسین ساکت، تهران،

- دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۲۳. فارسی، ابوالحسن عبدالغافر، تاریخ نیشابور (الم منتخب فی السیاق)، منتخب، حافظ ابواسحاق صریغینی، قم، جماعت المدرسین فی حوزة العلمیه، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه: دکتر نورالله کسايی، یزدان، ۱۳۶۳ ش.
۲۵. کسايی، نورالله، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.
۲۶. کریمیان سردشتی، نادر، تاریخ کتابخانه‌های مساجد ایران، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۲۷. گدار، آندره، آثار ایران، جلد چهارم، ترجمه، ابوالحسن سروقدم، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش.
۲۸. مافروخی، مفضل بن سعد، محسن اصفهان، ترجمه، حسین بن محمد ابی الرضا آوی، به اهتمام عباس اقبال، ضمیمه مجله یادگار، ۱۳۲۸ ش.
۲۹. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، صدر، چاپ نهم، ۱۳۵۹.
۳۰. مهدوی، مصلح الدین، تذكرة القبور (بزرگان و دانشمندان اصفهان)، اصفهان، ثقفی، چاپ دوم، ۱۳۴۸ ش.
۳۱. مهدوی، مصلح الدین، زندگینامه علامه مجلسی، انتشارات حسینیه عmadزاده اصفهان.
۳۲. مهدوی، مصلح الدین، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، قم، نشرالهدایه، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش.
۳۳. هدایت، رضاقلی خان، روضة الصفائی ناصری، طبع تهران.

۳۴. همایی، جلال الدین، *تاریخ علوم اسلامی*، تهران، نشر هما، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
۳۵. هنرفر، لطف الله، آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، اصفهان، انتشارات گلهای، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۳۶. هنرفر، لطف الله، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، انتشارات ثقیل اصفهان، چاپ دوم، ۱۳۵۰ ش.
۳۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *البلدان*، ترجمه، محمدابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۴۳ ش.
۳۸. مکی السباعی، محمد، *نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی*، ترجمه، علی شکوئی، چاپ اول، تهران، سازمان اسناد فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳ ش.



مسجد جامع نیریز

□ مهدی ریخته گرزاده

نیریز از شهرهای قدیمی استان فارس و در ۲۲۰ کیلومتری جنوب شرقی شیراز واقع گردیده است. نیریز گذشته از دوران قبل از اسلام خود، در دوران عظمت آل بویه یکی از نقاط معمور به شمار می‌رفته و به همین دلیل یکی از بناهای با ارزش به جای مانده از آن زمان، مسجد جامع شهر می‌باشد که در قسمت قدیمی شهر واقع شده است.

قدیمی‌ترین تاریخی که در مسجد می‌توان یافت و از گذشته بهجای مانده، سال ۳۶۳ هجری است. سال مذکور، تاریخ ساخت محراب اول است، ولی احتمال دارد که مقدم براین تاریخ نیز وجود داشته باشد که هم‌اکنون از میان رفته است؛ برای مثال ژ. لیسترنج در کتاب سرزمین‌های خلافت شرقی از قول مقدسی بیان می‌کند: «تاریخ ۳۴۰ هجری را هنوز بر

ویرانه‌های این مسجد می‌توان باز یافت». در حقیقت، بناهای تاریخی ایران غالباً دارای تاریخ‌های متفاوتند که نشانگر انجام کارهای ساختمانی مختلف در بخش‌های مسجد می‌باشد.

مسجد مذکور از نظر معماری و شیوه ساخت همانند دیگر آثار معماری صدر اسلام، از معماری عهد ساسانی متأثر است و با نقشهٔ یک ایوانی ساخته شده است که در ادامه بیشتر پیرامون این مطلب توضیح داده می‌شود. در طی دوره‌های بعد یک ایوان و الحاقات و متعلقات دیگری به آن افزوده شده و یا تعمیراتی در آن به عمل آمده است.

مسجد دارای سر در و مناره آجری است که متعلق به ساختمان اولیه می‌باشد. نقشهٔ کنونی مسجد به غیر از موارد مذکور شامل یک صحن مربع مستطیل شکل، دو ایوان جنوبی و شمالی، رواق‌ها و شبستان‌های اطراف صحن است.

سر در مسجد رو به خیابان و در گوشة شمال غربی صحن قرار گرفته و بر پیشانی آن سه کتیبه مربوط به تعمیرات مسجد باقی ماند، که از مضمون یکی از آن‌ها چنین بر می‌آید که ساختمان مسجد در دوران صفویه به همت میرزا رضا نامی مرمت گردیده است. بر روی کتیبه دیگر این سر در، تاریخ ۱۳۰۰ هجری مربوط به تعمیرات دورهٔ قاجاریه حکاکی گردیده است.

ایوان قدیمی مسجد

براساس شواهد روش و مطالعات انجام گرفته، مبانی مهم‌ترین عوامل معماری دوران اسلامی ایران بر عوامل معماری عهد ساسانی نهاده شده است. از آنجاکه در معماری عهد ساسانی طرح ایوان بیش از دوره‌های قبل در ترکیب نقشه ابینه مورد توجه قرار گرفته و این سبک معماری اهمیت ویژه‌ای داشته است، به جرأت می‌توان گفت که در هر یک از این ابینه‌ها، ایوان را به صورتی مخصوص و متمایز ساخته‌اند که نمونه بارز آن کاخ خسرو انوشیروان در تیسفون می‌باشد که به طاق کسری یا ایوان کسری مشهور است.

در نتیجه، عامل ایوان در معماری نخستین سده‌های دوران اسلامی ایران پدیدار و در ابینه‌ها به کار گرفته شد و در سده‌های بعد به طور سریع به صورت‌های چشمگیرتر و مؤثرتر از ارکان معماری اسلامی ایران درآمد که در عهد سلجوقیان، یعنی قرن پنجم هجری به بعد، مسجدهای چهار ایوانی شیوه کلی ساختمان‌های مساجد گردید.

با توجه به قدیمی‌ترین تاریخ (۳۶۳ هجری) که در مسجد جامع نیریز وجود دارد، به آسانی می‌توان دریافت که احداث ایوان در بنای تاریخی مورد ذکر ادامه شیوه معماری دوران ساسانی را نشان می‌دهد و به گفته‌گدار «فایده مطالعه در بنای جامع نیریز کشف این نکته است که این مسجد یکی از نمونه‌های خوبی است که استعمال سبک معماری ساسانیان را در قرون اسلام نشان می‌دهد».

ایوان مذکور که قدیمی‌ترین قسمت مسجد می‌باشد در جبهه

جنوبی صحن و جانب قبله قرار دارد و بنای اصلی مسجد به شمار می‌آید. ایوان یاد شده با توجه به بررسی‌هایی که ببروی آن صورت گرفته، ایوان عمیقی به طول ۱۸ متر و عرض ۷/۵ متر است که دارای طاقی ساده گاهواره‌ای شکل بوده، با شکستگی قوسی اندک پوشش یافته است که در دو طرف آن دو جرز پهن آجری قرار دارد و اضلاع شرقی و غربی هر یک دارای پنج طاقنمای عمیق است که اکنون از صورت طاقنمایی خارج شده است؛ زیرا دیواره‌های پشتی که ممتد و ضخیم بوده (و هنوز قسمتی از آن باقی مانده) و از طرف خارج نقاط اتکای بنا را تقویت می‌کرده‌اند و به فرورفتگی‌های طاقنمایها شکل می‌داده‌اند، به هنگام گسترش مسجد و اتصال تالار مرکزی ایوان به شبستان‌های دو طرف تالار مرکزی، برداشته شده و باعث تغییر شکل طاقنمایها گردیده است. البته این دیواره‌های پشتی به طور کامل تخریب نشده و برای احتیاط بخش‌هایی که پشت نقاط اتکای بنا واقع گشته بود بر جای گذاشته شده است.

همچنین پس از ساخت ایوان در دوره‌های بعدی به دلیل شکل و بلندی ایوان فشار بسیاری بر آن وارد آمده و باعث به وجود آمدن شکاف ببروی آن گردیده که با احداث پشتیبان‌هایی در اطراف سر در و اضلاع جانبی آن را مهار کرده‌اند که قدیمی‌ترین این پایه‌ها مربوط به آن‌ها نیست که در طاق سر در وجود دارد و دیگر پایه‌ها که پشتیبان‌های جانبی را تشکیل می‌دهند در دوره‌های بعدی و با گل خام ساخته شده‌اند.

ضلع پیشین ایوان سرتاسر باز و ضلع عقب ایوان را دیوار ضخیمی مسدود نموده که محراب قدیمی و نفیسی در آن جاسازی شده است

و فضای اصلی ایوان کاملاً بسته و بی روزن بوده است.

در برابر ایوان، صحن مستطیل شکلی وجود دارد که در ضلع شمالی آن، ایوان دیگری برای گسترش مسجد در دوران بعد به وجود آورده‌اند و در اضلاع دیگر صحن رواق‌هایی به مجموعه ملحق گردیده است.

در گوشۀ شمالی مسجد، مناره آجری ساده و مستحکمی واقع گردیده است که به نظر می‌رسد مربوط به بنای اولیۀ مسجد باشد. بناهای الحاقی که در زمان‌های مختلف به مسجد اضافه شده از نظر معماری فاقد ارزش خاصی هستند و بجز نمای ورودی‌ها و ساختمان‌های دور صحن که آجری هستند، بقیه باگل و به شیوه نامناسبی ساخته شده‌اند.

محراب

محراب قدیمی و نفیسی در ایوان جنوبی قرار دارد که به شکل مستطیل و دارای یک طاقنمای هلالی شکل با قوس تیزه‌دار و دو ستون که دارای سرستون‌های گلدانی شکل هستند، در دو طرف طاقنمای محراب قرار گرفته‌اند. در قسمت انتهای طاقنمای یک طاقنمای کم عمق با قوس تیزه‌دار وجود دارد که از جمله الحالات بعدی است. براساس کتیبه‌هایی که بر دیواره‌های داخلی سمت راست و چپ طاق بزرگ محراب نوشته شده، محراب در دوران‌های مختلفی مورد تعمیر و بازسازی قرار گرفته است.

تاریخ اول سال ۳۶۳ هجری که مربوط به دوره عضدالدوله دیلمی

است و تاریخ ۴۶۰ هجری که مربوط به تعمیرات دوره سلجوقیان، یعنی دوره سلطنت آلب ارسلان سلجوقی است و تاریخ سوم تا سقف ۵۶۰ هجری مربوط به تعمیرات مسجد در دوره سلطنت ایل ارسلان خوارزمشاھی است و چهارمین تاریخ چنین خوانده می‌شود: «امرالمولی عmad الملک دنيا و الدين و الله عزه نصره فى جمادى الثانى». از آنجاکه نوشته آن مجاور زمین بوده، به هنگام تعمیرات صدمه دیده و عدد سال آن از بین رفته است و به جای آن نقوش هندسی ترسیم شده است. کتیبه‌های محراب مذکور از نمونه‌های جالب گچبری محسوب می‌شود.

گچبری‌های محراب با برجستگی‌های کم همراه بوده و سعی داشته‌اند از روی سطوح صاف گچی نقوش موردنظر را گچبری نمایند، به طوری که اکثر نقوش در یک سطح واقع شده‌اند، بجز گچبری داخل محراب که نقش گچبری برجسته و طرحی شبیه به یک پرنده بالدار است که به شیوه گچبری موسوم به محوری می‌باشد و احتمالاً اولین نوع از این دست گچبری است. زمینه کتیبه‌ها را نقوش اسلامی گل و برگدار تشکیل می‌دهد، ولی در هیچیک از کتیبه‌ها این نقوش با هم ترکیب نشده‌اند. علاوه بر نقوش اسلامی، از نقوش هندسی که با کتیبه‌ای در داخل هلالی طاقما همراه است استفاده شده که شکل‌هایی کثیرالا ضلاع هستند.

تزیینات و کتیبه‌های محراب

کتیبه‌های محراب را در چهار بخش مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

الف) در قسمت داخلی طاقمنای محراب بر دیواره سمت راست

و چپ آن کتیبه‌ای مبتنی بر تاریخ ساخت و نام سازندگان و دوره‌های تعمیر آن وجود دارد که عبارت است از:

سمت راست: «تاریخ محراب اول سنه ثلث و سین و ثلث مائه و دوم فی سنه سین و اربع مائه و سوم فی سنه سین و مع سنه خمسائه و چهارم امرالمولی عmad الملک دنيا و الدين و الله عزه نصره فی جمادی الثاني».

سمت چپ: «امر عمارة جمع الجامع و ترميم و اصلاح...الصدر السعیه و الشهید المرحوم الملك کریم الدین روزبه ابن محمد روح الله و وجهه و عمارة هذا المحراب و امرها الصدر عالی المظہر امیر الحاج محمد».

ترجمه: بنا نمود همه مسجد را و ترمیم نمود آن را و اصلاح نمود کسی که دارای عزت عالی است، سعادتمند و شهید راه حق مرحوم ملک کریم الدین روزبه پسر محمد روح الله و همت گماشت و امر ساختن محراب نمود فرزانه پاک نهاد امیر الحاج محمد.

در این کتیبه نام بانی محراب را امیرالحاج و نام تعمیرکننده مسجد را کریم الدین روزبه ذکر کرده است که متأسفانه کتیبه مذکور تاریخ ندارد و کسانی که قبلًاً این بنا را مورد بررسی قرار داده‌اند، مانند گدار، اسمی از این کتیبه سمت چپ در نوشته‌های خود نیاورده‌اند.

ب) دور محراب دارای گچبری‌های بسیار زیبایی است که آیات قرآنی در بین تزیینات گچبری با خط کوفی دیده می‌شود که به سه حاشیه تقسیم می‌گردد:

کتیبه حاشیه ۱ : مشتمل بر صلوات بر چهارده معصوم است که چنین خوانده می‌شود: «اللهم صل علی محمد المصطفی و الامام علی المرتضی و الامام الحسن الرضا و الامام الحسین الشهید بکربلا و الامام محمد باقر و الامام جعفر صادق و الامام موسی الكاظم و الامام علی بن موسی الرضا و الامام محمد التقی و کتب فی شهرور سنه ۹۴۶». و بقیه کتیبه گچبری مذکور در حاشیه سمت راست محراب می‌باشد که چنین خوانده می‌شود: «و امام علی النقی و امام حسن العسکری و امام حجت القائم». این کتیبه با توجه به تاریخ ۹۴۶ هجری که بر روی آن حکاکی شده، مربوط به تعمیراتی است که در دوره شاه طهماسب صفوی در مسجد صورت گرفته است.

کتیبه حاشیه ۲ : چنین خوانده می‌شود: «اللهم صل علی و علی آله و سلم المساجد مترصد مرد بالصالحیه. فالرو فيها الله و امر بک الله اکبر فسبحان الله و الحمد لله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر. لا اله الا الله اکبر و لا حول ولا قوة الا بالله علی العظیم... رضی الله عنها قال من امر من رسول الله صلی الله علیه و علی آله و سلم المساجد...» که بقیه این نوشته تخریب گردیده و در بازسازی آن از گچبری با نقش گل و بستر استفاده گردیده است.

کتیبه حاشیه ۳ : با توجه به اینکه خارجی ترین حاشیه معمولاً پهن ترین حاشیه نسبت به بقیه می‌باشد، در این محراب به علت تعمیرات مکرر در دوران مختلف باعث تغییراتی در آن شده است.
احتمالاً حاشیه مذکور به دلیل فوق الذکر، زمانی خارجی ترین

حاشیه محسوب می‌شده است. این کتیبه به خط کوفی نوشته شده که قسمت انتهایی حروف آن، با نقش مارپیچی زیبایی که در تمام کتیبه تکرار شده تزیین شده است؛ کتیبه در قسمت فوقانی محراب دچار آسیب دیدگی شده است.

کتیبه کوفی این حاشیه بر زمینه نقوش اسلامی نوشته شده است. متن کتیبه حدیثی از پیامبر است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ذِي النُّورَيْنِ وَعَلَى ابْنِ ابِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ...».

ب) کتیبه روی حاشیه قوس هلالی شکل فوقانی کتیبه به خط نسخ می‌باشد که چنین خوانده می‌شود: «قَالَ عَلَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَمَّ يَسْجُدُ فَمَنْ أَخْرَجَ مَنْ...» که متأسفانه بقیه تخریب گردیده است.

ج) کتیبه داخل طاقمای فوقانی:

کتیبه به خط کوفی نوشته شده که انتهای حروف کتیبه به شکل زیبایی به هشت ضلعی‌های هندسی شکل تبدیل گشته‌اند که در داخل این هشت ضلعی‌ها نوشته شده است: «مَظْفَرُ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ الْمُوِيدِ يَنْصُرُ اللَّهَ مُحَمَّدَ بْنَ مَبَارِكَ نَاصِرَ الدِّينِ الْمُوْسَسِ». این شیوه تزیینی در حاشیه محراب پیر حمزه سبزپوش و محراب مدرسه حیدریه قزوین نیز به کار رفته است. همچنین در داخل طاقمای پایینی اشعاری در مدح ائمه نوشته شده است که به تعمیرات دوره‌های بعد تعلق دارد.

نتیجه کلی

با بررسی هایی که پیرامون این محراب انجام شده و مقایسه کتبیه حاشیه ۲ آن که قابل مقایسه با کتبیه نگاری در مدرسه حیدریه قزوین است، همچنین شیوه گچبری نقوش اسلامی آن و نیز نوشتن حدیث عشره بر روی محراب، این مطلب به دست می آید که محراب (بدون حاشیه ۱) با تاریخ ۵۶۰ که بر روی محراب هم نوشته شده است مطابقت دارد.

همچنین ایوان و بنای اولیه مسجد در سال ۳۴۰ هجری ساخته شده، در حالی که شبستان ها و بیوتات ملحق شده به آن متعلق به عصر قاجار است. تاریخ ۳۴۰ هجری، تاریخ بنایی است کاملاً جدید، نه تاریخ انجام تعمیرات یا بازسازی ایوان متعلق به قبل از اسلام؛ زیرا قبله این ایوان که با محور اصلی بنا مطابقت دارد، کاملاً صحیح و در راستای ۳۱ درجه جنوب غربی از شمال مغناطیسی قرار گرفته است.

▣ منابع و مأخذ

۱. آثار ایران، آندره گدار، جلد ۳، صفحه ۳۲۱.
۲. مساجد، صفحه ۱۷۱.
۳. سیر تحول محراب، صفحه ۱۱۹.
۴. راهنمای دیدنی‌های ایران، عزت الله رکوعی، صفحه ۳۵۲.
۵. تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، محمدیوسف کیانی، صفحه ۴۴.
۶. فصلنامه هنر، شماره ۴، پاییز ۱۳۶۲.
۷. استمرار هنر در معماری ایران، محمد تقی مصطفوی.



برای اندیشیدن

■ علی رضایی بیرجندی

چالش‌های موجود در مساجد جهان اسلام و ایران اسلامی

الف: چالش‌های موجود در مساجد جهان اسلام:

۱- مساجد که در صدر اسلام نماد وحدت مسلمین بود، امروز در

جهان اسلام از این نقش اساسی دور مانده‌اند؛

۲- مساجد که در صدر اسلام به عنوان پایگاه اصلی حکومت

اسلامی مرتبط با مردم بود، ولی امروز در برخی کشورها به صورت
ابزاری در دست قدرتمندان قرار گرفته است و استقلال آنها مخدوش

گردیده است؛

۳- تقلیل کارکردهای مختلف آموزشی، سیاسی، نظامی

و مدیریتی نسبت به کارکرد عبادی؛

۴- راه یافتن پاره‌ای از مشکلات مدیریتی و اقتصادی در آن.

ب: چالش‌های موجود در مساجد ایران:

سرزمین شهیدپور ایران با وجود ۵۷۶۳۵ مسجد که دارای ۳۶/۰۰۰/۰۰۰ میلیون مترمربع زمین و هفده میلیون متر زیربنا در بهترین مکان‌ها و شهر و روستا از یک شبکه گسترده و منظم معنوی برخوردار است و منابع انسانی مرتبط با آن سرمایه‌های ملی و عظیم کشور محسوب می‌گردد؛ ولی با کمال تأسف چون با موانع و مشکلات ذیل مواجه است، نقش و کارکرد و جایگاه مناسب خود را نیافته است:

- ۱- وجود تشکیلات موازی و نامهانگ در مدیریت مسجد؛
- ۲- عدم بذل توجه در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت توسعه، به امور مساجد و عدم تخصیص بودجه لازم برای آن؛
- ۳- فقدان استراتژی و سیاستگذاری کلان در امور مختلف مساجد در برنامه کلان توسعه؛
- ۴- فقدان آموزش‌های روزآمد برای کارگزاران مساجد؛
- ۵- فقدان برنامه‌ریزی‌های جذاب هماهنگ و متناسب با نیازهای اقشار مختلف جامعه؛
- ۶- عدم طراحی الگوی مناسب معماری برای ساخت مساجد.

راهکارهای توسعه و تعمیق جایگاه و نقش آفرینی واقعی مساجد

- ۱- ادغام تشکیلات موازی در مرکز رسیدگی به امور مساجد که به فرمان مقام معظم رهبری تأسیس شده است و هماهنگ نمودن کلیه

فعالیت‌ها مرتبط با مسجد با آن.

۲- تعیین استراتژی و سیاست کلان در برنامه سوم و چهارم توسعه و اختصاص بودجه لازم و کافی.

۳- اهتمام دولت و تشویق و ترغیب عمومی برای احداث، نوسازی و بهسازی مساجد و مجهر ساختن آن به تجهیزات روزآمد و حمایت از مساجد مناطق محروم.

۴- تلاش در جهت وضع قوانین لازم برای حمایت‌های حقوقی و اجتماعی از مساجد.

۵- جذب و بهره‌مندی از نیرو و امکانات قابل استفاده در محدوده مسجد.

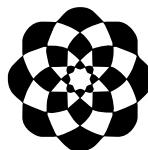
۶- اقدامات لازم برای بازنشسته نمودن خادمان از کار افتاده و تلاش برای به کارگرفتن خادمان جوان و مناسب در جهت پاکیزگی و نظافت مساجد.

۷- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان فرهنگی متناسب با نیازهای اقشار مختلف جامعه بر محوریت آموزش قرائت، ترجمه و تفسیر قرآن در مساجد.

۸- فضاسازی لازم برای جذب هرچه بیشتر همه اقشار نسل جوان به مساجد در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی.

۹- تأسیس دانشگاه مسجد و ارایه آموزش‌های روزآمد به کارگزاران مسجد.

- ۱۰ - تداوم برپایی همایش‌ها و جشنواره‌های بین‌المللی، کشوری، استانی و شهرستانی برای تبیین، احیا و ارتقای جایگاه مساجد در جهان اسلام.
- ۱۱ - ایجاد پژوهشکده مسجد و انجام مداوم پژوهش‌های بنیادی و کاربردی برای احیاء و روزآمد نمودن مساجد.
- ۱۲ - هدایت و ساماندهی ساخت و تجهیز مسجد براساس نیاز مناطق مختلف.
- ۱۳ - تشکیل شورای عالی مهندسی مساجد و طراحی الگوی مناسب معماری و ساماندهی و نظارت بر کم و کیفیت بنا و تجهیزات مساجد.
- ۱۴ - بهره‌گیری از تکنولوژی ارتباطات و مبادله اطلاعات و برنامه‌ها و تجربیات با مساجد سراسر جهان و جوامع دیگر اسلامی در جهت اعتلای هرچه بیشتر نقش و جایگاه مسجد در جهان.





اطلاعیه مهم

«مسجد» در طول تاریخ پر فراز و نشیب اسلام، کارکردهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، تربیتی و اجتماعی فراوانی داشته است. آغاز نهضت و حرکت اسلامی توسط نبی مکرم اسلام ﷺ از مسجد بود. از آنجاکه مساجد در سرتاسر جهان اسلام همواره نقشی شگرف در گسترش و توسعه فرهنگ دینی داشته‌اند، بسیاری از محققان و پژوهشگران ژرف‌اندیش در عرصه‌های مختلف جامعه‌شناسی، روانشناسی و انسان‌گردانی از دین پژوهان و فیلسوفان دین در پی آند که رمز و راز تأثیرگذاری عمیق فرهنگ مسجد و تحولاتی را که از پایگاه مسجد آغاز شده و تداوم یافته است را بدانند و مورد کاوش قرار دهند.

دفتر مطالعات و تحقیقات مرکز رسیدگی به امور مساجد در نظر دارد با همیاری و مساعدت و همکاری عده‌ای از نویسنده‌گان فاضل

و پژوهشگران ارجمند نخست مجموعه مقالات مربوط «مسجد» را تهیه و منتشر نماید و بدینوسیله مقدمات و زمینه‌های تدوین و نگارش دانشنامه‌ای جامع و مفید در باره «مسجد» را فراهم سازد. از تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی که در رابطه با «مسجد» مقالات، اطلاعات و اخباری دارند، دعوت می‌کنیم که با ما به آدرس: قم، خیابان انقلاب (چهارمردان)، چهارراه‌سجادیه، کوچه ۳۳، پلاک ۱۵ تلفن ۷۸۳۱۹۴۵، دفتر مطالعات و تحقیقات مرکز رسیدگی به امور مساجد مکاتبه نمایند.